

وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ الْقُرْآنُ حَيْثُمَا

طَلَبَات طَهْرَم مَبْدِي

تَسْخِيرًا وَحَانِيك

وَعَزَائِمُ جَنِيَان

وَنَوَامِسِ افلاطون وپليستاس

دواليس اسكدراني

مكتبة شريفة
كلية روت
كوئته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در علم طلسمات و تبحیرها و حانیات و عزائم جنیبا

از طلسمات طهیم هندی و دوائین اسکندرانی و برین المریسته

و نوائین افلاطون

و یونانیس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَنَعَالِی حَضْرَتِ فَاثِمَةَ الْعَطِیَّاتِ وَعَالِمَةَ الْحَفِیَّاتِ لَهُ الَّذِی فِی الْعَدَدَاتِ
يَكُونُ عَنَائَتِي فِي نَهَائَتِ حَضْرَتِ سَيِّدِ السَّادَاتِ وَهُ يَتَّبِعُ جَمِيعَ سَعَادَاتِ اَعْنِي خَبِيَّاتِ
الرَّحِيْبِ خَوْذِ اَصْلُوَاتِ اللّٰهِ وَسَلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِيْرِهِ الْفَرْمَانِ الَّذِي يَكُونُ مَقْشُوْرًا
يُوْمِنَانِي وَبَرْمَقِيْهِ عَلُوْمِ جَلُوْهِ جَمَالِ اَرْرَانِي فَرْمُودِيْهِ وَيَعْلَمُهُ اللّٰهُ وَالحَكْمَةُ
وَخَوْنِ بَرَزِيَانِ نَعِيْرِ نَشَانِ دَرْمَلَبِ خَائِقِ دَانِيْشِ دَعَائِيْ مَرْمَعَتِ اسْمَائِيْ اَرْنَا اَلَا
شَاهِدِيْ كَاهِيْ جَارِيْ دَائِمِيْهِ تَاكِيْدِ اِجَابَتِيْ رَا اِيْنَ كَلَامَاتِ مَعَالِيْ سَمَائِيْشِ نَاعِيْرِيْنَ
كَلِمَةُ رَيْبِيْ زِدِّيْ فِيْ عُلْمَا وَاَزَا اِنْعَامِ مَعْلُوْمِيْ مَشْهُودِيْ كَلِمَةُ خَرَابِيْنَ قَدَمْتِ جَوْهَرِيْ شَرِيْفِيْ

تراز علم و نفیس تر از دانش نیست و سیرایه او تو العلم در حیات و کد این
صورت و مؤید اهنقی است و حضرت ولایت زینت مظهر العجايب و مظهر
غرائب و ارب مرتبه هر چه و مدد رس مذنبینه سلو فی مطلق انوار الخبا
على النطق الرضى على محمد و اهل بيته جلالت الصلاة و كرامت الخيرات فضيلت
علماء و اهل علم ميفر ما يند ما الفخر الا لاهل العلم انتم على الهدى ان اسهلا ادلا
و اما بعد اين كتابت في هما و كورى است يگنا كه در علمهاى غريبه و عجيبه
و علم طلسمات و علوم سخريات روحانيات و غرائب جنيان و اعمال مجذرات
و احوال جميع سياره و ساعات زبانات و احداث اسالات خياليه و صورت
ساعتهاى شب و روز و قانون استخراج جنایا و اسلوب استنباط خيايا كه نسخ از زمان
پيغمبر و طيطة هندی و ذوالين اسكندرية و هرمى الهامسته و تو
اولا تون كه هصف اين حفر سر يا تفصير و اين زره في مقدر ملا محمد جوزي
و اما ای ایکی كه این طلسمات را بكار ميبيري و اعلاي بظهور ميرسانه
ز نهار ز نهار بجزا كاری و علی از سر نزنند كه دين كبر و نصارى
و همناد و دولت بگردن توست نسخي كه در اين كتاب ثبت شده
بطور كابل به بخره رسیده و از نسخهاى بزرگ علمای هند
هند و سنان و يونان و مغرب زمین است اما اغر نيزدان و آگاه
باش كه تحمل گونه گونه مصاعب نمودم و زحمت بيشتا و كشيده تابش
مقصود رسیده و اين هندیه ناچيز را بصاحبها علوم بجهت تقديم نمودم

اگر خواهی که کسی را مغرور کنی

احضار و محبت اگر خواهی که قلب کسی را تغیر کنی و آنکس مطیع و سخر
تو گردد و آسایش و خور و خواب بر او حرام شود و ساعتی بدو آرام نگذرد
و با محبت بسوی تو باز آید طریقه عمل چنین است ابتدا چهل و یک ظرف
مسی بشکل پشغاب بساز و در ساعت مشتری و زهره بر درجه طالع یا رابع یا ثانی
و از نظر نجومس محفوظ و باید میان مریخ و عطارد هیچگونه قطعی نباشد و
باید که شمس در پنجم یا نهم یا یازدهم باشد و در این ساعت پشغابها را بساز
و عزم بزرگ و آکه در زیر مذکور خواهد شد روی تمام آنها نقش نموده
بایم طرفین و پشغاب اول را که نقش شد باید طالب بادست خود در آتش
گذاورد و نیت بخت نماید و چهل پشغاب دیگر در زیر سینه سه شنبه یا نزدیک
ظهر چند در چاه آب یا فناة انداخته شود و طالب باید طلسم هفت جوش بیامد
بر همراه داشته باشد که اکنون در اینجا مذکور خواهد شد طلا که سکه باشد
نصف پاك مس میراثی بزرج قلع سرب و فولاد مجموع در بوقه آب نموده
و لوحی بسازید که حدی اقل چهارده مثقال بوده باشد و در وقتی مقارن آفتاب
که در سر سلطان و ثور نباشد و میان او و آفتاب دروازه درجه پیش نباشد و
طالع در مشتری در چنین وقتی طلسم سلیمان را بر روی لوح نقش نموده و طالب
عزم کند با شمشیر بن و اما عزم بزرگ که باید روی پشغابها نقش شود
اینست عن رقت علیکم یا اصحاب النحر و الوساوس و یا معشر
الجن و الشیاطین من جنود ابلیس بحق هذه الروساوس الجن و

الشياطين يا خناطف ويا ذو بعد ويا ذنوبش الدنا هشر يا مسفر نطفش
العجلو بجى ابوسرة ابليس و بجى وزهره ستيدوك رسد راسول
وبجى ربه وذو بعد و بجى هذا الكلام طش طش اذناه
ج ج عجلو يا روساء الجن والشياطين مبيوهتجان
الشديد الهيج الهيج قلب و لسان و عيون وشهوة فذرايدة
بجيت وعشق وهوس ووسوسة واطاعت وقبول قول فزاده
بطريق الحجة عقد نومها بطرفة العين العين في الدموع والطلب
بالجركة والليل بالاحتراف والمجد بالضربان فمغالب
لا فرار ولا اكل ولا راحة ولا شرب ولا قيام ولا يعود
لها بالليل والنهار بجى شهو طش وشقونقاش و بلفاقور الثعبان
ومطرد ومهركوش و بجى هذا الكلام العجب العجب الساعة لا
مبين فانه اسرع بطرفة العين و جمع البقر و بجى بمهطواش افنه
اه اه اه انذاه اه بجى سليمان بن داود اهيه بطش الفياء
هرهيه العجل و بجى ابيض واسود واصفر واحمر ومها كال و
شيطان وسمندون وهام بن هيم و جابرون ولا بليس و عليه
بنت ابليس وذو بعد الطهار و ابرجيطيفورس و لقيطيفورس
وهو ديوان و پريان بمقرارش كورد اسيد العجل العجل
العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا الذر الذر الذر الحرق

الحقیق الحقیق احضار محبت اگر خواهی کنی را حاضر گردان که بفرمان
 تو باشد و با محبت به نزد تو آید این ذبحه را روی قطعه از مس نقش نما
 در ساعتی که مشتری با عطارد نزدیک باشد باینم طالب و مطلوب و
 در آتش دفن نماطوری نکند که هر سالان به پیش تو آید از وقتی که طلسم
 در آتش رود مطلوب هر ساعت ناراحت تر شود تا آنکه خود را بتو رساند
 این طلسم از محمد بن جواد سکاکی است و گوید از چهار صد کتاب بیرون
 آوردند اما قدر بدانید و زینهار بدست نا اهل ندهید و فعلی حرام بهم
 رسانید اینست کلا ۹۱ ۹۱ ۸۱ ۱۱ ۹۱ ۹۱ الخ ص ص ص ص ص ص ص ص
ص
ص ص

لا انوم ولا ینام فم نراشید فم علی حب و عشق فم نراشید فم العجل
 العجل الوحا الوحا الساعة الساعة ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
 اگر خواستی با شی کسی را از راه دور بیادری لوطی از هفت جوش
 ساخته و در ساعت مشتری روز چهارشنبه این اشکال و اعداد را بر
 آن نقش نموده و سه شب شیر آن را با آب و گلاب و قند بگیرد در آتش
 سو دهن تا چنان بیقرار گردد که ساعتی آرام نگردد تا بسوی تو باز آید
 عجایب یعنی اینست کلا ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱ ۸۱
ص
ص ص

عاجل و ام ص
 حرق قلب فم نراشید فم ص

عَلَى مَحَبَّتٍ وَعَيْشٍ فَمَنْ زَانِدًا فَالْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ
الْوَحَا الْوَحَا الْوَحَا اجْبُوا اجْبُوا اجْبُوا اِكْرُوا اِكْرُوا اِكْرُوا خَلْقَ النَّاسِ يَا
از نژاد سیاه یا از نژاد سفید مرد و زن بزرگ و کوچک خویش و
بیگانه با تو الفت و محبت پیدا کنند و در نزد مردم عزیز و محترم باشی
و همه باد وستی تو مرغبت کنند و ابواب روزی بر تو گشاده گردد و از
تمام بلا محفوظ باشی و در راهی بسته بروی تو باز شود و هیچ سحری بر تو
کار نکند و زبان بدگویان بسته گردد و اگر تمام ساحران و جادوگران بر تو
توسعه و جادو کنند کار نکند این سوره را یعنی آیت الکرسی مفسرین بر روی
پشفا به نقش کن ساعت مثنوی و در وقت نفس نمودن باید بخورد محبت
در آتش بوزال و حکاک در موقع کندن شیرین کام و پاک باشد آنگاه
پشفا بر آب کرده و مقابل قبله مقابل خود گذاری و هفت عزیمت سلیمان
را بر آب خواند و با آن غسل کنی و آن ظرف منقوش بسیار بکار تو آید
اگر هفت ماه آبش را به سر ریزی نزد جمیع مردم عزیز و محترم گردی و اگر به
شیرینی زده و نیت محبت کنی با سم هر که خواهی و آن شیرینی را بدهی او بخورد
با تو دوست و مهربان گردد و اگر پشفا بر آب نموده و هفت مبین پس
را با آب بخوانی هر دختری را که بختش بسته باشد در تمام پیش برود آن
دختر بزودتری شوهر کند و بختش بندها شود و اگر به کلاب زده و
بصورت زنی کار تو رونق گیرد و اگر زنی ناچهار روز آبش را بصورت زنی نزدیک شو

عزیز و گرامی شود و اگر بین روح لال ناسازگاری باشد و آب پتقا
و آنچه در ناسازگاری پیدا شود و این پتقا شرح بسیار دارد و ملازم
اینجا مختصر کردم سوره مبارکه آیه الکرسی ایست بسم الله الرحمن الرحیم
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَزَمْتَ عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتَ عَلَيْكُمْ
رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ أَيْبَ يَا جِبْرَائِيلُ يَا رُفَائِيلُ سَامِعًا مَطْبَعًا
ثُمَّ خَلَقَ زَادَهُ حَوَاجِبُ فَرَأَيْدُهُ فَرَجَحَى لِأَخَذِ سِنَةٍ وَلَا تَوَأُّ
لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ عَزَمْتَ عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتَ عَلَيْكُمْ رَبِّ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ أَيْبَ يَا إِبْرَاهِيمَ يَا هُوَ الْكَبِيرُ يَا تَنْكَبِيلُ سَامِعًا
مَطْبَعًا حَقٌّ مَنِ الَّذِي يَنْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِأَمْرِهِ عَزَمْتَ عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتَ
عَلَيْكُمْ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ أَيْبَ يَا مِيكَائِيلُ يَا جِبْرَائِيلُ يَا رُفَائِيلُ
يَا رُفَائِيلُ يَا رُفَائِيلُ سَامِعًا مَطْبَعًا ثُمَّ خَلَقَ زَادَهُ حَوَاجِبُ لَعَلَّ يَلْعَمُ مَا بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ عَزَمْتَ عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتَ عَلَيْكُمْ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ
الْمُقَرَّبِينَ أَيْبَ يَا شُورَائِيلُ يَا سَامَائِيلُ يَا حَمَائِيلُ سَامِعًا مَطْبَعًا ثُمَّ خَلَقَ
زَادَهُ حَوَاجِبُ وَلَا يَجْطُونَ شَيْءٌ بَيْنَ يَدَيْهِ عَزَمْتَ عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتَ
عَلَيْكُمْ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ أَيْبَ يَا مِيكَائِيلُ يَا جِبْرَائِيلُ يَا
رُفَائِيلُ يَا هُوَ نَائِيلُ سَامِعًا مَطْبَعًا ثُمَّ خَلَقَ زَادَهُ حَوَاجِبُ الْأَيْبَ
سَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَزَمْتَ عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتَ عَلَيْكُمْ

بِرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ أَحِبُّ يَا فَرِحَا يُبَيْلُ يَا رُوَيْبَيْلُ يَا فَرِحَا يُبَيْلُ يَا مَعَا
يُنُّلُ سَامِعًا مَطْبَعَانَهُمْ خَلَقَ زَادَهُ حَوَاجَتِي وَلَا بُودَهُ حِفْظَهُمَا عَزَمْتُ
عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتُ عَلَيْكُمْ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ أَحِبُّ يَا بَرُفَائِيلُ
يَا بَرُفَائِيلُ يَا هَرَفَائِيلُ يَا طُفَائِيلُ يَا طُفَائِيلُ سَامِعًا مَطْبَعَانَهُمْ خَلَقَ
زَادَهُ حَوَاجَتِي وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَقَمْتُ عَلَيْكُمْ رَبِّ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ أَحِبُّ يَا بَرُفَائِيلُ يَا بَرُفَائِيلُ يَا تَرَفَائِيلُ يَا تَرَفَائِيلُ سَامِعًا
مَطْبَعَانَهُمْ خَلَقَ زَادَهُ حَوَاجَتِي أَسْمَاءُ الْعَظِيمَاتِ تَقْضِي لَنَا حَاجَتِي بِهِ
وَحَنِكُ يَا أَرْخَمُ الرَّاجِحِينَ أَحْضَارُ وَتَجِبَتْ أَكْرَحُوا هِيَ كَيْ سُرَا
نَزْدُ خُودِ حَاضِرِ كَرْدَلِي بِبَاوِرِ قَطْعِهِ مِسْئِي وَأَوَّلِ هَفْتِ كِرَاكِبِ بَرَامِرَانَ
مِيسِ بِخَوَانِ وَبِطَاعَتِ سَعْدِ ابْنِ عَزَايِمِ رَا رُويِ آنِ مِيسِ نَفْسِ نُمُودِهِ
وَدِمِ آتَشِ دَفْنِ كَنْ وَبِكَوَسُوحْتِمْ قَلْبِ وَشَهْوَةِ فَرْزَانِيدِهِ فَتَرَاجِحَتْ
فَرْزَانِيدِهِ فَبِحَاضِرِ شُورِ دِرِ بِنِي كَانِ أَكْرُصِدِ فَرَسِنِكِ رَاهِ بَاشِدِ طُولِ
تَكْشِدِ كِهْ نَزْدُ تُو آيِدِ وَفَتِي أَحْضَارِ شُدِ بِبِرُونَ آوِرِ كِهْ بِيهِمْ هَلَاكِ مِي رُودِ
اِيَنْتِ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ طُرُقُهُ عَزَمْتُ
عَلَيْكُمْ بِأَمْعُورِ الشَّيَاطِينِ الْمَوْكَلِينَ عَلَى هَذِهِ الْعِزْمِيهِ أَحْرِقُوا
سُوحْتِمْ قَلْبِ وَلِسَانِ وَشَهْوَةِ فَرْزَانِيدِهِ فَبِحَاضِرِ شُورِ بِهِ تَجِبَةُ

تفریق و سردی اگر مردی یار نه بخوام علاقه پیدا کند و عاشق آن
زن نشود و خواهی که میان ایشان جدا نه افتد و مرد سرد شود و از
آن زن اسبی برود و نخواهد روی آن زن را پند این نسخه را نوشته
بانرشی شستند و به طرفین بد تا بخورند و اگر به یک هم بد هدید نیکوست
و اگر روی قطعه مس نقش شود و مس را با آب زده به لباس هر دو
پاشند و قدری هم بخورند همین اثر را دارد اینست اللهم فرقت
بین فراده فرعی القیض و کدوره فراده فری کما فرقت بین الماء و النار
فرقت بین الکفر و ایمان فرقت بین اليهود و النصارى و محی
هذه الآية وجعلنا من بین ایدیهما سدا و من خلفهم سدا
فأغشیا هم فهم لا یبصرون **ملیه ملیه طلسم بلفیس**
هر کس طلسم بلفیس را روی طلا یا برنج و پامس نقش نموده هرگاه
نگاه دارد قلب جمیع خلائق را تسخیر نماید اگر زنی هم نموده و
آتش را بصورت زند و بشیرینی زده بشوهر دهد بخورد مطیع و مسخر
و فرمانبردار آن زن گردد و اگر مردی همین عمل را نموده زن او
مطیع و مسخر او گردد نسخه طلسم بلفیس از زمان سلیمان بن داود
در کتابها نوشته و این نسخه را صاحب کتاب از کتاب سلیمان

نوشته و همیشه به تجر و رسید و باید اسم صا طلسم پشت طلسم کند ^{شود}

آرزوی بخواهد که دل شوهر با او مهتاب گردد و شوهر مطیع او شود و
 و از حرف زن سرپیچی نکند باید هفت جوش هندی ساخته و در ساعت

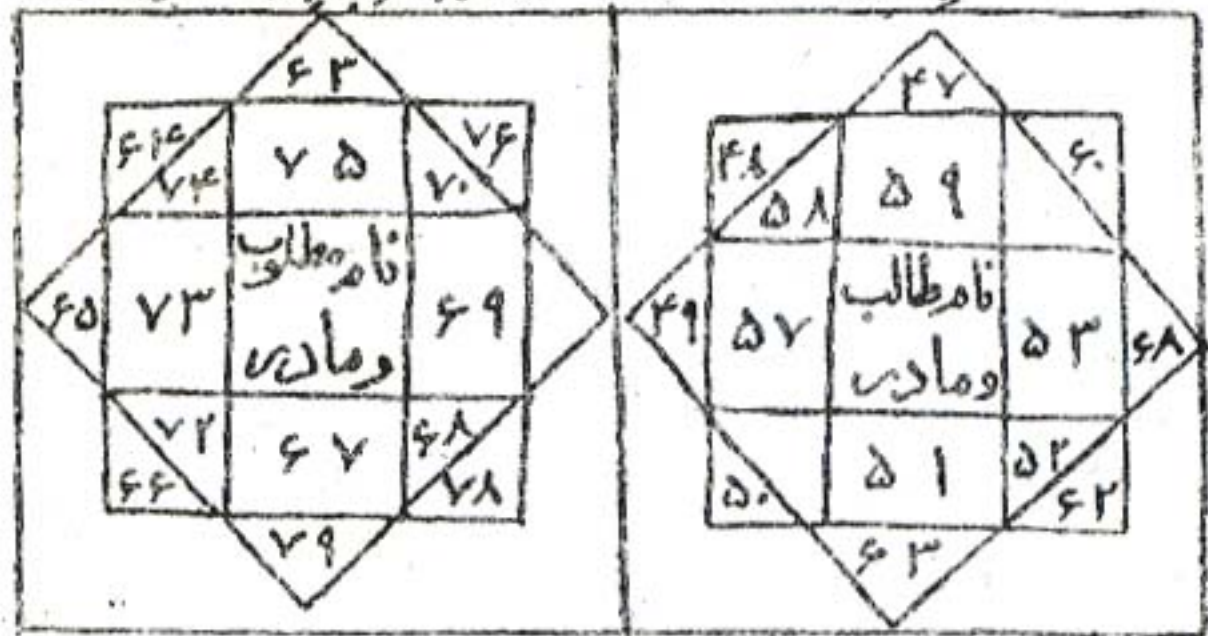
سجالتك يا اخر الاخيرين لاحترمت لاخرينك اجبت عن امين الاعيان تظلمت في الضلالت على تدور الاكوار من غير غفال يا هو هو	سجالتك يا اول الاولين لابدائت ولا نهائت لاوليتك اجبت بعد شدة ذاك فارت اهل الملكوت من ادراك العلم فطاشت البحر هو هو
الارادة الهيبه القوة الافتقار الاعتراف	الارادة الهيبه القوة الافتقار الاعتراف
سجالتك يا سند الاشياء لايها ذات الكفة فاحكمتها بحكمتك الابدية التردنية لا اله الا انت يا هو هو	سجالتك يا السوادمت بروا اموميتك قد مرت عليها عقول النفوس فار شارة يا هو هو

Other text in the diagram:

- الملكوت
- الارادة الهيبه
- القوة
- الافتقار
- الاعتراف
- سجالتك يا
- سند الاشياء
- لايها ذات الكفة
- فاحكمتها بحكمتك الابدية
- التردنية لا اله الا انت يا هو هو
- سجالتك يا اول الاولين لابدائت
- ولا نهائت لاوليتك اجبت بعد
- شدة ذاك فارت اهل
- الملكوت من ادراك
- العلم فطاشت البحر
- هو هو
- سجالتك يا
- سجالتك يا
- سجالتك يا
- سجالتك يا

مشتري ابن طاهر رازوی هفت جوش نقش کرده است نگاهدارد

اگر محبت شدید خواهی جهته محبت بسیار محبت اگر زنی خواهد مردی
 را محبت خود حاضر گرداند و دخی آرام و قرار نداشته باشد این دو مربع
 را یکی بر مس و یکی را بر لوحی از نقره خام نقش نموده لوح نقره را در سیر که
 زمین را در آتش گذارد صاحب طلسم گوید همان وقت قلبی مطلوب آتش
 خواهد گرفت و بدوین او آرام نگیرد تا خود را بطلب برساند این است



جدائی و سردی اگر خواهی میان دو کس سرد و جدائی شود این ایتد
 من ابر را بر پوست گردو نوشته و با فدا میر که در شیشه ریخته و در
 گوری کهنه رفته نماید و به عقیب خود نگاه نکند عجایب بیند اینست
 وَالْفَيَاءُ بَيْنَهُمُ الْعِدَاةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَا يَصْحَو
 وَطَلْحُو كَعَبِ طَلْحُو محبت اگر خواهی کسی را از عشق
 بپشیمان گردانی بد او ر هفت دانه انجیر و این اشکال را بر آنها نوشته به

مطلوب دهد [نظرسه] [ولا] [عمر] [تراه] [دده] [عاه]

احضار محبت اگر خواهی کسیرا بنزد خود حاضر گردان این عزایم را بر
پهنه مرغ سیاه نوشته در کنار آتش دفن کن که حرارت باو برسد
برج آتشی هراسان بزد تو آید اینست سحر قلب فرزائیده فرعی مجتبه
و عشق و هوس و وسوسیه و اطاعت فرزاده فریح سطوس اهووس
ملوس ملوس معلوس ملبهوس لسا سلسا و نطوس طازوس
گاهها ملوس احضروا بخت و عشق فرزائیده فر

ژوی ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱

اگر خواهی کبریا تو هر بان شود این اشکال را بر کرباس تمهید نوشته و
آنرا قیل سازد و قندیل یا چراغدان تو باسم مطلوب بسوزاند و یا بر صله
از لباس تن مطلوب نوشته باروغن کرجیک بسوزاند اینست هر احوال
ما طله سه سعه ۴۱ **سوره** بجهت سردی و جدائی اگر خواهی
میان دو حرام را سردی و جدائی اندازی سوره الم ترکیف را بدین صورت
کدر اینجا ذکر میشود نوشته بآب مرده باسم طرفین و سرها آنها را
کن سر و جدا شوند و اگر بآب مرده نوشته باسم آنها و شسته و بد
طرفین بخورند جدا شوند و اگر نوشته شود روی کفن مرده بشود
و هر دو طرف از آن آب صورت خود را بشویند از نظر هم بپفند و اگر

عشق صفت به اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی این صورت
 را در ساعت سعد که قمر در برج آنتی باشد این صورت را بنویس و در
 بیضه مرغ سیاه گذارد و چهل و یک فلفل سیاه در میانش کند و در گیل
 کوزه گران بگردد آتش دهن کند بسیار مجرب و بجزیر رسیده بارها

عزم اینست

عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مَعْشَرَ
 الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ وَيَا أَصْحَابَ
 السِّحْرِ وَالْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ
 مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ مِنْ
 جَنُودِ ابْلِيسَ حَقِّ هَذِهِ
 الرَّهَاءُ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ
 طِينُ يَأْتِيهِمْ قِيَادُوعِهِ
 وَيَأْدُنُهُشِ الدَّاهِشِ وَيَا
 مُسْتَقِرِّ نَفْسِ عَجَاوِجِ

احرق قلب و لسان و عیون
 و شهوة فلان زائده فلان
 علم محبت و عشق و هوس
 و وسوسه فلان زائده فلان

این صورت و بیضه مرغ سیاه در میانش
 با ۱۰ فلفل سیاه در میانش و در گیل
 کوزه و در گیل آتش دهن کند

رُبعِهِ وَذُو بَعَةِ وَيَأْدُنُهُشِ الدَّاهِشِ وَيَا مُسْتَقِرِّ نَفْسِ عَجَاوِجِ ابِ
 مَرَّةِ ابْلِيسَ وَحَقِّ وَزَهْرَةَ سَيْدُوكَ ابْنِ رَسَدِ رَأْسُوكَ وَحَقِّ رُبعِهِ وَذُو
 بَعَهُ وَحَقِّ هَذِهِ الْكَلَامِ طِشْ طِشْ افذ افذ حج حج عجلوا يا داروساء الجن
 وَالشَّيَاطِينِ هَجَّوْهُنَّ الشَّدِيدِ الْهَجِّ قَلْبِ لِسَانِ وَعَبْوْهُنَّ شَهْوَةَ

فلان زائده فلان على محبت وعشق فلان زائده فلان بطنه العين
 في الدموع والقلب بالجر كذا والليل بالاحراق والجد بالضربان فلان
 زائده لازم ولا فرار لها بالليل والنهار حتى شهو طيش و شغو نقاش
 و بلفافور و الثعبان و مطرد و مهروش العجل لاميته فانه اسمع
 بطنه العين من برق لامع و تحي بنهطواش افه اه اه الله اه
 اه بحق خانم سليمان ابن داود اهيه بطنه الفيا و هيه العجل
 العجل الساعة جهة اخضر اگر خواهی که حاضر گردانی این آیه
 راهفت مرتبه به نیک خواند و در آتش انداز باسمه مطلوب حاضر
 گردد قال من محي العظام وهي رفيم فل ينجها الذي انشاها اول
 مرة وهو يكل خلق عليهم الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم
 منه توقدون در بعض و عبادت این شکل آید را بنویس باسمه دو طرف

در گورستان که نه و یاد بر هگذار دفن شود یا شسته بخورند جدا از آنند
 و الفينا ببنههم العداوة والبغضاء
 الى ثوبه القيامة كلما اوقدوا نارا
 للحرب اطفاها الله ويسعون في الارض
 فسادا والله لا يحب المفسدين



بَابُ الْحُبِّ وَالْعَشْقِ أَكْرَخَوَاهِي مُتَّعَمَةً بِأَتَوَالَفْتِ وَحُبَّتْ بِيَدِ الْكُنْدِ أَيْنَ تَعْوَيْدِ
 رَانُوشْتَه بِأَكْغَلَابِ بِشَوْشِيدِ وَبِخُورِدِه كِه خَوَاهِيدِ بَدَهِيدِ مَطْبَعِ تَوَكْرَدَدِ
 ۱۱۱ ع ط م م و د داد ل ر ف ز العجل د ال ع ع ع

در اساحت ام و د ا ع و ام دا م اول م ع ه ل ر و ا در د العجل

اَيْضًا بِجِهَةِ عَشْقِ بَرَكَاغْدِ يَا چَلْوَارِ نُو شْتَه فَنِيْلَه كُنْدَه وَدِر چَرَاغْدَانِ بَه
 سُو زَانْدِ بَه مَطْلُوبِ بَرَسَدِ وَ مَطْلُوبِ نَاخُورِدِرِ نَرَسَانْدِ آ رَامِ فَرَارِ نَكِرِدِ

س ل ع ص	س ل ع	ا و ع ح	ط ل ح	س ع ل ل م ح	ك
س ل ح	س ل ح	ك	ن م	س ع ا ه ا ك ح	ك ح

اَيْضًا هَر وَجْهِيَه أَكْرَخَوَاهِي عَشْقِ وَ حُبَّتْ كَسِي بِرَابِطِ فَجَلَبَتْ نَمَائِ اَيْنِ
 اَشْكَالِ رَا بَرَكَاغْدِ يَا مَيْسِ نُو شْتَه وَيَا كُنْدَه دِرِ آتَشِ دَفْنِ نَمَائِدِ اَيْنِش
 كِ تَجْحُوقِ لَامِعْمَلِ هَالِ لَاهِ ع ط ر ط زِيَانِبِنْدِ سَكَا كِه أَكْرَخَوَاهِي
 زَبَانِ جَمِيعِ خَلْقِ رُويِ زَمِيْنِ زَنِ وَ مَرْدِ سِيَاهِ وَ سَفِيْدِ اَز هَر طَبَقَه وَ تَرَا
 بَرُويِ تَوْبَسْتَه بَاشَدِ وَ بَرِخِلَافِ كَفْتَه تَو عَمَلِ نَكْنَنْدِ وَيَا حَرْفِي نَرَنْدِ وَ
 سَخِي نَكُوْبِنْدِ اَيْنِ زِيَانِبِنْدِ رَا رُويِ طَلَا وَ هَفْتِ جُوشِ سَكَا كِه تَقِيْشِ خُورِدِ
 هَا هَا نَكَا هِدَارِ وَ اَكْرَمِ دِرِ مَحَلِّ خُوابِ خُورِدِ كَزَارِي مَوْثِرِ اسْتِ وَ اَمَّا اَكْرَبِ اسْمِ
 كَسِي بَاشَدِ زَبَانِ او بَرُويِ تَوْبَسْتَه كَرْدَدِ وَ اَكْرَخَوَاهِي بِاسْمِ جَمِيعِ
 خَلْقِ بَاشَدِ بَايْدِ دِرِ مَحَلِّ اسْمِ كُنْدَه شُودِ بِسْمِ زَبَانِ تَمَامِ خَلْقِ
 رَا بَرُويِ فَمِ زَادَه فَمِ الْبَسْتَه بَايْدِ بِسَاعْتِ سَعْدِ بَاشَدِ تَا مَوْثِرِ اسْتِ

این زبانند از حکمای ط
 یونان است و از محمد
 سکاکی باقیمانده و شیخ
 سکاکی فرماید این
 را از میان صد و بیست
 کتاب بیرون آوردم
 و سیرای از اسرار در آن
 نهفت است قدر این
 نخه را بدیند و

عقده
 لسان فرزانده فر و
 جعلنا من برت ایند بهم
 زود آو من خلفهم سدا
 فاغشیا هم فهم
 لا یبصرون
 این کتاب را از میان صد و بیست کتاب بیرون آوردم و سیرای از اسرار در آن نهفت است قدر این نخه را بدیند و

حرمت گزارید و بدست نا اهل ندهید که گناه عظیم دارد و اما اگر
 با هم بگنجد باشد اولی است بجهت کتایش کار اگر مردی بیگار باشد و
 همه درها بی روی او بسته شده باشد این مربع را روی پاره مس و یا برنج
 نقش نموده همراه گذارد جمیع ابواب رزق بر روی گشوده شود ان شاء الله

رَبِّ اسْمَح	لِصَدْرِي	وَسِرِّي	أَمْرِي
۷۱۱	۳۴۴	۳۱۶	۲۵۱
۳۱۷	۲۵۰	۷۱۲	۳۴۳
۱۴۹	۳۱۴	۳۴۶	۷۱۳
۳۴۵	۷۱۴	۲۴۸	۶۱۵

برای عجبته و زبانه اگر کسی لوح زیر را روی فلزی نقش کند که نیمی طلای پاک
 و نیمی دیگرش نصف نقره و نصف برنج باشد و هرگاه بدارد و بگلاب زده به
 بصوت زند برای محبت خلق و زبانه بند میگردد و ابر جمع بلا یا آئین شود

و اگر در روز دوشنبه از این طلسم بخورد و در روز دوشنبه از این طلسم بخورد و در روز دوشنبه از این طلسم بخورد و در روز دوشنبه از این طلسم بخورد

یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا قیوم	یا ملک	یا قیوم	یا علی	یا عظیم	یا کبیر	یا متعال
یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم	یا علی	یا عظیم	یا کبیر	یا متعال
یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم	یا علی	یا عظیم	یا کبیر
یا عظیم	یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم	یا علی	یا عظیم
یا علی	یا عظیم	یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم	یا علی
یا قیوم	یا علی	یا عظیم	یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم
یا کبیر	یا قیوم	یا علی	یا عظیم	یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک
یا عظیم	یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم	یا علی	یا عظیم
یا علی	یا عظیم	یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم	یا علی
یا قیوم	یا علی	یا عظیم	یا کبیر	یا متعال	یا محبت	یا قیوم	یا رحمن	یا ملک	یا قیوم

این طلسم را در روز دوشنبه بخورد و در روز دوشنبه از این طلسم بخورد و در روز دوشنبه از این طلسم بخورد و در روز دوشنبه از این طلسم بخورد

این طلسم خواص بسیار دارد مختصر شده

احضار از راه دور اگر خواهی کسی را از راه دور ببرد خود حاضر گردان
 این نغمه را بر چهار پایه کاغذ نوشته و یکی را در بلندی باد آویزد
 و یکی را در آب روان اندازد و یکی در خاک دفن کند و یکی را میان گل کوزه
 گذاشته در آتش دفن کند حاضر شود وقتی آمد آتشی را بیرون آورد

اَقْرَبُ السَّاعَةِ وَ آتَشُ الْفِئَةِ

جَنَّبُ الشَّيْطَانِ

	۸	۱۱	۱۴	۱
	۱۳	۲	۷	۱۲
	۳	۱۶	۹	۶
	۱۰	۵	۴	۱۵

وَقَدْ جَاءَتْهُمْ مِنَ الْأَعْيَابِ وَأَنْفِئَةُ بَرْدٍ جَدِيدٍ

وَأَنْفِئَةُ بَرْدٍ جَدِيدٍ

وَأَنْفِئَةُ بَرْدٍ جَدِيدٍ

الفرغ من جباله اگر خواهی کسی را تفریق نماید بینی و زندگی او را از هم بپاشی بنویس
 این سوره بر هفت قطعه بمقال آب ندیده یک قطعه از آن مساله را در منزل
 او پنهان کن و شش عدد دیگر را نزد او بپندار و در راه روز منزل او بپاشد
 بزودی نفسش شود و زندگی او از هم بپاشد ساعت نوشتن سوره ثبت
 شب سه شنبه اخر ماه است زنه را این کار را مکن مگر برای ستمگران

مسد من حمل جیدها فی الحطب خالداً و امرأاً الهب ذات ناراً سبیلی
 کسب و ما مالک عنده ما اغنی و نبت لهب آبی یاد نبت غشویته
 اگر خواهی کسی از عشق تو بیقرار گردد و بطرف تو آید این شعر را
 نوشته در میان دل گو سفند بگذارید با چهل و یکدانه فلفل سیاه و
 دل را در میان گل ریش گرفته و در زیر آتش پنهان کنید مجرب است

اول طلسم اول له شکل دارد نوشته شود و بعد از هفت روز...

۳۴	۰	۱۱	۸	۱۲	۶	۱۱	۶	۶	۱۱	۱۶
۶	۱۱	۸۸			۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۶	۹	۱۱	۵	۱۱	۶	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۹	۴	۱۱	۱	۴	۱۱	۱	۴	۱۱	۱	۴
۹	۶	۱	۱۱	۸	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۴
۳	۸	۱۱	۶	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۸	۱	۹	۹	۹	۶	۱۱	۱	۱۱	۱	۱
۱	۴	۵	۶	۱۱	۱۱	۱	۹	۱۱	۱	۱
۹	۹	۶	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱

هَيَّا هَيَّا هَيَّا اه اه اه الهی
 الهی هَيَّا عَشْرًا هَيَّا اصَاوُثُ
 اذُونی العجل حوقت و حرکت
 و لیت و سخرت قلب و لسک

و عیون و شهوة
 فلان زانیده فلان
 علی حب و عشق و هو
 و سوسه و قبول قول
 و اطاعت فلان زاره
 فلان بحق هذه الطلسم

عَرَفْتُ عَلَيْكُمْ يَا صِحَابَ السِّحْرِ وَالْوَسْوَ
 مِنْ جُودِ اِبْلِيسَ بِحَقِّ وَمَهَا كَالِ وَ
 و شیطان و ستمندون و عینیه نبت
 ایلیس و هام ابن هیم و د نهش الدنا
 هَشَّ و دظوا حیل الطی الزواری حیطفور

اول طلسم اول له شکل دارد نوشته شود و بعد از هفت روز...

وَجَائِدُونَ لَا فِرَارَ وَلَا قَوْمَ وَلَا أَمْلَ لَهَا بِاللَّيْلِ وَسُورَةُ قُلْ أَعُوذُ بِكُمْ مِنْ
 طَرَبِهَا كَمَا نُوشِتُهُ بِشُودِ چهل و یک بار بر چهل و یک نفل سیاه بخواند و یک یک در آتش
 اندازد قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ أَحْضِرُوا فَلَانَ زَائِدَةً فَلَانَ بِحَيْثُ فَلَانَ
 مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَيْءِ الرَّسَّاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ
 أَحْضِرُوا فَلَانَ زَاوَةً فَلَانَ عَلِيَّ حَبَّتٍ وَعَيْشِقِ فَلَانَ زَائِدَةً فَلَانَ فِي صُدْرَةِ
 النَّاسِ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ تَفْرِيقِ از برای جدائی در میان کنان سفید

۲	ح	ح	۳	۶
۸	هـ	۱۰	۴	۸

کشان در مرد بست اگر مردی را بسته باشند که
 هیچکس نتواند او را باز کند بیاور هفت دانه

مازه اگر نبود خَشَك و این اشکال را بر آنها نوشته و روز پنجشنبه آنها را

بخورد گناره گَرْدَد **ك** **لا** **لا** **لا** **لا** **لا** **لا** **لا** **لا** **لا**

عناه **سوره** **عاه** **اكاه** **عل** **ماكاه** **علا** **كلا**

زبانند این آیات و اعداد را روی لوحی از طلا نقش نموده همه را کند

زبان بدگویان بسته گردد و اگر چیزی از کسی خواهد و یا حاجتی دارد بخواند

بر آورده شود حاجت او را آنکس بر آورد صَمَّ بَكْمُ عَمِّي فَهَمْ لَا بَصِيرُونَ

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَنَّا نَسِبُهُمْ

فَهَمْ لَا بَصِيرُونَ ط ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

بماند آنجا جَعَلْنَا مِنْ أَعْيُنِهِمْ أَغْلًا لَأَقْبِرَ فِي الْأَذْقَانِ فَهَمْ مُتَمَحِّوْنَ

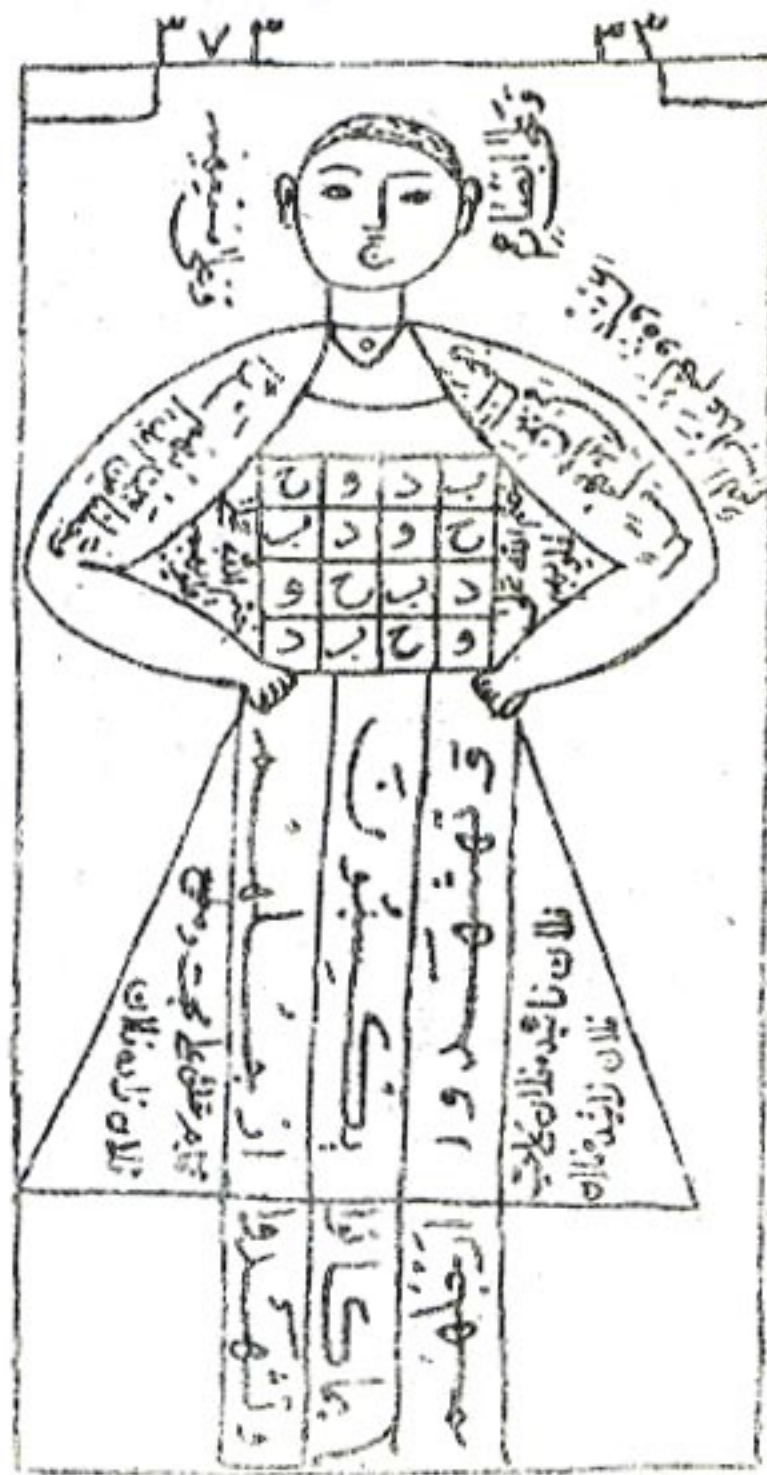
اگر خواهی کسی را از عشق خود بیچار گردانی که دمی آرام و فرار نداشته باشد
 و اگر از تو دور باشد بزد تو آید و مطیع و مستخ تو گردد و بفروان تو در آید
 این هفت قطعه را بر هفت پاره چلوار یا کاغذ نوشته و سه روز و سه
 شب روی دو عدد بیوران این شش قطعه شرح بسیار و خواص بسیار
 دارد و از کتاخانه بزرگ هند و سنان بدست آمده و دستورش چنین
 است بر شش پاره چلوار یا کاغذ نوشته و بصورت فنیله در آید و تا
 سه روز هر روز یک را ظهر و یک را شب باروغن یا سمن یا روغن کچک
 بسوزان و روز آخر باقیمانده را کنار آب روان پنهان کن در خاک
 و اگر روی شش قطعه هفت جوش سلیمان کند شود و هر روز یک را در آتش
 دفن کن تا اثرش چند برابر گردد عجایب بینی اینست فتیله اول
 حرقت و حرکت و لبنت و سخوت و لب و دهن و هجیت قلب و لسان
 و عیون و سمع و شهوة و لب و دهن فلان زائیده فلان بحجت و
 عشق و هوس و وسوسیه و اطاعت و قبول قول فلان زائیده فلان
 حتى اقطعت النوم و منعت الطعام ۱۱ ۳ ۶ ۱۰ ۱۲ ۱۴ ۱۶ ۱۸ ۲۰ ۲۲ ۲۴ ۲۶ ۲۸ ۳۰ ۳۲ ۳۴ ۳۶ ۳۸ ۴۰ ۴۲ ۴۴ ۴۶ ۴۸ ۵۰ ۵۲ ۵۴ ۵۶ ۵۸ ۶۰ ۶۲ ۶۴ ۶۶ ۶۸ ۷۰ ۷۲ ۷۴ ۷۶ ۷۸ ۸۰ ۸۲ ۸۴ ۸۶ ۸۸ ۹۰ ۹۲ ۹۴ ۹۶ ۹۸ ۱۰۰

وَهَجَّتْ اِبْلِيسَ وَادْلَاذَهُ عَلٰى فُلَانٍ زَائِدَةً فُلَانٌ بِهِ مَجِبَتْ وَعَشِقٌ وَ
هَوَسٌ وَوَسْوِسِيَةٌ وَبِىْ اَرَامِىٍّ وَبِيَهْرَازِىٍّ وَقَبُولِ قَوْلِ فُلَانٍ زَائِدَةً فُلَانٌ
اَنْ يَجْعَلُوْا وَتَحْرِقُوْا قَلْبًا وَاِلٰى اَنْ وَفُوَادٍ وَجَمِيعِ الْبَدَنِ وَالْجَدِّ فُلَانٌ
زَائِدَةً فُلَانٌ مَجِبَتْ وَالْفَتْ وَعَشِقٌ فُلَانٌ زَائِدَةً فُلَانٌ
اِنَّ قَلْبَ الْاَيَّامِ وَمِنَعَتِ الطَّغَامِ وَقَطَعَتْ النُّوْمَ حَتَّى الْمَطْمُوْرَةَ وَنَحْوَهَا
فَلْيُهَا وَجَدَّهَا وَفُوَادَهَا السَّاعَةَ بِحَقِّ اِبْلِيسَ رَأْسِ الشَّيَاطِينِ وَبِاِيْلِ
الْفِئَادِ ثُمَّ بِاسْمِ اِبْلِيسَ بِشَقْرِ بَاحُوشِ جَرْمُطِ فَيُفَوْرُشُ سَجُورِشِ الْمَيْفُورِشِ
اصْبَاوُثِ اَزْدُوْنِ ١٠٩٩ م و ١٠٦١ م و ١٠٦٢ م و طواف + و ترا و ترا و ترا و ترا

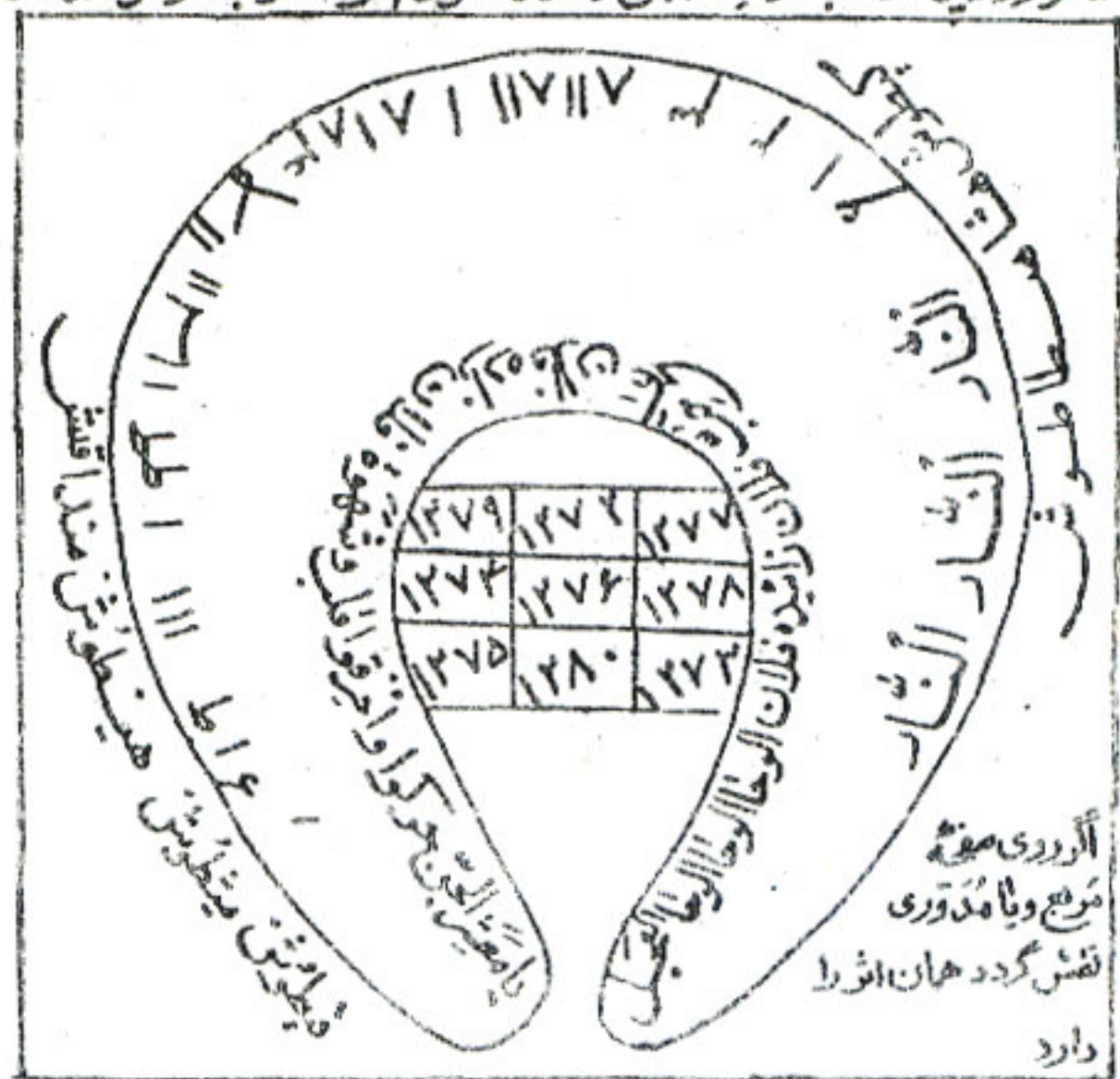
بِهِ مَا حَالِي الْمَاهِ سَوِيْرًا هَلَا هِيَ سَاهِيًّا الْعَجَلِ السَّاعَةِ
اِحْضَارًا وَفَحْشَةً اَكْرَحَا هِي كِي رَا زِرَاهِ دُوْرٍ بِاَوْرِي كِبَانُجِيَه
پیدا کند و هر اسان بنزد تو آید این حروفها و اشكال را روی چلوار
آب ندیده نوشته و در گِل کوزه گران گیر و در آتش دفن کن که حرارت
بند و رسد طوله نکند که حاضر شود مصلحه مصلحه محلهم
و در مسئله لطاعده سعطه و آه آه آه صرع صرع
صرع صرع صرع آو آو آو طح متلک اصع
صع بطریق الحجة و المودة في قلب فلان زاده فلان علی حجت
فلان زائیده فلان بحق هذه الاسماء و صرع صرع
لح طح ١٠٥٥ م و ١٠٥٦ م و ١٠٥٧ م و بحق الملك المرتكك

عشق و محبت اگر خواهی مهر و محبت کسی با تو زیاد شود و با تو الفت پیدا کند و همیشه مطیع تو گردد این شکل را روی پاره مس نقش کن و اسم مطلوب و خود را در زیر لوح بد بنصورت نقش نما و جا نیکه نمناک

بوده باشد دفن نما و سنگ گوازی بر سر آن گذار چنان مطیع تو گردد که عجایب بینی و اگر صورت را روی چهل پاره کاغذ زرد نوشته و یک در محل باد آویزی و یک در آب اندازی و یک در خاک پای کوهی دفن نما و یک را شسته و بمطلوب دهی همان اثر را دارد اما با پد روز چهارشنبه نوشته شود محمد سکا که گوید قدر بداند و بدست نا اهل ند هشد و زینهار برای حرام ننگی که گناه عظیم دارد و دین تمام خلق بگردن تو باشد و السلام اینست

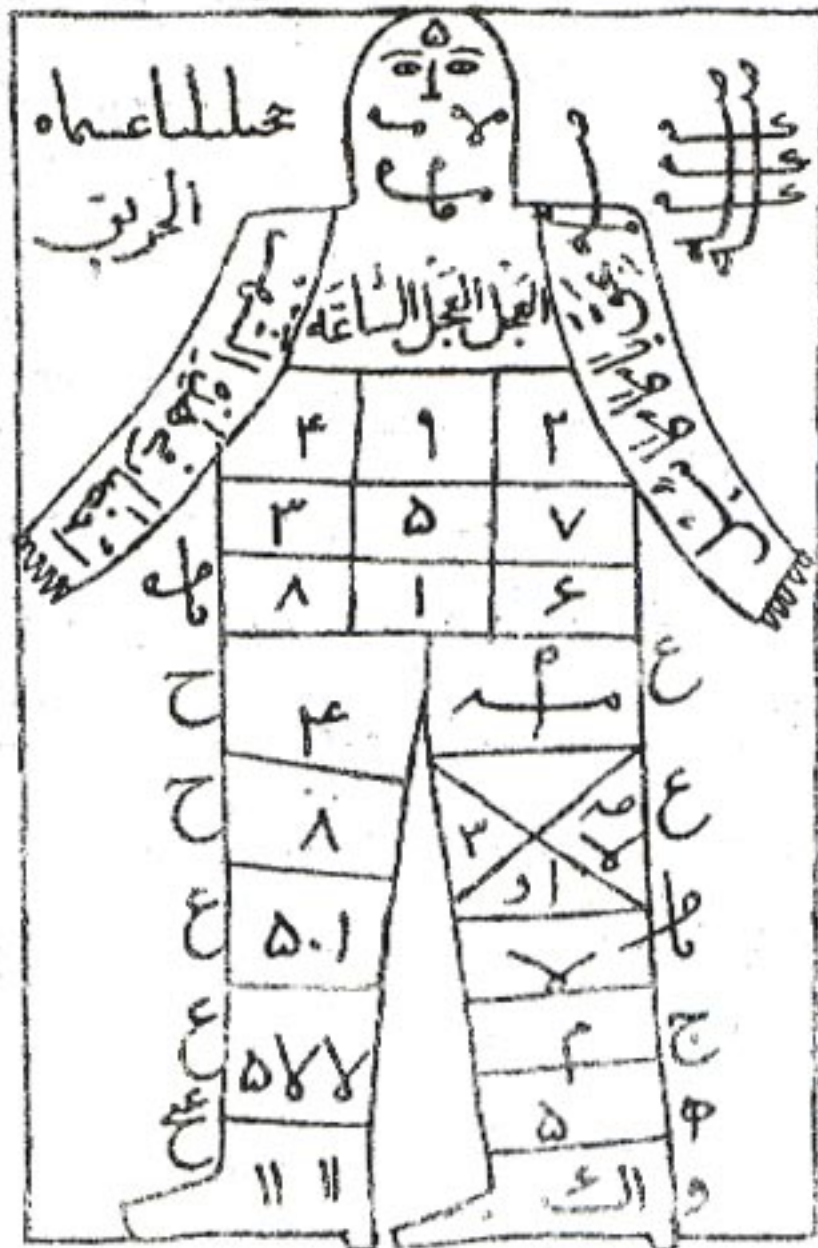


احضار و محبت اگر خواسته باشی شخصی را از راه دور حاضر گردانی
و آرام نگردد تا خود را به مکان تو برساند این شکل را در وی نقل
به سوراخ با سم مطلوب و مادر او و نام خود و مادر خود نقش کرده و
باید که در برج آتشی باشد بگروی نقل را روغن جوانی در وی
دیگر را غسل مالیده و نیت محبت نموده و در آتش مؤمن مدفون سازی
و اگر روز چهارشنبه در هبه اولیاء کند شود اثر مطلوب را خواهد داد



محبت شدید اگر خواهی کسی همیشه مطیع تو باشد و از حرف تو بیرون نرود
 این عرایم را روی قطعه از آهن و یا مس نقش نموده و در آتش دهن
 کن اینست پهلپورش بحق ابومرّه ابلپس
 ط ۱۰۵ ط ص ک ا ۹ ا م م ط م الطح دو الساعة العجل
 العجل العجل الحقی الحقی الحقی اجبوا اجبوا اجبوا
 محبت شدید اگر خواسته باشی که دو نفر را با یکدیگر پیوند محبت
 دهی که از هم جدا نشوند بیاور موی سر طرفین را و صوره مبارک کن
 پس را نامین اول که خواندی موی طرفین را با یک گره بزنی و بگو
 پیوند کردم قلب فلان زائده فلان به قلب و جان فلان زائده فلان
 بهر مبین که رسیدی نیت محبت کن بطیقی که گذشت تا هفت مبین
 تمام شود و آن هورا بیای خرجگی فوشته بسته و در آب رها کن
 احضار محبت اگر خواسته باشی کسی را احضار نمائی این شکلهارا بر
 قطعه از مس نقش نموده در ساعت مشتری روز چهارشنبه و آن
 مس را ساعت با آب و گلاب و سرکه بچوشان و بعد در آتش دهن
 کن تا بسوی تو آید اینست احضار فیه الکان فلان زائده فلان به
 محبت فلان زائده فلان صلا فیه الکان فیه الکان فیه الکان
 راه که طلعتن شمع شمع فیه الکان فیه الکان فیه الکان

احضار و محبت اگر طایم زبر را روی کاغذ نوشته و بیای گنجشکی
 بسته و بطرف محل مطلوب رهایش کنی بسوی تو خواهد شناخت و
 اگر بیای خرجی بسته درها کنی او را در آب اگر بطرف قبله رود بسوی
 تو خواهد آمد اینست ک ... م ... و ... ط ... ه ... ع ... ا ... ح
 ه ... م ... ع ... و ... ه ... م ... ا ... ح ...



احضار هندی اگر خواهی
 شخصی را حاضر گردانی
 این شکل را روی نعل
 بی سوراخ کنده و در آن
 پنهان کن و این عزمیه
 را پنجاه و نه بار آتش
 نعل بخوان کات کونا
 کات ان کالاته چریا
 رندی یا طما پرتانی کر
 تانی بحق رندرندی آن
 کریدی چو ناشند خزنا
 نندی بشندی بحق
 ان کانت الاصبی
 واجدة فاذا هم
 جمیع لذینا محضرون
 الساعة الساعة الساعة

خُب شدید اگر خواهی کسی با تو الفت و دوستی کند و همیشه محبت
تو در دل او باشد این اشکال را روی کاغذ نوشته و هر یک را با نفل
سیاه در آتش انداز و بگو سوختم دل و جان فلان زائده فلان را

محبت و عشق و هوس فلان زاده فلان اینست (ح) (ع)
(ح) (ع) (طبیعوا) (چینو) (التجمل) (الساعة)

ایضا خُب شدید روی کتی گو سفند نوشته و در آتش بسوزانند

تجربت و اگر بر سفال آب ندیده نوشته و در آتش دفن کنید

مؤثر است || اللهم لا حمر محرم || اللهم

|| ماهی || ماهی || ماهی || ماهی || ماهی || ماهی ||

|| ماهی || ماهی || ماهی || ماهی || ماهی || ماهی ||

قرار گردانی چنانکه آرام نگیرد بر هفت پاره کاغذ این هفت عزمیه

را بنویس و هر یک را با هفت دانه فلفل سیاه در روز خود در آتش

انداز بپسار گردد و اگر بر هفت قطعه هفت جوش نقش شود با اسم

طالب و مطلوب و مادر آنها و در آتش گذاری عجایب بینی و دیگر

مطلوب از نزد تو نرود از روزی که خواهی در آتش گذاری باید پیوسته

بسوزد و یاد در آتش رود بسیار مؤثر است یگش نبه عطف قلب

فلان زائده فلان علی محبت فلان زائده فلان بحق هذه الاسماء

١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠

فيها وحدها دوشنبه احرقت قلب فلان زائده
فلان على محبة فلان زائده فلان والقيت بينهما المودة والمحبة
بحق هذه الاسماء حلا ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ حطاه في سحابة ومهر
سنة شبه احرقت قلب فلان زائده فلان واخذته وجذبه
الى محبة فلان زائده فلان وحرقت بالنار كما تحرق هذه الاسماء
توكوا يا خدام بامرتكم به هيا الوحا بحق هذه الاسماء
١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤ ٢٥ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩ ٣٠
يا خدام هذه الاسماء والفلطيريات بالفاء المحبة والمودة
في قلب فلان زائده فلان وحرکوا روحانية الى المحبة فلان
زائده فلان لا يفارقه ليلا ولا نهارا ولا يبضع له امر بحق
هذه الاسماء وحرمتها عليكم ملا ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢
١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤ ٢٥ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩ ٣٠
بحق الملك الموكل عليكم الطائفة لأمه
محلها على ائيل ان توكوا يجذب قلب فلان زائده فلان
الى محبة فلان زائده فلان وتولفوا بينهما المودة والقربى بحق

سياه کردن اگر خواهی زنی را در نظر ديگران سياه کن که ديگر کسي با نگاه

نکند و از نظر جميع مردان و زنان

بپزند چهل و يك قطعه مع پايو
 و اين صورت ديور بر آنها نقش
 کرده در ساعت نهم قدم بر رخ خاک
 باشد و پشت آنها اسم آن را بنويس
 و يك در قبر دفن کن و چهل عدد
 ديگر را در چاه آب انداز و بگو سياه
 کردم فلان زائده فلان را در نظر
 تمام مردان زاده حوا ابن ادم بحق
 والقيابنهم العداوة والبغضاء
 الى يوم القيامة چنان سياه شود
 و از نظر ها بپزند که ديگر کسي باو
 نگاه نکند و اگر روی کاغذ نوشته
 شود هين اثر را دارد اين تسخير را
 نوشتم و ثبت کردم اما لغت خدا و تغير
 رسول خدا بر آنکس باد که اين عمل از
 او سرزند اگر چه دشمن خلق و تو
 باشد زنها را که چنين کار نکنی انشاء





سردی اگر خواهی مردی را از تمام
 زنها سرد گردانی که به هیچ زن
 و دختری میل نکند و نه هر کسی
 را در ذیل نگیرد و از تمام زنها
 دوری کند باید این لوح مرده
 را روی سه قطعه فلز نقش کنی
 یکی روی قطعه مس در ساعت
 پنج و یکی روی قطعه برنج در
 زحل و یکی روی قطعه طلا یک
 در ساعت عطارد و در روز شنبه
 اول آفتاب باید که عزایم سلیمان
 بلوچ مس و عزایم شیطانی به لوح
 برنج و عزایم رحمانی به لوح طلا
 بخوانی و در روز سه شنبه یا
 پنجشنبه لوح طلا را در آب چاه
 اندازی و وقت در چاه انداختن
 عزایم مربوطه را بار دیگر بخوانی

و لوح بزرگ را پائین کوهی زیر درخت گردو دفن کن و وقت دفن کردن
 عزایم بزرگ را خوانده و بگوئی سرد گروم فلان زانیده فلان در نظر تمام
 زنها و دخترهای عالم بحق لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
 مِنَ الظَّالِمِينَ و اما لوح میں را در مقبره کهنه با پارچه از لباس مردن
 و وقت دفن کردن عزایم مربوطه میں را بخوان و بگوئی فلان زانیده
 را سرد گروم از جمع دختران خواجواز فلان زانیده فلان چنان سرد
 گرد که دیگر بطرف هیچ زن صاحب جمال فرود و هیچگاه محبت زنی
 در دلش جا نگیرد و میل به عاشرت بازمان نکند و لعنت ابدی برهن
 اگر دروغ نوشته باشم عمل کن فایده زیاد دارد و اما چون این شکل
 مویکل دارد اگر شبانگاه شبی بنظ عمل کنده آید باید نرسد
 و دل قوی دارد تا به مقصود برسد زیرا مویکل این لوح از
 پریان است و خود را نمی نمایاند و ایتمش لبقوریش است باید قوی
 باشد زیرا زیان ندارد آیکه این کتاب بدست تو می افتد لعنت
 خدا بر تو باد اگر این نسخه را بصره ظهور برسانی و برای کسی عمل کنی
 زیرا گناه عظیم دارد زنها را که این کار را مکن که ارواح متبرکه
 بتوقفین کنند و آتش ابدی بسوزی از ناگفتن بود حال خود دان
 عشق و محبت اگر این اعداد و اشکال را بر هفت کاغذ بنویسی که هفت
 رنگ داشته باشند و روزی یکی را آتش زنی عجایب بینی این است
 لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین (۳۹) در محبت و عشق

زبانند اگر خواهی زبان جمیع بدگویان و حاسدان و بدخواهان بروی
توبه گردد و اگر بکسی حاجتی داشتی حاجت تو برآورده نمایند این طلسم
را روی لوحی از نقره پاک نقش نموده و همیشه هرگاه نگاه دارید البته

۱۱	۰	۱۱	۳	۱۴	۸	۶	۸	۹
۱۱	۱	۱	۱۰	۱۱	۰	۳	۱	۱۱
۱	۸	۱۱	۶	۴	۱	۰	۶	۱۱
۱	۸	۱۱	۶	۴	۱	۰	۶	۱۱

زبان خلق بروی توبه گردد
و از گزند دشمن در امان خذ
تعالی خواهی بود ساعت کندن
طلسم رجوع به جدول است

تحتیب قوی اگر خواهی که شخصی را احضار کنی که با تو محبت پیدا کند
و بفرمان تو در آید بیاور کت گوشه سفید و این مربع طلسم را برکت نوشته
بایم مطلوب و در آتش بنوزانید و اگر بر سفال نوشته در آتش دهن

کته همان اثر را دارد و اگر بر

دو	روم	هح	هح
هح	دلف	سرو	سح
روا	هح	صلح	سل
لا	لا	روا	لا
راهوه	اللی	ح ح	ح ح
زائده فلان علی محبت فلان زائده فلان			فلان

چلوار آب ندیده نویسی و بصورت
نیلد شب بنوزان باروغن
کرچک مؤثر است و اگر بر کاغذ
نویسی و با چهل و یک دانه نفل
در آتش اندازی اثرش نیکو
ست و ما مختصر کردیم اینست

شفا یافتن اگر کسی بیمار باشد که سالها بیماری او بطول انجامیده باشد

۶۵۴	۴۳۴	۲۷۲	۱۴۳	و تمام اطباء اورا جواب داده باشند این مربع را بر کاغذ سبز نوید و شسته و آب را با گلاب بنوشد بحکم خدای تعالی شفا یابد و اگر کسی بر لوحی از
۴۷۱	۱۴۰۴	۶۵۳	۴۳۵	
۱۴۵	۴۷۴	۴۳۲	۶۵۲	
۴۳۳	۶۵۱	۱۴۶	۴۷۳	

نقش کند و همراه نگاه دارد از جمیع بلاها ایمن شود انشاء الله تعالی
 احضار و حاجت اگر خواهی کسی را در راه دور احضار کنی که خوردن و خوابیدن
 را بنا و حواس سازی و دمی آرام و قرار نداشته باشد این طلسم را در دست



مشتری روی لوحی از برج نقش نموده و یک هم در ساعت قر که در برج آتش
 باشد و در میان لوح باید اسم مطلوب و مادر او و اسم طالب مادر او حک
 شود و در ساعت سعد طالب با دست خود در آتش کند چنانچه چون شب
 روزی گذشت بوی تو آید مگر در زنجیر و یا مجوس باشد احضار تحت
 اگر خواهی کسی را از راه دور بیاوری این نیمه را روی نعل به سوراخ در
 ساعت عطارد که قر در نیمه برج عطارد و از خوبت دور نقش نموده
 در آتش موی پنهان کن وقتی که نعل را زیر آتش میگذاری این غزیه
 را بخوان عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا اصْحَابَ السَّحَرِ وَالْوَسْوَسِ وَيَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالنَّيَّانِينَ
 هَيَّجُوْهُمَا انْ شَدِيْدَ الْمِهْجِ قَلْبَ لِسَانٍ وَعَيُوْنَ وَشَهْوَةَ فُلَانٍ زَائِدَةً
 عَلٰى مَحَبَّتٍ وَعَشْقٍ وَ

هَوَسٍ وَوَسْوِسَةٍ
 وَاطَاعَتٍ وَ
 قَبُوْلِ قَوْلٍ
 فُلَانٍ زَائِدَةً
 فُلَانٍ مَّحْبُوْبٍ
 كَمَا كَانَتْ مَحْبُوْبٍ
 جِبْرَائِيْلَ وَمُحَقِّقٍ
 اِسْرَافِيْلَ عَزْرَائِيْلَ وَ

اَحْرَقَتْ قَلْبَ وَ لِسَانَ وَ
 جَوَارِحَ وَ شَهْوَةَ فُلَانٍ زَائِدَةً فُلَانٍ
 عَلٰى مَحَبَّتٍ وَ عَشْقٍ وَ مَسْخَرٍ
 فُلَانٍ زَائِدَةً بِرَأْسِ
 فُلَانٍ
 كَمَا كَانَتْ مَحْبُوْبٍ
 جِبْرَائِيْلَ وَ مَحَقِّقٍ
 اِسْرَافِيْلَ عَزْرَائِيْلَ وَ

میکائیل

حجّت و لضاار اگر خواهی کردی از عشق و محبت زنی بفرمان گرد و مسخر آن زن

شود و به هیچ زن و یاد خری
علاقه پیدا نکند و هر چه آتزن
گوید همان کند و از فرمانش هر
نه بچید بیاورد و قطع
میس و اگر خواهد اثرش
خیلی خیلی فوری باشد دو
قطعه هفت گوش سلیمان
ترتیب دهد و این دو شکل
را روی آن هفت گوشها
در ساعت شمس که نزدیک
به زهره و متصل به عطارد
نقش نماید و اینها را مطلوب
و ما دم او و طالب و مادر او
را در محلی ناهها بکنند و این دو
صورت را رو به رو بهم گذار
و با بر پنجم هفت رنگ به
بچید و سه روز و شب در
اطاق خود بیاورد و بعد از این



مدت یکبار سوره یسین مغرور را بهر کدام بخواند و بگوید از آن ختم محبت



فلان زاننده فلان را
 بدل و جان و روح
 و قلب فلان زاننده
 فلان بحق سوره
 مبارکترین و
 که عصب
 و بعد از آن عزام
 بلیض بخواند بنام
 طالب و مطلوب
 و صورت مرد را
 در آتش گذارد و
 صورت زن را
 در چاه یا فاه آب
 اندازد و بعد نامد
 در آتش بماند وقتی
 مقصود حاصل شد
 از آتش بیرون آورد
 بسیار محبت است
 و بجز بجز رسیدن

فروش ملک و متاع اگر ملکی یا خانیه و یا متاعی داری که کسی آنرا نهمخورد
خواهی بفروشد بپرد این طلسم را روی قطعه بربخ یا پارچه مس نقش نمود

م	ک	م	ه	م	ه	م	ک	م
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩
م	س	م	ج	م	س	م	س	م
ی	ی	ن	ن	ن	ه	س	م	م
م	م	و	و	ز	س	م	م	ل
ل	ی	ه	ف	م	م	خ	س	س
م	و	س	لا	لا	س	س	س	س
٨	ی	م	ح	م	م	ط	ط	ط
م	ی	م	لا	م	م	ک	ک	ک

السَّاعَةُ السَّاعَةُ السَّاعَةُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْوَحَا الْوَحَا

و پست طلسم باید کنده شود تمام خلق زاده حوا خضر و افهذه المكان و بیه
محبت و خریداری این ملک و طلسم را در آن مکان آویخته و یا مدفون کرده
و این مربع را بر هفت کاغذ زرد نوشته و هر روز یک بار در آن مکان
باهفت دانه اسفند بسوزان تمام خلق خضر و افهذه المكان بمجرب

اگر خواهی کسی را حاضر کنی این صورت را روی هفت قطعه کاغذ زرد نوشته



کندار و بعد آهین
 را روی قطعه برج یا
 میں نقش نموده بنام طالب
 و مطلوب در ساعت معد
 ساعت باید مقارن آفتاب
 باشد و به قتری نزدیک
 و تحت الشعاع باشد
 رجوع بجدول محمد سکا
 بعد آهفت کاغذ را که نوشته
 و حاضر است بیکه رادر
 دل گو سفند گذاشته و
 و دل رادر گل گیرد در آتش
 کرد و دفن کند و بیکه رادر
 روان انداخته و موقع بیک
 انداختن با کسی سخن نگوید
 سوم رادر باد آویزد و چهارم
 رادر بیابان دفن نموده

و پنجم را در آس بسوزانید و ششم در چاه آبی پاک انداخته و هفتم را سیراب
 مطلوب دفن کنید و اما لوح را با ابر ششم هفت روز در خانه طالب
 آویخته و روز هفتم با ۷ دانه قفل سیاه و هفت دانه ذیل دل و قدی سر
 و گلاب و آب چاه بپوشانید تا سه روز بعد صورت را عزام خوانده
 بالای کوهی که بیخالی باشد دفن کنید اگر صد فرسنگ راه باشد و یا اگر
 مافی داشته باشد خواهد آمد با محبت و نارا حتی محبت خلق اگر خواسته
 باشی که جمیع خلق با تو دوست و مهربان گردند و همیشه و در همه جا حرف
 تواضع باشد و زین و مرد در روی تو بخواب نگاه کنند این لوح را در
 ساعت مشتری نزدیک بقر در خانه روشنایی و یا در ساعت اول آفتاب
 جمعه تا نزدیک ظهر و اگر تمام شد ظهر سه شنبه و عصر دوشنبه
 روی دو قطعه طلائی خالص یا نیز آبی نقش نموده با سحر خلق و یک راه را
 گذارد و یک را در چاه عمیقی اندازد که کسی را بر آن لوح دسترس نباشد
 و وقت بچاه انداختن باید مطلوب با دست خود انداخته و این اسامیرا
 بگوید یا حسین بن روح یا عثمان بن سعید یا صاحب
 الزمان و بعد بگوید و محتی هذه الآیة و جعلنا من بین یدیه
 سدا و من خلفیه سدا فاعثیناهم فمهم لا یبصرون
 آنگاه خواهد دید که چیه اثر عظیم دارد لوح مذکور در بالا اینست



اخضار و عشق و محبة اگر خواهی کنی رازراه دور بانزدیدک اخضار نمائی
 که ناراحت بوی تو آید و آرام نگردد اگر او را اغشا کنی بیشتر علاقه پیدا
 کند باید از روی ساعت و دقیقه عمل کنی و تحمل زحمت نمائی تا به مطلوب
 برسی زیرا اعمال غربیه نتیجه نمیکودارد و بدون شک بمقصود میرسی

این عمل احضار بزرگ است و اگر کسی را که میخواهی حاضر کنی مانع داشته
 باشد و به هیچ طوری نتواند بیاید و حتی اگر از آمدنش مانع شوند و
 نگذارند آنقدر منقلب شود که دیوانه وار از مکان خود بیرون آید و مجل
 احضار رخصت را گردد و هیچکس جز او را نتواند گرفت و طریقه عمل چنین
 است ابتدا باید هفت لوح از طلای ناب بشکل مربع ترتیب دهد و
 در ساعت سعد عزائم سلیمان بزرگ را بهر لوح یکبار بخواند آنگاه
 این لوح را که در صفحه بعد منقوش میشود بر روی یک یک لوحها در میان
 مشتری که کاملاً خالی از نخوس باشد نقش میکنی حکاک در وقت کند باید
 پاک و گاهش شیرین و مقابل قبله نشیند و بخور اسکندرانی در آتش کند
 یعنی هفتاد و یک گیاه هندی و مشغول کردن شود وقتی الواح تمام شد
 یک از لوحها را دو شبانروز با همان هفتاد و یک گیاه و گلاب بپوشاند
 بعد از این مدت در آتش گردو و بید و موردن نماید و شش عدد
 دیگر را در شش چاه آب عمیق اندازد و هر کدام را که در چاه انداخت
 بگوید یا عثمان بن سعید یا حسین بن روح یا صاحب الزمان و کسی از این
 عمل آگاه نکنند زیرا بهم آن میرود که لوحها بیرون آورند و مقصود
 حاصل نشود و آتشی در آتش بماند باید و اگر تا روز چهار خجری نشد
 لوح را از آتش بیرون آورد و اسماء آتشی فرشتگان را بر پشت لوح
 نقش کن و با صوی بز سفید در آتش دقن کن تر دید نداشته باش که

که هر سان بطف تو خواهد آمد اگر خواب باشد و اما در عمل هر اس مکن و نترس
 و این اعمال را با کمال خوبی انجام ده و اگر نشد لعنت جهود و نصاری دیگر
 بر من باز دو باره ساعات عزایم و کنک طلسم و در چاه انداختن ذکر شود
 ساعت عزایم اول آفتاب جمعه یا ظهر سه شنبه یا عصر یکشنبه ساعت گذار
 طلسم مشتری کاملأ خالی از نخوست ساعت آتش کردن جمعه ظهر یکشنبه ظهر
 و چهارشنبه آفتاب ساعت در چاه انداختن جمعه و شنبه اول روز چهارشنبه
 و دو شنبه اذان ظهر، سه شنبه و یکشنبه نیم چاشت طلسم اینست

۶	۵	۴	۳
۷	۶	۵	۴
۸	۷	۶	۵
۹	۸	۷	۶

این کلمات را در چاه انداختن...

ساعت عزایم

کلمه غلطی که در صبح

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

نومها بطرفه العین العین و الذیوع و الغلب بالبحر
 و اللیل بالاحراق و الجذ بالصریان قلبی صرا

قلم سحر و جویون و سحر و غیره
 این کلمات را در چاه انداختن
 ساعت عزایم
 کلمه غلطی که در صبح
 نومها بطرفه العین العین و الذیوع و الغلب بالبحر
 و اللیل بالاحراق و الجذ بالصریان قلبی صرا
 حاضر شود هر زائده در این مکان حق لا فرار و لا ندم و لا اکل لا اراحة و لا شرب و لا انعام و لا نفوذ لها

زبان بندی اگر خواهی زبان جمع خلائق بروی تو بسته گردد این زبان بند
 را لوح طلا یا برنج کنه همراه کند و یا بر کاغذ نوشته بنام تمام خلق و همیشه
 کنه بسیاره و تراست بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله ^{صفا}
 لا اله الا الله از آسمان تا زمین لا اله الا الله از زمین تا آسمان لا اله
 الا الله از آسمان تا عرش لا اله الا الله از عرش تا کرسی لا اله الا الله
 از کرسی تا لوح لا اله الا الله از لوح تا قلم لا اله الا الله از قلم تا
 نور رب العالمین لا اله الا الله محمد رسول الله بسم زبان جمله شما
 و بدگویان و نمازان و حسودان و خصمان شب و خصمان روز و خصم
 سیاه و خصم سفید روی زمین بسم زبان تمام بنی آدم از سفید و سیاه
 و زرد و سرخ و بنات حواری را در حق صاحب این هیكل بحق لا اله الا
 الله محمد رسول الله بسم زبان و چشم و سینه و شفت و شیش
 رگ بنی آدم و بنات حواری بسوی صاحب این هیكل بسم بسم
 بسم بسم باد زبان جمله خصمان از اولین و آخرین را بحق توره
 موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحیف ابراهیم و فرقان محمد
 مصطفی بسم بحق شش هزار و ششصد و شش آیات کلام الله بسم
 که بسم باد چشم و گوش و دست و پای بدگویان بسم بحق صد چهار
 سوره کلام الله بسم بحق حروف محیی اب ت ث ج ح خ
 د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ

آن هلالی هه سه سه سه بیست و پنج بسم براه بحق داوده دوازده ماه و
 براه سی روز و سی شب و هفتاد و هفت روز و بیست و چهار ساعت بحق
 بحق زبان مبارک خداوند ما سرطان اسد سنبله میزان عقرب و
 و جدی دلو جوزج بسم بحق کواکب سیاره زحل مریخ مشتری
 شمس زهره عطارد زمین بسم بحق عرش کرسی لوح قلم صراط میزان
 و بهشت دوزخ بسم زبان بدگویانرا بحق کعبه و زم زم و حجر الاسود
 و مقام ابراهیم و رکنا عجم و مرویه و صفا و منی و کوه ابرق بیس و مسجد
 الاقطی و مدینه و کربلا و نجف و مشهد امام رضا و بحق خاتم سلیمان
 بن داود بسم زبان دشمنانرا از نرینه و مادینه بحق نامهای عظیم
 و کلام قدیم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و مهر کرم
 بحق محمد رسول الله منظر کرم بحق علی بن ابی طالب و بحق و جعلنا
 من بیت ایدیه سد او من خلفهم سدا فافغنیام فهم
 لا یبصرون صم بکم عی فهم لا یبصرون فهم لا یرجعون بحق
 ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم
 عذاب عظیم صدقت لسان بنی آدک و بنات حوا بروی صاحب سیکل
 بحق هذه الاية و جعلنا من بین ایدیهم و بحق و تبارک الله احسن
 الخالقین بسم زبان جمیع بدگویان و حسودان و غیباران و مفیدان
 و ساچران از هر نژاد سیاه و سفید غرور و کلان زن و مرد و رابط
 صاحب این طلسم و هر یکل بحق لا اله الا الله محمد رسول الله ص

وَأَسْمُ بَابِدِ جِئِنَ نَوْشَهُ شَوْدَ فَلَانَ زَائِدُهُ فَلَانَ أَخْضَارُ دَرِ اِسْمَانِ وَبِهِ
حِجَّةَ فَلَانَ زَائِدُهُ فَلَانَ أَيْنَتُ كَلْمُهُ لِرَأْسِ أَهْلِ قَطِغِهِ بَلْحِ سَطْوِ
أَهْوَسِ مَلُوسِ بِحَقِّ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا مَن مَحْبِدِ
أَحْمَدِ مَلِكِ قَرَسِطَه مَطْلُوحُ مَلِكِ مَلِكِ مَلِكِ مَلِكِ مَلِكِ مَلِكِ مَلِكِ مَلِكِ
طَمَعُوحِ وَبَلْتَسْلَعَهُ أَطْلَهُ مَطْلَعَهُ مَعَهُمْ بِحَقِّ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بِحَقِّيَّةِ
فَرُوشِ خَانَه وَبِلَا مَلِكِي أَكْرُ خَانَه وَبِلَا مَلِكِي دَاشَتُ بَاشِي كَهْ بَفُوشِ نَرُودِ
وَكَسِي رَا آتْرَا نَخُودِ بِنُويَ اِسْمَانِ اِسْكَالِ رَا بِرِيَارَه كَنَانَ وَبِلَا بِرُقِطْعَهُ
اَز مِيسِ خَالِصِ نَقِشِ مَنُودَه وَدَرِ مَحَلِّ دَفْنِ مَنُودَه قَاخِرِ بَدَارِ پَنِيدَا شُودِ
أَيْنَتُ ۱۱۱۹ ل ۱۱۱۹ ر و ص ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹
ه ۱۱۱۹ ل ۱۱۹ ر و ص ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۹
العی العی العی العی العی العی العی العی العی العی العی العی العی العی العی
۱۱ ۱۱ (۱۱) (۱۱) السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ العَجَل العَجَل العَجَل
أَخْضُرُوا تَمَامَ خَلْقِ زَائِدِهِ حَوَا اِبْنِ آدَمَ فِي هَذِهِ الْمَكَانِ بِحَقِّ جِبْرَائِيلِ
اِسْرَائِيلِ عَزْرَائِيلِ مَبْنِي كَاسِيلِ بِحَقِّ آيَاكَ نَعْبُدُ وَآيَاكَ نُسَبِّحُ
أَخْضَارِ مَطْلُوبِ أَكْرُ خَوَاجِي كَهْ مَطْلُوبِ رَا حَاضِرِ كِرْدَانِي اِسْمَانِ خَوْفُهُ رَابِعِ
نَعْلِي بِسُورَاخِ كِنْدَه دَرِ آتَشِ دَفْنِ نَمَائِدِ أَيْنَتُ أَلِ أَلِ أَلِ أَلِ أَلِ
رُودِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ رُدِ
كِهْمَا ت

احضار هندی بجهت احضار مطلوب الرزني یا مردی را خواهی حاضر
 گردانی و بهیچ قیم نتواند پیش تو آید و نتواند که او را حاضر گردانی این
 طلسم را بر قطعه از آهن که مدور باشد نفس کن و در آتش ذفن
 کن بوی تو آید وقتی آمد بیرون آور که بیم دیوانه شدن می رود و اگر
 برای محبت گذاری نیکست اسم مطلوب و مادرش در روی طلسم در محل
 خود نفس گردد عمل کن که نتیجه بسیار دارد اینست طلسم بزرگ
 الملویش الملویش هیلویش عزمت یا نلهویش ابکچویش ایلویش
 الموقیش هیاقیش هوش طویش طایش کلایش لوایش برایش
 طایش لهایش کلو قیش لکیش لکوایش ریایش قرایش لایش کرایش
 هایش احبهاها بالاسم المغرق المکتوب علی جهته المتوکل الشعیب
 القلوب سوايس سوايس دن دن به به وه وه سوايس
 سنحت اوسى به قلب مریم علی اعنی احضروا و احرقوا قلب فم زائده فم
 علی نحت فم زائده فم حاضر شود الساعة الساعة العجل العجل
 العجل العجل اليوم اليوم النار النار بشما شبل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احضار هندی بجهت احضار مطلوب الرزني یا مردی را خواهی حاضر
 گردانی و بهیچ قیم نتواند پیش تو آید و نتواند که او را حاضر گردانی این
 طلسم را بر قطعه از آهن که مدور باشد نفس کن و در آتش ذفن
 کن بوی تو آید وقتی آمد بیرون آور که بیم دیوانه شدن می رود و اگر
 برای محبت گذاری نیکست اسم مطلوب و مادرش در روی طلسم در محل
 خود نفس گردد عمل کن که نتیجه بسیار دارد اینست طلسم بزرگ
 الملویش الملویش هیلویش عزمت یا نلهویش ابکچویش ایلویش
 الموقیش هیاقیش هوش طویش طایش کلایش لوایش برایش
 طایش لهایش کلو قیش لکیش لکوایش ریایش قرایش لایش کرایش
 هایش احبهاها بالاسم المغرق المکتوب علی جهته المتوکل الشعیب
 القلوب سوايس سوايس دن دن به به وه وه سوايس
 سنحت اوسى به قلب مریم علی اعنی احضروا و احرقوا قلب فم زائده فم
 علی نحت فم زائده فم حاضر شود الساعة الساعة العجل العجل
 العجل العجل اليوم اليوم النار النار بشما شبل



احضار مطلوب این مربع را روی نعل نجی سوراخ کند در آتش گذارد و یا روی کاغذ
نوشته با هفت دانه دانه فلفل در آتش انداخته بهوزد مؤثر است و اگر

ج	ص	م	ع
۴۰۱	۹۹۹	۴	۸۹
۱۹۱	۳۹۸	۹۲	۵
۹۱	۶	۹۹۷	۳۹۹

خواهی که عمل در حال انجام گیرد این لوح را

روی هفت جوش نقش و در آتش گذارد عجایب

یا شعورثا یا شعبوثا یا شعلینا احضروا فی

هذه المكان فلان زائده فلان علی الصب فلان

زائده فلان العجل العجل العجل الساعة الحرق الحرق اخبیوا

لا إله إلا الله	محمد	رسول الله
۱۷۱	۹۸	۶۲
۱۱۸	۱۱۷	۲۷
۷۸	۱۲۷	۱۳۷

گشایش روزی اگر کس فقیر باشد

و معیشت بر او تنگ گردیده باشد

این لوح را روی نقره نقش نموده همراه

کند غنی گردد و ماه نو بر این لوح نظر کند

گشایش در کارها هر کس این اسم را بر روی سبکه طلای رایج نقش کند

و همراه داشته باشد غنی گردد و هرگز محتاج نشود یا مستطیع

ح	ا	ت	ف
ف	۴۷۲	۱۴۳	ت
ی	۶۵۴	۴۳۴	ا
ظ	ی	ف	ح

برای فتح و گشایش برای غلبه بر مشکلات

و سختیهای زندگی و رفع مهمات این

لوح مربع را بر طلا یا برنج کند همراه کند

و اسم پست طلسم باشد تمام خلق علی قدر زائده

در طلب فرزند در اخبار و حدیث آمده که اگر این کلمات را زن عقیم ^{بسد} بنویسد
و بر بازوی چپ بندد و با شوه جمع شود بفرمان خدای تعالی بارگردد
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ هُوَ
اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ
حی
قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم
قیوم قیوم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ایضا در طلب فرزند
این کلمات را بر لوحی از طلا و نقره و مس نقش نموده وقت جمع شدن
زن زیر کس گذارد و جمعه اول آن تاریخ در چاه عمیق افکند
علی علی علی علی له له له له له له له له له له له له له له له له
هو
الله و صلی الله علی محمد و آله ایضا در طلب فرزند وارد است که
هر کس این کلمات را بر پنج قطعه طلا یا پاک نقش کند و یک را
همراه کند و چهار قطعه دیگر را شب جمعه اول یا در چاه بزرگ ری
افکند و بگوید یا صاحب الزمان بقمران رب العزة فرزند باو گرامت
فرمایند و هر کس شك آورد و تردید نماید از کفار است وقت کند
طلسمات شمس نزدیک به عطارد تحت الشعاع شیخ محمد اردبیلی
گوید فرزند می نداشتیم و ساله نزدیک به پنجاه و پنج بود شبی در عالم خواب
خواب این نسخه را بنظرم آوردند چون بیدار شدم این نسخه را کنار بالین

خود یافتم چون عمل نمودم خدای بزرگ فرزندی بمن کرامت کرد که سبب
انجذاب همه گردید قدوس رب العالمین و رب الملائکه اللطیف الهمیم
شاهیا فهو لك فاصل اللهم الملك القدوس قدوس قدوس قدوس
به
بجهت نزل بنده اگر خواهی نزله کنی را ببندی بیاورنی و بقید آن
شخص انداز و گیر دیک سری نی را بشکاف بالای نی سمیت راست
بنویس جبرائیل و میکائیل و بالایی سمیت چپ بنویس عزرائیل
و اسرافیل و بعد شروع بخواندن حد کن و بعد این دعا را بخوان
ناشکاف نی به آید و با ابریشم هفت رنگ سرفنی را به بند در
دو دکش آتشخانه بیاویز یا جای تارمیک دعا اینست بِسْمِ
الله الرحمن الرحيم اما نموش یقاش شیناطر اکبوش الوا قرناه
ان من سليمان و آتیه بسم الله الرحمن الرحيم الا تقولوا علی و اتو فی
میلین اجب یا جبرائیل انت و خدامک من الروحانیات اللهم
صل علی محمد و آل محمد و حق یا حی یا قیوم و اهتاشها بر جنتک
یا ارحم الراحمین ایضا نوع دیگر برای بستن نزله کنی بنویس بخط خوانا
این کلمه را بر کاغذ و کاغذ را بر تخت چنانده و هر روز ازین روزها
سینه سینه ^{سینه} میچی بر چشمه های کلمه فرود بر مجیک خدای عز و جل نسبت شود نزله او
و دیگر در بقیه نهر راحت و آسوده زندگی خواهد کرد اینست. ^{صق} قطع

بِحَمِيَّةِ مَحَبَّةِ خَلْقِ آرايندگان را نوشتند و کنی همراه خود نماید برای محبت و
 و زبان بندی خالق محبت و اگر بر طلا نقش کند و همراه نماید اثرش افزون
 است و اما اگر کسی لوحی ترتیب دهد از نقره و طلای پاک و مس موروثی
 هم برای زیانند خلقی و هم برای محبت خلقی و هم برای محبت و زیانند کسی
 بسیار نافعست و هفتاد و یک خاصیت دارد اگر خواهد شخصی با او محبت
 پیدا کند بشرینی بزند و به نیت محبت با او دهد الفت و مودة پیدا شود و
 دوست صمیمی او گردد و اگر باب زده به نیت باطل التی و در طشتی سبز
 ریزد تمام نحوستها و سحرها و جادوهای او باطل شود و اگر محبت دختری
 را بدست باشد آب آنرا در خانه خورد بسیار ریزد تمام سیهها باطل شود و به زود
 بخانه محبت رود اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَاِذَا تَكَلَّمَ الْیَوْمَ بِقُوَّةٍ
 اللّٰهُ عَلٰی اَفْوَاهِكُمْ هَدٰی الْعُلَمَآءُ مَقَبَلٌ هٰذَا لِیُبَاحِ الْجِنُّ وَالشَّیَاطِیْنَ
 لِمَنْ اَسْمَعَهُمْ مِنْ كُلِّ وَآخْتَمَ بِاللّٰهِ قَلْبٌ وَفَوَادٌ فَلَنْ زَامِدُهُ فَاِنَّ ذَا اللّٰهِ وَ
 اِحْسَیْ فِی قَلْبِ فِرْ كَا قَلْتِ وَ اَلْقِیْتَ عَلَیْكَ حَجَبَةٌ مَعِیْ وَلِصْنَعِ عَلٰی مَنْ
 یَكْفُرُ فَرَجَبَاتِكَ اِلٰی اُتِیَكَ كَمَا تَقْرَ عِیْبَهَا وَاَلَا یَحْزَنُ وَقُلْتَ نَفْسًا
 قَبْحَتِكَ مِنَ الْعِیْمِ وَ فَنَّكَ فَوُو نَاسِرٌ یَعَاجِدُ اسْتَدیدُ الْمَسْجِدِ
 ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ۵۹۹۲۲ العجل ال معنی ماعوله مع فلل با
 سلما لیا متحیقا یا طهر سا یا شعیق یلجا ینوس بالوس یا مبین منایا
 سلیک شایا عطا کت یا فیقون یا محال بن یا شایا یا شعیق یا مطلع ۷۲۲۲۲۲۲۲۲

م ل ط ۲۱۲ ط ۲۱۲ ۲۱۲ ۲۱۲ مجمع و سعد الفقه و الوزراء

تخریب اگر خواهی که میان دو نفر کدو رده پیدا شود و از هم جدا شود که دیگر اصلاح



شود این شکل را بر
قطع مس میرانی در
ساعت زهل نفسش
کن و آن لو حرا بر شمشیر
زده بهر دو طرف
ده تا بخورند در حال
از هم جدا شوند و کد
وده ایجاد شود و
این شکل را بر چنگ
که از کفن روده باقیها
نده باشد بنویسی
و اسم طرفین را نوشته
و در گورستان کهنه
دفن کنی جمل شود
و اگر بر نان نویسی
و آنها بخورند نارا
حتی و نفاق بوجود
آید و اگر بر کاغذ
سیاه نویسی یا بر
در محل آنها دفن کنی
از هم جدا شوند

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) شَجَّ وَخَوَّاصَ لَيْسَ مَغْرِبِي إِزْحَادٌ بِيرونيست ودر آخر
 شوره نوشته خواهد شد ایست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ
 هَيْتَ هَيْتَ هَيْتَ هَيْتَ هَيْتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْفَرَّانِ
 الْحَكِيمِ أَنْتَ يَا مَلِكُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نَزِيلَ الْعَزِيزِ
 الرَّحِيمِ لَنْ نُنذِرَ قَوْمًا مَا أَنْذَرْنَا أُولَئِهِمْ فَهُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ
 الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّا جَعَلْنَا فِي آعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا
 تَقْبِ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُمْمِعُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
 وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
 أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ
 الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنََ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ إِنَّا نُفِئُ
 نَجَى الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ
 فِي إِمَامٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ
 إِذَا نَلَّهَا وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا وَاللَّيْلُ إِذَا غَشَّهَا وَاسْمَاءُهَا
 بَيْنَهَا وَالْأَرْضُ وَمَا طَبَّهَا وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْتَهَا فَأَلْهَمْنَا فَجْرَهَا
 نُفُوسَهَا قَدْ أَلْهَمْنَا مِنْ رَبِّهَا وَقَدْ خَابَ مِنْ دُونِهَا كَذَّبَتْ ثَمُودُ
 بِطَفْرِئِهَا إِذِ اتَّبَعَتْ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ مَا فَعَلْتُمْ
 وَصَفَّيْتُمْ بِكُذُوبِهِ فَعَفَرُواهَا فَدَنَّتْ عَلَيْهِمْ رَبَّهُمْ بِدَنِّيهِمْ
 قُوتِهَا وَلَا يُخَافُ عِقَابَهَا هَامِ رَبِّ يَحْيَى يَا كَ تَعَبُدُّ يَا كَ تَسْبَعُن

انا الفقير ذو الحاجة اللهم سخو لي فلان زائده فلان كما سخرت
 فرعون لموسى و لئن قلبه كما لنت الحديد ليد اود عليه السلام لا
 يخلق الا باذنك حيوة و ناصيته في قبضتك و في يدك و جل ثناك
 يا ارحم الراحمين اللهم اجذب قلب فلان زائده فلان كما
 يجذب الحديد المغناطيس و اجذب روحه و جسده و جميع اعضائه
 بحق انبيائك المرسلين و الملائكة المقربين و بحق سبحان
 و القرآن الحكيم و بحق الله ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى
 للمتقين الذين يؤمنون بالغيب و يفهمون الصلوة و تمارز فنام
 يفهمون و بحق الله لا اله الا هو المحي القيوم و بحق الله
 فانزل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين و بحق كنه بعض
 و بحق حمق و ذكر رحمة ربك عنده زكرا يا اذ نادى ربه ندا
 خفيا قال رب اني و هن العظم و اشتعل الرأس شيبا و بحق طه
 ما انزلنا عليك القرآن لتثقى الا لتذكرا لمن يخشى و بحق حمق
 كذلك يوحي اليك و بحق و الطور و كتاب مسطور في رقي منشور و
 المبيت المعمور و السقف الرفوع و البقي المتجور و بحق ت و الفلم
 و ما يسطرون و بحق جميع الانبياء و المرسلين و سور القرآن
 العظيم و بحق اسمائك الحنى المكرمة المطهرة و بحق العرش و
 الكرسي و الملائكة المقربين و بحمة السموات السبع و الكواكب السيارة

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ وَحَقِّ
وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَالنَّجْمِ الثَّاقِبِ إِنَّ كُلَّ لَمَعَةٍ عَلَيْهَا
حَافِظٌ وَحَقِّ وَالْفَجْرِ وَالْيَالِ عِشْرِ الشُّعْبِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا
بَسُرَ وَحَقِّ وَالنَّهْرِ وَالزَّبُوتِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْإِ
مِينِ وَحَقِّ حَوْمَةَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَبَجْفِكَ وَعِزَّتِكَ وَحَقِّ قَدْرِكَ
وَسُلْطَنِكَ وَبِحُرْمَةِ أَنْبِيَائِكَ وَحَقِّ أَوْلِيَائِكَ وَحَقِّ أَصْفِيَائِكَ
وَحَقِّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ
وَيَا فَاضِلَ أَحْوَجِ الطَّالِبِينَ وَيَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ وَيَا مُقْبِلَ الْعَثَرَاتِ
وَيَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ وَيَا رَافِعَ السِّيَّئَاتِ ائْتِنِي حَاجَتِي بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ عَجَبْتَهُ فَلَانَ زَائِدَةً فَلَانَ بَدَلَ وَقَبِ
رَجِدَ فَلَانَ زَائِدَةً فَلَانَ وَأَضْرِبَ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقُرْبَى
إِذَا جَاءَهَا الْمَسْأَلُونَ إِذَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ اشْتَيْنُ فَكَذَّبُوا هَا فَعَزَّزْنَا
يُنَالِثُ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
اللَّهُمَّ أَيَاكَ تَعْبُدُ وَأَيَاكَ نَسْتَعِينُ حَصِّلْ مُرَادِي نِيَّتْ مُرَادِ كُنَيْدِ
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ
مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ
لَكُمْ دِينَكُمْ وَلِي دِينٌ يَزِدُهُ رَبِّي أَيَاكَ تَعْبُدُ وَأَيَاكَ نَسْتَعِينُ
أَنَا الْفَقِيرُ وَالْحَاجَّةُ اللَّهُمَّ مَخْرَجِي فَلَانَ زَائِدَةً فَلَانَ كَمَا

مَخْرَجَ فِرْعَوْنَ بِمُوسَىٰ وَلَيْنَ قَلْبُهُ كَمَا لَيْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فَإِنَّهُ لَا يَنْطِقُ إِلَّا بِأَذْنِكَ وَحُجُوتُهُ وَنَاصِيَتُهُ فِي بُضْعِكَ
وَقَلْبُهُ فِي يَدِكَ جَلَّ وَتَنَاطُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هِيَ هَذِهِ الدُّعَا
إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
وَسَلِّمُوا تِلْكَ آيَاتُ الْفَجْلِ رَبِّهِ لِلْجِبَلِ جَعَلَهُ رُكُومًا وَخَرَّمُوا مَوَاقِفَ الْبُهْلِ
الْعَجَلِ الْعَجَلِ أَقَمْتُمْ عَلَيْكُمْ يَا خِدْمَةَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ أَنْ تَأْتُوهُنَّ طَائِفِينَ
مُبِينٍ فِي مُبِينٍ وَبِحَقِّ صِرَاطٍ الْمُسْتَقِيمِ قُلِ اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمَلِكُ إِلَى
بَغِيرِ حَتَابٍ (سُورَةُ الْأَهْقَابِ) سَوَالُهُ أَهْيَا شَرَاهِيَا أَهْيَا أَهْيَا أَتُوْنِي السَّاعَةَ
بِأَلْفِ الْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَامِ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُجِبَّ الدُّعَا
يَا وَلِيَّ الْحَنَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا رَافِعَ التِّيَابِ إِقْضِ حَاجَتِي
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حَاجَتِي رَابِعًا أَدْرِبُ
وَبِكُودٍ قَالُوا إِنَّا نَطِيرُنَا بِكُمْ لَيْلِنَ لَمْ تَنْهَوْنَا لِرَجْنِكُمْ وَلَيْسَتْكُمْ
مِنَا مَذَابُ الْيَمِّ قَالُوا طَابَ بِكُمْ مَعَكُمْ أَيُّنَ ذَكَرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
مُزِفُونَ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا
الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا وَهُمْ مَهْتَدُونَ
وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِ
الْهُدَىٰ إِنْ يَزِدَّنِ الرَّحْمَنُ بَصِيرًا لَأُبْصِرَ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ
شَيْئًا وَلَا يَنْفَعُونَنِي إِذْ أَلْفَى ضَلَالٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَنَا أَغْطِيكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرِ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ
بِأَنْزِهِ بَارِئُكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ أَنَا الْفَقِيرُ ذُو الْحَاجَةِ اللَّهُمَّ
سَخَّرَ لِي فُلَانٌ زَائِدُهُ فُلَانٌ كَمَا سَخَّرْتَ فِرْعَوْنَ بِمُوسَى وَلِيَنَّ قَلْبُهُ
كَأَلَيْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْعَهُ لَا يَنْطِقُ إِلَّا بِأَرْزَاقِ
حَيَوَاتِهِ وَنَاصِيئَتِهِ فِي قَبْضَتِكَ وَقَلْبُهُ فِي يَدِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَالْقَيْتُ ٧
عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَلِنَصْنَعُ عَلَى عَيْنِي إِذْ تَمَشَى أَخْنُكَ فَتَقُولُ هَلْ
أَرَلَكُمْ عَلَى أَمْنٍ يَكْفُلُهُ فَجَعَلْنَاكَ إِلَّا إِلَهُكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنَهَا وَلَا تَحْزَنَ
وَقُلْتَ تَقَرَّ عَيْنًا فَتَجِيئَاكَ مِنَ النَّبِيِّ وَفَتَاكَ فَتَوْنَا مِنَ الرَّسُولِ
بِمَا إِلَى آخِرِ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ إِنَّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَأَسْمَعُونَ قِيلَ إِذْ خَلَّ الْجَنَّةُ قَالَ
يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ
وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ
إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ يَا حَسْرَةَ
عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ
وَإِنْ كُلُّ لَمَامٍ جَمْعٌ لَدَيْنَا مَحْضَرُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ
الْمَيْتَةُ أَجْسَادُهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ

فَخَبَلْنَا أَعْيُنَهُمْ فَجَنَّبْنَا فِيهَا مِنَ الْعَيْنِ لِيَسْأَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ
أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ فَبِجَانِ الذِّقِّ خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا رِجَالًا
وَأُنثَى الْأَرْضِ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ
نَسَخْنَا مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْوَةِ
الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ
الْمَثُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَاءُ نُغَيِّرُهُمْ فَلَا
يُجْرِي لَهُمْ دَأْبُ اللَّهِ يَنْقَدُونَ الْأَرْحَامَ مِمَّا دَمَّرْنَا إِلَىٰ خَيْبٍ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمَا إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نَطْعَمُ مِنْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَطَعَمْنَا أَنْ تَمُوتُوا فِي
ضَلَالٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ
وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَأَسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا
يَا قَرِيبُ يَا مَجِيبُ يَا حَبِيبُ يَا مُرْهَانَ سَامِعًا طَائِعًا

بِحَقِّ آيَاتِكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اللَّهُمَّ سَخِّرْ لِي فُلَانًا زَائِدًا فَلَانًا كَمَا
سَخَّرْتَ فِرْعَوْنَ لِمُوسَى وَلِيْنَ قَلْبَهُ كَمَا لَيْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ لَا يَنْطَلِقُ بِأَفْرَنِهِ حَيَوْتُهُ فِي قَبْضَتِكَ وَفِي يَدِكَ
جَلَّ شَأُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ إِلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ أَوْ فِي مَسِيلَيْنِ أَحْزَمُ عَلَيْكُمْ يَا أَيُّهَا
الْأَرْوَاحُ التَّرَائِي بِعَزَائِمِ اللَّهِ إِنْ كَانَتْ إِلا صِيحَةً وَاحِدَةً
فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ
فَرَبِّكُمْ أَعْلَى مِنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا وَيُحْيِي نَزْلًا مِنَ الْقَائِنِ مَا هُوَ
مَشْفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا الْحَقُّ آيَاتِكَ
نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ اقْبِضْ لِي حَاجَتِي بِجَرْمِيَةِ
هَذِهِ السُّورَةِ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَالِدُهُ
يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ رَفَعُ جَلَالِهِ يَا اللَّهُ الْحَمْدُ فِي كُلِّ فَعَالٍ
جَهَنَّمَ دِينٌ وَخَلَامِي لَزَزَنْدَانِ فَيُتَكَنِّعِدُ عَجَاتِ لَزْغَمِ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صِيحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ
وَهُمْ يَخْصَمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْ
جِعُونَ وَتَفِيحُ فِي الصُّورِ فَأِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ
يَنْسَلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مِمَّنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْفِقٍ نَأْتِنَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ

وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ إِنْ كَانَتْ الْأَصْحَةُ وَاحِدَةً بَأْذَانَهُمْ جَمِيعًا لِيَأْتُوا
مُخْتَصِرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تَطْلُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ إِنْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَالْكُهُونَ هُمْ وَ
أَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكُهُةٌ
وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ ه سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ وَأَمَّا
زُوالِ الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمَجْرُمُونَ أَلَمْ أَعْهَدِ إِلَيْكُمْ بِابْنِ أَدَمَ
إِلَّا تَعْبُدُوا وَالشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَبُكْرَةَ اللَّيْلِ
مُحِيزًا إِلَى فُلَانٍ رَأْسِهِ مِثْلُ نَخْلٍ لَمْ يَكُنْ لِي وَاللَّيْلِ قَلْبُهُ
كَمَا لَيْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَهُ لَا يَبْطِقُ إِلَّا
بِأَذْنِكَ نَاصِيَتَهُ بِيَدِكَ وَقَلْبُهُ فِي قَبْضِكَ جَلَّ شَأْنُكَ يَا أَرَامَ
الرَّاحِمِينَ وَبِحَقِّ أَلَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لِأَرْيَبٍ فِيهِ هُدًى
لِلتَّقِينَ الَّذِينَ يَوْمًا مَيُونُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَبِمَا
رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لِيَهُ مَا فِي
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُ بِشَيْءٍ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
حَاجِقٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ نَيْتَ بِلَفْظِهَا
رَبِّهِ وَمَقَامٍ وَإِنْ أَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ

أَضَلَّ مِنْكُمْ جَبَلًا كَثِيرًا أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هَذِهِ جَهَنَّمُ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ أَصَلُّوا هَآءِ الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
 الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَنُودُ
 أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ
 مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ يَعْصِرْ
 نَعْمَتَهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ أَوْلِيَانِكَ وَ
 ائْتِيَانِكَ وَدَمِ شَهْدَائِكَ اقْبِصْ حَاجَتِي يَا رَحِيمَ الرَّاحِمِينَ
 نَيْبِ بَلَدِ شَدَنْ رَتَبِهِ وَمَقَامِ فَإِنْ أَعْبُدُ فِي هَذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَلَقَدْ
 أَضَلَّ مِنْكُمْ جَبَلًا كَثِيرًا أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هَذِهِ جَهَنَّمُ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ أَصَلُّوا هَآءِ الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
 الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَنُودُ
 أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا
 عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَا
 هُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ
 يَعْصِرْ نَعْمَتَهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَا الشِّعْرَ مَا يَنْبَغِي
 لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ يَلْزَمُهُ مَرْتَبَهُ بِكُوَيْدِ إِيَّائِي أَوْ لَعَبْدُ

وَأَيُّكَ نَسْتَعِينُ وَبِكَوَيْدٍ وَأَنَا الْفَقِيرُ ذُو الْحَاجَةِ اللَّهُمَّا سَجِّبْ لِي
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي وَأَنْتَ وَعَدُّكَ صَادِقٌ فَيُعْنِي
مِنَ الْكَرْبِ اللَّهُمَّ أَنْتَ فَيَاثُ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَأَنْتَ قُلْتَ
تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ وَأَنْتَ لَسْتَ بِمَكِينٍ رَبِّ اللَّهُمَّ
أَحْفِظْنِي مِنَ الْأَفَاتِ وَالْعَاهَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا تُفْضِنِي
عَلَى رُؤْسِ الْخَلَائِقِ فِي الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا
عِنْدَكَ وَلَا يَدُكَ وَلَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا وَزِيرَ لَكَ أَنَا لَكَ
يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ تَرْتَمِي فِي مَقَامِي مَا تَقْرُبُ مِنْكَ
وَتَكْرَمُنِي بِمَغْفِرَةِ خَطِيئَتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ
عَلَى مَا نَشَاءُ قَدِيرٌ وَالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ الْإِلَهِي الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
يَا رَبِّ يَا خَفِيًّا يَا مَنَّانَ يَا دَيَّانَ يَا غَفُورَانَ يَا بُرْهَانَ يَا شَهِيدَ
كُلِّ مَشْهُودٍ بِمَا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى وَرَاءِ الْأَرْضَيْنِ بِاطْلَاقِ
مَا خَلَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَنْتَ لَكَ الْإِلَهَ الْإِلَاحَاتُ أَغْنِي يَا غَنِي
أَغْنِي يَا غِنِي الْمُسْتَغْنِينَ سَهْ مَرْتَبَةً بِكَوَيْدٍ شَلِيحًا
وَصَلِّ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَإِلَيْهِ أَجْمَعِينَ لِيَسْتَدْرَأَ مِنِّي كَأَنَّكَ كَانَتْ
حَيًّا وَيَقِيقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوْلِمَ يَرَوْا إِنَّا خَلَقْنَا
لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِي بِنَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ

وَذَلَّلْنَا مَا لَهَا لَهْمَ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا
مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً
لَعَلَّهُمْ يُبْصَرُونَ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ
مُحْرَبُونَ وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ أَنَا نَعْلَمُ مَا يَسِرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ
أُولَئِكَ يَرَى الْإِنْسَانُ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ
يَنْزِدُ مِنْ رَبِّهِ بِكُورٍ أَيْكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ أَنَا الْفَقِيرُ
ذُو الْحَاجَةِ اللَّهُمَّ أَفْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَإِذْ أَلْفُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا
خَلَوْا إِلَىٰ شِيَاطِينِهِمْ وَإِذَا خَلَا بِعَضُدِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ اتَّخَذَهُمْ بِئْسَ
فِتْحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيَحْجَا جُودَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ عَنِّي اللَّهُ
أَنْ يَأْتِي بِنَافِثٍ وَأَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ لِيَجْعَلَ عَلَيَّ مَا أَسْرَأُ فِي أَنْفُسِهِمْ
نَادِيَنَّ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ بِكُمْ
قَدْ يَكُمُ قَدْ أَنْشَأُوا أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ
لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَقْطُرُ مِنَ
وَرَقَةٍ إِلَّا أَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ مِنْ تَلْحَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ
وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا

عَمَّا لَا تَفْتَحُ لَهُمُ الْأَبْوَابَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُنَّ أَبْوَابُ
السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَلَلُ فِي سَمِّ الْحَيَاطِ عَلَى
اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمَانَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ
وَ كُوَانَ أَهْلَ الْقُرَى الْأَمْوَا وَأَنْفُوا لِفَتْحِنَا عَلَيْهِمْ بِرُكَابِ بْنِ
السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا مَا أَخَذْنَا مِنْ بَدُونِهِمْ بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ أَنْ تَسْفِتِحُوا الْقَدَّ جَاءَكُمْ الْفَيْحُ وَإِنْ تَنْهَوُوا
فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ لَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَ جَدُوا بِإِضَاعَتِهِمْ زِدَتْ
عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرِجُونَ حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ
يَأْجُوجُ وَ مَا جُوجُ وَ هُمْ مِنْ كُلِّ حَدِيدٍ يَنْسُلُونَ حَتَّى إِذَا
فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ ذَاعَ عَذَابُ الشَّدِيدِ سَلَامٌ قَوْلَ الْإِيمَنِ
رَبِّ الرَّحِيمِ وَ السَّلَامُ عَلَى أَيُّومٍ وَ لَيْلَتِ وَ يَوْمِ أَمْوَتِ وَ أُنْفَتْ حَيَاتُ
أَدْخَلُوا هَا بِسَلَامٍ أَمِينٍ وَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى
وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ سَلَامًا مَا لَا يَتَّبِعُونَ فِيهَا لُغْوًا وَ لَا نَانِيًا
إِلَّا قِيلَ سَلَامًا سَلَامًا وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةٌ وَ غَشِيَةٌ
وَ يَلْقَوْنَ فِيهَا شَجِيَّةً وَ سَلَامًا فَلَنَا يَا نَارُ كُوَيْ بَرْدٌ أَوْ سَلَامًا عَلَى
أَبْرَاهِيمَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سَلَامًا عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ

اصطفى الله خيراً مما يشركون سلاماً عليكم لا يتبعني
 الجاهلین تحييتهم فيها سلاماً يوم يلقونه واعدلهم
 اجر اكراماً سلاماً قولاً من رب ارحمهم من ربهم
 سلاماً على نوح في العالمين سلاماً على ابراهيم سلاماً
 على موسى وهرون سلاماً على آل لبيس فاصفح عنهم
 وقل سلاماً فسوف يعلمون و سلاماً على المرسلين والحمد
 لله رب العالمين اذخلوا بسلام امنين قالوا سلاماً
 قال سلاماً قوم منكمرون الا قبلاً سلاماً فلام لك من اصحاب
 اليمين قل بجهنم الذي انشاها اول مرة وهو بكل شيء
 علم الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انستم
 منه توعدون او ليس الذي خلق السموات والارض بفاذر
 على ان يحيى الموتى وهو الخلاق العليم بسجده رفقه به باركوب
 بل قادر على ان يقضى حاجتي ومطالب خوردا ذكر كند وسرور دار
 و بگوید بلی هو الخلاق العليم انما امره اذا اراد شيئاً
 ان يقول له كن فيكون فسمان الذي بيده ملكوت كل
 شيء و اليه ترجعون و الهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن
 الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم له آخر امره هو الذي يصبر

فِي الْأَزْحَامِ كَيْفَ يَتَأَنَّ لِإِلَهِ الْأَهْوَاءِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ شَهِدَ اللَّهُ
 إِنَّهُ لِإِلَهِ الْأَهْوَاءِ لَوْ الْعِلْمَ قَائِمًا بِالْفِطْرِ لِإِلَهِ الْأَهْوَاءِ
 الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَامُ لِأَنَّ اللَّهَ الْأَهْوَاءِ
 لِيَجْتَنِبَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَرْبَابٍ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَمِنْ
 أَصْدَقٍ مِنَ اللَّهِ حَذِيثًا ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لِإِلَهِ الْأَهْوَاءِ
 خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَاشْتَعِ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لِأَنَّ
 إِلَهِ الْأَهْوَاءِ وَأَعْرِضْ عَنِ الشِّرْكَائِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ برای غمی و زاری کودک روی نقره
 يَامِسُّ وَيَا بَرِيحُ وَيَا فِرْلَادَ حَكِّ نَمُودِهِ هَاهُ كُودَكِ نَمَائِدِ وَيَا رُؤْيَا غِنْدِ
 نُوْشْتِهٖ بَشَانْدِ كُودَكِ بِنَا وَيَزِيدِ اَيْنْتِ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا أَيَقْبِضُهُمْ لَوْ بِنَا لَوْ أَخِيرًا وَكَفَىٰ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْفِتَالَ
 وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا بَرِي تَرِسِ وَهَارِسِ أَلْكَرْ كَسِي بِتَرَسَدِ
 اَيْنِ تَعُوْبِزَا نُوْشْتِهٖ هَرَاهُ دَارِدِ يَا ثُوْنَا يَا بَتُوْنَا يَا مَشُوْنَا
 يَا مَلَكُوْنَا آهِيَا شَرَاهِيَا اَزُوْنَا اَصْبَاوُتْ آلْ شَدَايِ
 ك ا

محبت زَن و شوهر اگر بین زن و شوهری ناسازگاری باشد سوره آل
 عمران را سیزده بار با بیسم زن و شوهر بخوانند سازگاری پیدا شود

را پُر از آب کند و قند در آن بریزد و شب از غروب آفتاب بالای یام
 گذارد که جمیع سیارها و کرات ساوی در آن مُتفکس گردد صبح
 وقتی آفتاب بر آمد کاسه را پائین آورده و آبراهالی کن و طلم
 را بردار و هاه گذارد و به شیرینی بزین و پشوهرده به نیت محبت تا
 رام و مطیع تو گردد و چون هاه تو باشد برای محبت خلق و زبان بند
 بسیار نیکوست این نِسخه از شیخ محمد سکاکی علیه الرحمات
 و گوید این طلم را از کتابخانه سومنات هندوستان بدست
 آوردم و علمای هند را اعنقاد بر آن زیارت زینهار بدست
 جاهل و نااهل ندهید و قدر بدانید و علمای مغرب زمین
 و حکمای یونان هاه خود داشتند و این از این جهت مؤثرست
 که مَوکِل دارد و مَوکِل این طلم همیشه هاه طلم است و بصا
 طلم ملک میکند و از جمیع بلا یا او را حفظ مینماید البتة به حکم رب
 عِزَّة تَفَرَّقُوا وَ تَرَدُّوا اگر خراسی میان دو نفر جدائی اندازی که با هم
 دشمنی و عداوت پیدا کنند بیاور سوسگ سیاهی دو عدد و آیت
 وَالْقَبَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ را روی چلور
 که از کفن مرده با یمانده باشد با آب مرده بنویس و سوسگ ها را با پیر
 پست به نیت بحسبان و سوره اذا زلزله را وارونه و برسوسگها

مخوان و در سرکه انداز تا بپزند بعد از ساعتی بیرون آورده و چلو آرزو
باقیر اندوده کن و سوسگهارا میان آن گذاشته ربه پیچ و در
گور سنان کهنه و یا در مقبره قدیم دفن کن و وقت دفن کردن بگو
سر کردم فر از فر و سیاه کردم فر را در نظر بحق ایاک نعبد
و ایاک نستعین و بحق جعلنا من بین ایدیم سدا و من خلفهم
سدا فاغشیاهم فهد لا یجیرون آنگاه هفت زیگ بردار
و دانه دانه بعقب سر انداز و بگو بریدم بین فر زائید فر و فر زاده
احضار و نجات اگر خواهی کسی را از راه دور بیاوری این طلسم
را روی قطعه کاغذ آبی بنویس و در باد بیا ویز اینست طلسم
طلسم اول معده دهه هـ ل ح ق آ ط م ا ا ا هـ ح
عجلو یار و ساء الحن و الشیاطین احضروا فر زائیده فر بخت ایمان
و علی حب هذه البیت و علی محبت فلان زائید فر العجل العجل العجل
الوحا الوحا الوح اجهبوا الحریق الساعه الساعه الساعه الذر
و بعد این اسم را صد و یک مرتبه روی صد و یک کاغذ مدور نوشته
و با صد دانه فلفل سیاه در آتش بسوزان و بگو حاضر کردم فر زائیده فر را در ایمان

آزاد شدن زندانی شیخ سکاکی میفرماید که اگر کسی با عداوت محکوم شود
 و بخواهی نجات یابد و اگر کسی به حبس ابد محکوم باشد و به هیچ وجه
 خلاصی نداشته باشد و بخواهی فی الفور خلاص شود و حاکم با او
 نظر نیکو داشته باشد و در نزد پادشاه و بزرگان و اکابر عزیز
 و محترم گردد این عزمیه را در ساعت رجوع بجدول سکاکی
 سعد روی چهل و یک قطعه من بشکل مدور نقش نماید یک را در
 آتش گذارد با اسم فلان زائده فلان و چهل قطعه دیگر را در
 چهل چاه یا فناء آب اندازد و وقت انداختن در چاه بگوید یا صاحب
 الزمان حاجت فرما آورده شود و باید طلسم هفت جوش سلیمان
 را همراه داشته باشد تا از زندان خلاص شود و بسیار مجربست
 انیت عزمیه عزمت علیکم یا اصحاب السحر و الوسواس
 و یا معشر الجن و الشیاطین من جنود ابلیس بحق هذه
 الروساء الجن و الشیاطین یا خاتف و یا ذو بعه و یا
 دنهش الدناهر و یا مستقر نطش عجلو بحق ابومرّة ابلیس
 و بحق و زهره سید و ک رسد رسول و بحق ربعه
 و ذو بعه و بحق ربعه و بحق هذه الکلام طش

انذافه بـح بـح عجلو يارو ساء الحين و الشياطين هيجو
 هيجان الشديده المهيج المهيج قلب و لسان و عيون و
 شهوة فلان زائده فلان بـحيت و عشق و هوس و وسوسه
 و اطاعت و قبول قول فلان زائده فلان بطريق المحبة
 عقد نومها بطفة العين العين في الدموع و القلب بالحب كثر
 و الليل بالاحترق و الجـد بالضربان قلب فلان زاده فلان
 على محبت و مستحق فلان زائده فلان لا قرار و لا اكل
 و لا راحة و لا شرب و لا قيام و لا تعود لها بالليل و النهار
 بحق شهوة طش و شغو نقاش و بلفا فورد و الثبان و مطرد
 و مهر گوش و بحق هذه الكلام العجب العجب الساعة لامبين
 فانه اسرع بطفة العين و جمع البقر و بحق بمهطواش افيه
 اه اه اندانه اه اه بحق سليمان بن داود اهية بطرش الفياه
 هه هيه العجل و بحق ابيض و اسود و اصف و احمر و مها كال
 و شيطان و سندن و هام ابن هـنيم و جابرون و لا
 بليس و عنية بنت ابليس و ذوبعة الطيار و ابرجيد طيفورش
 و لقطيفورش و همد ديوان و پريان بيقار رش گردانيد العجل

تفریق و سیاه کردن اگر خواهی زنی را در نظر تمام مرد ها سیاه کنی و از
نظر تمام مردها و یا از نظر مردی بپندازی که تمام مردها و یا آن
مرد دیگر با و نگاه نکند و حرف او را قبول نکند و بگلی از نظر او
بپفتد بیاور چلواریکه از کفن میت باشد و سوره الم تر کیف یا جبرئیل
را بر آن بنویس با آب مرده و نیل و سوسکه را گرفته در میان پارچه
گذار قبایح سیاه به پیچ و در گورستان کهنه دفن کن آنگاه بعد از عمل
بیاور خرچنگ با آب و در ظرفی انداز با گل مکان خرچنگ و قدری
کافور قدری سیر که روی خرچنگ بریز بعدا پیه کاوش شیرسک
ماده را آب کرده و در آب خرچنگ بریز و ربع ساعتی بجوشان و سرد
کن و مجموعا در صافی ریخته صاف کن ابراسیر راه آن زن بریز خرچنگ
را در پارچه سیاهی پیچیده و در مقبره زنی دفن کن و یا در کنار گورستان
مدفون ساز اما بشرطیکه آیه و الفیزارا بر کاغذ سیاه نوشته باریک
نیل و در آبیکه خرچنگ بجوشد داخل کنی که با مجموع داخل ظرف
بجوشد و باسیم آن زن باشد آیه امنیت و الفیابینهم العداوة
و البغضاء الى یوم القیامة کما اردقدا و نار اللهب اطفاها الله
و یعرف الارض فادرا و الله لا یحب اللئین سیاه کردن زاده فرار در نظر تمام مرد ها

در طلب فرزند این نسخه از شیخ اجل محمد سکاکی است و از کتاب
دانیال و لیلیاس افنباس فرموده اما علمای هند و یونان و مغرب زمین
را عقیده بر اینست که این نسخه از شیخ محمد سکاکی است ابطال فرزند
اگر خواهی دارای فرزند می صالح و نیکو اخلاق شوی و خدایوند متعال
بتو کرامت فرماید فرزندی نیکو شمایل یا عقیده محکم این اعمال را
بجای آور و بد آنکه تردیدی در این نسخه نیست و بارها بشوئ
رسیده اما کسیکه اقدام بدین عمل میکند باید غنی و از اغنیاء باشد تا
بشوند بعل آورد این نسخه را و طریق عمل چنین است ابتدا هفت لوح
بشکل مربع ترتیب ده از طلای پاک، و طلسم صفحه مقابل را بر آن
هفت لوح نقش کرده بساعت سعد که برای این لوح مناسب است و باید
رجوع شود به جدول سلیمان از کتاب هفت پیکر سلیمان و روز شنبه
یا جمعه یا چهارشنبه لوحها را در هفت چاه آب عمیق و یا هفت تنه
انداخته و بگوید یا صاحب الزمان و مراد را در نظر آورد
و طالب باید لوحها را با دست راست خود در چاه اندازد
و با کسی سخن نگوید و وقت در چاه انداختن این اشکال باید
کف دست راست و کف دست چپ نوشته شده باشند

باب الحُبِّ والعِشْقِ اگر خواهی کسی را از عِشْقِ خود بیقرار گردانی بنویس این
 طلسم را بر کاغذ و در آتش انداز اگر بر سَفالِ آبِ ندیده نویسی و در آتش
 مدفون کنی موثر است اینست ۴۴ ۱۳ ۱۱۱ ۷۹۲ ۱۱۱ هـ ۶
 ۴ ۱۱۱ ۱۲۳ ۲۷۲ ۱۱۱ ۱۲۳ ۱۱۱ ح ۸۱ ح ت

ب ۱۱ ۱۸ ۱۱۱ ۴۴۹ هَجَوُوعَرَقُوا قَلْبَ فَرَزَائِدِهِ فَمَجِيتٌ
 وَعِشْقٌ فَرَزَائِدِهِ فَمَجِيتٌ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ السَّاعَةُ
 السَّاعَةُ السَّاعَةُ الْوَحَا الْوَحَا الْوَحَا بَجَهْمَةَ بَاطِلِ سِحْرِ وَكُشَائِشِ كَارِ
 این طلسم را بنویس و خورَد کن و هر روز با قدری اسفند دود کن
 زیر دامن و یا از دود آن بگذر و یا در حمام شسته و بر سر ریز باطل
 شود و کُشائِشِ حَاصِلِ گردد و برای کُشائِشِ کار بسیار موثر است

۱۲۴-۱۶۰	۲۰۶۹-۵۵۰	۷-۴۰-۱۶۰	۴۶۰-۵۴۰	۱۳۰-۱۱۴۰
۴۰۱۸-۱۲۰-۱۱	۰۱۲۸-۱۱۷۰	۲۰۱۳۰-۱۱۳۰	۱۲۰-۱۸۷۰	۱۱۰۲۰-۱۱
۱۳۰۳۸۷۰	۱۱۰۰۷۱۳۰	۰۱۲۰-۱۱۷۰	۱۱۰۱۲۰-۹۱۱۰	۱۸۰-۱۳۰-۷۰
۱۸۰۲۸۰-۱۰	۱۱۲۰-۸۱۷۰	۰۸۱۰-۲۳۳۳۰	۰۱۱۸۷۷۰	۱۱۰۲۰-۱۱
۹۰۱۱۸۱۷۰	۸۱۰۲۳۰-۷۱۱۰	۱۰۱۳۲۰-۷۰	۱۳۰-۵۱۰-۱۰	۱۱۴۰-۸۷۰-۱۱

این نسخه از هفت جلد سلیمان است اگر خواهی زنی را در نظر مردی سیاه



فرقت بين الماء والنار فرقت بين اليهود والنصارى

گردانی که دیگر آن مرد در آن زن نظر نکنند و جلو چشمش مانند دیوسیه
 گردد و با او هم کلام نشود این شکل دیورا که در صفحه قبل دیده
 شد بر سبزه لوح از مس نقش کن آنگاه بر یک قطعه هفتجوش
 سلیمان حاک نموده و بعدا بر لوحی از طلای ناب نقش نموده
 و باز هم بر پارچه که از کفن مرده باقی مانده باشد بنویس و
 لوح طلا را روز جمعه در چاه آبی عمیق انداز و بگو سیاه کردنم
 زائیده فرا در نظر م زائیده م و لوح هفتجوش را در
 فناه آب انداز و باز نیت سیاه کردن کن و پارچه را آورده
 به قبر آورده نموده و سوسنگ را میان پارچه گذارده در قبر
 شهید یا کشته دفن کن و باز نیت سیاه کردن کن و بعد سبزه
 لوح مس را آورده و روی هم گذار و به بند یا نخ سیاه و در
 رودخانه انداز و نیت سیاهی کن اما زنهار که حرام یعنی فعل
 حرام از تو سر نزنند و مبارک بین دو حال را بر هم زنی که لعنت
 خدا و رسول و خلق او بر تو باد و درین هفتاد و دو ملت به
 گردن تو باشد چون حمل تمام شد دستور سیاهی بمثل آرد چنان سیاه
 گردد که دیگر چاره نخواهد داشت و عکس باطل نتواند کرد احضار
 فعلی بی سوراخ از محمد بن سکاکی اگر خواهی کسی را احضار کنی که نزد تو

آید این نسخه نعل شش‌مَلک را روی نعل سوراخ نقش کرده
 و اسم طالب و مطلوب را پشت نعل باین صورت کنده شود

نعل شش‌مَلک

فلان زامیده فلان احضار بطف

فلان زامیده فلان

و اگر برای محبت و احضار

خواهی باید کنده شود

انداخم محبت فر زامیده

فر را بدل و جان و

روح فر زامیده فر

و در وقت در آتش گذاشتن

بگوید یا طالبیوث یا مالمیوث ایاسیده چون در آتش رود سه روز

بگذرد مطلوب سرگردان شود و چون زیاد ناراحت شود خوا^{هد}

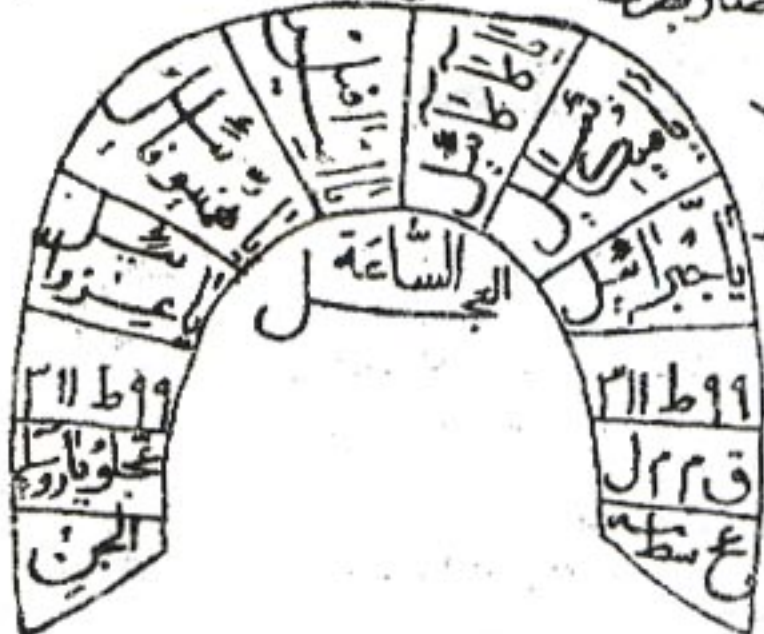
آمد وقتی بیرون آمد بیرون آورد نعل را از آتش سردی و سیاهی

اگر خواهی زنی را در نظر مردی سیاه کنی از گورستان خالی بیاور

از هفت قبر و خشت بزن ساعتی که گذشت این نسخه را روی

آن بنویس با سمرطه بن در گورستان برده و پشت سر را نگاه

کن و پیوسته نیت سردی کن و بگو سرد کردم فلان زامیده فلان را از



فلان زائیده فرم ویر سنک گور زنی بزین تا خورد شود و پشت سر را
 نگاه مکن تا از گورستان بیرون آئی چنان سرد شود که دیگر او را



نه بیند اینست تعریف و
 سردی بیاورد چلوازی از
 کفن مرده و شکل دایره
 ترتیب ده و سوره اذا زلزله
 را وارونه روی آن بنویس
 با اسم هر کس خواهی و آن چلوار

در آب دست خود که شست بشوی و آن آبرو به یک از طرفین ده
 تا بخورد و چلوار را وقت غروب آفتاب در گورستان که کند
 دفن نموده و بگو بریدم بین فرزائیده فرم را و فرزائیده فرم بجو
 ایاک نعبد و ایاک نستعین و سوره بدین ترتیب با نوشته شود

اذا زلزله وارونه

و اسماء طرفین هم در جایگاه اسمها اینطور باید نوشته شود

شَرَابٌ نَبْوَى ذَرَّةٌ مِثْقَالِ يَعْلٍ وَمِنْ بَرِّهِ خَيْرٌ ذَرَّةٌ مِثْقَالِ بَعْلِ
 أَعْمَالِهِمْ لَبِؤُا أَشْنَانَا بُصْدَرِ النَّاسِ يُؤَمِّدُ أَوْحَى لَهُابَانَ رَبِّكَ
 أَخْبَارَهَا مُحَدِّثٌ يُؤَمِّدُ مَالَهَا الْإِنْسَانُ وَقَالَ اتَّقَالَهَا الْأَرْضُ وَالْحَبْزُ زَاوَالَهَا

الأرض زلزلیت اذا سرد شود و فرزائیده فلان از فرم زائیده فرم

و جعلنا من بین ایدیه سدا و من خلفهم سدا فاغشیاهم وهم لا یبصرون

ایضاً بجهت تفریب و سردی اگر خواهی مردی را از زنی سرد کنی و بین ایشان
 عداوت و دشمنی آفند سوره اذ از لزله را بصورت وارونه مقطع روی دایره
 از چلوار بنویس و در گورستان در قبر کشته یا شهیدی دفن کن
 و یا در خانه آن زن مدفون ساز طویل نکشد که بین آنها دشمنی و عداوت
 آفند

اذ از لزله وارونه صرف مقطع

ه ری ار شه ر ذ ل ا ق ث م ل م ع ی ن م و +
 ه ری اری خ ع ر ذ ل ا ق ث م ل م ع ی ن م ف +
 م ه ل ا م ع ا ا وری ل ا ت ا ت ش ا س ا ن ل ا ر د ص ی
 ذ ع م و ی + ا ه ل ی ح و ا ک ب ر ن ا ب + ا ه ر ا ب خ
 ا ت د ح ت ذ ع م و ی + ا ه ل ا م ن ا س ن ا ل ا ل
 ا ق + ل ا ه ل ا ق ث ا م ر ا ل ا ت ج ر خ ا و ا ه ل ا ز
 ل ذ م ر ا ل ا ت ل ز ل ز ا ذ ا م ه م ه
 م ه م ه ف ر ق ب ی ن ف ل ا ن ز ا م ی د ه ف ل ا ن
 ف ل ا ن ز ا م ی د ه ف ل ا ن س ر د ک ر د م آ و ا ر ه ک ر د م
 ف ز ا م ی د ه ف ز ا ز ف م ز ا م ی د ه ف م
 ا ج ه ذ ظ

این دایره در هر مکان دفن شود همه آواره و تفرقه و پراکنده گردند

اگر خواهی سفر نمود اگر کسی قصد مسافرت داشته باشد و خواهی که سفرش

این پنجس را بر روی هفت و لو ارادوا الخروج لا عدوا له

جبرائیل

جوش یا الله جوش نفس قول

عذرة ولكن كره ان يمشي
ميكسك ابيها نهم

	ب	د	و	ح
		ح	و	د
	ب	د	و	ح
		ح	و	د
	ب	د	و	ح

نموده و در کنار جوی رها

خانه او دفن کن و

یا بر کاغذ نوشته

در خانه او مدفون تمام

و یا در محل منج طولی

او دفن کن و بگو افتد

جبرائیل

البته آنکس از مسافرت پشیمان نشود و از مسافرت دل بر کند

بابُ الحُبِّ والعشق اگر خواهی کسی با تو محبت پیدا کند و از عشق تو

بپسار گردد بنویس این کلمات بر سفال آب ندیده در

آتش انداز و بگو سوختم دل و جان فلان زائده فلان را به محبت

فلان زائده فلان اینست ۹۶۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱

☆ ۱۱۲ ۹۹۹۹ ۳۳۳۳ ۹۹۹۹ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۶۶۶۶ ۸۸۸۸ ۸۸۹۴

۸۸۶۳۱۱۶۱۱ ۸۸۳۶۳۱۱۶۱۱ ۸۸۵۸۶۱۱۶۱۱ سوختم دل و جان نم ایضا الحقیقی الحقیقی الساعة

مسافرت نمود

اندرضا رو کشته سفال

احضار آتشی چون خواهی کسی را حاضر کنی این طلسم را روی پارچه

کاغذ بنویس و صبح و ظهر
و غروب با هفت دانه قند سیاه
در آتش دفن کن حاضر گردد و
اگر بر کاغذ نوشته بسوزانی
حاضر شود و اگر بر سفال آب
نویسی و در آتش مدفون

ک	۱۰	ع	۱۰	۶
ن	ع	و	ع	ن
ک	ع	ع	ع	ک
ک	ع	ع	ع	ک
ک	ع	ع	ع	ک

نمائی همان اثر را دارد و اگر بر چالچکر نهند کوه را در راه آه
چلوار نویسی و بصورت قلیله احضار فر زائده ۴ بجایه فر زائده فر
باروغن جوانی بسوزانی مؤثر است و اگر برکت گو سفید نویسی و
بسوزانی حاضر شود اگر بر سنگ سفید نویسی و در آتش اندازی
مؤثر است احضار و محبت بنویس این اشکال را بر کاغذ و یا
بپزه مرغ سفید و در آتش دفن کن تا حواری بدو رسد و با کاغذ
را بسوزان بسیار مؤثر و تجویبه شده بارها اینست عزمه
عزمت علیکم یا بنات المیس و ثنا طیفور شر بنی ابلیس
محق هذه النعمه ۹۹۹ ددوق که هر هر حاضر گردد فر زائده فر

بخت گشای دخنران بنویس بر کاغذ و با آتش بسوزان خواستگار پیدا
 شود و یا بر سفال نوشته در آتش مدفون نما مؤثر است اینست
 ثنا ثنا ضلیم طح مطراه مژ مژ اسلسامروه الغنا ثورس یا فوه
 الملو ش هوش لناش طهر اش خاش خلیشاه جلیشاه کان هاه
 داه اندباه سبکاه مه سباح العجل الساعه الحرق اجیبوا الوحا
 مقابل شدن با کسی اگر خواهی با کسی مقابل گردی و با او حاجتی داری
 و میخواهی با تو علاقه بهم رساند این اشکال را نوشته و با آتش سو
 با ذغال بسوزان که خاکسترش بدست آید و آنرا بجوشان ساعتی
 و یاب ده و نزد او بر و که با تو سخن نگوید مگر با خوبی و در نظرش
 عزیز و محترم گردی اینست عها ۱۷۷۱ ق لخواه صحر ۱۱۵ م
 وه وه لیلو وه صحن لیلو ده ده وه وه حاصله
 سی سه علمها ک عظام د د د ا ث ل ۱۱۸ ع
 احضار محبت بر سفال یا کاغذ نوشته و در آتش انداز مؤثر است
 و بارها به تجربه رسیده اینست یا طالیوس
یا مالیوس آیا سیداه احضار فرزایده فر محبت فرزایده فر

بجهت رام شدن مطلوب اگر خواهی که محبوب با تو رام گردد و مطیع شود

حی	ق	یوم	مالک
ملاک	۵۷	۹۹	واحد
۱۰۲	۲۰	۸۹	۵۴
محبت	۸۸	۲۱	مهرمون

و با معاشرت با تو میل کند در ساعت
سعد این مربع را بنویس و شسته
و به مطلوب ده تا بخورد مطیع شود و
در حلقه فرمان تو در آید و مستخر گردد

بجهت گشایش کار و فتح مهمات این بخش را اگر روی طلا کنی و همراه

الذکر	الصافی	الذکر	الصافی
الذکر	الصافی	الذکر	الصافی
الذکر	الصافی	الذکر	الصافی
الذکر	الصافی	الذکر	الصافی

نگاه دارید بسیار مؤثر است و برای زیاد
شدن روزی و فتح در زندگی تأثیر زیاد دارد
و اگر بر کاغذ نویسی با اسم خلق نیکوست و
هر کس همراه داشته باشد کار او رونق گیرد و

مردم با او مهربان شوند و ابواب برزق بر روی گشاده گردد از بلاها مصون ماند

الغلاب	الغلاب	الغلاب	الغلاب
الغلاب	الغلاب	الغلاب	الغلاب
الغلاب	الغلاب	الغلاب	الغلاب
الغلاب	الغلاب	الغلاب	الغلاب

بجهت عزیز شدن و گشایش زندگی
اگر کاری بچیده باشد و از سایر
افران و دروسان و بستگان
عقب باشد این بخش را روی

طلا و یا هفت جوشن یا سده جوشن طلا نقره مس نقش نموده همراه کنه کارش بالا گیرد

جمعة بستین شهوت مرد اگر خواهی که شهوة سردی را بر روی تمام
 زنهایی عالمه بینی که دیگر قادر باشند با زنان نباشد و از هیچ

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم صل على محمد وآل محمد
 قل هو الله احد
 قل يا ايها الكافرون
 قل اعوذ برب الفلق
 ماه ۲۲ ۲۲ ۵ ح و س
 ک مع ل ک ماه ص م ل
 ط و س ق ۹۹ ۹۹ ۴۴

۶	۷	۴	۷	و	۴	۵	۸
۵	۹	۶	۶	و	۴	۵	۸
۵ ۴ ع م س یا اجزیا بیل یا احمیا بیل				۵ ۴ ط م س یا احمیا بیل یا احمیا بیل			

نام فلان زاده فلان بحق هذه الاسماء
 المباركة ۲۲ ۶۸ ۸۶ صوه كالعاه آه

طبیعی باز نشود و مرد
 نفاشته باشد ابتدا
 باید بیست مثقال برنج
 و معادل برنج طلا و
 و هموزن طلا نقره را
 در بوتۀ زرگری آب کنی
 و این سه فلز باید مساوی
 باشد و بصورت شمش
 در آوری و پهن نمائی
 و هفت لوح باین شکل
 که در این صفحه نقش شده
 در آوری و صور ترا با آیات
 روی آن لوحها نقش نمائی
 در ساعت عطار د که مرغ
 بشری نزدیک و تحت الشعاع

و فنی لوحها تمام شد به اوری روده گوسفند سیاه و هفت قطعه زده
 و هر قطعه را بربیک لوح گره زده و بگوئی بستم ذکر فلان زاده
 فلان را برفج تمام زنهاى عالم بختی ایاک نصیب و ایاک نشین
 و لوحها که با روده ها بسته شد طالب باید در روز جمعه اول ماه
 با دست خود لوحها را در چاه آب یا فناة اندازد و بگوید یا طالیوث
 و بعداً تا چند روز کارهای دیگر را انجام دهد چنان بسته نشود
 که با هیچ زن هم بستر نشود شیخ بزرگ سگا که فرماید که هیچ
 بستن بهتر از این نباشد و باطل نشود مگر پوست سیر و پوست

ی	م	ک	ق	ث
۵۹۹	۴۰۵	۹۷۰	۳۰۲	۹۹۹
ط	ملا	سعا	ملا	مها
دد	لناه	ب	داه	مع
لا	ن	ب	ب	ه
س	م	۵۰	ه	۱۲۹

پس از پوست سجد و ریشه بید
 مجنون را چهل روز بخورد کند چفته
 بستن شهوت مرد اگر خواهی مرد
 را بروی تمام زنها به بندی که
 گشوده نشود مگر با اراده تو این

مخس را روی لوحی از طلا نقش نموده و نام مطلوب را پشت طلسم
 کنده و کنار گوردستان یا کنار جوی آبی مدفون ساز و این طلسم
 را روی تنم مرغی نوشته و در پای درخت سیب دفن کن مؤثر است

طلسم اینست نغلیام نغشیاه لینیاهولاً نغشیانغشیاجق هذه الطلسم

نغشیاه یاغشیاه اه اه اه اناناه اه اه اه هولاه لادنیادامیاه هوهاو بسم بسم

بسم بسم باد ذکر فرزائیده فر را برفج تمام ز نهایی عالم احضار و محبة

اگر خواهی کسی را حاضر کنی که با تو محبة داشته باشد این اشکارا بر

قطعه کاغذ نوشته و با هفت فلفل بسوزان اینست ع ۱۱۱۷۷۱

ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱

ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱ ع ۱۱۱۷۷۱

سوختم دل و جان و شهوة فرزائیده فر را بخت فر زائیده فر بحق الملك

الموكيل عليكم الطائعين لامره قهط لطيفيل احل الحواج

این عزمیه را بر موی سر مطلوب بخوان و بسوزان مؤثر است بحق

کاکائیل و بنت ابلیس و ذوب بعد الطیار و همه دیوان و بحق هذه

الكلام العجب الساعة حاضر شود فلان زائیده فلان بخت و سحر

فلان زاده فلان الساعة الساعة الحرق الحرق الحرق

احضار رحمة بر سنك سفید نوشته و در آتش انداز با اسم طرفین

احرق قلب فرزائیده فر علاج فرزائیده فر العجل العجل العجل العجل العجل العجل

جهته لخصار اگر خواهی حاضر گردانے کسی را این عزائم را بر بعضی مرغ سیاه
 نوشته و در آتش دفن کن اینست غزمت تجلیکم کویا من بویا من یا
 قور سواسلس احیر یا من یا فتح یا سمح بویا من عیتج لوضی اس
 برید احرقه و حرکت ولینت و سخرت قلب و لسان و عیو و شهو
 فرزائید من علی محبت و عشق و هوس و وسوسه و قبول قول فرزند
 قودوش و صوب بسمور تسو و صوقلی طهه سه مرق لهورا سا بحکم
 علی کوه حج مکر یکا بردشت دح حج بک ول سر سر کوه
 هر حک سطریم سلکم سد هندان جاد سلنا العجل

۷۲۴	۷۲۷	۷۲۳	
۷۲۹	۷۱۸	۷۲۳	۷۲۸
۷۱۹	۷۲۸	۷۲۵	۷۲۲
۲۶	۷۲۱	۷۲۰	۷۳۱

جهت محبت صد و یک و یا هزار و یک بار بر شیرینی
 بخوان و بخورد مطلوب ده ما یفعل الله بعدا بکم
 ان شکرتم و آمنتم و کان الله شاکرا علیما

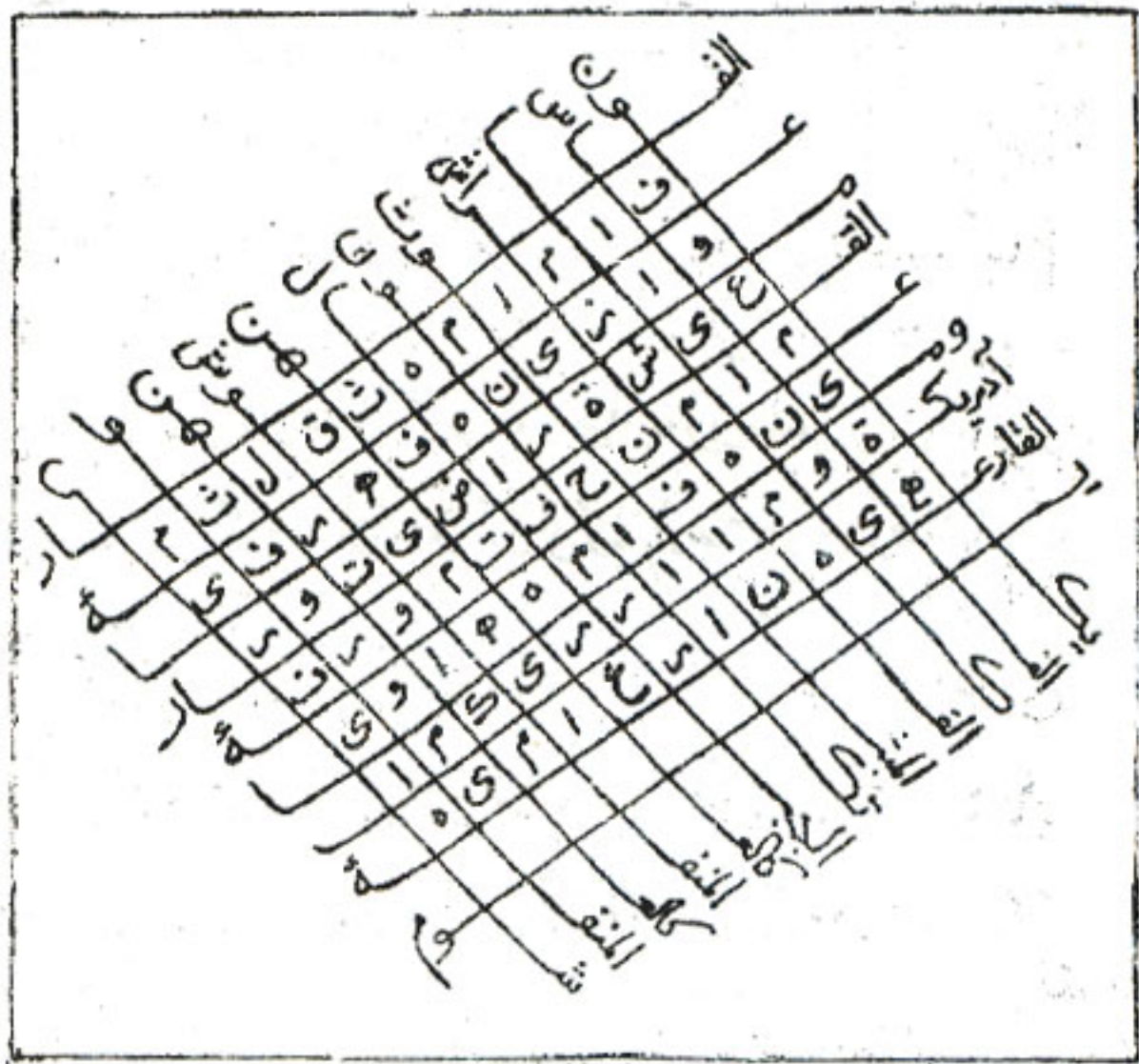
جهت محبت هزار و یک بار بر شیرینی بخوان و بدهد مطلوب بخورد مطیع گردد
 و القیت علیک محبت منی و لئصنع علی عینی یا رفت عا ییل جوق یا
 بدوح یا غر یا ییل بجهت احضار اگر خواهی کسی را احضار کن که با
 محبت به نزد تو آید و هیچکس جلوی او را نتواند بگیرد این
 شکر را بر نعل اسب نقش نموده در آتش کند وقتی که سبک سعد باشد

احضار و محبت اگر بکسی علاقه داری و میخواهی بنزد تو آید و آرام و
قرار داشته باشد، طلسم صغیه قبل از روی چهار پاره هفتجش
نقش نموده در ساعت سعد و یک راد در باد بیاویز و یکی راد در آب
انداخته و یک راد در خاک دفن کن و یک راد در آتش گذار البته
حاضر شود بنزد تو با محبت و اما اگر روی چهار قطعه مس نقش کنی
و روزی یک راد در آتش گذاری مؤثر است و اگر بر چهار پاره
کاغذ نوشته و یک راد در گل گیری و در آتش دفن کنی و یک راد در آب
اندازی و یک راد در باد بیاویزی و یک راد در خاک دفن کنی مؤثر است
و اگر روی چهار قطعه سفال نوشته در آتش اندازی هر روز یک ،
برای محبت نیکوست و اگر روی پاره از پوست آهو نوشته باسم
تمام مخلوق و همراه کنی همه مردم با تو دوست شوند و زبان خلق بروی
تو بسته گردد و اگر روی لوحی از طلا یا نایب نقش کرده و همراه ^{باشد} تو همه
مؤمنان با تو بچو شدند و تو را عزیز دارند و از حرف تو بیرون نروند
محبت سدید بر سفال آب ندیده نوشته باسم لطف در آتش اندازد
و یا روی کاغذ نوشته عز شب ، شبی یک را با ۷ دانه میخک در آتش انداز

سیاه کردن و جدائی بزرگ اگر خواهی که زنی را از چشم تمام مردهای
 دنیا بپندازی و یا اگر زنی هو و داشته باشد که اسباب ازیت
 و ایدای او را فراهم کرده باشد و ظالم باشد و بخواد که آن زن
 از نظر شوهرش بیفتد طریقه عمل چنین است ابتدا باید چهل
 قطعه هفتجوش سلیمان بسازد و سوره القارعه را بصورتی که نوشته
 میشود روی آن چهل لوح نقش در ساعتی که زهر نزدیک آفتاب
 باشد و اسم زن و مرد را نقش نماید و هر روز یکی را با سر که جوشا^{نده}
 یا در خانه آن زن بپاشد و در آب روان ریزد و بگوید سیاه کردم فر
 زاده فر را در نظر فر زائیده فر و همان روز طلسم را در کفن مرده
 بچسبید و در گورستان دفن کند و یا با دست خود در قنای یا چاه آب
 عمیق اندازد و باز همان نیت کند روز چهارم که عمل تمام شد آن زن
 از نظر آن مرد خواهد افتاد و ترک هم را خواهند نمود و اگر خواهی
 بین دو نفر کدوره و دشمنی افتد بنویس بر کفن میت و با پیسه گاو
 سیاه و ناخن دست میمون ماده و در مقبره قدیم دفن کن و بگو

بدارم فلان زائیده فلان را از فلان زائیده فلان بحق ایاه و بعد و ایاه
 نسیب

و اگر بر کاغذ آبی نویسی و در حقه گلی گذارده و در گوشه آن که منتهی
 نماز برای دشمن و عداوت مؤثر است و اگر بر دوپاره انجامه
 طرفین نوشته زیر سنک نهی مجربست زینهار که بین دو حلال
 نکتی که آتش جهنم بر تو مبارک است و گناه کبیره کرده و توبه
 تو قبول نخواهد شد وقت نوشتن باید که پشت بر قبله باشد



بجهت تجیب خلق مربع وانه بحب الخیر
 لشدید برای محبت خلق وگشایش
 کار و زیاده روزی و پیشرفت
 کارها مؤثر است روی مس یا طلا
 و یا بقره و برنج باید کنده شود و هو را

وانه	الحب	الحب	التشدید
الحب	وانه	التشدید	الحب
التشدید	الحب	وانه	الحب
التشدید	الحب	الحب	وانه

نگاهدارد همه باو الفت و دوستی پیدا کنند و در نزد مخلوق محترم گردد

مسافرت نرود اگر خواهی کسی مسافرت نرود این شکر نوشته

روی کاغذ و در خانه او دفن کن از زفتن پشیمان گردد
 و اگر بنویسی روی کاغذ وزیر سنک گران گذاری منصرف
 گردد تجیب خلقی

لا اله الا الله محمد رسول الله
 مسافرت نرود
 فلان زاشیده
 فلان

اگر خواهی حرف تو افضل باشد علامه

این آیه را بر پوست آهو نوشته باز عفان و کلاب و همیشه نگاهدار
 بسیار مؤثر است و الف بینهم و بین قلوبهم لو انفقتمانی
 الارض جمیعاً ما الفت بینهم و لکن الله الف بینهم ان الله عزیز الحکیم

بستن شهوت مرد اگر خواهی که شهوة مردی را بپندی که باز نشود مگر

۲	ت	داه	ع	ا
ح	وا	ع	ص	ق
جنا	۲۲	وو	ملا	۲۱
لا	ح	و	ث	۴۰
نکو	ش	ر	و	۳۵
المط	ما	لناه	آخ	ح

بدست تو وارده تو این طلسم را روی
چهار جوش کنده در ساعت اول آفتاب
روز جمعه و ابریشم هفت رنگ را باید
بنای و بگرشته کنی و در چهار جوش
گیر بزنی گیر اول را که شروع کردی بگو

بسم شهوة فلان زائده فلان را بروی تمام زندهای عالم و بهمین ترتیب
هفت گیر مینویس و نیت میکنی وقتی عمل تمام شد هفت مرتبه میگوئی یا عمائم
بن سعید و سعید می طلسم آنکاه طلسم را کنار گوشان کهنه بیا در
مقبره قدیمی دفن میکنی چنان بسته گردد که هرگز باز نشود مگر پوست
بید و راز باند و پوست سنجید و ریش با آدام را با این اسم دور کنی
اسم و طلسم دور کردنی اینست یا الياغوة يا جينا اليوة باز کردم فر زائده فر را
ع ۷ ۱۱۱ و ۱۹ ۱۱۱ ع ۱۱۱ م ۱۱۱ ف ۱۱۱ س ۱۱۱ با باز
اگر کسی دوست داشته باشد اگر کسی بخندد یا بگرید و یا فکر و یا وسوسه بسیار کند
نشسته همراه کند بسم الله الرحمن الرحيم لهواه لهواه لهواه سوا اللهم راه
س لا الرحيم اصبا و ث آل شدی بر حمتك يا ارحم الراحمين

اگر خواهی با سرد از دواج مناز هفت لوح هفت بوش ریخته و این شکل در ساعت سجد
روی آنها نقش نموده و هر روز یکی را در آتش گذاشته روز اول باید چهارشنبه



باشد و هر کدام را که در آتش
دقن نمودی باید بگوئی سوختم
دل و جان و شهوة و فز زاره
فم از دواج نماید با من زاده
اگر خواهی بجهت مری را جلجلی کن
این شکل را روی سه بوش
طلا نقره مس مساوی نقش
نموده سه روز با نفل و صد که

و گلاب بوشانید و بعد سه روز در آتش گردو بماند و اسیر طریقین باید نقش شود
و اگر خواهی به نزد شخصی روی و با او کاری داری و خواهی هر چه گوئی
حرف تو را قبول کند روی کاغذ نوشته با هفت دانه فلفل سیاه با سحر او
بسوزان اگر خواهی زبان تمام خلق بزوی تو بسته باشد همین شکل را روی
لوحی از طلا نقش نموده و همیشه همراه نگاهدار و اگر روی چهار بوش
طلا نقره مس برنج نقش نموده همراه کنی با سحر خلق مردم با تو دوست
گردد

از درواج کردن اگر خواهی از درواج نمائی با شخصی و خواهی که آن در
تورا بهم سری قبول کند و تمام مؤانج بر طرف شود و کسان آن در
تو به پستندند و زبان کسان او بسته شود و آنچه گوئی قبول کند
و همیشه تا آخر عمر از تو دست نکشد و مطیع تو گردد و قلب آن در را
تسخیر نمائی طریق عمل چنین است ابتدا چهل و یک قطعه ^{مس} را شکل
دایره و بشکل شتاب ترتیب دهی که چهل عدد مس و یکی هفت جوش
سلیمانی باشد و حکاک بیاوری و لوح صفحۀ مقابل را روی یکایک
آنها نقش نمائی حکاک باید پاک و در تمام ساعات که مشغول کار است
شیرین گام باشد و با کسی سخن نگویی و قی که حکاک مشغول
کار میشود باید ساعت سعد بوده باشد که در برج آتشی و زهره
نزدیک به برج خالک و مریخ نزدیک عطارد و قی که تمام ^{جها}
تمام شد لوح هفت جوش را با اسم مطلوب در آتشی که از خوب
مؤ باشد گذاشته و چهل شتاب دیگر را چهار قسمت نموده و در
چهار چاه یا برکه و یا بید و یا فئات انداخته و بگوید یا صلاب الزمان
بعد از آن سماء سلیمان را با طلماس جوشانند و فیلد بلفیس را شب ^{بسموزند}

ساعات نوشتن اذعیه

مشرقی	زحل	عطارد	شمس	قمر	مریخ	زهره
دوستی	دشمنی علاوت	زبان بند	باطل سخن <small>حجاب</small>	باطل سخن	شفا بیمار نوشتن دعا	دعا توسید
✕	ساعات در ایام هفته روزها					✕
شنبه	اول روز زحل نیم چاشت نماز ظهر زهره میاد و نماز مریخ نماز دیگر عطارد آخر روز شمس					
یکشنبه	اول روز شمس نیم چاشت نزدیک ظهر عطارد قمر میاد و نماز زحل نماز دیگر مریخ آخر روز					
دوشنبه	اول قمر نیم چاشت ظهر مریخ میان دو نماز ظهر نماز دیگر شمس آخر روز عطارد					
سه شنبه	اول مریخ نیم چاشت زهره ظهر زحل میان دو نماز شتری نماز دیگر عطارد آخر روز شمس					
چهارشنبه	اول عطارد نیم چاشت نزدیک ظهر زحل ظهر شتری میاد و نماز مریخ نماز دیگر شمس آخر روز زهره					
پنجشنبه	اول شتری نیم چاشت مریخ نزدیک ظهر شمس عطارد میاد و نماز زهره دیگر آخر روز زحل					
جمعه	اول زهره نیم چاشت مریخ ظهر قمر میاد و نماز زحل نماز دیگر شتر آخر روز شمس					
ساعات	شرف شمس در سال ۲۱ ساعت است و باید رجوع شود به تقویم تازه نجومی مصباح					

ساعات در ایام ماه رهدها

مَحَبَّتْ وَعَشَقْ وَتَسْخِيرِ الْقُلُوبِ وَازْوَاجِ	رهد اول ماه
زَبَانِ بِنْدِ بَسْتَرِ شَهْوَةِ مَرْدَانِ وَخَوَابِ بِنْدِ	رهد دوم ماه
جِدَائِ سِرْدِي كُدُورَةِ وَدُشْمَنِ وَتَخْرِبِ آوَارِگِ	رهد سوم ماه

توضیحات اینک حضرت اب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱	تعداد روزهای هر ماه ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
--	--

ا ب ج د	ه و ز	ح ط ی ک ل م ن
۱ ۲ ۳ ۴	۵ ۶ ۷	۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

س ع ف ص	ق ر ش ت	ث خ ز
۶ ۷ ۸ ۹	۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳	۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

ص ظ غ	لَا يَلْمُ الْغَيْبُ الْاِلهُ
۱ ۲ ۳	

بسیست و چهار ساعت آخر هر ماه برای تخریب بسیار مؤثر است

این لوح همراه هر کس باشد روزی اوزیاری گردد و ماه را باید همراه بد و نظر افکند	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
	۱۲۷	۸۷	۱۳۷	۳۰۱ ج
	۷۲	۷۸	۱۱۷	۱۱۸
	۴۳	۷۸	۲۷	۲۹
	۶۱	۹۸	۹۱	۶۲

بجمله کسی که از هوش رور بالر کسی از هوش رور و کف بر دهان آورد این تعویذ

با خوردن گاه دارد شفا یابد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الْکَافِیِ بِسْمِ اللّٰهِ الْمَعْفِیِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا یَضُرُّ مَعَ اِسْمِ شَیْءٍ

فِی الْاَرْضِ وَفِی السَّمٰوٰتِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ اِنَّهُ مِنْ سُلَیْمٰنَ وَ اِنَّهُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَا تَعْلُوْا عَلٰی وَاَتُوْنِ مُسْلِمِیْنَ

برحمتك يا ارحم الراحمین کسی که در پیاوران پیدا کند این تعویذ را

همیشه با خوردن گاه دارد آهتیا شراهتیا ازونی اصباوث آل

شدای و اِنَّهُ مِنْ سُلَیْمٰنَ وَ اِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَا

تَعْلُوْا عَلٰی وَاَتُوْنِ مُسْلِمِیْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

بجمله کسی که در شام رهد و هذیان گوید این تعویذ را نوشته با کلاب زعفران

و همراه کند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قَدَّوْسٌ قَدَّوْسٌ قَدَّوْسٌ نَبُوْسٌ

بدره هو هو هو هو س با جمهوری یا جبرائیل یا میکائیل یا اسرافیل

یا عزرائیل یا خضر الیاس ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴

بجمله در ده نوشته در مو بگیرد در کوزه اندازد از آن آب بخورد و تعویذ را

همراه نگاهدار بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مَنْ مَن هَدَىٰ دَارًا
وَبُرُوًّا سَمِ مَوْسَىٰ بِحَبْتِ مَحْتِ صَاحِبِ رَطْوِ دَارِ لَا اِلٰهَ اِلَّا ۱۱ ۱۱ ۱۱

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ) اگر میان زن و شوهری کدورت باشد باید
یازده روز اسفند دود کند و این تعویذ نوشته و در موسم گیرد و از آن
آب زن و شوهر بخورند و تعویذ را در خوا بگاہ خود پنهان کنند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ لِاِحْوَالِ وَا لِاِقْوَةِ اِلٰهٍ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ
الْعَظِیْمِ یَجِبُوْنَہُمْ کِتَابُ اللّٰهِ وَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا شَدْحَبًا لِلّٰهِ فَاِنْ
تَوَلَّوْا فَعَلٰی حَبِی اللّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ

یا حَبِی یا قِیَوْمِ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ بجهت ملاندن فرزند
آرزنی فرزندش نماید این تعویذ را نوشته همراه نگاهدار

حامله شود و دیگر فرزندش تلف نشود بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
ہر ہماذونے للاکامم الا و مطر اللہ لا الہ الا هو الحق القیوم اہتیا

شَہِیًّا اَصْبَاوُثَ اَلْشَّجَاۃِ اِنَّہٗ مِنْ سُلَیْمٰنَ وَ اِنَّہٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ مَوْذَلْکَ کَوْمَکَ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ اَضَارَ

برغک شفاف چهارمک را نوشته باسم طالب و مطلوب و در آتش اندازد

مَرِجٌ فَيَكْفِيكُمْهُمُ اللَّهُ

خَوَاصِ مَرِجٍ فَسَيَكْفِيكُمْ

اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بِرَّاءِ دَفْعِ أَعْدَاءِ وَ

غَلَبِ بَرْدِ شَمَنِ وَمُظْفِرِ

وَمَنْصُورِ بُوْدُنٍ وَفَتْحِ

خَوَاصِ اللَّهِ لَطِيفِ

بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ بِجَهَّتِ

كُشَائِشِ كَارِ وَوَسْعَتِ

رِزْقِ وَرُوزِي وَبِشَفَتِ

أُمُورِ زَنْدِكِ وَغَزِيْرِ بُوْدُنِ

بِجَهَّتِ مُطَبَّعِ شُدُنِ مَطْلُوبِ

أَيْنِ مَرِجٍ رَا رُويِ كَاغِذِ نُوْشْتِهٖ بِاسْمِ مَطْلُوبِ

وَمَادِرِ أَوْ وَطَالِغِ مَادِرِ أَوْ هَرِ نِگَاهْدَارِ وَيَا بَا

يَدَانِهٖ فَلَغْلِ سِيَاهِ دَمِ آتَشِ بِسُوزَانِ وَيَا رُويِ

قَطْعِهٖ أَرْسِيْنِ نَفْشِ نَمُوْدِهٖ دَمِ آتَشِ

بِنَهَانِ كُنْ كِهٖ اَلْبَسْتِهٖ بَزْدِ تُوْأَيْدِ نَابِجَهَّتِهٖ

فَيَكْفِيكُمْهُمُ اللَّهُ وَهُوَ	السَّمِيعُ	الْعَلِيمُ	
٣٢٥	٢١١	١٨١	
٢١٢	٣٢٦	١٨٠	
١٧٩	٨٥	٢٠٩	
٨٤	١٧٨	٣٢٨	

مَرِجِ اللَّهِ لَطِيفِ

اللَّهُ	لَطِيفُ	بِعِبَادِهِ	يَرْزُقُ
٨٥	٣١٦	٦٧	١٢٨
٣١٥	٨٢	١٣١	٦٨
١٣٠	٦٩	٣١٤	٨٣

بِجَهَّتِ مُطَبَّعِ شُدُنِ مَطْلُوبِ

٣	١	٤	>
٥	ل	م	١
و	١	ل	ع
١	ل	د	ع

مَحَبَّةٔ وَزبان بند خلقی شرح

ه	و	ز	ح	ط	ث	د	ر	زبان بند خلقی شرح
رج	ب	س	م	ع	ا	م	ا	این شکل استیاری والد
نم	س	ا	ا	ا	ا	ا	ا	و خواص آن زیاد مح
نمون	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	است برای محبوب
لنا	س	ا	ا	ا	ا	ا	ا	القلوب خلق و بدی
روه	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	گشایش کنار و غف
و	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	زیاد شدن روزی اص
و	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	و محبت مطلوب و

مخفوظ بودن از بلا یا اگر کسی این شکل را روی طلا نشتر کند
 و همراه نگاه دارد نزد بزرگان قوم و حاکم و صاحبان
 دولت و عزت بلند مرتبه گردد و حرمت او را نگاه دارند
 و اگر همان لوح طلا را به نیت محبت و زبان بند آب زند
 و بمطلوب دهد تا بخورد مطیع او گردد و اگر آب بنزد ا
 مرتبه و آن آب را در جاشیکه سحر کرده باشند بیاشد تمام
 آن سحرها باطل شود و اگر برای شخصی جادو کرده باشند ا
 بار آب زده و بصورت زده و قدری بیاشد جادو باطل گردد

جَدَائُ وَ سَرْدِي اِيْن مَرْتَبِع رَاجِحَةٌ جَدَائُ وَ سَرْدِي رَوِي وَ صِلَةٌ

الشدید	الضعیف	المبین	السمعی
الضعیف	الشدید	السمعی	المبین
المبین	السمعی	الشدید	الضعیف
السمعی	المبین	الضعیف	الشدید

از مِسِّ حَك نموده با سمر طرفین
 و در گوردستان کهنه دفن شود
 و اگر سیراه طرفین مدفون گردد
 جدائ و گدوره افتد مؤثر است

و اگر بر کاغذ نویسی همان خاصیت را دارد و اگر دو صورت بسازی از ^{ارضه}

و در سینه آنها گذاری با سَمِ طَرَفِیْن نیکوست و در مقبره کهنه دفن نما

زبان بند بیاورد آ ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه و لا

ی و یحیی یا جارا و کان بحق الیوم تخم علی افواههم و تکلمنا ایدم

و تشهد از جلهم بما کانوا یکینون

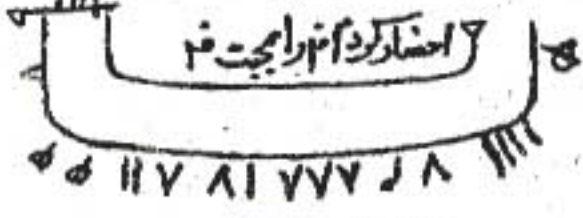
مرسه باسم هذا الیوم لا ینطقون و لا لهم یوزنون لهم ینفنون

ویل یومئذ لیکذبین منکم بکرمی فیهم لا یتکلمون باسم بسته باد و

بسته گردانیدم کام و زبان و علق و کلو و زبان و سر تا پا و ناخن و تمام اعضا

فلان زائده فلان راجح لا اله الا الله محمد رسول الله عليا و آل الله

بجته احضار و محبت بر نعل اسب كنده و در آتش گذارد مؤتدا



و اگر بر و صلیه از مس كنده شود
و در آتش كند بسیار نافع است و
حاضر شود
احضار و محبت اگر خواهی کسی را



حاضر گردانی بیاور نعل اسب
و این شکل را روی آن حاك كن
باسم طرین و در آتش دقن نموده

حاضر شود و دی آرام نگیرد و نعل را با شیرینی و چربی آلوده کن



احضار و محبت مطلوب اگر خواهی
کسرا احضار نمائی این شکلا
روی نعل بے سوراخ حاك
نموده و باسم طالب و مطلوب
در آتش گذارد بسیار مؤتدا
و بارها بتجربه رسیده است

احضار مطلوب اگر خواهی کسی به نزد خود حاضر گردانی که میانہ او باتو
خوب و نیکو گردد بیا ورتخمس مرغ سیاہ و بنویس این عزام را
بر بیضه مرغ و در خیز کند آگیرد آتش دفن کن و در روز
شنبه ساعست سعد اختیار کن مجربست و بدست نا اهل مدہ و
اینست عزمت علیکم یا اصحاب السحر و الوساوس من جنود
ابلیس و لا سعد الدسه اما انا استلکم حرقت قلبی فزائیده فز
علی الخب فزائیده فز من قلبها و الرج فی رحلها و النار بحق
طاموس سار هوس سپهوس و باسم الذی بالموکل علیهم حییا
مطوس و بقی نفس خاتم ہیجت قلبی فز علی الخب فز هییا هییا هییا
دوست و محبت برای محبت کسی بنویس این کلمات را بر روی شکم
خورد و با مطلوب حرف بزن باتو الفت پیدا کند و تو را دوست گیرد
اینست ۴۴۴ طلع ۴۴۴ ۱۰ مومه ۴۴۴
احضار بنویس بر شانہ گو سفند و در آتش بسوزان مجربست
۱۹۱۱ م ن لب ۱۱۱ ۲ ط م ۱۱۱ ۵ ع ع و و س ۲۲۲
ن ع و و س ۱۱۱ ع ۱۱۱ سح ۱۱۱ احضار کردم فزاره فزاره فزاره فزاره

تفریق بخند اگر خواهی که بین دو نفر جدا افتد و از یکدیگر سرد شوند
 از زیر قدم هر دو خاک بردار و هفت مرتبه سوره اذ انزل له را
 بر آن خاک بخوان و در آب روان ریخته و بگو خدا کردم سرد
 کرد دل فر را از فر و دل فر را از فر ایضا جهت بغض و سردی هفت مرتبه
 این آیه را بر شیرینی بخوان و به هر دو طرف و یا بکطرفی دره تا بخورد
 از هم سرد و جدا شوند اینست وَالْقِيَامَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ
 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَقْتَدَا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسُونَ فِي
 الْأَرْضِ فَسَادًا أَوَّلَهُ لَا يُحِبُّ الْمُنْكَرِينَ (بزیس برای محبت و زبان بندگی)

این شکل را بر کف دست راست نوشته و با مطلوب سخن گوید
 احضار مطلوب این اعداد را نوشته با اسم مطلوب و هر شب یکبار

بسیوزاند حاضر شود ۲۱۲ ۸۲ ۸۲ ۲۱۲ ۲۱۲ ۱۹۱ ۲۱ ۱۱ ۲

۱۸ ۲۱۲ ۱۳۰ ۲۱ ۷۲ ۲۸۲۸ در ۴ ال ۶ ۷۲

۴۲۱۲ ۱۱۲ ۱۱۱ ۵ ۳۱ ۱۲۲۵۵۸۴۱۳۰۴۳۰ ۱۷۸۴۹۸۶ ۱۷۸۴۹۸۶

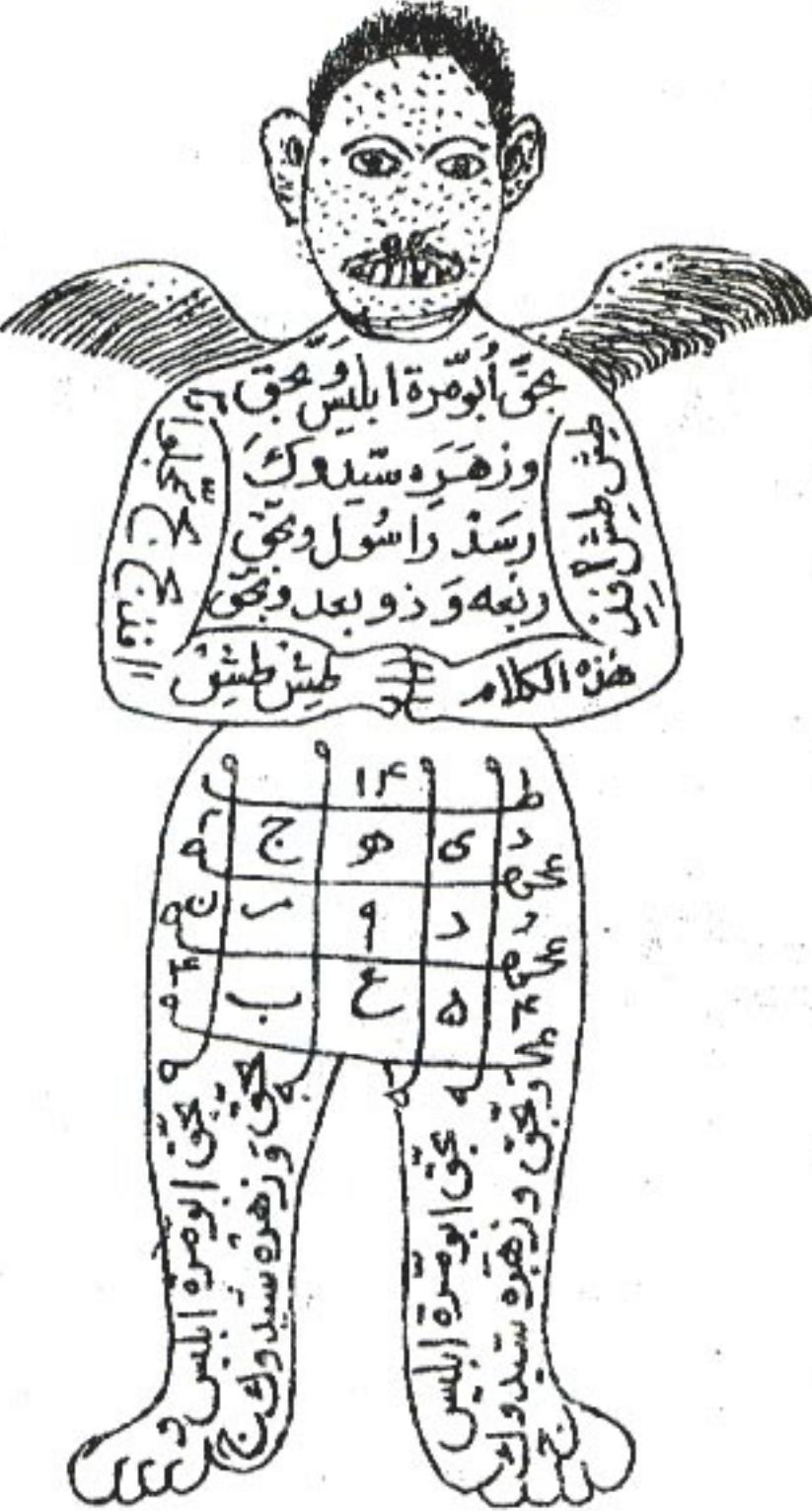
۱۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ احضار کردم ملان زاده فر را محبت فر را بنویس

جهت محبت بنویس و در آتش انداز و نیت کن هر شب ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱
 مؤمنند و غنا ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱

۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ احضار محبت فر بدل فر

سیاهی اگر خواهی ز نپارد نظر مردی سیاه کنی این شکل را در ساعت
 دیوسلیمانے

روی قطعه از سه جوش
 نقش نموده و پشت و
 روی آنرا با قیر سیاه
 آلوده نموده و در گور
 کهنه و یا در رودخانه
 و یا در جاه آب انباشته
 و بگو سیاه کردم فرزاده
 فراد در نظر فرزاده فر
 و اگر بر کفن مرده تو
 در تخم بوقلمون
 گذاشته در گور سیاه
 دفن کنی همان اثر را
 دارد و اگر بی غذا نوشته
 بعد پشت آنها را
 بهم گذاشته و در کهنه
 سیاه گرفته در ترب سیاه
 کناری در گور دفن کنی
 نیکوست



اگر خواهی که مردی مطیع زنی گردد و آن زن قلب آن مرد را تسخیر نماید
 و او را مانند خر سوار شود و هر چه گوید قبول کند طریقه عمل چنین است
 ابتدا باید هشت لوح ترتیب دهد یک طلای پاک و هفت لوح هفتی
 و روی تمام لوحها این شکل را نقش نماید در عشاء سعد و طلا



راهراه کند و هفت لوح دیگر در هفت پناه آب محیق اندازد و باید ۳۳
 مطلوب و مادر او و اسم خود و مادر خود را پشت لوحها بحروف اجد
 حاک نماید و چهار شب قبله سگال را بوزاند و نعل سلیمان
 را در آتش کند البته چنان مطیع شود که همه عبرت بمانند

حضرت و از دواج اگر خواهی شخصی را حاضر گردان بز خود این شکل را در
 نعلی بسورای نقش نموده با اسم مطلوب و مادری او در آتش دفن کن



بزودی خواهد آمد و اگر زنی خواهد که
 مردی با او ازدواج نماید همین نعل
 را بر و صلیه از مس نقش کرده در آتش
 گذارد با او ازدواج نماید و اگر
 خواهی که کسی با تو محبت پیدا کند

بنویس نعل را روی کاغذ با اسم مطلوب و مادری او و نام خود و مادر خود
 و با هفت دانه نعل سیاه در آتش انداز و با آتش بدون نعل بسوزان
 مژگن است آید های محبت و زبان بند اگر خواهی زبان کسی را ببندی
 این آید را با اسم او هفت بار بر شیرینی بخوان و بده تا او بخورد و اسم
 و جعلنا من بین اید یهم سد او من خلفهم سدا فاعشیا هم فهم لا یبمن
 انا جعلنا فی اعناقهم اعلا لافهی الی الاذقان فهم مضمون محبت دوستی
 این آید را بر شیرینی بخوان و بطلوت بخوران با اسم او و مادر او و مژگن
 بخورنهم کتب الله والذین امنوا شد احب الله هفت مرتبه بخوان

اگر خواهی که در میان تو کس عداوت نکند و دشمن پیدا نی بکند

از هفت که بر کف قدمی خالی و این مهر را بر هفت بار کاغذ بنویس و آن خاکها را در میان کاغذ بریز
و در خانه او یاد بر جای دیگری بپاش آن چنان شود که یکدیگر را هرگز نمی بینند ^۱ - ^۲ اگر خواهی کسی
از عشق خود بیقرار کنی بکیر قدری از عس و قدری از مشک و بقدری زعفران و جله را با یکدیگر
مخلوط کن و بنویس از مهر را در شب چهارشنبه در آن انگه نصف از شب گذشته باشد و اینها را در میان
مهر گذارد و در آتش اندازد تا بسوزد و اگر هر روز در سبک دور تر بوده باشد خود را به تعبیر تمام با

ره ره حما حما صعه ح ح ح

برساند و حاضر کرد و مهر این است

۵۵۵ ه ه ه ه ه سور امید دل و جان و قلبه و جمع جوامع با روح روانی فلاحه

حَسْبُ فِلْدَانَ الْعَجَلِ الْعَجَلِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ الْقَاعَةِ ^۱ و اگر خواهی کسی را از خانه خود آواره کنی
در آنکس مهری و محله که خانه او است برد بیاور و با آبروت بنویس و در هر روز در هر روز در هر روز
نه بد این آید و نجی از فرمان خدا آنکس از آن محله و دیار میرا کند و شو آواره کرد ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
لَا مَعْصِيَةَ لَكَ إِلَّا بِالْإِذْنِ وَكَانَ قَدْرُكَ بِأَعْيُنِنَا ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰}
و اگر خواهی کسی را

دو کس چیزی اندازی بکیر قدری شمع غرا و مهری بر او بزن یکی بنام او و بنام مادرش و دیگری بنام
زند و بنام مادرش بعد از آن از در محراب با ناله غیر ذواب و نوا با باری در ساعتی بخ

محبت زن و شوهر اگر کسی این آیه را بر شیرینی بخواند باسیم مطلوب
 و باو دهد تا بخورد با او محبت پیدا کند و اگر میان زن و شوهر ناسازگار
 باشد روی کاغذ نوشته باسیم مطلوب و میان بالش گذارد میان ایشان
 اصلاح کرد و اگر روی لوحی از هفت چیزش نقش شود و همراه باشد هم
 دوست وی گردند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعْنٰی اللّٰهُ اَنْ یَّجْعَلَ بَیْنَنَا
 وَ الَّذِیْنَ عَادِیْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ وَ لَكِنَّ اللّٰهَ
 اَلْفَ بَیْنَهُمْ اِنَّهُ عَزِیْزٌ حَكِیْمٌ وَ الْقِیَّتَ عَلَیْكَ نَحْبَةُ مَنِّی یَجُوْنَهُمْ
 حَبَّ اللّٰهِ وَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا سَدُّ حُبَّ اللّٰهِ وَ لَوْ اٰیْرٰی الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا اِذَا
 یُرُوْنَ الْعَذَابَ اِنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِیْعًا وَاِنَّ اللّٰهَ شَدِیْدُ الْعَذَابِ
 یَا بُدُوْحُ حَبِّ وَ دُوْدِیَا اللّٰهُ یَا حَسْبُ یَا حَسْبُ یَا حَسْبُ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ
 زبان این آیه را روی کاغذ که زبان چوب تعلق بر وی او بسته گردد این
 آیه را روی انگشتر گردون نقش نموده و هرگاه با کسی صحبت میکند بگرداند
 زبان او بر ویش بسته گردد تا آنجا که در اعناقهما غللا لا فیهما الاذقان
 فَمَنْ مَّقْحُوْرٌ وَاِنَّ اٰیةَ الرَّسُوْلِ کُنْذُرًا لِّمَنْ هُوَ اَعْمٰی وَاِنَّ اٰیةَ الرَّسُوْلِ کُنْذُرًا
 لِّمَنْ هُوَ اَعْمٰی

کتایش محبت مقام اگر خواهی که در کار تو گشایش حاصل شود و نزد خلق
 عزیز و کرامی باشی و جمیع خلق خدا با تو محبت و مودت پیدا کنند
 این آیه را روی ^{طلاعی} نقش نموده و بگلاب بزن و بصورت بزن و هاهو
 خود نگاهدار اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قَدْ شَفَعَهَا حَبِیْبًا اَنَا لَسِبْتُهَا فِي
 صَلَاتِیْ مُبِیْنٍ فَاذَاعَتْ فَوْكُلَ عَلٰی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِیْنَ
 بِحَبِیْبِهِمْ وَ یُحِبُّوْنَ اَیْمَةَ عَلٰی الْمُؤْمِنِیْنَ اِذْ لَدَّ عَلٰی الْكٰفِرِیْنَ صَلِحًا
 دو نفر اگر میان دو برادر یا خواهر یا رفیق یا خویش کدوره واقع
 شده باشد بنویس سوره مبارکه و الثین را تا اسفل السافلین را
 بر قطعه نان در وقت طلوع آفتاب و یا طلوع قمر نوشته و بلو بخوردند
 و اسم آنها را در آخر سوره باین طریق بنویس ثُمَّ رَدَدْنَاكَ فُلَان
 زَائِدَهُ فُلَانِ اسْفَلَ فُلَانِ زَائِدَهُ فُلَانِ صَلِحٌ بَيْنَ دَوْنِ فِرْعَوْنَ مِیْ
 دَوْنِ فِرْعَوْنَ اَفْتَدِیْنِ اَیَّانَا نَرَا نُوَسِّئُ بِكَ اِزْ طَرَفِیْنِ هَوَاهُ شَاهِدًا
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ تِلْكَ حُجَّتُنَا آتِنَاهَا اِبْرٰهٖمَ عَلٰی قَوْمِیْنِ رَفَع
 دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَآءِ اِنَّ رَبَّكَ عَلِیْمٌ حَكِیْمٌ اِزْ سُوْرَةِ الْعَامِ اِلَیْهِ رَاجِعُ
 الْمُسَلِّمِیْنَ اِنَّ اللّٰهَ یَهْدِیْ مَنْ یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ كَمَا یَشَآءُ فَمَنْ عَلِمَ حَقَّ حَبِیْبِ

بخت گشای دختران اگر بخت دخترى را بسته باشند که خواستگار بیايد
اما بهم بخورد سوره مبارکه طه را مقابل قبله بر آب پال بچوانند
و دختران آبرو بر سر ریزد بزودی بخانه بخت برود و شوهر کند
آواره که دشمن اگر ظالمی ترا آزار رساند و تورا از بیت کند و بچواند
که او آواره شود قدر عساک از در خانه او بزدار و سوره عتקות
را صد و یکبار بر آن خاک بخوان و جلوه خانه ظالم بریزد آواره گردد
بخت زن و شوهر اگر میان زن و شوهر کدوره و نفاق افتد و طلاق
صلح باشند سوره نساء را با کلاب و زعفران نوشته و در زیر
پایین گذارند اصلاح گردد بخت زن و شوهر سوره آل عمران را
سازیده بار با اسم زن و شوهر بخوانند سازگاری پیدا شود انشاء
اگر کسی حاجت دای سوره توبه را چهل مرتبه با اسم طرفین بخوان
و باز عفران و کلاب هم نوشته همراه نگاهدار و نزد او برود که حاجت
تورا بر آورد اگر کسی بجهت ببرد اگر کسی بدین جهت بترسد این تعویذ
را همراه نگاهدارد یا اثم یا اثم یا اثم یا اثم یا اثم یا اثم یا اثم یا اثم یا اثم یا اثم
اصفاوت آل شدای

یجهد الف محبة بنوس این طلسم را بر کاغذ و یا بر پارۀ از لباس چرک
 مطلوب و در چرغدان سبز نو بسوزان باروغن زیتون و یا بر وضی
 از مس و در آتش مد فون ساز که مطلوب بیفزاید گردد طلسم اینست
 ۲۸ ۹۸ ۱۱۸ ۱۳۸ ۱۵۸ ۱۷۸ ۱۹۸ ۲۱۸ ۲۳۸ ۲۵۸ ۲۷۸ ۲۹۸ ۳۱۸ ۳۳۸ ۳۵۸ ۳۷۸ ۳۹۸ ۴۱۸ ۴۳۸ ۴۵۸ ۴۷۸ ۴۹۸ ۵۱۸ ۵۳۸ ۵۵۸ ۵۷۸ ۵۹۸ ۶۱۸ ۶۳۸ ۶۵۸ ۶۷۸ ۶۹۸ ۷۱۸ ۷۳۸ ۷۵۸ ۷۷۸ ۷۹۸ ۸۱۸ ۸۳۸ ۸۵۸ ۸۷۸ ۸۹۸ ۹۱۸ ۹۳۸ ۹۵۸ ۹۷۸ ۹۹۸

۳۱۸ ۳۳۸ ۳۵۸ ۳۷۸ ۳۹۸ ۴۱۸ ۴۳۸ ۴۵۸ ۴۷۸ ۴۹۸ ۵۱۸ ۵۳۸ ۵۵۸ ۵۷۸ ۵۹۸ ۶۱۸ ۶۳۸ ۶۵۸ ۶۷۸ ۶۹۸ ۷۱۸ ۷۳۸ ۷۵۸ ۷۷۸ ۷۹۸ ۸۱۸ ۸۳۸ ۸۵۸ ۸۷۸ ۸۹۸ ۹۱۸ ۹۳۸ ۹۵۸ ۹۷۸ ۹۹۸

الو ح ا ایضا مطلوب اگر خواه غایبی را احضار کنی این شکواری ^{هفتم}
 و یا نعل نفس نموده و در آتش انداز اگر در زنجیر باشد بسوی تو آید
 زنها بنا اهل مدیه که بیم هلاکت ^{هفتم}
 م هجی الملک المومنین لیا طیبیا فیل و ساجینا ئیل یاد و فامیل عزمت

علیکم یا هیطائیل ۱۹۸ ۱۷۸ ۱۵۸ ۱۳۸ ۱۱۸ ۹۸ ۷۸ ۵۸ ۳۸ ۱۸ ۱۶۸ ۱۴۸ ۱۲۸ ۱۰۸ ۸۸ ۶۸ ۴۸ ۲۸ ۶۸۸ ۶۶۸ ۶۴۸ ۶۲۸ ۶۰۸ ۵۸۸ ۵۶۸ ۵۴۸ ۵۲۸ ۵۰۸ ۴۸۸ ۴۶۸ ۴۴۸ ۴۲۸ ۴۰۸ ۳۸۸ ۳۶۸ ۳۴۸ ۳۲۸ ۳۰۸ ۲۸۸ ۲۶۸ ۲۴۸ ۲۲۸ ۲۰۸ ۱۸۸ ۱۶۸ ۱۴۸ ۱۲۸ ۱۰۸ ۸۸ ۶۸ ۴۸ ۲۸ ۰۸ ۶۸۸ ۶۶۸ ۶۴۸ ۶۲۸ ۶۰۸ ۵۸۸ ۵۶۸ ۵۴۸ ۵۲۸ ۵۰۸ ۴۸۸ ۴۶۸ ۴۴۸ ۴۲۸ ۴۰۸ ۳۸۸ ۳۶۸ ۳۴۸ ۳۲۸ ۳۰۸ ۲۸۸ ۲۶۸ ۲۴۸ ۲۲۸ ۲۰۸ ۱۸۸ ۱۶۸ ۱۴۸ ۱۲۸ ۱۰۸ ۸۸ ۶۸ ۴۸ ۲۸ ۰۸

ایضا احضار مطلوب این طلسم را نوشته بر کاغذ و یا پارۀ از جامه چرک
 مطلوب و فنیله نموده و در چرغدان سبز نو و یا در ظرف سفالین با
 روغن نطف سفید بیفزود و بجای خلوت برو و یا هیچکس سخن مگو
 هم آن لحظه حاضر شود و عزمیه بزرگ را وقت احضار باید بخواند اینست
 یا خاطر یا ذوبعه یا دزهش بلا سقه غیره یا سظاماس یا مهلو ال یا مهجج ^{هفتم}
 اذا بول قلب فز علی الحب فز و النطف و اتنف و اسرنت فز بطرفه العین الا سئکم بالعبین

مَحَبَّةٌ وَالْفَتْ أَلْفٌ كَيْفَ دُوسْتِي دَارِي يَا زَوْجِ تَوَاسَّتْ وَيَا تَوَافَّتْ وَصَهْرٌ نَدَارِدْ

ش	و	ع	س	م	ن
ن	لا	ل	و	و	م
سن	و	ط	ظ	لط	صا
ه	لا	ظ	ظ	د	ن
۱۱	۲۰	۹۶	۸۳	۴۵	۱۳
س		۴	۲	۴	س
و		۲	د	۴	ل
۹		۹	۴	۹	و

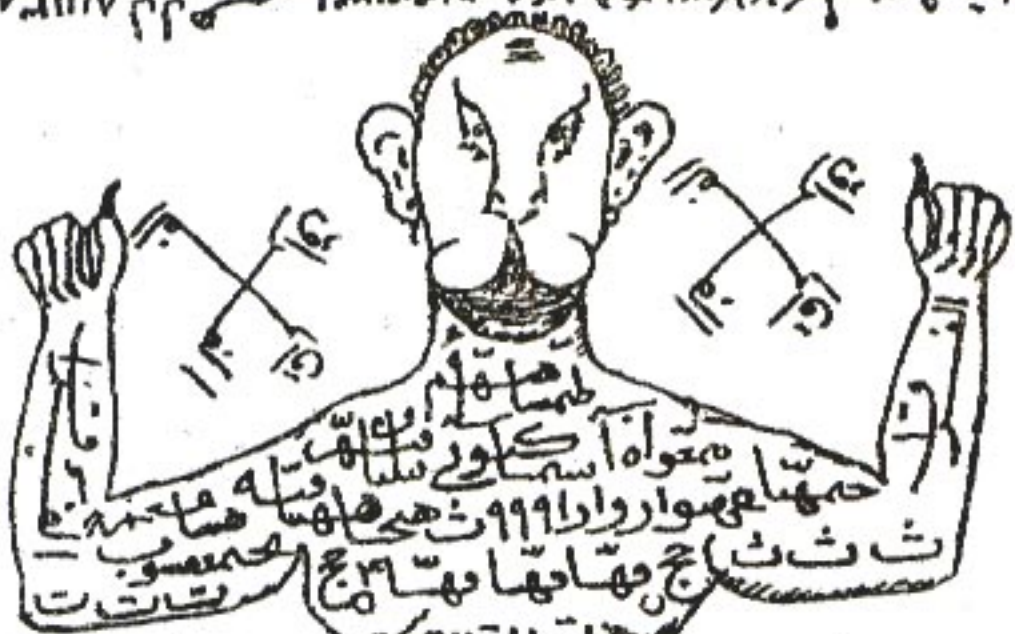
و۹ الساعة الرقي الرقي النار اجنبوا
بنام فلان زائده فلان علي الحب فلان زائده فلان

وخواهی که باتو الفت
گیرد و با تو محبت پیدا
کند و مطیع تو گردد
بنویس این طلسم را
بر کاغذ دریا پارو از لیلای
او و قشید کن و با
رُغْنِ زیتون پاکه
شب دوشنبه یا پنجشنبه
بسیزان مؤثر است

هـ العجل العجل العجل العجل العجل العجل النار النار النار النار النار صبره
طسبحا فاعو سابعا كسما وام طسبحا ۹
۹۹ ۱۱۱ ۷۷۷ ۷۷۷ ۷۷۷ ۹۹
ن ۱۱ ۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳
هـ ۱۱۱ ۷۷۷ ۷۷۷ ۷۷۷ ۷۷۷ ۹۹
احرقه قلب وشهوة فلان زائده
فلان مبین و مشخ فلان زاده م
۱۱۱۱۹ ل د ع ال اللاما اما

چیزی از کسی خواستن اگر با
شخصی حاجتی داری و یا
از او چیزی میخواهی
و ممکن است ندهد
بنویس این شکل را بر کاغذ
و در یک از این شبها بسوزان
شب یکشنبه شب سه شنبه
شب پنجشنبه شب چهارشنبه

دروسیلیمان بن سبانه



الفراق الفراق الفراق
 فرقت بين الماء والنار
 ما في الايام
 جيت الطمان
 الكفر والامان بحق وثلاثه له شاه امره
 كذا...
 كذا...
 كذا...
 كذا...

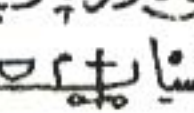
الفراق

الفراق

الفراق

الفراق

الفراق الفراق الفراق الفراق الفراق الفراق

سیاه کردن و جدائی اگر خواهی زینرا در نظر صودی و یا تمام مردها سیاه
 کنی که آن مرد و مردهای دیگر باو نگاه نکنند چها لوح ترتیب میدی
 از چهار جوش سلیمان و یک لوح از طلای خالص و نقش دیوسلیمان را
 روی لوحها نقش کرده در ساعت قدر عقرب و یا ساعت زحل که خالی از
 فحوش نباشد و عطارد نزدیک مریخ میان ۱ درجه و بیست و سه دقیقه
 و خانه شمس ناریک و ظلمت در خانه زحل باشد پشت به قبله کند شود
 دهان تلخ لوح طلا را در همان میت پیچیده و روی کفن مینویسی فلان
 زائیده فلان را سیاه کردم در نظر فلان زائیده فلان بجای سوره مبارکه
 بقره و الف قرآن الحکیم آنگاه آن لوح را که در کفن بسته ای در رود
 آب انداخته و باز نیت ساری میکنی و ۱۴ ساعت که گذشت چهار لوح
 دیگر را دو عدد در چاه آب انداخته و یک را در قبر شهید دفن نمود
 و یکی را ۱۲ روز پشت بقبله آویخته و بعد ۳ روز در آتش میگذاری
 و بیرون آورده و صورتی از آن زن را بسازی و روی سین و صورت
 شکل این اشکال را مینویسی و در پارچه سیاهی بسته در قبر کشته دفن
 میکنی اشکال اینست 

بخت گشای اگر بخت دختری وابسته باشند و خواستگار بیاید و کار تمام نشود
باید قطعه از لباس دختر را بشکل دایره بریده و این اشکال را روی آن
نوشته و هفت قطعه کند و هر روز یک را بسوزاند اشکال اینست **حلسه**
۷۷ سلناة المساکلهیا آهیا شراهیا اصباوت ازون یا جبرائیل و
صلح محمد مطهره لیل و نهار و هر روز اسفند دود کند هر روز صبح و آب
باطل سحر بسر ریزد و آنگاه در روز دهم سوره احزاب را با
کلاب و زعفران روی کاغذ نوشته با اسم خلیق و در حقیقه کلی
گذارد و در اطاق خواب خود پنهان کند بزودی بخت بخانه بخت رود
ایضا بخت گشای دختران سوره و اللیل را با زعفران و کلاب بنویس
و میان سوره بقره لای قران مجید نهاده و در اطراف خواب دختر
گذارد بزودی خواستگار پیدا شود و بخت بخانه بخت رود اما باید قبلاً
باطل سحر کند رطل از فقر و بیزبانی اگر خواهی از فقر و بیزبانی
بایه لوسی از فقره پاک تریب ده و این اسماء را روی آن نقش
کن و هفت هفته بکلاب زده بصورت بز و لوح را همیشه همراه
خود نگاهدار اینست **العلیم الحکیم العلی العظیم** یا بقور یقت بنام فر

جَدَائِحُ سُرُوقَةٍ أَوْ خَوَاهِي زَيْنٍ وَ مَرْدِيٍّ كَمَا بِهِمْ عِلَافَةٌ دَارِنْدَازِهِمْ جَدَا
 كِنَةُ البَيْتِ أَلْحَرَامِي بَاشِنْدَازِنَهَارِ كِه بَيْنِ دُو حَلَالِ نَبَاشِد ۳۰۱ دانہ
 کَنَدَم بِيَاوَرُو سُوْرهُ فِيل رَا ۳۰۱ یَا رِبِهَر دَانَه کَنَدَم بِخَوَانِ بَاسَمِ
 اَنهَابِ عِنِي هِر سُوْرهُ رَا کِه بِهَر گَنَدَم خَوَانِدِي بِکُو جَدَا کَر دَم فِلَان زَا مِيدَه
 فِلَان رَا اَز فِلَان زَا مِيدَه فِلَان وَ قَتِي تَمَام شَد تَمَام گَنَدَم هَا رَا بِرُغ
 زَرْد پِدَه وَ صَبَر کِن نَا بِخَوَر د بَزُوْرِي اَز هَم جَدَا شَوْنَد بَا رِهَابِ عِنِي شِدَه
 بَارِ تَرِي کِه وَ نَرِه بِنَدَه اِيْن کَلِمَاتِ رَا زُوِي کَاغِذِ بِنُوِيْسِ وَ هِر رُو زِ مَرِيضِ مَخِي
 دَر چِشْمِ هَايِ حُرُوفَاتِ بَکُوِيْد بَا يَدِ وَ قَتِ رِفْتَنِ اَنْتَابِ بَاشَد اِيْنِست
 مَقْطَعِ مَهْمَطْعِ وَ قَعِ فِصْحِ مَحْبُوْبِ القُلُوْبِ شَد اِکْرَا يْنِ اِسْمِ
 رَا رُوِي طَلَا نَقْشِ مَعْرُوْده هَمْرَاهِ دَارِنْدَ مَحْبُوْبِ القُلُوْبِ شَوْنَد اِيْنِست
 (يَا مَحْخَا رِيْتِ) تَوَا نَکَر شَد اِکْرَا يْنِ نَامِ رَا رُوِي طَلَا وِيَا نَقْرَه نَقْشِ
 مَعْرُوْده هَمْرَاهِ کِنُ تَوَا نَکَر گَرْدِي وَ هِر تَوْرَا مَحْتَرَمِ دَارِنْدَ اِيْنِست
 (يَا مَسْتَجِيبِ) اِکْرَا خَوَاهِي حُرُوفِ اَفْضَلِ بَاشَد رُوِي طَلَا وِيَا نَقْرَه وِيَا کَاغِذِ
 نَقْشِ مَعْرُوْده هَمْرَاهِ کِنُ خُرْفِ تَوَا فِضْلِ بَاشَد اِيْنِست ﴿اِنَّ رِزْقِي لَآ اَنْزَلْتَنِي اِلَّا رِزْقًا
 حَلٰلًا وَ حَلٰلًا﴾ ﴿وَ اِنْ اَنْزَلْتَنِي اِلَّا رِزْقًا حَلٰلًا﴾ ﴿وَ اِنْ اَنْزَلْتَنِي اِلَّا رِزْقًا حَلٰلًا﴾

محبّت شدید اگر خواهی تمام مردم و پادشاه و پادشاهی با تو محبت پیدا کند این طلسم را روی
 هفتجوش نقش نموده و همراه کن و اگر خواهی که محبت مردی بتو شدید باشد و آرام
 نگردد هفت لوح از هفت جوش و یک لوح از طلا یا نایب تر نیمی ده و طلسم را نقش
 نموده در ساعت سعد و طلا را همراه کن و بقیه را در آب بخاری مثل فناء انداخته

The central grid is a 4x4 magic square with the following numbers:

۹	۷	۶	۵
۸	۶	۵	۴
۷	۵	۴	۳
۶	۵	۴	۳

Arabic inscriptions include:

- Top: *بسم الله الرحمن الرحيم* and other protective phrases.
- Right: *وَلَكِنَّ اللّٰهَ الْغٰلِبِیۡنَ*
- Bottom: *السماء والبنین والنّٰظر المقنّطرة من الذهب والفضة والخل المسوی والانعام حیرة*
- Central: *عزایم سلیمان* and various numbers and symbols.
- Left: *وَالذّٰرِیۡنَ الَّذِیۡنَ لَا یُرِیۡوۡنَ*
- Inside the drawing: *عزایم سلیمان* and *عزایم سلیمان* written in a decorative font.

رجال قلیل سلیمان نیرا بسوزان و اگر میان زن و شوهر جدای افتاده باشد
 که ترک کرده باشد او را شوهر او همین لوح روی ۱۲ لوح سه جوش نقش نموده و
 عزایم سلیمان نیرا هفتاد بار بر تمام گوشهها بخوان و پای کوهی چهل لویج را در
 مکان دفن کرده و یک را در آتش گذار تا بماند بسوی او آید با محبة و باطل نشود

بِسْمِ شَهْوَةِ مُرْدَانِ الْكَرْخَاهِ شَهْوَةِ مَرْدِي وَابْرُوِي زَنْهَايَا زَنْ بِيَنْدِي
 هفت قفل بيا ورواين آية را روی آنها در ساعت عطارد نقش کن

The diagram shows a magic ring with an arch above it. The arch contains the Basmala (Bismillah) in Arabic script. Below the arch, there is a horizontal band with Arabic text and numbers. The numbers are arranged in a sequence: ۷۷۷, ۲۳۵, ۱۱۱, ۲۲۲, ۳۳۳, ۴۴۴, ۵۵۵, ۶۶۶, ۷۷۷, ۸۸۸, ۹۹۹, ۱۰۱۰, ۱۱۱۱, ۱۲۱۲, ۱۳۱۳, ۱۴۱۴, ۱۵۱۵, ۱۶۱۶, ۱۷۱۷, ۱۸۱۸, ۱۹۱۹, ۲۰۲۰, ۲۱۲۱, ۲۲۲۲, ۲۳۲۳, ۲۴۲۴, ۲۵۲۵, ۲۶۲۶, ۲۷۲۷, ۲۸۲۸, ۲۹۲۹, ۳۰۳۰, ۳۱۳۱, ۳۲۳۲, ۳۳۳۳, ۳۴۳۴, ۳۵۳۵, ۳۶۳۶, ۳۷۳۷, ۳۸۳۸, ۳۹۳۹, ۴۰۴۰, ۴۱۴۱, ۴۲۴۲, ۴۳۴۳, ۴۴۴۴, ۴۵۴۵, ۴۶۴۶, ۴۷۴۷, ۴۸۴۸, ۴۹۴۹, ۵۰۵۰, ۵۱۵۱, ۵۲۵۲, ۵۳۵۳, ۵۴۵۴, ۵۵۵۵, ۵۶۵۶, ۵۷۵۷, ۵۸۵۸, ۵۹۵۹, ۶۰۶۰, ۶۱۶۱, ۶۲۶۲, ۶۳۶۳, ۶۴۶۴, ۶۵۶۵, ۶۶۶۶, ۶۷۶۷, ۶۸۶۸, ۶۹۶۹, ۷۰۷۰, ۷۱۷۱, ۷۲۷۲, ۷۳۷۳, ۷۴۷۴, ۷۵۷۵, ۷۶۷۶, ۷۷۷۷, ۷۸۷۸, ۷۹۷۹, ۸۰۸۰, ۸۱۸۱, ۸۲۸۲, ۸۳۸۳, ۸۴۸۴, ۸۵۸۵, ۸۶۸۶, ۸۷۸۷, ۸۸۸۸, ۸۹۸۹, ۹۰۹۰, ۹۱۹۱, ۹۲۹۲, ۹۳۹۳, ۹۴۹۴, ۹۵۹۵, ۹۶۹۶, ۹۷۹۷, ۹۸۹۸, ۹۹۹۹, ۱۰۰۱۰۰.

The central text in the ring reads:
 بِسْمِ شَهْوَةِ مُرْدَانِ الْكَرْخَاهِ شَهْوَةِ مَرْدِي وَابْرُوِي زَنْهَايَا زَنْ بِيَنْدِي

و بعد عزایم بزرگ سلیمان ذرا هفتاد مرتبه بگوشم بخوان و بگو بستم بستم
 بستم بستم یاد ذکر فلان زانیده فلان بفرج تمام زنها یا فلان زانیده
 فلان بحق الملك الموفق وهام رادر چله آب عمیق انداز و باز رفت
 کن و آیت بستم داوری را بلباس آخرد نوشتند و سده مرتبه گره
 بزن و بگو بستم شهوة فلان را بروی فلان البته بسته گردد و گشوده نشود

اگر دختر عاشق شود و صلاح نباشد اگر دختری بجوان را دیده و او را خواسته
 باشد و این تکلیف باشد و صلاح دختر و نامیل او نباشد و بخواه او را از
 این کار منصرف سازی که از آن جوان دست بکشد و سرد گردید
 صورت صفحه مقابل را روی لوحی از هفت جوش سلیمان و یا سه
 جوش سگالک در ساعت مناسب نقش کرده و در پاره از لباس دختر به
 پیچی و در گورستان و یا پائین کوهی مدفون سازی و صورت عقرب
 را نوشته و بشوئد بدختر بدهی تا بخورد و فیلد سردی سگالک بسوزانی
 تا علاقه بریده شود و اگر گاهی نا راحت شد اللهم فرقت
 را باو بدهی تا منصرف گردد اگر زنی شوهر را عاشق شود و نخواهد شود
 اگر زنی مردی را بخواهد و میل داشته باشد که سرد شود باید صورت
 صفحه مقابل را روی ۱۴ قطعه مس نقش نموده و هر روز یک را آب
 زند و بیاشامد و لوحها را جمع کند و روز آخر تمام لوحها را عزایم
 سردی بخواند و در فناء و یا در خانه آب اندازد و در این مدت
 فیلد سردی بسوزاند و آیت و القیتار را نوشته با سه طرفین
 و قدری زن بخورد و قدری در خانه آغرد بیاشد سرد شود

دیو سلیمان ستردی از مردان



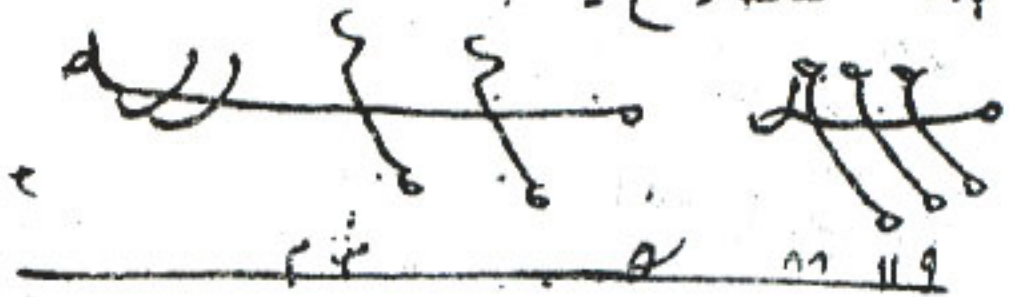
و اگر مردی بخواد زنی را بگیرد اگر مردی بخواد زن بد و هرجا بر بگیرد
 ۳۹ لوح باید نقش نماید از دیو سلیمان ستردی از مردان یک را در چاه
 عمیق و یک را در رودخانه و یک را در بیابان لوت و ۳ عدد دیگر را
 هر روز بگرا آب زده سر راه آمدن روزن بپاشد بزودی بهم میخورد

در بر ریشی مرد بیایورد پاره و تسمه افی در او را هفت گره بزند در هر گره نده نهد
 بخواند بسم ذکر نندن بویغ نندن بسم

اِذَا رَجَعْتَ اِلَى الْاَرْضِ رَجَعًا وَ تَسْتَجِيبُ اِلَى بَنَاتِ مَكَانَتِ هَبَاءٍ
 مَبْنُوءًا وَ حَمَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ
 سَدًّا فَاعْتَنِينَاهُمْ فَمَنْ لَّا يُصِرُّنَّ حَتَّى اِذَا سَاوَى
 بَيْنَ الصَّدَقَيْنِ قَالَ الْفِتْحُ حَتَّى اِذَا جَعَلَهُ نَادًا قَالَ
 اَلْوَنَى اَفْتَحْ عَلَيَّ قِطْرًا فَمَا سَطَّاعُوا اَنْ يَطُورُوهُ
 وَ مَا سَطَّاعُوا اِلَّا لِقَاءِ وَ اَنْزَارُ زَبْرَنْكُ بَرْدُكَ دِرْكَانِ سَهَانَ
 کند که مراد حاصل کرد تا خوف دعا را بر نذر در کشمه مبنی شود

در میان کشان مرد بسته شد این دعا را انبویه بمک و زعفران بطس و بعد
 انرا بشوید آب روان و آن آب بخورد و هم بر خود بریزد که هم کرد
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا كَثِیْرًا فَفْتَحْنَا لَكَ
 اَبْوَابَ السَّمَاوٰتِ بِمَاءٍ مِنْهُرٍ اَفْتَحْ يَا اللّٰهُ لِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ الْمَكْتُوْمَةِ
 يَا رَبَّ الْاَدْبَابِ وَيَا مَسْبِلَ الْاَسْبَابِ عَجِدْ وَاللهُ اعْلَمُ بِرِجِّحِ

ایضا از برادرش در بدست آمدن این آیه و نحوه بکار آن در طاعت نکس در آیه روان
 شسته روزه در چند روز آن آیه بخورد و هم غسل کند بفرمانه اللہ شکر کرد
 دعایتِ اِنَّ اللّٰهَ يُمِيطُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنْ تَزُولَا وَلَوْ
 رَا لَتَا اِنْ اَمْسَلَهُمَا مِنْ لَحِيْدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهٗ كَانَ
 جَلِيْمًا غَفُوْرًا اَفْتَحْ يَا اللّٰهْ فُلَانِ اِنْ فُلَانِ



الرحمن کبریا عاقل و متدبر و خور و دانه بیاورد و مفتحت نبات و بر هر یک و یکبار
 اندر علو غنایند و بعد بر او بخورد هر کس از آن خوار بخورد در رحمت دهند بدو
 کرد دعایتِ رَبِّیْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوٰتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِيْنَ
 وَالنَّطٰطِ الْمَقْنَطَرِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمَوْصُوٰتِ
 وَالْاَنْعَامِ وَالْحَمِيْرِ ذٰلِكَ صِبْغُ الْحَيٰوَةِ الدُّنْيَا وَاللّٰهُ عِنْدَهُ
 حَسُنَ التَّوَابِ بِحُبِّوْتُمْ كَبُّ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا اسْدَحِبَا لِلّٰهِ

لوح بزرگ بلقیس سلیمان

۶	۷	۸	۹
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱

۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹
۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
۳۴	۳۵	۳۶	۳۷



بجق شہو طیش و شغو فناش و بلقان و الشبار و میرو و بی کویش و بجق جده

بسی طواش

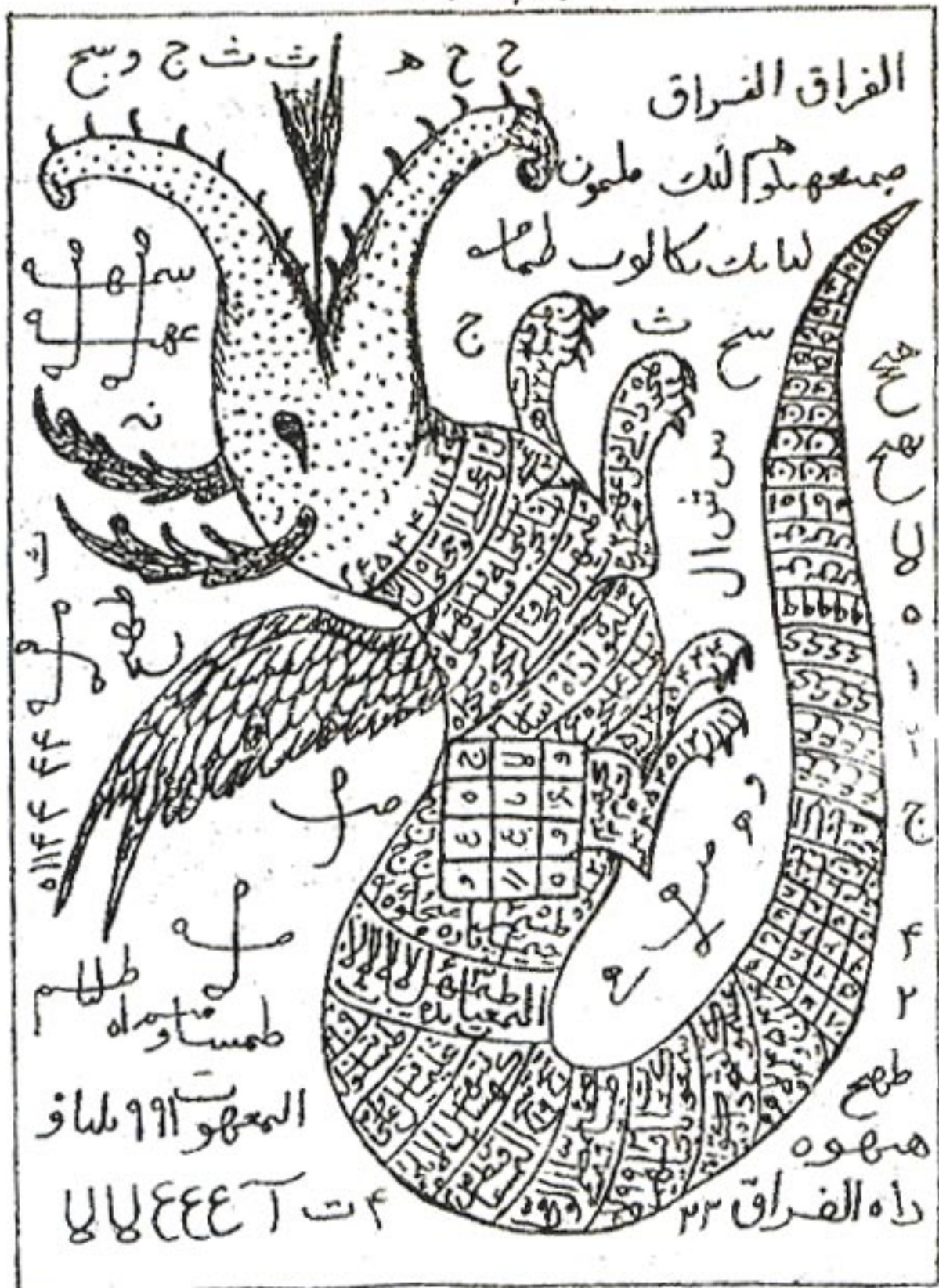
کامتال

کامتال

بسی طواش

العجب انما الساعه لا مبینة و انا نبعه آتبع بطلنا العین العین فالدمج و جمع البصر و بحق

ازدهای پولپورش



(در صفحات بعد شرح عمل ازدها مذکور خواهد شد)

صَدَنَاهُ شَيْطَانِي لِنَبَاتِي حَبِّ شَدِيدٍ

ابلیس	طَبَقُور	دُوقَاه	لَمَنُوش	نَبَاهُوه	لَا فِطُورَه	سَبَاهُوه	المَلُوش	طُوش
طَبَقُور	دُوقَاه	لَمَنُوش	نَبَاهُوه	لَا فِطُورَه	سَبَاهُوه	المَلُوش	طُوش	ابو سَمَرَه
دُوقَاه	لَمَنُوش	نَبَاهُوه	لَا فِطُورَه	سَبَاهُوه	المَلُوش	طُوش	ابو سَمَرَه	ابلیس
لَمَنُوش	نَبَاهُوه	لَا فِطُورَه	سَبَاهُوه	المَلُوش	طُوش	ابو سَمَرَه	ابلیس	طَبَقُور
نَبَاهُوه	لَا فِطُورَه	سَبَاهُوه	المَلُوش	طُوش	ابو سَمَرَه	ابلیس	طَبَقُور	دُوقَاه
لَا فِطُورَه	سَبَاهُوه	المَلُوش	طُوش	ابو سَمَرَه	ابلیس	طَبَقُور	دُوقَاه	لَمَنُوش
سَبَاهُوه	المَلُوش	طُوش	ابو سَمَرَه	ابلیس	طَبَقُور	دُوقَاه	لَمَنُوش	نَبَاهُوه
المَلُوش	طُوش	ابو سَمَرَه	ابلیس	طَبَقُور	دُوقَاه	لَمَنُوش	نَبَاهُوه	لَا فِطُورَه
طُوش	ابو سَمَرَه	ابلیس	طَبَقُور	دُوقَاه	لَمَنُوش	نَبَاهُوه	لَا فِطُورَه	سَبَاهُوه

حَبِّ شَدِيدٍ اِذَا كَرَسِيَ اَيْنَ لَوْحَرَا رُوِي هَفَّتْ جُوشِ نَفْسٍ كُنْدَ
 بِاسْمِ هَر كَسٍ كِه خَوَاهِي وَدَمِ آتَشِ دَفَنُ كُنْدَ اَنْطَفِئِي قَرَارِ كَرْدَدِ وَ
 دَمِي اَرَامِ نَكِرْدَدِ اِذَا رُوِي كَاغِدِ نَفْسِ شَوَدِ بَا بَرَكِ بَيْدِ وَ بَرَكِ
 وَ دَانَهُ فِلْفِلِ سَبَاهِ دَرِ آتَشِ سَخِيْدِ بِسُوزَانْدِ بَسِيَارَهُ مُوْتَرَا سَتِ
 وَ اِذَا رُوِي يَارَهُ لِبَاسِ مَطْمُورِ شَتِ بِسُوزَانْدِ بِاسْمِ طَرَفِيْنِ مَحَبَّتِ شَدِيدِ اِذَا

اگر خواهر گیسو از راه دور بیاید در این مهر و یکم از فرشته در شیشه اندازد و بارون
 در آتش ملین نهد و چهارده بار صلوات بر محمد و آل او نهد و در محورات سوز
 از نمل عود و عنبر مشک و کندر و روغن شکر و آله کاغذ نقره و طلا نیکس حافظه شود
 اگر خواهر گیسو از راه دور نرسد که باز بدارد نویسن این مهر هر روز ساعت کلا در خوا
 که بیست مهر خوابید در خاک دفن کند آنکس نمیواند جان نگیرد اگر برود در عرض
 برگردد و مهر عالیه قرار داند در اینست

۱۷ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

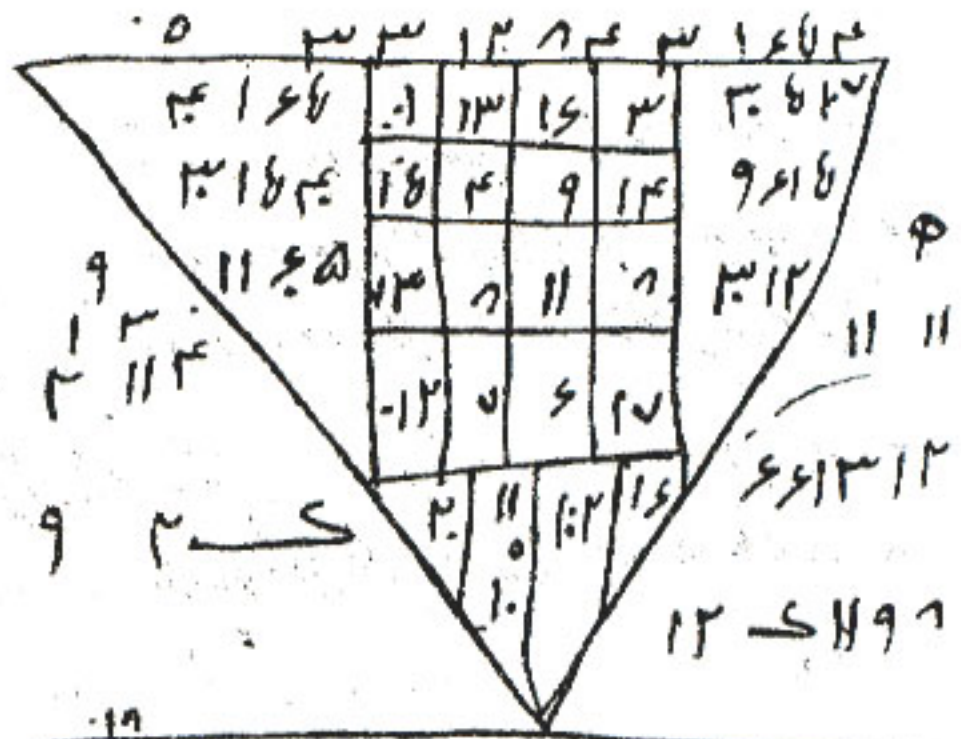
۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

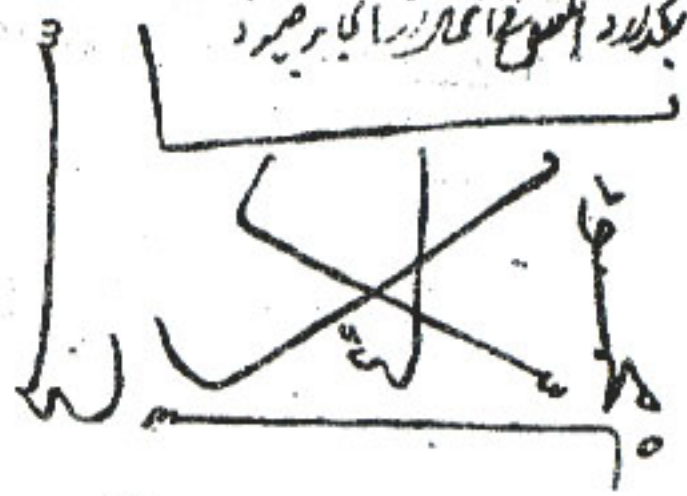
والیانی در صغیر پیش کشید است



اگر خواهر مرد یا زن محله در مجلسی بر بهترین باید این اسم و پیدا مرتبه بلا فاصله بخواند
 در بر او بجز این ای از جایش بر خیزد و بر نو دهنم از جمله هزارات غریبه است

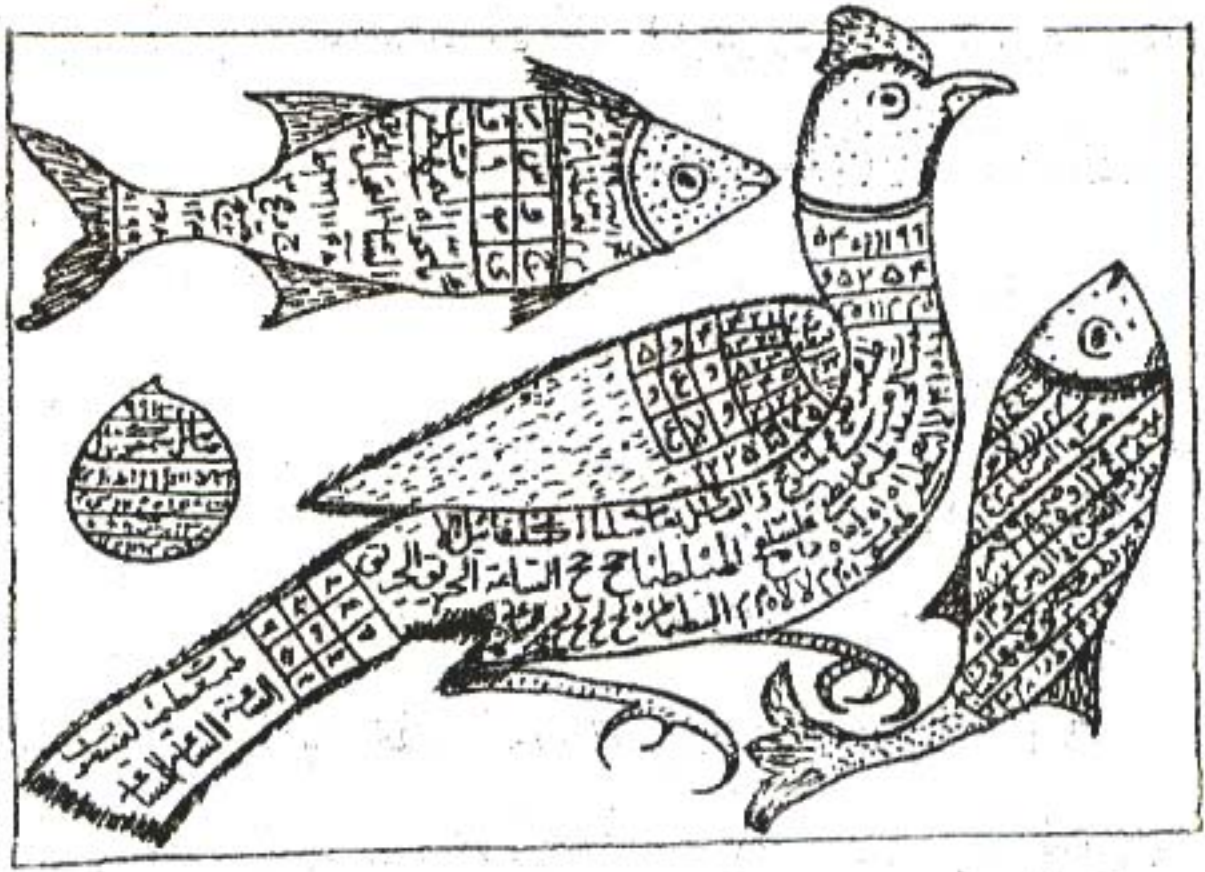
یا شیخ شاه محمود شاهماکی ایضا نوع ابلا که نوشته است که شرف روزی مکان

اخراج نماید نویسن این اسم بطریق که خواهد آمد در اجاس در بر بخند یا فرس که نوشته
 بگذرد آن شخص را شایسته از آنجا بر خیزد



بسم الله الرحمن الرحیم
 یا ایزد منان صفا کلام
 فی هدیه الساعه کتبی هدی
 الا سبک العظام العظیم
 یا ایزد منان صفا کلام

بخت گشای و حبه زن و شوهر اگر دشمنی از روی عداوت بخت دختری ما
 بسته باشد که گشایش نشود بهیچ دعا طرز عمل چنین است لوحی از
 هفتجوش ترتیب دهد و شکل پایین را روی آن لوح نقش نماید بنا

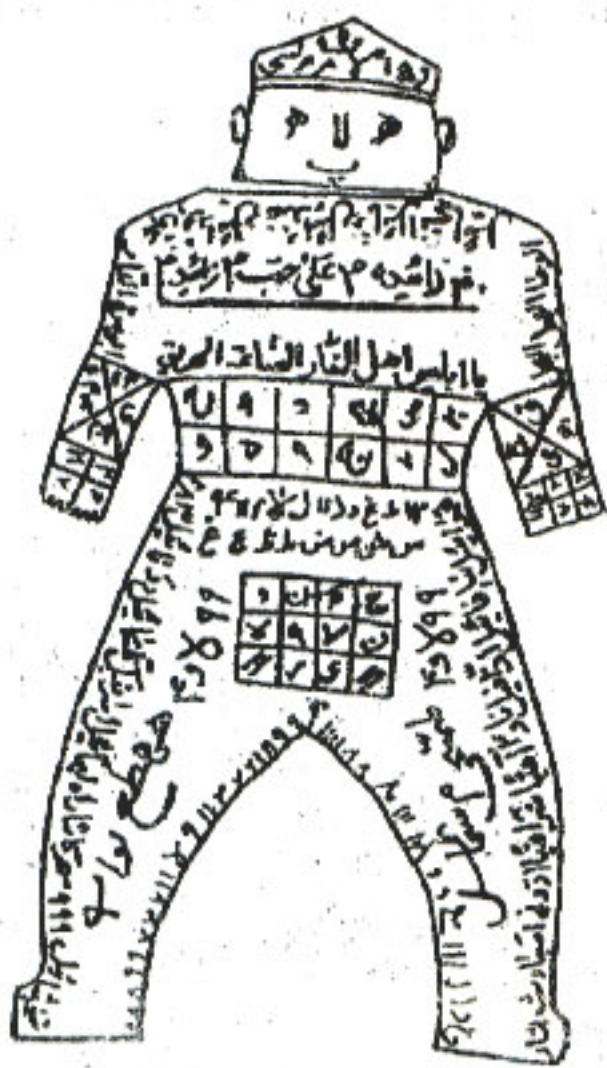


تمام خلق زاده حوا ابن آدم بحبه و عشق و از رواج با فلان زائیده غلام
 و سوره احزاب را نوشته و هوا کند و لوح را همه روزه بآب زند و
 بصورت زرد و هفتدی یکبار آب لوح را بر سر زیزد تا هفت هفتی
 بگذرد و در این مدت نیتد بسوزاند بخت دختر گشاده گردد الشم تعم

اگر مروری زین برنج خواهد ای عزیز من این نَخچه در اینجا ثبت شده اما هرگز عمل
 نکنی که کتاه عظیم دارد و نضرین اهل زمین و آسمان بر تو بار اگر عمل بحرا
 کنی مگر بحلال که ثواب دنیا و آخرت برای تو هست و اما طریقه عمل چنین است
 اول سی و نه قطعه مس بشکل قبا اندازه این لوح ترتیب ده و هرین نقش
 را روی آنها نقش کن بنام صاحب و مطم وقتی تمام لوحها تمام شد باید
 عزایم سلیمان به یک یک لوحها بخوانی و هر پنج لوح را در یک قنایه انداخته
 و بگوئی انداختم بحجت فر را در دل فر این عمل باید بدست طالب انجام گیرد
 و بعد هشت قفل زبانبند را در آب اندازی آنگاه شش پشقاب
 از عزمیه بزرگ را کتده یک در آتش و یک در آب و چهار عدد دیگر را
 پایشن کوهی دفن نموده و شب قنیل سلیمان را بسوزان و نعل
 لقیطفورش را در ساعت سعد حاک نموده و در آتش مده فون نهائی
 و آنگاه تفریق نعل آن زن از تمام سروران و عمل تفریق باید
 در قبر کشته انجام دهی آنگاه سه روز صبر کنی تا دانه که کاشته
 به نم برسد آنگاه آن سرد بنزد مطلوب رود یا اگر نرود او خواهد
 آمد و اگر مانع داشته باشد وسیله فراهم خواهد شد که بمطلوب برسد

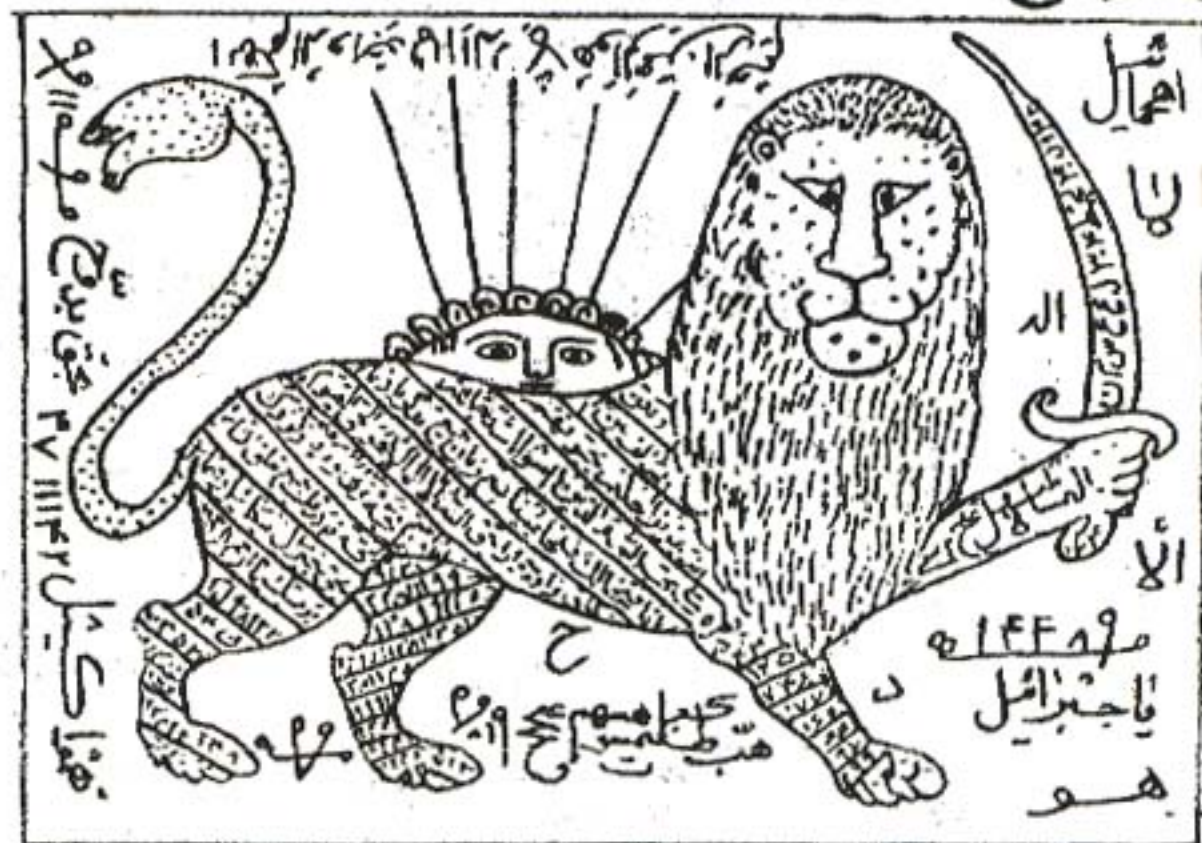
اگر کسی خواهد شخصی بطرف خود جلب کند اگر خواهی بخت کسی را بطرف خود جلب

نماید که مطیع تو شود
 و هر چه خواهی تو
 بدهد و آنچه گوئی
 همان کند و فرمایند از
 تو باشد این صورت
 را روی لوحی از سکه
 جوش و محسوس رانست
 آن نقش کند و باید
 ساعت سعد باشد
 وقتی تمام شد سه
 روز در آتش دفن
 کند و روز چهارم بپوش
 آورد وقتی سرد شد
 بآب زده سر راه مطلق
 بیاشد و آنگاه روز هفتم
 در سپاه آب اندازد



کلمه اول	کلمه دوم	کلمه سوم	کلمه چهارم	کلمه پنجم
۴۴۸۶	۴۴۷۶	۴۴۵۱	۴۴۷۱	۴۴۸۶
۴۴۵۲	۴۴۸۲	۴۴۷۵	۴۴۶۲	۴۴۵۲
۴۴۸۸	۴۴۵۷	۴۴۸۱	۴۴۵۷	۴۴۸۸
۴۴۹۹	۴۴۸۸	۴۴۹۵	۴۴۸۸	۴۴۹۹

طلسم محبت خلقی همی اگر کسی بخواند چیزی همراه داشته باشد که باطل
 نشود و برای زبایند خلقی و محبت خلقی و باطل سحر و کشایش کار
 و پیشرفت زندگی مؤثر باشد باید این طلسم شیر و خورشید را
 در ساعت سعد اول روی هفتجوش و در درجه دوم روی طلاق
 یا روی برج نقش نماید و بخورد اسکندر را در آتش کند و همراه نگارد



برای محبت اگر آبش بخورد مطلوب دهد محبت زیاد شود و اگر آب یا گلاب
 زده بصورت زند محبت خالق است و اگر به نیت باطل سحر یا آب زند بخورد
 و بیاشد سحر باطل شود و اگر همراه باشد و هر روز بگلاب زده بصورت
 زند و از بکار برود در کار او کشایش پیدا شود اگر دختر سر بریزد و بخورد

نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ
 تَجِدُهُ عُونًا لَكَ فِي النَّوَائِبِ يَا أَلَهِي صَدِي مِنْ عِنْدِكَ مَدَدِي بِحَقِّ
 آيَاتِكَ نَسُدُّ قَوَائِمَكَ نَسْتَعِينُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْعَرَبِيِّ يَا كَرِيمَ مَنِي يَا كَرِيمَ
 نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ يَا جَلِيلَ وَالْجَلَالَ فِي جَلَالِكَ يَا جَلِيلَ الْجَبِّ
 يَا جَبْرَائِيلَ سَمِعًا بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الْأَعْظَمِ عَزَمْتُمْ عَلَيْكُمْ يَا
 كَفَرًا مَائِيلَ يَا كَوَاكِبِيلَ يَا مَكْفِيلَ يَا شُورَائِيلَ أَحْضِرُوا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ
 وَالشَّيَاطِينِ احْبَبْ يَا مَيْكَائِيلَ يَا خَفَلَائِيلَ يَا دِقَائِيلَ يَا طَاطَائِيلَ
 يَا نَفْقَائِيلَ يَا طُوطَائِيلَ يَا وَكْفَائِيلَ يَا رَمَهَائِيلَ يَا رُونَائِيلَ
 يَا قَمَائِيلَ يَا شَرَقَائِيلَ يَا هَرَوَائِيلَ يَا طُومَائِيلَ يَا بَرَقَائِيلَ
 أَحْضِرُوا لِيَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ سَامِعًا مُطِيعًا يَا تَخْيِشَا يَا لِنَفْسِنَا
 يَا مَلْبِشَا يَا طَلْبِشَا يَا وَهْمِشَا يَا هَلِيلَا يَا طُوشَا يَا وَخْيِشَا يَا صَلْفِشَا
 عَدْلِيسِ آسَمِهِ نَبَاشِ مَعَالِ يَا صِرْفِيَائِيلَ وَيَا سِرْخِيَائِيلَ وَشَاوِشِ
 ارْهُوشِ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الْعَظِيمَةِ أَنْ تَقْضَى حَاجَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ بِحَبْتِ شَدِيدِ الْكَرْسِيِّ شَكْلِ صَفْحَةٍ مُقَابِلِ رَارُورِي
 قَطْعَةٍ مِنْ نَفْسِ كَنْدِهِ آتَشِ نَهْدِ حَبْتِ شَدِيدِ وَجَدْبِ سِتِ

و اگر روی سده جوش نقش گردد در ساعت سعد و عزایم خوانده شود و

در آتش مودفن شود برای

احضار و محبة و جلب مطلب

است و اگر روی کاغذ سه

عدد نوشته شود با اسم معلم

و سه اذان بسوزد یا قلیل احضار

و محبت شدید است قدر این نسخه را بدانید و بدست نا اهل ندهید

محبته شدید اگر خواهی محبت کسی را بطرف خود جلب نمائی

که ببقایر گردد و وجودش با وجود تو یک گردد و در تو محو شود اگر چه باغ

داشته باشد این شکل نعل را نوشته و

باهفت دانه فلفل و ۳ دانه فینک

و یک زره ریشه با یا آدم در آتش انداز

و یا روی مس کنده در آتش کنار و اگر بر

چهار جوش کنده در آتش کنه بهتر است

یا بر سفال آب ندیده نوشته در آتش کنار

۹۹۷۷۱
 ۳۹۹۱۲
 ۵۱۱
 ۵۰
 ۳۲۲
 ۱۹۹
 ۲۵۱۴
 ۹۹۱۱۵
 ۶۸۲۳

حق ابوسفرد
 ابلیس و بنت ابلیس

سلسله المطهره
 ۱۳۲۲

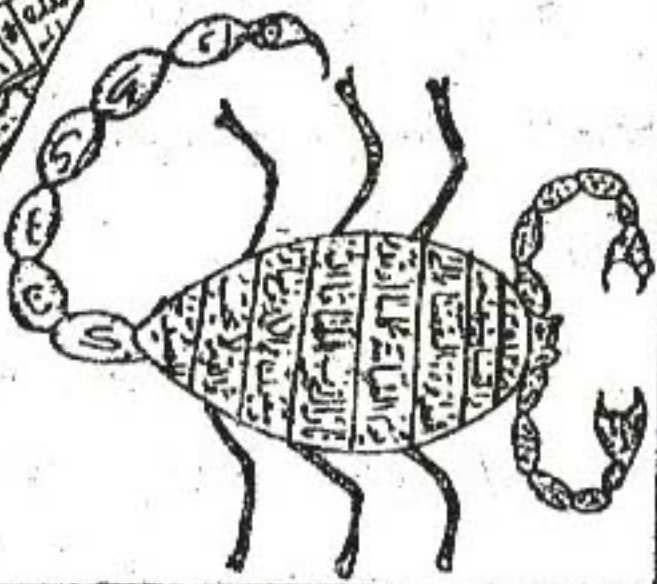
العداوة
والبغضاء
الأيام
القيامة

سنة	الملك	الملك	الملك
١١٩٩	١٢٢٦	١٢٩٩	١٣٢٦
١٣٢٦	١٣٩٩	١٤٧٢	١٥٤٥
١٥٧٢	١٦٤٥	١٧١٨	١٧٩١



بحق ابوش لبوش

الفراق الفراق
١١٩٩ ٧٧٧٧٧٧٧٧
١٢٢٦ و داه الفراق الفراق



سياه كردن زنان هفتجوش كفن لباس زن پشم بز بر مرغ كافور مركب نفت سياه
دوده حمام آب مرده قبر سنان قبر كشته پاشيدني اذاز لوله سور مباركه بسن
بخواند

احضار و محبت اگر خواهی کسی را حاضر گردان که با تو محبت پیدا

کند بنویس این شکلا
بر کاغذ ۳ عدد و یک را
زیر سنک گذار و یک را
در یاد بیاویز و یکی را در
آب روان مقابل قبله انداز
و اگر روی لوحی از مس
کنده شود و روی با نمآ
طالب آویخته شود مؤثر
است و اگر روی کاغذ آن



نوشته و با موی سر مطلوب جو شانده شود اثر دارد و اگر در جامه
پچیده در باد اویزی مجرب است بجز مکتب روی که کتوفند
نوشته و در آتش انداز مجرب است اللهم
سم ۱۱ ۶ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱
۱۱
بنویس با کلاب بشوی و شربت کن و بمطلوب ده تا بخورد این است
۱۱
بر اد ل ۱۱

ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش
 ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و
 ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و
 ه لا ی قلم هشتم اب ت ث ج ح خ د ذ
 ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف
 ق ک ل م ن و ه لا ی قلم هشتم

ق ک ل م ن و ه لا ی قلم هشتم
 اب ج د ه و ز ح ط ع ک ل م ن
 س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض
 ظ غ

قلم هشتم که هایبیل و قایل نوشتند
 اب ت
 د ذ ر ز س ش
 ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل
 ن و ه لا ی قلم نهم اب ت
 ر ز س ش
 ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل
 م ن و ه لا ی قلم هشتم

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ص ض ط ظ ع غ ف ق
ص ض ط ظ ع غ ف ق

ك ل م ن و ه ل ا ي قلم نوزدهم
 ۹ ر ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹
 ط ي ك ل م ن س
 ع ف م م ق م م م م م م م م
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ج د ب ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح

قلم بیست و یکم قلم موسی علیه السلام ولتعتبر انبیا است الف با ک
 ۱۳ ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ط ظ ع ع ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 هاو نوفا دها ها لون سو ماخ عین باثا صاد راس فوق
 لا ی قلم بیست و دوم
 شیر بار س س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق
 ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح

قلم بیست و سوم
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
 ن س ع ف ص ق س ش ت ث خ ن
 ۱۵ ۴ ۴ ۴ ۴ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹

ض ظ غ لا
ح ط ۲ اف
ج ح
ص ض ط
و م ل ل

قلم بیست و چهارم

ب ب ت
م م م م م م
د ن س س س
و م م م م م
ظ ع غ ف ف ک
م م م م م م

ن و
و مع
و و
ش ش
س ق س
س س

ی ل
و م م م م م
ط ع ی
ش ش ش ش
س س س س

قلم بیست و پنجم

ب ج د
و و و و و
س ع ف
س س س س
ظ غ
س س س س

قلم بیست و ششم

ی ک ل م ن
ا ا ا ا ا
ت ث خ ز
ث ث ح ن
ف ف س س
ف ف س س
ف ف س س

د و ا ن س
ع س س س
غ غ غ غ
ل م ن
س س س س

قلم بیست و هفتم

ب ج د
و و و و و
س س س س
ظ غ
س س س س

قلم بیست و هشتم

ل م ن
س س س س
س س س س

ع ف ص ق
س س س س
س س س س

س س س س
س س س س
س س س س

قلم بنسبت و تخم
 ا ب ت
 ط ه خ
 ض ط ظ
 ق ك ل م ن
 و ه ح ج
 د ن ت
 س ش ص ض ط ظ

قلم سیم
 ا ب ت
 ط ه خ
 ض ط ظ
 ق ك ل م ن
 و ه ح ج
 د ن ت
 س ش ص ض ط ظ

قلم سیم
 ا ب ت
 ط ه خ
 ض ط ظ
 ق ك ل م ن
 و ه ح ج
 د ن ت
 س ش ص ض ط ظ

قلم سیم
 ا ب ت
 ط ه خ
 ض ط ظ
 ق ك ل م ن
 و ه ح ج
 د ن ت
 س ش ص ض ط ظ

قلم سیم
 ا ب ت
 ط ه خ
 ض ط ظ
 ق ك ل م ن
 و ه ح ج
 د ن ت
 س ش ص ض ط ظ

قلم سی و چهارم

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک

۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

قلم سی و پنجم که او را قلم مثلی میگویند

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و

۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

قلم سی و ششم که او را سبعی گویند

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و

۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

قلم سی و هفتم که او را قلم مثلی و قلم اسماژون الکا هن گویند و طریقه مقدار مز او بسیار خوب است

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و

۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

قلم سی و هشتم که او مشهور بلسان عراقی است

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و

۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

قلم سی و نهم که او قلم یونانی است اب ت ت ث ج ح خ د

د س ر ن ل م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

ج ح خ د ز س ر ن ل م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی لا قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

ا ل م ن و ه ی لا قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث ج ح خ د ز س ر ن

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی لا قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

ه ل ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث ج ح خ د ز س ر ن

اب ت ث ج ح خ د ز س ر ن ل م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

ه ل ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث ج ح خ د ز س ر ن

د ز س ر ن ل م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

ف ق ک ل م ن و ه ی لا قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث ج ح خ د

که قلم اسرار فاسی است اب ت ث ج ح خ د ز س ر ن ل م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است اب ت ث

د ذ ر س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

۴ ۳ ۲ ۱ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ك ل م ن و ه لا ی قلم چهل و پنجم کہ قلم طلسم است

اب ج د ه و س ج ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ا ر ش

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰

ت ث خ ذ ض ط ظ غ لا قلم چهل و ششم کہ اورا قلم زهرہ نامند

کہ مشیر بنی جات را و طلسمات را و آنچه بدین مانند بدین خط توان یافت و متصل شود

اب ت ث ج ح خ د ذ ر س ش ص ض ط ع

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰

ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی قلم چهل و ہفتم

کہ اورا قلم عیانہ و قلم عبور نامند بزرگترین حروف ابجد منفوش است

اب ت ث ج ح خ د ذ ر س ش ص ض ط ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰

ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی قلم چهل و ہشتم کہ اورا قلم اجار گویند بزرگترین حروف ابجد

لا کے قلم چهل و ہشتم کہ اورا قلم اجار گویند بزرگترین حروف ابجد

اب ت ث ج ح خ د ذ ر س ش ص ض ط ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰

ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی قلم چهل و نهم کہ اورا

قلم چهل و نهم کہ اورا

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰

ا ب ج د ه و ز ح ط ك ل م ن
 ه ي ا ح ن ه ن د ي ه ت س ب
 ث ا ا ض ه ث ا ك ا ب ه و ب

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
 خ ش ع م ج د ه ث ا ي ب غ ا ي
 س ل ن د ش ث ن ق ا ن س فا


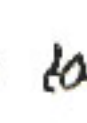
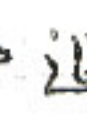
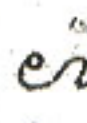
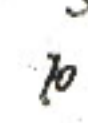


طريق ابنت بحفظ افلاطون حكيم
 ا ب ج د ه و ز ح ط ك ل م ن
 حروف مقطعه بحساب ثا قده خانه لرهول
 ا ب ج د ه و ز ح ط ك ل م ن
 س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

قلم دیگر هم
 ا ب ت ث ج ح خ
 د ر ز ع ح ط ظ ع ح غ
 س ن ه و ز ح ط ك ل م ن
 س ع ف ص ق ر ش ت ث خ
 صورت خط گوی از جهت سر مشق بك ایته
 لا ی نوشته میشود سلام الله و رحمة الله وبرکاته

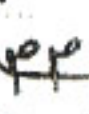
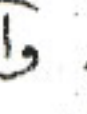
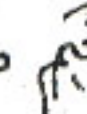

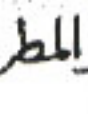

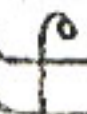
الله لا اله الا هو الذي اليوم لا ساحه سه
 ولا نوم له ملك السموات و ملك الارض
 الله اعلم
 خط


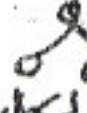

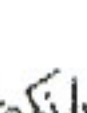
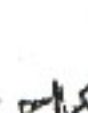
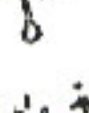
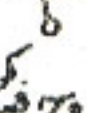
خط امرس و صورت او ایست که بعکس نوی کنند و مقطع

ی	د	ک	و	ب	ا
ه	ز	ح	ل	ک	د
ل	ق	ای	ا	ش	ژ
ح	ک	ح	ا	پ	س
س	س	پا	او	ن	ا
ع	م	ح	ه	ح	ح
ج	ت	خ	ف	او	ط
ع	ک	ح	ف	ی	ح
			یو	یا	شو

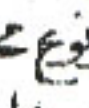
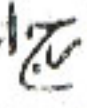
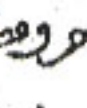
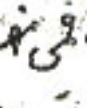
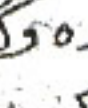
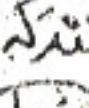
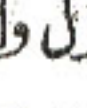
و علم الجلاء  الجلاء عتت      

من کتاب النوامیس للحکام حروف الريح والغيم والمطر والنار

بالريح       

والنار       

باب الحروفان من قول الحكماء للينها بدانکه حکما حروف بر بروج قسمت کرده اند

و يعلم طبیعی نهاده اند       

اما حروف بر نوع مخارج از حروف فی نهاده و گفته که اول و آخر

فاما ضم حروف مخارج هم و چندین قسمتی کرده اند شکل و هم ب

نور بی برق چون ذلک فی سرطان من طث استندت
دست سینه زطان بینک دلی عقرب ض من شرح قوس
ج لذق جند ق خ غ ن ل و ح ع ه حوت اده و علم

- ۱- قلم حضرت آدم سرپای ۲- قلم حضرت نسیف
- صولیانیا ۳- قلم حضرت ادریس یوبار یا ۴
- قلم حضرت نوح جزرمیا ۵- قلم حضرت ابراهیم
- برهمیا ۶- قلم حضرت اسحاق یونانیا ۷- قلم
- حضرت موس عبرانیا ۸- قلم حضرت داود
- عزیویا ۹- قلم حضرت سلمان کاهنیا ۱۰-
- قلم حضرت عیسی رومیا ۱۱- قلم حضرت شمعون
- افرنجیا ۱۲- قلم حضرت جبرئیل قبطیا ۱۳-
- قلم حضرت دانیال نبی ارمنیا ۱۴- قلم حضرت
- نسیف محمد صلی الله علیه واله کونیا کوفی

كلمات ابيجد هندی

ثانية اربعة رابعة الحروف واربعة ثلاثية ولكل كلمة رقم هندی
 على الرقيم ولكل حرف من كل كلمة رمز سندي فلحرف الاول
 ٧٥٥ سا والثاني ن والثالث ط والرابع ه لكنا نكتب عن رقم
 الكلمة الاولى بصفران تصد حرف تاليها وبروز حرفها ان قصد
 حرفها ونجعل رقم متلو كل كلمة دالاعليها متصلها رمز حرفها الهط
 بالرقم المذكور ف علامة الالف سا و علامة الدال ه و علامة الواو
 ب و علامة الكاف ص يوصل من كل منها برقم متلو كلمة و علامة
 الفاء ع كما عرفت فنكتب بهذا هكذا سا ه ه ه و نكتب
 على هكذا ع ه ه و نكتب بصفر هكذا ما ع ه ه و نكتب
 غانم هكذا لا سا ه ه لان متلو كلمة الخين المعجمة سابعة
 الكلمات ومن هذا يظهر انة لاحابة الى رقم الكلمة الثامنة كالا
 حاجة الى رقم الكلمة الاولى ان قصد حرفها اذا الثالثة غير متلوة
 والاولى غير تالية و اذا تمت الكلمة فيصد حرفها الاخر السندي ليحصل
 الاطلاع على اخر الكلمة ولا يخلط بها بعدها اللهم الا ان يكون من
 اخر السطر فنكتب زيدا بن خالد هكذا ه ه ه ه ه ل ل ل ل ل سا س ل ل

حروفات ابيجد هندی صيرت ش

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩
٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صحر سجد بلکہ لا تعد ولا تحصى مر آن ذات پاک است که شست خاک را نور ایمان بخشید و از تراب خاک
 طلائی را از نور ذات خود منور ساخته و قطره بمقدار و الی غیر را در گردانید و جل جلاله و جل شانہ کہ
 ذاتش مستوع صفات برسی است از شکر کہ وال ہو ای القیوم والوہیتش منزہ است از درک و محاسن
 بنوعی بموقع انجوم و مثال صفتش از شایستگی اعراض و جواهر قطعا بر او واجب حکم الی بیانہ و اسرار
 الارواح فی خیالات البصوم و مثال مثلش از متانت و استقامت و خواص مطلقا مع او و منزل انوار الموہب
 من حضرت العالی بالی تحت انجوم معبود مطلق جلیل الشان عظیم البرهان و فیاض نور الفاضل من انوار
 و الرسوم و عطا کتفہ و شای عالم را بدست انبیا نور بیغ المکان و ہو مونی الحکمہ من شانہ جہاد و لا یخرب
 معلوم و لا یجدر و ہر درق مقسوم و از نور حال ذات سید الانبیاء و من اولادہا محمد حججہ محمد مصطفیٰ صلوات اللہ علیہ
 علیہ و علی آلہ و وارک ستم تمام عالم را از عرش تا فرش روشن گردانید و ہو مونی خاصیت توہما من لیاہ و کواکب
 الحکمہ من انوار کائنات و زمین و شجرہ ہزار عالم و جمیع انبیا و مرسلین و فرشتگان و ملائکہ کفر بین برادر و
 ظهور آورده و انقلاب علی بالذرة البیضاء و صوب سبحان - الزبرجدہ یکتای بارگاہ سبحان الذی امر بہ
 فی النور الابرار و از دایم ابوان فی قندلی الضیاء مالاز ہر سنہ نشین ارفع مکان قاتب سین او ادلی اللام و
 دایم اسرار جنیات علو ہدیشہ فادحی الی عبدہ باو حی شجرہ ہر الوحی نہ بخند و ہر صبر سبیل کہ کشف
 اسرار لدنی کہ سندام الکتاب بہ صاحب الثوب الابر خاتونش نشین ساکن و ما یطق حن الہوی
 الا کسر الاکبریم کلیم قدیم حدیم الندیج ان ہوا لا یوحی الکبریت الاحمر نقش صورت نامی فاینالاولا لک لما
 اظہرت ربوبیتی - ظهور رضای کمال و تسویف یطیبتک بکفر عنی المعنی لواما لہد و الخلاقہ و التعمیر نہت
 وہ شرف و فرمان فرمای آدم و من دونہ تحت لوای کرم البقرہ از نور حیستان کبریا فی قبل ایجاد الکلون
 و انقیاد با مقام العظیم و انہار اذا تجلی در حضرت قدیم کور شمس شب از نور کنت نبیا و آدم بین المار و ان

حق بر ذی عالم تخلیط و کرمها را از تعزیر و تفسیر شمس و قمری بداند که فیها شمس بموجود العمل بظن الی اهل البیت
 قلیل کلامی هم کز رواجها من عالم الکریمیت التعمیر من غیر مفارقه الی موجوده الکریمه و ما را کلمات الا
 و مطلقین من علی اریکه هیس عالم علم حقیقه حلفت علم الاولین و الاخرین حضرت آدم علیه السلام مطهرش
 حضرت ادریس علیه السلام مستفیض تدریس کرمش حضرت نوح علیه السلام کشتیان و در یای صلح الفلک
 با عینا خلی شمس حضرت ابراهیم علیه السلام زلدایای جهان کرمش حضرت اسماعیل علیه السلام ذبیح ابروی پر شمس
 حضرت داود علیه السلام شفق دیدار الوار شمس حضرت یعقوب علیه السلام مختلف بیت الا ابراهیم عشق آتش
 حضرت یوسف علیه السلام کرمش ارام کامل در کرمش حضرت موسی علیه السلام شهاب حشره یقین و کرمش حضرت
 سلیمان حاصل شمس حضرت عیسی بشیر کلام کرمش حضرت عیسی منسوخه در کرمش حضرت جبرئیل محافظ کرمش
 حضرت میکائیل علیه السلام حاجت خواه مزاج کرمش حضرت اسرافیل علیه السلام تبیان قدر و کرمش حضرت
 عزرائیل علیه السلام رضا بوی خاطر امطش عین الکریمه ابو فاروق کرمش ادریس الذی انزل الیهم کرم او
 استاذ الفیاض ادریس کرمش ادریس من عبد السلام کرمش ادریس المصنوع کرمش ابو الکریمه کرمش ادریس
 اهل لاسراره کرمش ادریس اهل کرمش ادریس من کرمش ادریس اهل کرمش ادریس اهل کرمش ادریس اهل کرمش
 بین النبوة والاولیاء المرسوم القاهر لمدینه الفلک الکرانی البصایر ذات الایمان فی الکریمه مبارک صلوات الله علیه

مقدمه

اما بعد فی ذی العقول السیما لمتصف احواف الکرال و التتمیم تلك اسعد کلامه تعالی اوهل کلامه استفاضه کرمش
 با علم حلان علم الایمان و علم الاعمال الاقنان اولاً بیکه علم الایمان حاصل نماید و در آن برین تقوی بر اورد
 تهب و حاصل کمالی بر شمس شریف صاحب شمس باشد تا کرمش الاعمال الاقنان باسان حاصل نماید و باید که
 صاحب تقوی برین کلام باشد اگر حاصل تقوی را بگذارد و احتیاط برین نکند عمل او مستعدی نشود
 در مرض و فائده بخش پس اگر کسی خواهد که برای خود بپزند کسی دیگر عمل کند باید که اول زرق حاصل طلب کند و
 بعد از آن در صدق مقال کوشش کند که گاهی در مذاق هم در شکیب و استقامت او و در شرف با اعمال
 خود هم کند و غیبت کند طهارت کمال بر دست کند و در شرف خود صاحب استقامت سازد و همیشه با دستها باشد
 را همیشه بگذارد و کفایت و دروغ ناله و در شرف را از حبه کبر و کینه و کبریاک دارد و همیشه از خداوند بر خاسته
 آری در او که او تعالی شرف از حبه کبریاک است گاهی و گاهی بپندارند خود شمع حبیب خود را که در کوه کرمش فائده
 آن خرجت لاس فرموده است و داخل فرموده گاهی ای بپندارند کرمش خودی گرداند و طهارت عای جامه اهرام طهارت

دارد و اوقات هم نیک باشد همیشه خاشع و خاضع در جنب باری باشد و جای که نشیند اول هم به سجده است
 و شویات معجزه معطر دارد و اختلاط با مردم بد هرگز ندارد و هر عملی که کند اگر برای کسی است یا ملک
 است آسایش در دین دارد و اگر برای کسی است و غیره است خیر سنی در دین دارد و در شریف را همیشه
 اول دعا تو عمل بکار برده یعنی بخواند تا استجابة یقینی شود و برای استجابة درود شریف مثل گریه است
 است ازین جهت ذکر درود شریف ابتدا نمودم فائده اول در بیان فضیلت صلوة بر نبی و آل است
 بدانکه معنی صلوة اگر از جانب حق باشد رحمت است و از غیر خدا طلب رحمت
 و زود جمیع معنی اللهم صل علی محمد ایست که بار خدا یا تعظیم کن محمد صلی الله علیه و سلم را در دنیا
 یا آخرت و در آخرت خیرات خیرات و عطا می دهد و شفاعت بایده است که الفلق و سایر
 صلوة دیگر مختص با او است اما اختلاف در مقدار است نزدیک ملک تمام یکبار و زانو آن
 و شرافیه در شهر اخیر واجب نند و زود تمام هر وقت است که در وقت استماع هم مبارک نفس بایست
 که در مجلس گوناگون نامی تکبار یا بدو و یکبار واجب است و زود بعضی بار و جمعی بر آنند که از یک است
 نوبت واجب است باقی نماند باید دانست که صلوة و فوائده بیشتر است و اکثر کتب معتبره از
 فضائل قاریه درود شریف پی آمده اند و فضیلت از فضائل درود شریف این است که اکثر بزرگان دین خدا
 طلب بوسیله درود قائم المرام و اصل باشد شده اند و صلاح و اصلاح دارین نصیبان گردیده و حق
 هر چه جویند اندرود شریف در اینند چه خوشنودی خدا و درود فرستادن خدا و ملائکه برسی سلامت برین

صلوة ایست اللهم صل علی محمد ایست که بار خدا یا تعظیم کن محمد صلی الله علیه و سلم را در دنیا
 یا آخرت و در آخرت خیرات خیرات و عطا می دهد و شفاعت بایده است که الفلق و سایر
 صلوة دیگر مختص با او است اما اختلاف در مقدار است نزدیک ملک تمام یکبار و زانو آن
 و شرافیه در شهر اخیر واجب نند و زود تمام هر وقت است که در وقت استماع هم مبارک نفس بایست
 که در مجلس گوناگون نامی تکبار یا بدو و یکبار واجب است و زود بعضی بار و جمعی بر آنند که از یک است
 نوبت واجب است باقی نماند باید دانست که صلوة و فوائده بیشتر است و اکثر کتب معتبره از
 فضائل قاریه درود شریف پی آمده اند و فضیلت از فضائل درود شریف این است که اکثر بزرگان دین خدا
 طلب بوسیله درود قائم المرام و اصل باشد شده اند و صلاح و اصلاح دارین نصیبان گردیده و حق
 هر چه جویند اندرود شریف در اینند چه خوشنودی خدا و درود فرستادن خدا و ملائکه برسی سلامت برین

و خاتم بر اسلام فاذا الامراض من از اوقات برات از تمت بروم شبت و چه نموده میوه و بیخ و ده ده و
 بنت قضا عا و حضرت گنا این جنای قلب پیدا آمدن فراموش شده خبر اوقات از او انلی و تحت روزی
 ادای قرص و قن و دو اس مخفرت گناه دارد و بدامن از دوران و دورنگان زیارت لور بر بطیخ و آتیم
 بسد صلی بنار قبول دعا و خوب شفاعت پیدا آنجا رسیدن نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم قبل از
 دیگران و قیامت نجات از بول رنجیز فلاح از قبل آنک نیابا از آن علم فراید و اجم مقاصد مذکور شدن
 اسم در روز سنده پیش آن سر در کائنات و شرف شدن آن غلام موهوب و اوقات در روزن الاخصار از شخصی
 زین الدین المکی روایت که ما تجربه کردیم در هر کاری که توسل بحضرت رسالت نموده در و بسیار فرستادند
 ساخته و پدافه شد از آن جمله در و در تالیف سید احمد مدوی برای قضای جوانح و کشف غمات عجب
 خوب است و عمر این فقیر حکایت است از آنکه مسلمانان که از آن حضرت علیه السلام در و در آنجا
 هزار و یک صد مرتبه بعد از آن شرف شد از زیارت شریف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در و در آنجا
 مرا که ای قوم مسلمانان که گاهی در و در آنجا بیایید و در آنجا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در و در آنجا
 را یک هزار و یک صد مرتبه پس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که اگر می بود وقت تو کل احمدی بزی
 یک مرتبه در و در آنجا پیش من از هزار و صد مرتبه و قضای حاجات میکرد ترا خداوند تعالی بر ولت آن
 در دو جهان چون کسی خواهد که برای قضای حاجات صلوة متبرکه مذکور را وظیفه سازد باید که در ایام
 بیض بعد مغرب تا نماز خفتن بر صلی نبویه صلوة مذکوره را با لاله و بلا وقفه بخواند تا سه روز همین
 طریق بعون الله تعالی انجام دهد هر روز و هر روز اللهم الله الرحمن الرحیم اللهم صل و سلم و بارک علی
 سیدنا و مولانا محمد و آل سیدنا و آل نبوتنا و آل ائمتنا و آل اوصیائنا و آل اوصیائنا و آل اوصیائنا و آل اوصیائنا
 و اشرافنا و صلوة الجسد النبویه و قد ن الائمة و الائمة و الائمة و الائمة و الائمة و الائمة و الائمة و الائمة
 صاحب القبطه الاصلیه و البهیه السیده و الرشیدة العلییه من الدار الحیه النبویه تحت
 یو ایه همینه و الیه وصل و سلم و بارک علیه علی الاله عند کما خلقت مرزوق و امت الی
 کوم یثبت من انیت و سلم و تسلیما کثیرا الحمد لله رب العالمین ایضا برای کشف مصروف
 و استنار باطن در و در آنجا در وقت تحقیق بر خوابگاه پاک یاد و تکرار در شسته خواندند
 سخن نگویدیم الخضر متوجه جناب مصطفوی باشد این است صلی الله علیه و آله و سلم یا محمد یا محمد یا محمد
 ایضا چون کسی در همی گرفتار آید و حاره کار نماند و در شریف قوم الدل بازده روز بعد نماز صبح یا
 یکصد مرتبه در و در آنجا افضل تعالی مقصود بر آورده گردان است اللهم صل و سلم و بارک علی سیدنا

و مولانا تکمیل مظهر الایمان و الحلال و ذوات النعمان و الصفاة و غیره است و کلمه مؤمن را که از آن
 این است که از باب صد و بیست و یک کتاب الفیاض فی الصلاة مستخرج است اسودنی و ذری
 چنانچه این فخر از سید ابن درود شریف یاد می یابد و غیره است که در کتاب الکرسی خواهد بود
 وظیفه سازد و هر کس این استغفار را نماید یا یک روز یا مریض روزه دارد و در آن تصدق ثواب اسبغ و
 کرده دو گانه نفل کند و ثواب این بجزایب صطفی کند از اجود صلوة بخینا به نهایت خنص صوم
 یکبار تسبیح بخواند و محسن هر روز صلوة کند و این است اللهم صلّ علی محمد و علی آله و صلّ علی
 اهل بیته تا مولا تا بحکم صلوة می بیند ایام و جمیع الاحوال الا آفات و تقوی کنایه جامع الایمان
 یات و تطهر و احوال و جمیع الذوات و غیره است که در کتاب الفیاض فی الصلاة خواهد بود
 شیخ الخلیف فی الصحابة و بیت النبا لکنه علی محمد شیخ خدیج اگر هر روز بعد از نماز پنج گانه صد بار در روز سازد
 یا بار تا بخارید و طاهری و ذری و آخرت مای کار از روید علی الله علیه وسلم فائده دوم در کیفیت
 بسم الله و قضیات آن در خاص آن فرمود نبی صلی الله علیه وسلم که هر کس این بسم الله گفتن است و در وقت
 دیگر نیز وارد شده است که هر کس در آن نام خدا گفتن است یعنی بسم الله گفتن روی عن ابن عباس
 عن ابي بصیر عن ابي عبد الله علیه السلام قال اذا قال یقین قلنا ینعم الله الخمین الترحیم بکتب الله
 بقره علی الصبی و بقره علی الکتب و بقره علی النبی و بقره علی انبیاء و بقره علی اولاد و بقره علی
 کرم و بقره علی سائر خلق الله صلی الله علیه و آله و سلم حق تعالی فرشتگان را فرماید که باقی نویسد که این کودک را با کشتن و در کعبه
 باشد روزی است و در نماز و در نماز یا میگوید بسم الله گفتن چهار کس از روز کشتن شایسته شود و بعد از آن
 این چهار کس را گوید هر که خواهد که از نوره فرشته خدا بر سر او نازل شود و کل انداختن باید گوید بسم الله آخر
 نوزده روز است یا اخص تمام نمازها شود و در وقت دیگر آنکه از این چیزی که فم و لایح صحف
 نوشته بسم الله از این چیز که یاد میاید السلام الله علیه و آله و سلم الله علیه و آله و سلم الله علیه و آله و سلم
 ان الی اسما است و این زمین که چنان است یعنی بکتاب او بنامش از پسر او است
 بقره بسم الله الرحمن الرحیم هر کس که این است فرموده ان را از جابر بن عبد الله نقلی روایت است
 که چند تن از اهل فرود آمدیم علیه السلام بر اهل ذریه آسمان دور شدند و طفت مشرقی بختند و یاد
 مخالف بودند که شدند و در راه روان شدند و در آن منقاد و فراتر وار شدند و لیکن را از آسمان
 دور کرد حضرت پروردگار و هر کس یاد کرد بقرت و عیال من که بر بیماری نامم را با اخص بگویند شیخ
 در هر بیماری را گوید با اخص بکشدیم همان چیز که بسم الله را با اخص گوید و در وقت اول

گفتند که بسم الله که قدسیه است از کبریه است و قلت در بیتی است از ضلع ولایت دوسم است
و قربت بر این کتابت در مت خاص است بر این حقایق و اوراد است که در شد است از امام
جعفر صادق رضی الله تعالی عنه که کتب و مودع است در آن و بعد از آن مودع است در آن و بعد از آن
فان روح است بسم الله و بسم الله و بسم الله و بسم الله و بسم الله و بسم الله و بسم الله و بسم الله
باشد پس اشارت کرد بانکه والله یخفی علیکم بالضم یافت روایت کرده شده است از اول
صلی الله علیه وسلم که در هشت چهار باشد و یا علی زین العابدین در ایامی از غسل هر ای از عمر
بهشتی و ازین چهار در باو چهار دان میشود و روایت کرده شده است که بر ساق عوش نوشته شده
بسم الله الرحمن الرحیم و بسم الله الرحمن الرحیم و بسم الله الرحمن الرحیم و بسم الله الرحمن الرحیم
تقل کرده شده است از تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم آغاز میکنم بنام خداوند یکتا بر این و یک بخوان
بالویش شرافت و عارفان بهر با پیش روزی یافتند طالبان و بخشش سخات یافتند که با همگان
آغاز کتاب حق سبحان و تعالی بیا این اسم سه قسم است از هر آنکه بنده با رعالت است این جهان و
گور آن جهان چون عبودیت است درین جهان کار سازوی او است درین جهان
بردی در گور است و چون شایسته در آن جهان و آن زنده گناه وی او است بدیت نام او با بگور
خواهم برود و تا اگر او را بر این من است همانکه از تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم و حضرت عونت الاعظم رضی
الله تعالی عنه فرموده اند که بسم الله از عارفان تند حرکت است از پروردگاران آتی امام زین العابدین
روایت کرده که هر که در عمر خود هفت حد بار بسم الله بخواند حق تعالی او را از آتش و دوزخ آزاد کند و در
مجموعه خانی آورده که در چهارمین عنوان علی کرم الله وجهه حرمیان سلمی را در جنگ گرفته و عقوبت چهار روز با تفرقه بود
روغن گرم کرده او را انداختند و بسم الله الرحمن الرحیم گفت روغن سرد شد و او سلامت ماند حق تعالی بجای این اسم علم
انام بسیار پیش روی بر اعانت کرده می آنان لوح علیه السلام هکذا صغاری کشتی فرموده بسم الله
عزیز ما و من ساها و دم حضرت سیلان گفت انکرم سیلان و انکرم الله الرحمن الرحیم
ایضا من خواهم که خواند بسم الله در آورده هزار بار یا هر هزاره و گانه بگردد و در دو خواند بر حق تعالی
طلبه از خدای تعالی باز جوع بخواند بسم الله که در چون و فیکه هزار دیگر تمام کند انگاه عمل سابق
و گانه ادا کند و در بخواند چنین تا تمام دهد و گویس هر که چنین کند قضای حوائج گردانان اشرف
نویسد بسم الله از شش هفت است در شش و در چهار و در عطا فراید حق تعالی او را بدست علم که
کسی تواند بر سایدن ضرر او را باذن الله دیگر این نفس بسم الله را هر که شک سفران و گلاب

از خود بیاید هرگز تمام کسی نشود اگر تا قبل روز هفت صد و شصت و شش بار نوشته هفت جبهه ساخت
 دریا اندازد بر سنگلات آسمان گردد هر مرادیکه در دل آرد بر آید و چون طیار گردد این نقش معجزه دیگر
 و یک این نقش را نوشته بر بازو در تعویذ
 انداخته برسد و تمام خلق جهان بروی هر
 گردد و زندگی اطبیار میآید از رکعت
 این نقش -

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

۴۸۹

۲۳	۲۶	۲۹	۱۶
۲۸	۱۷	۲۲	۲۷
۱۸	۳۱	۲۴	۲۱
۲۵	۲۰	۱۹	۳۰

فایده مضمون در سوره الشیخ فضیلت سوره یسین و
 و برکات آن سوره ها آورده و فوائد آن بسیار و طریقه
 عمل آن رسیده است طریقی اول اینکه در وقت نزاهت
 ناقصا الشریک جلال جمالی در ساعت سجد یک بخواند روز دوم همان وقت دو بار هر روز یکبار برود
 سابق زیاد کرده باشد تا قبل یکبار رسانیده باز تحقیق یکسایه نماید اگر روز ششم نوبت یکت خواهد
 صید غیر روز یکبار و طیفه دارد و بلا عذر باقی کند عال خواهد شد من بعد من الحاجت همین طور بخواند
 طریقی دوم آنکه هر گاه برای هم خود یا دیگری خواندن منظور باشد در رکعت ششم یکبار یا در هر
 یا زده گانه اول یا آخر بخواند انشاء الله تعالی تیر بید بر او خواهد رسید و وقت آنجا نماید که گوشه ای
 بیازد پس در غیر واجب است در اشائی خواندن کلام کند و کار دیگر سواى فرض و در متوجه شود
 بضرورت بول و بران و مشو و غیره اگر ختم و مضایقه نیست حتی الامکان در جلیسه فایده بخواند در مکان
 خلوتی بر لب آب آرد یا نباشد و کتیر آب کرده بجای دعوتش نظر دارد در اشائی قرأت حنوی
 آنحضرت صلی الله علیه و آله پیش نظر داند حتی الامکان در جلیسه فایده بخواند فصل الله صفائی تا نزد
 قرون چهارم نیز در وقت این عمل میسر خواهد آمد انشاء الله تعالی آنحضرت بذات خود کبیل جوان مالش خوان
 بود و طریقی سوم بدینطور است که سوره را شروع نموده تا بین اهل بخواند چون بر زمین اهل برسد بار و همان
 اول فرسخ نموده تا بین دوم بخواند و سوم بار اول فرسخ نموده باید که هر گاه خوانده تا بین ثالث
 برساند باز نمود که تا بین ثالث و علی بن اقیاس تا بین معمر مکارم نموده ختم کند دوم کردن سوره یسین

به ترتیب که در ایام هر یک از اینها است لیکن طریقی است که از گوشت گاو پاره کرده و در کوزه ای که در آن آب است بپزد
فاجیت بجای آنوار الامان ایضا خوانده میشود پس چهار مرتبه با فضل بعد از فراغ این نمازها و هر سه بخواند
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ سُبْحَانَ الَّذِیْ هُوَ عَلَیْ كُلِّ شَیْءٍ شَهِدَانِ الْمُقَدِّسُ عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ مَنْ خَشِعَ وَجْهًا
مَعَ جَلِّ خَرَأْتَهُ تَبَتُّنَ الْكَافِرِ وَالثُّوْنُ سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّمَا اَسْتَغْفِرُكَ لَكَ كُنْتُ فَاکْفُرْ لِيْ بِکُلِّ حَیْثُ مَرَّ بِهَا رَجُلٌ یُّؤَدُّ
فِرْحَی عَنِّيْ عَنِّيْ وَتَعَطَّبَنِيْ فَوْجًا عَاطِبًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ اَيْضًا اَللّٰهُمَّ فَرِّدْ لِيْ مِنْ رَجُلٍ مِنْ رَجُلِ الْاُمَمِ يَكْفُرُ بِيْ وَبِوَالِدِيْ وَبِاَهْلِيْ وَبِاَرْضِيْ وَبِاَنْتِ
په بر وقت که حاجت پیش آمدی بدان نیت بخوانی او را کفایت کردی پس هر چه بخواهی از آن بگوئی گفت
که بسیار خواهم از خواندن سوره یسین تجزیه کنم چه بگویم با بخار رسیده بودم و در رنگ آبیها ماندم که دست
از ماندن و لرزیدن و آن خواندی از ایستادی در حالی خواندن سوره یسین من است و در سوره یسین هفت مرتبه
است و در همین برابر این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ سُبْحَانَ الَّذِیْ هُوَ عَلَیْ كُلِّ شَیْءٍ شَهِدَانِ
لَلْفَرَجِ عَمَّنْ كُنْتُ خَشِعُ وَجْهًا لَكَ وَتَعَطَّبَنِيْ فَوْجًا عَاطِبًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اِنَّمَا اَسْتَغْفِرُكَ اِنَّمَا اَسْتَغْفِرُكَ اِنَّمَا اَسْتَغْفِرُكَ اِنَّمَا اَسْتَغْفِرُكَ اِنَّمَا اَسْتَغْفِرُكَ
الَّذِیْ مَنَعَنِيْ سَلَاةً كَرِيْمًا قَالَتِيْ وَتَحْبُوْنَ اَيْضًا از فضائل آن کی این است که هر که این سوره
بخواند وقت شام نیاهد یا شده تا صبح ایضا برای قضای حاجت هفت روز هفت بار سوره یسین را
هر روزی که بخواند باید که سوره یسین را خواند با روح رفت سلطان تا این هفت روز هفت بار
یا در روز یکشنبه سلطان الوسیع روزه دو شب در سلطان خراسانی روز یکشنبه سلطان اراک و هم در روز
چهارشنبه سلطان بجز در غنچه سلطان محمد غازی در همه سلطان اسماعیل بیابانی خداوند تعالی مراد بار و ایضا
برای ترقی روزی و اجتماع مردم و تخریق خلق بعد از نماز صبح بلا غم تا یک چله بگیرد خوانده باشد اول
در روز شریف بیت و یکبار سوره فاتحه بحسب آرزوی سوره اخلاص سه بار خوانده یسین شریف
شروع کند چون به زمین اول برسد آیه من یتق الله فاقدر الله فاقدر الله فاقدر الله فاقدر الله فاقدر الله فاقدر الله
بخواند زمین دوم برسد آیه مذکور هفت بار کند از آن شروع سوره شریف بخواند و زمین سوم
و بر زمین قیاس بر زمین رسیده سوره از شروع بخواند و آیه مذکور موافق تعداد کار کرده باشد چون
ختم کند بیت یک مرتبه در دو سوره فاتحه بگیرد و در آنکه در اصل سوره فاتحه بگیرد سیدان بخواند
یک نوبت میان میگردد اگر کسی بفرمان گرفتار باشد آن شخص سه روز روزه دارد و بعد از آن هر یک

و ذکر کن که گفتوا الصلاه استغفرك ان تجوز لی حد ام هذا السوره الشریفه ان تجوز لی انی
 اری ان ربك فقال ان یزید بعد ان اسم بر اسمك انعمت علیک انما الحكمه فی السوره
 الشریفه ان تجوز لی ما استغفرت و قال الا ما استغفرت من الایمانه بدعوتی و بطاعتی تا سرینما
 و احضره و احضره و الطوبی و فی قوله تعالی ان تجوز لی استجبت لک لانه ان یستغفرت و فی
 عهدی سید مخلوق بقدره داخرون در آن وقت ظهوری پیدا خواهند شد که روی آنها
 آفتاب روشن باشد و پیش صاحب دعوت آمده است که علیکم ایها العبد الصالح خواهند گفت
 و خواهند رسید که هر روزی باید که صاحب دعوت بزودی تدریج سلام کرده بگوید که خواهم از شما نزدیک
 و تسلیم و اطاعت نیس آن بگویند خداوندگار و فرمانبردار صاحب دعوت خواهند شد بعد از آن
 بگویند که در میان ما و تو یک فرط است اگر قبول کنی بهتر در نزد من است اول این که بعد از این روز
 پنج فصل که در یک شب شوهر گردد و در غم گوی و بسن و ساز و آوازی خود برود و چشمتی صمیم می باشد و شب
 آذینه فصل کرده تو بظاهر پیش و وقت طلوع آفتاب به گورستان برود و بار سوره اخلاص
 بخواند و ثواب آن به او است و صاحب دعوت بگوید که قبول کردم بعد از آن بگو
 کرد میان ما و شما را یکی و بعد از آن هر یک یک کل خواهد گفت که نام من عبد الواحد است
 پیش تو حاضرم کار من این است که ترا در یک لحظه به مقام که طیبه خواهم رسانید و باز خواهم آورد و بعد
 از آن موکل دهم بگویند که نام من عبد الصمد است من بخیر است و صغیرم ترا حلال بدوی خواهم رسانید
 و گویا و امثال این نامی خواهم آموخت و موکل دهم بگویند که نام من عبد الرحمن است من نزود حاضرم و ترا
 ظاهر و باطن تعلیم خواهم کرد و این سوره را بسیار فضیلت است و از هر روز ترا از برکت این سوره هیچ کس
 نخواهد دید فقط در بگرد این نقش سوره اخلاص هر که خوانده باشد شادمانه به دستار بندد و زود کسوف آرد
 و انکه ششم فضیلت دعا از حالت الحوائق تا باید که مؤمن

۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶
۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶
۳۳۶	۳۳۶	۳۳۶

بسیار در ترک گیرد و از کاردن باز نماند که قادر نفس خود خواهد
 است و حال در غیر است الدعاء مع العباده هر چهار چیز
 باز گیرد و صاحب زهدی باز که ستودیم که زکوة بزرگ و فضیلت
 تعالی که داشت مال الدوی باز گیرد و هر که صدقه بگیرد و آیت
 اندکی بزرگتر از آن که در حق تو است و هر که در دعا با تو سخن تعالی استجاب خواهد
 وی باز گیرد رسول علیه السلام فرمود دعا کننده را این گویند و در اجرش یک اندک که قرآن می خواند

آنکه می شود و با جمیع ارباب شرک یکند و استاد و شاگرد در علم گفتن و شنیدن و با جمیع ارباب شرک یکند و از تغییر معنی پیغمبر
علیه السلام فرمود که دعا کنند یعنی از خدای تعالی بخواهند و بی نیازی کند خدای تعالی او را دشمن و کار او را
دعا کننده ستمی اجابت نماید باشد از هر چه باز نماند یکی آنکه زاری و تضرع که او می کند بویست و در ترانه
اهل انهد و ثواب آن بیاید و دیگر آنکه استجاب نشود و باز در اجابت را میگوید هر که در وی را بسیار بگوید
آخر از گفتن سوم بدعا کردن شش زیادت شود و محصیت کنند بر اگر از طبع نیکو شش آید که در وی علمی
شود و بدعا کردن سبحان تعالی بدعا کردن توفیق ندهد تا سخت با حاجت تقدیر نکرده باشد و توفیق تو بندد
تا سخت پذیرت توبه تقدیر نکرده باشد آورده اند که اگر دعا کند و دل او حاضر نباشد پس دعا کردن بهتر است
هر دو را از ترک ز تفریح پیغمبر علیه السلام فرمود هر که شکر روزی کرده شود او را محروم نکند از زیادت و هر
که توبه بگذری کرده شود او را محروم نکند از قبول توبه و هر که استغفار بگذری کرده شود او را محروم نکند از تضرع
هر که دعا روزی کرده شود او را محروم نکند از اجابت قاضی هر که در آداب دعا بر بنده باید که وقت
و حاضر گناید که کرده باشد پیش خاطر نیار و هیچ طاعتی زیر اگر طاعت کبیرش دل آرد آن مجب باشد دعا
بجست حاجت نباشد اگر محصیت خاطر آرد در ایقان و عاقبتی آید در وقت و حاضر خاص بر حمت باید وقت
و موافق بود و البته این دعا است حاجت کشا الله تعالی از عاقبت الحقایق و اول علی الله علیه السلام فرمود چون
سوال کنید از حق تعالی پس بخواهید بگفای هر دو دست و بخواهید بپشت دستا چون خارج شوید از دعا
هر دو دست بر روی فرود آید و همان آداب عالیت چون دست بدعا برداشته باشی در آن زمان چپ
در راسته نگری و در دل بپوشه بیندیشی و دست بازی کنی و بای دیگر نظر کنی چشم زیر داری هر دو دست
بر زمین کنی تا آریخ و او را بلند کنی و آواز پست داری و آواز پست داری کنی که وقت دعا آواز بلند بر زمین
است در وقت دعا را بلند کنی که خلو و خلوتی که خلوت بسیار دعا دست دارد و این در دعا گوید الهی آن
بیز که خواهم مراد دعا عاقبت در ضای خود زیرا که نعمتی تو روی آرد آن عاقبت نباشد ملا است اگر عاقبت
باشد که ضای حق تعالی نباشد آن نعمت عاقبت نیز بلا است بیاری خایده چشم در شکر قبولیت مباد که
اجابت دعوت دیگر است و قضای حاجت دیگر اجابت دعوت این است اگر بگوید دیگر ای حق بگو بپشت
عبد محمدی فی الوقت واهی از جواب حق مشرف گردد و قضای حاجت دادن مراد است همین بعد از
باشد یا در آخرت و یا غیر بودین نباشد زیرا که خدای تعالی صلاح بندگان بهتر میداند و توبه و صلح خود فرقی
آورده اند که بلا ایم آدم رحمت الله علیه در باز از صبر میگردد شت خلق بر وی می شدند و گفتند که خدای تعالی
در کتاب خود فرموده است اذ یخوفنا یستجب لکنه و یلوها یکم استجابی شود پس از آدم گفت بدست که

شماره است همه چیز اول می شناسید خدا را دادا می کنید حق را دوم آنکه سخن آنست که کتاب
 اورا عمل نمی کنید در آن سوم آنکه دعوی میکنید تحت رسول خدا می را و عمل و ترک آن
 آیه نهایی اول چهارم دعوی میکنید عداوت شیطان را و با او موافقت میکنید پنجم دعوی میکنید محبت شیطان
 را و عمل نمی کنید ششم آنرا ششم دعوی میکنید خوف آتش و دوزخ را و درین کرده اید قسبهای خود را بر آن هشتم
 آنرا میکنید موت را که حق است و ساخته نمی شوید مر آن نهم هشتم مشغول شده اید به محبت گیران و از حسب
 خود یاد میکنید نهم مردم را هفتم میکنید خود را مشایخه میکنید دهم فن میکنید موکلان را و بدان انقباه و
 اعتبار نیست شمارا آورده اند که مردی از باری تعالی بیدعا خواست فرزند مطلق صفت نکند که چگونه فرزند خدای
 تعالی فرزند محنت دزدی کردا نزد گفت که باری من از تو فرزند می خواهم مرا فرزند محنت دزدی آوازی شنید
 که با سوال ترا اجابت کردم تو از ما مطلق فرزند خواستی و شرائط ما تا مستی شرط این بود که میگفتی که ما از تو
 بدشالتی حاصل می کرد اولاد و مبارک صالح باشد چنانکه ذکر یا علیه السلام خواست از غیب الصلوة هر که خواهد که
 دعای او تجابت یابد که چیزی نگهدارد یکی آنکه وقت طویل باشد و در دیگر لغت کسوت را از وجه مطلق نماید
 که دعا مستجاب شود مردی از صاحبی سوال کرد که چه کنم تا مستجاب دعاهای من حاصل گردد لقمه سلال بخورد
 لباس پاک بپوشد این معانی را در این اجابت را آن مرد گفت فرزند وقت آن از غیب است حاصل گفت برو
 یکباره آب پاک بپوشد و در آن صواب برود تا ننگ برود و سر سلال قطعه اش می سلال بپوشد و این عمل را در هر روز
 فائده هم در اوقات اجابت الدعوات است و نیز در اول وقت رتبه طلال هم در وقت غلبه است و نیز در وقت
 دوزخ و بعضی شبی از رمضان سوم وقت باریدن باران چهارم روز جزو شب عرفه پنجم ساعتی از شب ثلث
 شب یا آخر شب یا نصف اول یا آخر ششم وقت پنجم شب برات ششم شب عیدین هفتم شب جمعه و روز
 جمعه و ساعت رجب بود که گاه جلوس با هم است بر نیز تا طالع از کفر و ضد و منج و ظاهر آنست که آن وقت خواب
 امام است تا آنکه این بارکت اولی از جنادها وظیفی مراد است در لسانی و نیز در بعضی بعد از عصر تا مغرب
 زهم وقت زوال هر روز از دهم اول شب رجب از دهم ماه رمضان یازدهم بعد از اذان بعد از اجابت
 اذان چهارم وقت حضور اول است یازدهم بعد از غیبه شانزدهم در سجده و اینجا نیز دعای دل مراد است
 هفدهم عقب تلاوت قرآن نزدیک ششم بعد از وقت جلوس خلیف زدهم بعد از ای خطبه بیستم در مجلس بزرگتر است
 و یکم صبح گاه بیت در مودیت کعبه بیست و سوم نوشیدن آب زمزم بیست و چهارم وقت جنگ کافران
 بیست و پنجم وقت حضور در لیس از مطالب رشیدی و درین موقع نیکو فرمود شیخ ذوالمعانی حضرت غلام
 علی شاه صنوبری دام ظلله ای فرزند خواهی که مستجاب به دعوت شوی برای دعا کردن آن وقت حال کن

که تو در میان نباشی و بس فایده و رحمت و فوائد اسماء شریف از فوائد الفوائد این ده لطیفه لطیفه
 اول آن اسم است الحاقین است دروش استوشین است و اطلاق سخن است و بدون است
 اللحن الرحيم انور انتقوا العقور انما انكروا الحكمة ذوالنور الخواجا ذلال والا لکن طبع
 دوم آن معون علوم بلبر است و در رگ اسماء و نجات است هر که موافقت نمود بر این کلمات و کلمات
 خداوند تعالی برای او هرگز کشتادگی و تنگی عظیم است و آن و آن سخن اسماء و آن ای که انچه
 الکین العابدی و علاجاتی لطیفه سم برای حصول غنمیت و دفع وسوس و وقت المانی
 اسم عظام و در آن غنم عظیم است و در آن اسم غنم غزون است و آن است اسماء و آن غنم
 تلك العین السليم الغیر النکال ذوالجلال الحکیم الکبر لطیفه چهارم برای یافتن صحت و صورت
 است و در آن سمیت انام مکتوبه و لا خواص آنهاست تفریق جمع و جمع تفریق هر که رام کند و هر
 آن و در کند خداوند تعالی از آن کس هر گونه الم و صلاح است و در هر دو سخن و دنیاوی و در آن کس
 بجایه طول نخواهد شد و در این تفریق اسم است خصوصاً آن نه اسم این است عقیدت و تقوا و تقوی
 ذوالعقود المنین المقتدر العزیز العبد المشدق لقادر لطیفه پنجم درین اسم ظاهر است چون دعا کرده
 شود بدان مستجاب شود و سوال کرده شود عطا گردد و در هر دو کلمه از این اقسام است
 صاحب بیند و این است از اعداد ازان انکشاف اسرار علوی است و تفریق کامل است آن ده اسم
 ان انما الحیاة العالیة الذی یطیب الذی یطیب النکال الکبار فی المناجاة العبدیة لطیفه ششم و این از
 اعظم اذکار است و در آن صاحب کشف خواهد شد و هر که در ویله شبها التزام کند و در علوم ظاهری و علمی
 نصیب دانی یابد و سیرت و سبوح تعالی و آن ده اسم این است انما انما انما انما انما انما انما انما انما
 البصیرة العزیز العبدیة لطیفه هفتم از فاصیبت این است حفظ علوم خفیه و معرفت اسرار غیبیه
 و غنای نفس اشراق مدد و این ده اسم این است انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما
 العبدیة العزیز العبدیة لطیفه هشتم درین اسم علم است هر که خواند این را در اوقات شبها
 نمازات احوال طهارت شود و راحت و سبوح تعالی است و آن ده اسم این است انما انما انما انما انما
 انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما
 برای حصول مطالب جلیله و کثرت عزت است سبب دزدق را و اقبل و عود است در فکرت و سبب
 برکت کثرت است و سبب آن نه اسم این است انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما
 السلام المؤمن السیرت لطیفه نهم و آن پانزده اسم است هر که استدام کندش که در علوم معده

است ایست یارند انما کالقوة الترتین و آنچه در طو است ایست یا بلقا می در است ایست
 یلیا ایست و آنچه در گن است ایست یاز یا شرفین یاز یا کفرتین یا کالخلال
 اولیا که در حدیث است ایست یا الکل یا الحیا یا الحیا یا الحیا یا قوی و آنچه در حشر است ایست
 یا کلا یا قلدوس یا سلام یا مؤمن یا معین یا عزیز یا کبار یا متکبر یا خلیل یا بارئ یا معتمد
 آنچه در بروج است ایست یا معین یا معتمد و آنچه در اخلاص است ایست یا معتمد یا معتمد
فائده در او هم در تکریم عین باید اگر کسی از کار رفت یا شدن نداشت بخواند قال من یحیی
 العظام و حی و من یحیی و انی صدح و تها چهار روز در وقت معینه بخواند باشد و بعد در هر روز
 یک صد مرتبه کرده بخورد و در میان او همه برین می نوشته بخواند انعم الله الرحمن الرحیم علیه
 یا حی یا قیوم و صلی الله علی خیر خلقه محمد ذالجمین الصیحه و علی و فاطمه
 و حسن و حسین علیهم السلام ان یتعالی من المیت و یقید رقی علی الجماع و لا اله الا انت که
 مصفاک ای کنت من الظلمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و الیه اجمعین روز و جمعت
 یا یحیی دنیا خالخلال و الا کلام لا اله الا انت محمد ان یتعالی من الظلمین ان یعالی رقی
 من انکنت و یقید رقی علی الجماع و صلی الله علی خیر خلقه محمد ذالجمین الصیحه و علی و فاطمه
 یا حی یا قیوم یا حدیا صد یا فرد ان یعالی من المیت و یقید رقی علی الجماع و صلی الله
 علی خیر خلقه محمد ذالجمین الصیحه یا ای قوت بیا اذ قول حضرت حمید الدین سلیمان علیه السلام
 در شنبه اولی در تخم خنجره در این صفتی همه اگشته و خجسته و شهد خالص ای صفتی خود آگ کرده
 روز بخورد یک تنویر در هر بند و یک در بار و چند ایست

فائده سیرو هم در بیان مسیحت
 مذکور است از ابوالطالب کی در
 علیه السلام می از اعظم اولیا است
 بود در بیت الله شفقول بر این
 پس در آن زمان مردی آمد بگوید و

۶	۴	۲	۳	۱۱	۶
۱	۵	۹	۹	۷	۵
۸	۳	۴	۸	۲	۴

و سلام کرد روی پس بسیار با هم می آواز زد که کسی و از کجای گفت که از کجاست و می باشد
 پیش تو آیم همه دارم نزد خود تو ایتم توان زانی گم گفت چیست آن حضرت گفت علیه السلام بخوان
 قبل طلوع آفتاب هر روز آن سوره فاتحه هفت هفت بار و سوره

اخلاص هفت هفت بار کافرون هفت بار آیه الکرسی هفت بار که تجید هفت بار درود بدین صیغة اللهم صل
 علی سیدنا محمد عبدک وحبیبک ونبیک ورسولک النبی اکرامی وعلی اهل سیدنا محمدی و
 بارک و سلم هفت بار اللهم اغفر لجميع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
 الاحیاء و المتوفین انک نجیب الدعوات و رافع الدرجات یا قاضی الحاجات
 برحمتک یا ارحم الراحمین هفت بار اللهم یارب اهل فی و بعلی و علی و اهل بی و اهل بیت
 و الدنیا و الآخرة ما انت له اهل و لا تقبل بنا یا مولانا ما تخیر له اهل انک غفور
 جواد کریم ملک کریم بزرگوار و رحیم هفت بار درود صیغة السلام بر اهل بیت محمد
 این را گاهی ازین بعد و بدین کن این را برات محمد صلی الله علیه و سلم پس گز است از ابا بکر سید مرتضی که گفت شرف
 شدم از ویست این وظیفه بزرگوار از دست نبی صلی الله علیه و سلم و داخل شدیم در بهشت و بخوردیم از میوه کلمات
 آنجا نیک و نوشیدیم شراب خوش گوار و شربت داد مرا نبی صلی الله علیه و سلم از مسیحات عشره یوسف حکیم گویند که بعد
 از آن ابراهیم صلی الله علیه و سلم تا چهار ماه در دنیا بسر همان مدت چیزی از طعام و شراب دنیا نخورد و شراب بود از
 قوا که شراب کهن خواب میراب گردید فی رحمة الله علیه و آمد و فضائل مسیحات عشره صد شکر میزدن آن
 هر که بخواند این لایح و شام و ترک سبب گزید و اصلاح و خردارین و بر کند باشد از آنکس در جهانی
 صدق از غیب یاد رود و سوار بر او بماند و زود از دنیا بر جنبیدار گاه خود رحمت با نیک همه او میداد
 بسم الله خواند فائده چهار و پنجم و از بزرگترین قرآن و آن چیزیکه متعلق است به رکعت و پنجم
 برای طالب علم اگر کسی تلاک حفظ قرآن مطلوب باشد باید که چهار رکعت نماز به شب جمعه در نیمه شب بدین
 بگذارد و خداوند تعالی آسان فرماید حفظ قرآن بلا ویت ایست قوت این اصلی الله تعالی اربسم
 رکعات صلوة حفظ القرآن متوجها الی جهة الکعبة الشریفة الله اکبر و قرات در رکعت
 اولی بعد فاتحه سوره یسین و در دوم بعد سوره فاتحه و خان و در سوم بعد فاتحه التمزیل الکتاب یعنی
 سوره بقره و در چهارم بعد فاتحه سوره المک بعد از فاتح این دعا بخواند سبحان الله و الله و الله و لا
 اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم صل علی سیدنا محمد و
 آله و صحبه و اجمعین و موسی و عیسی ما بینکم من النبیین و المرسلین صلوة الله
 و سلامه علیهم اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم اغفر لی المؤمنین و المؤمنات
 و المسلمین و المسلمات ربنا اغفر لنا و لوالدنا و لوالدنا و لوالدنا و لوالدنا و لوالدنا
 غلال الذین امنوا ربنا انک تدون رحیم اللهم ارحم نبیک العاصمی ابد اما البقیة

وَاوْحِيَنِ اَنْ اَسْئَلَنَّ مَا لَا يُعِينُنِي وَارْثُ قَبْرِي حَتَّى تَنْظُرَ نِيَابِي يُرْضِيكَ عَنِّي اَللّهُمَّ بَدِّعْ
 السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ فِدَا الْجَلالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْحَيَّةِ الَّتِي لَا تَرْمِي مَا اسْئَلُكَ يَا اللهُ يَا رَجْمَتْ
 بِجَلالِكَ وَتَوَارَوْعِكَ اَنْ تَبْذُرَ قَلْبِي بِحِفْظِ اَيْتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي وَارْثُ قَبْرِي اَنْ اَتَكَدُّ عَلَى
 النَّجْوَى الَّذِي يَرْضِيكَ عَنِّي اَللّهُمَّ بَدِّعْ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ مِنَ الْجَلالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْحَيَّةِ الَّتِي
 لَا تَرْمِي مَا اسْئَلُكَ يَا اللهُ يَا رَجْمَتْ بِجَلالِكَ وَتَوَارَوْعِكَ اَنْ تَبْذُرَ قَلْبِي بِحِفْظِ اَيْتَابِكَ بَصِرْمِي اَنْ تَطْلُقَ بِهِ
 لِسَانِي وَاَنْ تَفْرَجَ بِهِ عَنْ قَلْبِي وَاَنْ تَشْرَحَ بِهِ صَدْرِي وَاَنْ تَقْبَلَ بِهِ بَدَنِي فَانَّهُ
 لَا يُعِينُنِي عَلَواً لِحَقِّي غَيْرَكَ وَلَا يُؤْتِيهِه الا اَنْتَ وَلَا اَوْلَاءَهُ وَلَا اَوْلِيَاءَهُ اَللّهُمَّ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ
 صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاَدْءِ مَوْلَانَا وَارْثِيهِمْ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَمَا بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالنَّبِيَّاتِ
 الْمُرْسَلِينَ صَلِّ عَلَى اللهِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِرَبِّهِمْ تَرْتِيْلُهُمْ جَبْر
 يابن عياضت محمد ابن نماز گزارد و مجرب است نو عهد گزارد ای قوم و حافظه و علم باید که اسم باقلیت را بحساب بگرد
 عدوش بر آورد هر روز و صلیف دواد و دیگر باشد ایضا ای صفاست تا تا صلیفان تا تا صلیفین مش را سبق رفت
 سخن او را بر رفت پارچه نان نوشته خوراند مجرب است ایضا ان ایتها را بطرف حسین نوشته بخورد بار آورده است
 الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ انْ خَلَقَ الْاِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْاِنْسَانُ عِلْمَهُ فَهَيَّاكَ فَاتَّقِ اللَّهَ فَاتَّقِ اللَّهَ مَعْجَبٌ اِنْ عَلِمْنَا جَعْلَهُ وَتَدْرِكُهُ فَاِذَا
 خَرْنَا نَعْمَ فَاصْبِحْ قُرْآنًا تَعْلَمُ عَلَيْهِ بَلْدَةٌ بَلْدَةٌ اِنْ تَجِدْ فِي قُرْآنٍ غَفْلَةً فَمَا تَسْتَفِئُكَ فَلَا تَسْتَحْسِبْ اَنَّ قُرْآنًا
 يَلَاؤُكَ الَّذِي عَلَّمَ بِالْعِلْمِ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَكُنْ الْاِنْسَانُ يَتْلُوهُ اَوْ يَتْلُوهُ اِلَّا بِوَضْعِ اللّٰهِ
 وَعِزِّ جَلالِهِ اَنْ تَسْبِقَ سَبْأً سَبْحًا مَدْرُودًا بِرَحْمَتِ اللّٰهِ وَرَبِّكَ وَرَبِّكَ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ
 اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ لَوْ كُنْتُ نَبِيًّا لَكُنْتُ نَبِيًّا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَيْضًا اِنَّا نَحْنُ وَشَيْءٌ نَلُوْنَ بِاللّٰهِ
 بِسْمِ اللّٰهِ وَرَبِّكَ مَبْرُورَةٌ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ
 قَائِدَهُ بِاَنْزِ وَبِحَمْدِهِ وَتَقْرِيبِ لِحَالِ بَاصِدِ لَكَ فِي هَامِ كَبْرٍ بِشَدِّ كَرْمَةٍ بِكُلِّ وَشَوْقِ كَرْمَةٍ دُوْبَارَةٍ تَمِيْدُ وَرَبِّكَ
 رَا سِتْرُ وَبِحَالِ سَمَانِ نُوْبَانِيَّةِ مَهَانِ بِارْحَمِي فِي رَا مِلِّ لِحَالِ بِرَا مِلِّ مَا شَدَّ كَبْرٌ وَبِسْمِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ
 اَنْزِ مَلَّ حَالِ سِيكَ رَسْتِ رَا سِتْرُ نُوْبَانِيَّةِ وَبِرَا مِلِّ مَا شَدَّ كَبْرٌ وَبِسْمِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ وَبِسْمِي
 مَرْقُوتَهُ الذَّلِيلِ سَهَابِ خَوَانِدِهِ بِرَأْفَتِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ وَبِسْمِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ وَبِسْمِي
 اَنْزِ بَكَارِ وَبِرَا مِلِّ مَاهَانِي بِاَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ وَبِسْمِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ وَبِسْمِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ
 بِدِدِهِ قَدَرِ تَكْفِي نَزَادَهُ كَرْمَةٍ اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ وَبِسْمِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ وَبِسْمِي اَنْزِ مَلَّ حَالِ كَبْرٍ

له معارف است انعام که در هر قرآن بخواند و در هر روز یکبار و در هر وقت که بخواند بر او سلام است
 از قرآن که در هر روز یکبار و در هر وقت که بخواند بر او سلام است ۱۲

هر چند که فی یاد تو نماید از نیر بر بر بعد از آن که کنی بریده شده و در مکان پاک صاف داشته گمبار و کاکه ای کنی
 خشک گرد و دهل نیز بقصد تعالی خشک خواهد گردید عاین است ای نبی پسر صفت حقیقت آمین یا مؤمنین
 ای نبی بکن العیبه نیز و تعالی الله تعالی عنک ای نبی پسر صفت حقیقت آمین یا مؤمنین عمر ابن الخطاب رضی
 تعالی عنک یا نبی پسر صفت حضرت امیر المؤمنین عثمان ابن عفان رضی الله تعالی عنهما ای نبی پسر صفت
 حضرت کوفی المؤمنین علی ابن ابیطالب رضی الله تعالی عنهما یا یک این عمل بر زخم جو نماید و حال با وضو باشد
 شاز و هم دشوار من مرض الیرقان باید که روز یکشنبه بوقت طلوع آفتاب طریق را بر بروی پای بر نشاند و بجای
 بقدر طاس بر روی استیغنی کند قدر یک پاویله یاده و طاس اندازد و قدری آب هم در آن بیازد و بعد از غسل طاس
 مذکور بر فرق مرضی گذاشته و قدری علف بزورد دست راست خود در گردن طاس گسسته باشد سه روز تا چهار روز
 مع بسم الله بار خوانده بر آن بدو بعد از همان طاس بر شیم و در آوی مرضی گذاشته علف را در آن گسسته سه روز
 نشوید و بعد از خوانده بدو بعد از طاس را بر شست پای مرضی گذاشته و علف را در آن گسسته دعای قنوت
 گفته تا ثبوتش است که اگر کفایت است مع بسم الله سه بار خوانده بر آن بدو بعد از ترتیب کوبان بر شیم و روز آخر
 در بعضی زمین منوال بکند یعنی آن روغن و علف را بر زمین بیزه لاریان سازد و باید که علف با وضو بشوید و اگر کسی
 اثر الیرقان مانده باشد در سه بار در روز یکشنبه زمین عمل نماید تا اثر الله تعالی با انکسار خواهد شد فایده هفتاد
 خلاص شدن مجوس را قید باید که برای ربانی بنده این دعا را لطیف سازد و انشاء تعالی در سه بار
 فان خلاصی لی یا ایست اللهم انی استسئلتک یا الله یا من اذا احاطها البلاد کثرت المحن الددا
 خانت نفوس و اصموا لیت عند النام من جهتها یاطفک من بعض شعک یا الله فی جرم عنی ما
 لای بیعتک یا احم الراحمین و سلمی الله علی محمد و آله و سلم ایضا مجرب است این دعا را لطیف سازد و فضل
 الله کشاوه کار گردانست اللهم یا الطیف یا الطیف یا من و مع لطف السموات و الارض
 استسئلتک ان تطفلی من خفی لطفک الخفی الخفی الخفی الذی اذا لطفت به لاحی من
 خلقک کفر فانک قلت و قولک الحق الله لطیف بمبادیه یزق من یشاء و هو العزیز الیمین
 چون کسی مجوس گردد و بپس و وجه صورت خلاصی پیدا نیاید باید که بدین وجه نعتی بر شریف
 حضرت پسر صلی الله علیه و سلم تیار ساخته و در برو و نهید و با تمام یک هزار بار صلی الله علیه
 یا رسول الله بگوید مجرب است نعتی است نعتی شریف است حضرت امیر ایضا در کت نماز و گانه
 او کند بعد از آن یک هزار و بیست و دو بار این دعا بخواند ای نبی بحق الحسین فایده و امید و حدیث
 نیز در عرق با نایب ایضا هر روز این کلمات را بخواند غایت مستحب است ای نبی و یا فایده

الظالمین انتم فی فیضک ایضا این کلمات هر روز یک هزار و چهل بار بخوانند و در خلاصی یابند
 یابد نفع العجایب بالحق یا خالص یا مخلص یا خلاص ایضا باید که هر روز بارزده صد بار بخواند
 اینست اللهم خلّصنی من عقید الشدیدین منة سلطان بایزید ایضا این نفس را نوشته است

۴۸۶

۱۶	۱۰	۹			۳	۴
۴	۸۴۵	۱۴			۱۱	۵
۱۲	۶	۶	۱	۸	۸۵۶	۱۸
		۲	۹	۳		
۸۴۱	۱۹	۱۳			۴	۱
۸	۲	۸۴۳			۵	۱۲

کلاه خود دار دانست -

فانده پیش رویم در اسباب غناست
 در خجاست هر روز نشت نماز باید دو روزه
 گذارد و فراخ گرداند خدای تعالی زرق را
 بروی ایضا جوهر دم خواهد که نازل شود
 بروی رکت و فراخ گردد بروی روزی
 چنانکه هیچ کس محتاج نگردد این آیت بخواند

وینا انزلنا علینا ما یدنّه من السماء ما آخرا منافع قرآن هر که آیه الکرسی تا خالذین بعد از قریضه بخواند
 بخواند فنی گرداند خدای تعالی او را از فقر و روزی رساند او را بسیار هر که آیت الکرسی بخواند و بنهد
 در حجره یا در خانه که سکونت دارد زرق بروی فراخ شود که هیچ گلی زین را ایضا فرمود رسول الله صلی الله علیه
 و سلم هر که هر روز صد بار بگوید لا اله الا الله الکبیر الحق المبین در او امان باشد از دوشی یعنی از
 آن در دوشی که مضرت دین باشد و آن در دوشی دل است نفوذی الله منها چنانکه تو اگر می دل سودمند است
 در دوشی دل زنا نکار است و نستان آن حرص است و حرص آتش و وزغ را بماند و فرمود رسول الله
 صلی الله علیه و سلم هر که میان سنت و قریضه نماز باید و معتاد با این آیت بخواند غنی روزگار از وی دور گردد
 و غنی گردد اینست و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله فقیر و رحیم ایضا نقل است که
 روزی اعرابی بخدمت رسول آمد و از دست فقر بنایید رسول علیه السلام فرمود که بعد از هر قریضه ده بار انا
 انزلناه بخوان در روز جمعه تا سخن باز کن اعرابی بچنان که چندان مال جمع شده که از کار آنست برسد
 علیه السلام فرمود که تا سخن بزدان باز کن و با دامن بیامه روی پاک کن بچنان که در فقیرت ایضا آید
 اند که قبضه گفت یا رسول الله من تعیفت و نایب شده ام و محنت دنیا از قدر گشته ام و بچشم حال خوار گردیدم
 ام پس رسول علیه السلام سوگند یاد کرد که هر سنگ و کلوخ بزاری میگردند از آنچه قبضه یافت پس فرمود
 رسول علیه السلام بر تو باد هر باد و شبانگاه این دعا را بخوانی تا در روزی بر تو بچنانی چون سال تمام
 شد قبضه از هر مردمان بهتر شود هر آن بنده که بخواند تو اگر گردانست سبحان الله و بحمده

سُبْحَانَ اللَّهِ التَّطَهُّرِ وَنَوْمِ اللَّهِ وَقَوْبِ آيَةِ دَلْاَحْوَالِ وَالْاِقْوَامِ الْاِذَا لَبَّيْتَ الْعَظِيمِ
مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ الْعِلْمُ لَهَا عَمَالَ غَنَا وَتَوَانُغِي اَلَيْسَتْ كَمِثْلِهَا جَانِحَاتِ الْاَنَارِ وَرُزْءُ بَيْتِنِ اَرَا
وَعَلِي اَلْبَصِلِحِ بِرُخِيزِ دُوَّصِحْمِ تَخْفِيْدِ تَسْبِيْحِ وَاسْتِفْعَالِ كُوَيْدِ وَجَمِيْعَةِ شُكْرِ كُوَيْدِ وَصَحْفِ اَلْمَالِ خُورِدِ وَكَمَانِ بَخْرِدِ
وَفِرْتِ مَادِرِ فِدِرْ كَنْدِ سُوْرَهٗ قِرْلِ وَشَيْبِ رُوْزِ خُوَانِدِ وَدَرِ شَيْبِ رَهٗ جَمْعِ خُوَانِدِ وَبِعَدِ مَرْغَبِ سُوْرَهٗ وَاقْتَعِدِ
سُوْرَهٗ وَكَفْشِ زِيءِ پُوشِدِ وَبِرُوْزِ جَمْعِ نَاخَنِ تَرَا شِدِ اَلْاَكْثَرِي قَتْمِنِ لُوشِدِ وَفَايِ هِمْدِ كَنْدِ وَبَعِيْثِ رَا سَتْ بَا زِيءِ
اَرْحَبَكِبُوْتِ اَزْهَانَ دُوْر كَنْدِ وَجَارِ بَسِجْدِ وَدِرْ جَمْعِ كَبْرِ وَزِيَارَتِ مَدِيْنَةِ كَنْدِ وَدِرْ تِجَارَتِ مَدْقَهٗ بَدِيْدِ وَ
رِيْثِيْتِ مِرْ كَرِ جَمَاعَةِ كَمَلِدَارِ وَوَكُوَسْفَنَدَانِ بِيْرُوْرِ وَبَعِيْثِ رُوْزِ جَمْعِ خُشْلِ كَنْدِ صَاوِرِ وَبِرْهَابِ شَيْبِهٖ وَدِرْ رُوْزِ عَاثُوْرِ
عَمْرِ طَعَامِ زِيَادِهٖ اَزْ مَمْلُوكِ بِزِ دُوْ قَلْدِ رَا كَيْلِ كَنْدِ وَدَسْتُ شَسْتِ طَعَامِ خُوْرِدِ وَبِدَنْدَانِ خَلَالِ كَنْدِ وَسُوَا
لَا عَادَتِ دَارُو اَرْجُو دَسْتُ مَكْحَا كَنْدِ سُوْلِ صَالِي اَللّٰهُ عَلِيْمٌ بِمَا فَرْمُوْدِكُمْ لِكُلِّ جَمَاعَةٍ لَّا يَزِيْدُ لَهَا
مِرْ كَرِ فَيَقِيْرُ نَسُوْدِيْنِ نَسْتِنِ اَزْ خُوَابِ بِيْشِ اَزْ صُحْ وَوَضُوْ كُرُوْنِ بِيْشِ اَزْ وَقْتُ نَمَازِ وَدِرْ اَمْدَنِ دِرْ سَجْدِ بِيْشِ اَزْ
بَا كَمَبِ نَمَازِ سَخْنِ نَا كَسْفَنِ بَعْدِ اَزْ وِتْرِ مَرُوِي اَزْ اِمَامِ جَعْفَرِ صَادِقِ نَزِي اَلشُّعْرَةِ مِرْ كَرِ سُوْرَهٗ كَهْفِ بِنُوَيْسِ قَمِيْذِ لَزُو
دِرْ رِيْثِيْتِ كَرِ اَرْوَ كَنَا شُدِ وَدَرْ اَمْلِكِ دَرِ اِيْمِنِ شُوْ اَزْ فَرَقَا نَدَهٗ كُوْزِ وَجَمْعِ دَرِ اَسْيَابِ فِخْرِ مَرُوِي اَسْتِ كَمَبِ
سِيْرِ صَالِي اَللّٰهُ عَلِيْمٌ بِمَا فَرْمُوْدِكُمْ لِكُلِّ جَمَاعَةٍ لَّا يَزِيْدُ لَهَا مِرْ كَرِ شَمَازِ كَنْدِ اَسْيَابِهٖ وَامْرُوءَهٗ سُودِ اَلضُّحَا بِيْرُوْرِ طَعَامِ بَدِيْدِ بَرَكَتِ اَنَزُوِي بَرُوْرِ
اَلضُّحَا وَفَلَاةٖ كَرِيْمِهٖ جَزِيْرِيْتِ بَارَكْتِ بِيْا شُدِ وَدَلَانِ خَادِمِيَّاتِ وَزِيَادَةِ تَرْقِ وَاَعْمَالِ كَرِ اَفْلَاسِ اَرْطَا نِيْسَتْ
زِيَادِ كُرُوْنِ وَدِرْ وَجْهِ قَتْمِنِ نَلَانِ رِيْزِهٖ بَرْمِيْنِ اَقْتَاوَهٗ كَنْدِ اَسْتِنْ وَدَسْتُ رُوْبَا سِتِيْنِ وَعَا مَنِ پَاكِ كُرُوْنِ وَبِرْ كَرِ مَسْ
وَدَسْتَارِ مَادِرِ رَقْمَنِ وَبِرْ هَكْبُوْتِ دِرْ سَفْ خَا زِ كَنْدِ اَسْتِنْ وَوَالِدِيْنِ رَا اَزْ اَرَادَانِ وَنَمَازِ رَا خُوَارِ دِشْتَنِ وَكَلْمَانِي
كُرُوْنِ دِرْ نَمَازِ وَدَسْتَارِ اَضْيَافِ كُرُوْنِ وَوَقْتُ صَبْحِ قَتْمِنِ وَوَقْتُ فِجْرَانِ سَجْدِ وَدِرْ اَمْدَنِ وَبِيْگَاةٖ قَتْمِنِ وَ
بِيْگَاةٖ بَرَفَا سْتَنِ وَوَقَاةٖ نَا قَتْمِنِ وَرُوفْتِهٖ رَا دَرْ خَلَاةٖ بِيْ كُوَشِهٖ مَكَاةٖ وَدَسْتَنِ وَدِرْ شَيْبَانِ رَقْمَنِ وَجَمْعِ بُوْدُنِ زِيَادِهٖ اَزْ
يَكْتِ اَتِ نَمَازِ دِرْ حَالَتِ جِنَابَتِ چِيْزِي خُوْرِدَنِ مَكْرَا كَمَبِ دَسْتُ وَدَلْمَنِ رَا اَبُوَيْدِ وَبِرْ اَسَاةٖ كَنْدِ اَسْتِنْ وَكَارِيْ وَبِيْگِ
طَعَامِ لَّا بَا شَسْتِهٖ وَرَانِ طَعَامِ خُوْرِدَنِ وَاَوْدِ شَكْتِهٖ وَادُونِ وَدِرْ شَيْبِ دَلْمَنِ بُوْنَدِ كَشَاوَهٗ وَدَسْتَنِ وَفُرْزَانِ
رَا خُوَارِ اَسْتِنْ وَبِيْدِ عَا كُرُوْنِ وَتَهْمَانِ رَا خُوَارِ اَسْتِنْ اَزْ كَسِي سُوَالِ كُرُوْنِ وَبِرْ خِيْ سُوْجُوْبِي خَلَالِ كُرُوْنِ وَكُوَيْدِ
دِرْ وَجْهِ خُوْرِدَنِ وَسُوْ كَنْدِ اَسْتُ خُوْرِدَنِ بِيْا رُوْ تَكْمَلِ دِرْ نَقْدِ اَهْلِ وَحِيَالِ كُرُوْنِ وَدَسْتُ نَا شَسْتِهٖ طَعَامِ
خُوْرِدَنِ وَبَعِيْثِ نَجْدِ جَلِ كَصُوْمِتِ وَدَسْتَنِ وَدِرْ وَضُوْ سَخْنِ دُنْيَا قَتْمِنِ وَدِرْ جَايِ وَضُوْ بُوْلِي كُرُوْنِ وَبِرْ هَبِيْثِهٖ
بُوْلِي كُرُوْنِ وَقَرَا نِ بِي وَضُوْ خُوَارِدَنِ وَوَقْتُ سِيْرِ وَبِيَا زِ جَايِ بَرِيْمِ سُوْقَتَنِ وَدَسْتُ شَسْتَنِ نَجَاكِ وَ
كُلِّ وَبِيْگِهٖ بَرَسْرِ بازُوِي دِرْ اَمَامِ مَادِرِ وَبِرْ هَرُوقَتِ كَرَفْتَنِ وَزِيْنِ شُوْبِهِ رَا دَشُوْ هِرْزَنِ رَا اَمَامِ بِيْا رَا قَتْمِنِ وَ

طعام بی آب خوردن و با یکجا مسیاده پوشیدن و در سارشته بستن عاق کردن فرزندان و شانه در شک
 مگردن و ایستاده شانه کردن و شکسته شانه داشتن و از مراض موی شمرنگه گرفتن و زیاد از چیل روز
 موی نهانی داشتن و زنده پیش گذاشتن و شمرنگه دیدن و باغش از کار و دیدن یا از دندان کله خریزه
 تسکافتن و چهار بر تن دوختن و خریدن نان و غله از گدایان و چراغ بدکشتن و بچاه به باز از تن و نگاه
 لکن و تراشه قلم زیر پای ریزه کردن و قلم گره زدن و از بزرگان پیش رفتن و در سلام و سجده تلاوت
 تأخیر کردن از منتهی اجازت قائده پیوسته در دعای ادای دین اگر کسی وام بسیار داشته باشد و
 افلاس او را الم زده کند بیشتر از آنکه خواب کند گوید اللَّهُمَّ وَرَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ مُنْتَهَى التَّوَابِ وَالْإِحْسَانِ فَاقْبَلْ الْحَيَّةَ وَالْتَمَّؤَى فَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ
 ذِي شَرٍّ أَنْتَ لِحَدِّبِنَا يَا أَيُّهَا أَنْتَ الْأَوَّلُ فَخَلِّسْ قَبْلَكَ شَيْئِي وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَخَلِّسْ قَوْلَكَ شَيْئِي
 وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَخَلِّسْ دُونَكَ شَيْئِي وَأَقْرَبُ عَنِّي لَدِينِ أَغْنِيَنِي مِنَ الْفَقْرِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا
 حَقِّمْ عَمَلِي عَمَلِي عَمَلِي أَيُّهَا أَدْرِهِ أَنْكَرَ مَعَاذِي مِنْ جِلِّهِ وَرَسُولِي جَدُّهُ رَسُوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 تَقْصُصْ حَالِي أَوْ فَرِّدْ مَعَاذِي عَنْهُ وَاسْتِغْفِرْ لِي يَا رَسُوْلَ اللَّهِ عَلَيَّ دِينِي بِيَارِ دِينِي بِيَارِ مَنْ اسْتِغْفِرُ مِنْ
 أَنْ يَرُونَ أَمَلِي نَيْتُوا أَنَّهُ رَسُوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ آيَةَ وَاعِظِي مَنْ قَرِيبَ مَعَاذِي فَهِيَ شَدِيدَةٌ وَجَلِي
 وَهَمُّهُ زَوْدِي وَرَشْدِي وَتَنْبِيْهِ مَعْنِي اسْتَغْفِرْ وَامِنْ كُنْ بِنَدْوِي كُنْ بِهَيْبِي رُدِّي زَمِيْنَ بَاشِدْ حَضْرَتِي أَفْرِدْ كَمَا أَفْرَدَتْ
 كَرِيْمِي خَوْشِي دَوْرًا تَقْبَلُ اللَّهُمَّ مَلِكِ الْمَلَكِ يَا بَعِيْبُ حَسَابِ دَعَايِنِ اسْتَغْفِرُكَ يَا فَاجِ الْعَمَلِ
 يَا كَاشِفِ الْفَقْرِ يَا حَسْبِي دَعْوَةُ الْخَضِرِيِّنَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَكَّلْتُهَا تَسْلِيْبِي جَنَّتِي
 أَشَاءَ وَتَمْنَعُ مِنْ تَشَاءِ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِيَنِي عَنْ سِوَاكَ وَأَغْنِيَنِي مِنَ الْفَقْرِ
 وَالْعَيْلَةِ وَاقْضِ عَمَلِي دِينِي بِكَرَمِكَ يَا أَدْرَهُ الْأَكْرَمِيْنَ هَمْ دَوَيْتْ كَفَرُوا مِنْ بِيْعِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَر
 مَاجِرِيْلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ آمُوخْتِ دَعَايِيْتِ قِصَادِيْنِ كَلْتِ بِهَرِكِ دِينِي بِأَشْدِيْ وَصَوْنِي كَبْتِي وَرَبِّي أَفْرَادِيْ
 اسْتَوَا كَبْرِي وَوَقْتُ زَوَالِ شُؤْرِ جَهَارِي كَلْتِ نَمَازِي كَبْرِي وَرَبْرِي كَلْتِ بِعَازِ فَتَحْمَلِيْ مِصْرِي كَبْرِي كَبْرِي
 چون سلام و دعای قل اللهم بعبی حساب و دعای اشحناکم بالانبثیته شده است در سجده بخواند
 و اهای او را در و جرب است ایضا هر که او را مگردن او باشد باید که سوره و شرب بعد از نماز و تفتن بقی
 خلق و خواب شوند آنگاه در خلوت بسیار در محاسن خود شانه کند سه بار این دعا را به یک مرتبه بخواند از
 برکت این دعا و اسمش و در گوایست یا قَدِيْمِيَا اَدْبِيْمِيَا حَيِّي يَا قَدِيْمِيَا قَدِيْمِيَا قَدِيْمِيَا قَدِيْمِيَا قَدِيْمِيَا
 يَكْبُرُ وَكَذُوْلَدُ وَلاَ يَكُوْنُ لَكَ كُفُوٌّ اِحْدٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

اللَّهُمَّ يَا قُدْرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ الْإِكْرَامِ وَوَحْصِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَرَّيْتِ
 كما عرابی نزد رسول علیه السلام آمد و گفت مرا بیا موزید نمازی تا دوخته شود و ام من بیشتر از آن است
 که گمان برده شود پس پیغمبر علیه السلام فرمود گنجائی خدای تعالی بیشتر از آنست که گمان برده شود و عرابی
 گفت بیا موزید مرا رسول علیه السلام گفت روز پنجشنبه میان نماز پیشین و نماز دیگر چهار رکعت نماز
 بگذار و در دو رکعت نماز اول بعد از فاتحه انا انزلناه دو بار و سوره اخلاص یکبار سلام و پیش
 از آنکه بر خیزد این دعا بخواند الحمد لله الذی خلق الخلق و لم یخلقهم بحسب منفعته لایزید فی ملكه
 طاعة المطیعین و لا ینقص من ملكه معصية المذنبین و الحمد لله حمد الیسع و یصدق و
 یسطع و یطیع و یستدل و یحسن و یجمع و لا اله الا الله و الله اکبر عدد د عجل و ما فی علیه پس
 بر خیزد و در رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و العادیات ده بار و اخلاص یکبار و سوره
 قلن و تاس یکبار چون سلام و پیش از آنکه سخن گوید ده بار این دعا بخواند سبحان ربك رب
 العزوة عما یصفون و سلا علی برسین و الحمد لله رب العالمین وله الکبیریاتی السعوات
 و الارض هو العزیز الحکیم پس بگوید یا من ذکوه شرف الذاکرین و یا من شکوه فزلاشاکر
 یا من طاعة منجات للطیعین یا من رافته ملجاء العاصین و یا من لا یخاف علیه بنا
 المتحابین یا من لا یقطع عن حوائج السائلین و اسألك بمقعد العز من عرشک و منتهی
 الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم و جدرک الالهی و کلماتک التامات ان تصلى علی محمد
 و علی آل محمد و ان تقصی بی بی یا قیوم لعرابی گفت من بچین کردم شش پنجشنبه پس در آدم در
 بستانی بدیدم دو گنج و هر گنجی مالی ظیم جبرئیل علیه السلام بر پیغمبر صلی الله علیه و آله گفتم خدای تعالی
 میگوید بگو مرا عرابی با کاین در دنیا است اما در آخرت مرترا ازین اکثر است و اکبر و اشرف و الطف -
 خائده بیست و یکم و دفع الحزن و قضاء حاجات فقیرا ابواللیث رحمه الله علیه در کتاب خود
 آورده است که عرابی درم از آن گروه که نوز گرفتار باشد چگونه گویند لا اله الا انت سبحانک انی کنذت
 من الظالمین زیرا که خداوند تعالی در کلام مجید فرمان داده است فاستجبنا له و نجیناه من الغم و
 کذا الله نسیل المؤمنین باید که برای همه آنها و در دو بار و بعد بوقت فرود آمدن خطیب زمزم این دعا
 بخواند خداوند تعالی همه در دو علم را و بلام را و در هر دو حاجات روا گردانند بسم الله الرحمن
 الرحیم سبحان الله الواحد سبحان الله الصمد سبحان الله من رجع السماء فخر عبد
 المتقین و بلا صلابة و اولادکم الذاکرین لکنه کفر الحد ربنا امیننا اثنتین و احدى اثنتین فاعتدنا

بذلک فبقا لکل الی خروجه من سبیل ایضا و وقت درمانگی هر که این ناچار را بگوید یک هزار بار آن
هم بکفایت رسیده است اقولی موعین و اهدای لیل یحیی ایاک تصدق و ایاک تشعبتین هر که را
زنجی و اندوهی بود یا کسی برسد یا نمی پیش آمده باشد صلوة کنی فیکون این نماز کند و تا قدرت
مندی تعالی مشامه کند بگذرد که از آن غم نجات و فرج یابد و شک نماید و سخت غسل کند و
بیاستیاک بر سر بعد از آن چهار رکعت نماز کند و در اعلی شرب و بریزدین طریقی در رکعت اول بعد از فاتحه
صد بار اقولی خذ منی الی الله و در رکعت دوم بعد از فاتحه صد بار لا اله الا الله تصدیق و در
رکعت سوم بعد از فاتحه صد بار نصر من الله و فتح قریب و بشار المؤمنین و در رکعت چهارم بعد از
فاتحه صد بار انا فتحنا لک فتحنا مبینا چون سلام نماز بد صد بار بگوید غفلتک ربنا و الیک المصیبه
پس سر سجده نهد و دست بردارد و صد بار بگوید استغفر الله و اونی الیه جزو سر از سجده برنگرد
باشد که خدا تعالی حاجت او روا کند از بس مجرب است ایضا چون کسی ناچاری پیش آید که در عیارة آن تردد
باشد باید که یک رکعت نماز بگذارد و در سجده اول بگوید یا ایها الذی لا اله الا انت
الکتاب الشریفه الله اکبر پس بعد از فاتحه تبارک الکرسی یک مرتبه یا انا اعلمنا بیت و یا مرتبه یا خلاص
صد بار در رکوع و سجود بیجاست نخت بار بینه سلام داده و سوره راست بجزین نهد و بخسار بار بگوید
یا من یجتمعه ان وقت که تو بودی دیگر کسی نبوده بعد از آن دساره پیم بر زمین نهد و دستها را بگوید
ای بخرمت آن وقت که تو باشی دیگر کسی نباشد بعد سر سجده نهد و بفضه و زاری بخسار بار بگوید یا
اوم کی هستی و این رکعت هم کی هست حاجت من روا کن ایضا تعالی حاجتش بر آورده گردد باید که نماز است
بعد در انصاف او آنگاه ایضا صلوة حاجت برای نفسای حاجت از بس مجرب است چون کسی حاجت
داشته باشد باید که شب پنجشنبه بعد از نماز عشاء این نماز کند و رو خدا را بیس و تسبیح گوید و با کسی سخن نگوید
باید که وضو بدید کند چهار رکعت نماز بگذارد و در سلام و در رکعت اول بعد فاتحه ربنا انیت لک ذنبت
الی آخریت ده بار و در رکعت دوم بعد فاتحه ربنا انیت لک ذنبتی منی الی آخرت ده بار و در رکعت سوم بعد
فاتحه ربنا انیت لک ذنبتی منی الی آخرت ده بار و در رکعت چهارم بعد فاتحه ربنا انیت لک ذنبتی منی الی
آخرت ده بار و بینه سلام رسیده بود لا اله الا انت سبحانک ای کنت من الظالمین فاستغفرت لک الی
آخرت جمیل و دیگر تبه بخواند آن سوال که از حق تعالی از کفایت کار بس مجرب است ایضا هر که ناچاری
پیش آید که در چهار رکعت نماز اول بعد فاتحه ربنا انیت لک ذنبتی منی الی آخرت ده بار و در رکعت دوم بعد
فاتحه سوره اخلاص سی بار و در چهارم بعد از فاتحه سوره اخلاص چهل بار بعد از فاتحه بگوید یا الله یا
یا

وَجَلَّ لِشَدِّ حَقِّي هَذَا الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ حَقِّي نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْضِيَ
حَاجَتِي وَتُبَلِّغَنِي سُؤَالَي وَأَمَلِي بَعْدَ زَيْنِ بَيْنِ كَلِمَاتِ طِبْيَاتِ دَعَاؤِهَا جَاءَتْ خَوَاهِدُ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ اللَّهُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجَلَّالُ
وَالْإِكْرَامُ اللَّهُ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْمُطَهَّرَاتِ وَالْمَحْرُوقَاتِ الْمُكَرَّمَاتِ الْمَهْمُومَاتِ تَعَدَّى
سَابِ الْإِسْمِ هِيَ نُورٌ عَلَى نُورٍ وَنُورٌ فَوْقَ نُورٍ وَنُورٌ تَحْتَ نُورٍ وَنُورٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ نُورُكَ الْعَزِيزِ
الْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَقُوَّةِ سُلْطَانِكَ الْمُبِينِ وَجَبْرُوتِ التَّيْنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
يَا رَبُّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ
فَالْآخِرَةَ وَرَبُّ الْوَالِدِ فِي وَجْهِكَ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ أَيُّهَا
بِرَأْسِي كَفَلْتِ بِهَا تَدْرِكْتِ أَوَّلَ بَعْدَ مَا تَحْرَمْتِ مِنْ اللَّهِ يَخْلُقُ الْخَلْقَ جَاءَتْ زُرْقَةُ مِنْ حَيْثُ
لَا يَحْتَسِبُ بِهَا وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ وَرَبُّكَ
أَقْرَبُ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَأَهْمًا وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
يَسْجُدُ وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
تِلْكَ حَاجَتِي وَأَمَلِي فَارْحَمْنِي يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
وَلِبَاسِ طَاهِرٍ تَرَى أَرَايِدُ وَنُورٌ يَكُونُ حَجْرًا خَالِيًا بِرَأْسِي وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ لَا تَحُولُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
بَارِقَاتِهَا تَتَأَنَّى الدُّنْيَا كَتَّتْ وَفِي الْآخِرَةِ كَتَّتْ وَقَفَا عَذَابُ النَّارِ دَهَابٌ وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِينِينَ أَعْتَدْتَنِي دَعَاؤُكَ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
أَيُّهَا يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
الْقَائِلِينَ بِكَ صَدْرِي خَوَانِدُ يَدُ تَهَامُ كُنْ أَوْلَادِي كُنْ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
تَرْكُهُ يَرُدُّ وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
تَمَامُ الْفَيْضِ اللَّهُ تَعَالَى خَوَانِدُ مِنْ كُلِّ أَرْبَعَةِ تَرَدُّدَاتٍ وَصِحْبَتِ بَرَكَاتِهَا وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
كَرُونِ دَرَجَاتٍ مِنْ حَرِّهَا وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ
وَرَبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ رُبُّكَ

این رباعی کریم و اهدا دو مرتبه خواند بعد اتمام فاکه تجارب حضرت و الهام و بنام شاه اثرش خواند
 قدس سره خواند باید که وقت شروع و اتمام رباعی شریفه یا زوده بار در دو شریفه تجارب مضمون که بخواند
 آورده گردد و تمام احوال شدنی و ناشنی معلوم گردد و معمول فقیر مؤلف است ایضا از شیخ نظام الدین
 اولیا قدس سره العزیز صیغرا بنید که هر یک یک هفته اسرار قوی تحت راد و عدد بار بگذرد هر ماه یک بار هفته
 باشد بر آید بلکه از رون هفته معلوم خواهد شد محبت است اول روز یکشنبه یا واحد یا احد و شنبه
 یا سه یا قدر دسه شنبه یا حی یا قیوم چهارشنبه یا کحلان یا ساتان پنجشنبه یا ذلجلال یا الاکرام و جمع
 یا الله یا نحن بر روز شنبه یا رخن یا رحیم ایضا ختم یا ندیح البعائب یا الخیر یا یا ریح مجرب غریب در
 انجام مرام باید که دو هفته تسبیح بعد از نماز ختن کعبه از زود روز تا شاطط طهارت حیر و مکان زمین مای
 بخواند پس بلیح است بار اعمیر فقیر مؤلف است ایضا برای کفایت بهات و دفع مشکلات این
 رباعی شریف هر شب بوقت تجد و از زود صد بار تا بهیت و یک روز اول و آخر دو شریفه یا زوده
 مرتبه بخواند باید که قبل از خواندن دو گانه کار گذارده بجهانب پیغمبر صلی الله علیه و سلم حضرت امیرالمؤمنین
 علی رضی الله عنه پیش کند اثیرات بکرت احر است رباعی اینست بخواند شهبوار وقتی مددی برای
 صاحب ذوالفقار وقتی مددی شود کارشونشاد شکل ماران برای زوده هشت و چهار وقتی مددی بخواند
 بهیت و دو هم و طلب لغت تفسیر رزق چون کسی خواهد که فراغ معاش گردد باید که بعد از نماز بلا
 تسدا و این آیت شریف را و حقیق سازد خداوند تعالی کشادگی رزق روزی گرفتند است ان الله
 هو الذی اقر ذوالفقار الذین اذین البقره در شب پنجشنبه نختین چیزی تصدق کنند در راهی عالی و گاه
 بهیت دست رزق بگذارد و در هر رکعت سوره الفکره التکاثر صدکرت بخواند بعد از سلام بنفاد با
 عنده و مفرج العیب لا یعلم الا هو و فکله مما فی البر و البحره ما تسقطون و رزقه الا یغنی و
 لخبته فی ظلمات الذرین و لا رطب الا یا سب الا فی کتاب سبین هفت مرتبه اذ اذ لربک الامین
 مقاد بار یا قح یا وهاب بخواند هر که عادت دارد بر این نماز هر دعوات آنگس بهی شوند و تا اگر
 گردن انچه که نیت خدا و رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت هفت هفت یا سوره کوثر بعد از سلام یا زوده
 مرتبه اللهم انی یند الیک شکره و الحمد و الثنی بعینک عن سواک ایضا برای شرح
 معاش وقتی روزی هر شب این آیه شریفه را پنج صد مرتبه بخواند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء
 بوقف القوی الذین یز ایضا بعد نماز ادا در این دعا بخواند کعبه مرتبه اللهم یا کثیر الخیر یا ذوالعز و
 یا قدیبه الا حسن احسن الذین یا حسناتک اذین یرجینک یا ارحم الراحمین ایضا سوره اطلاق

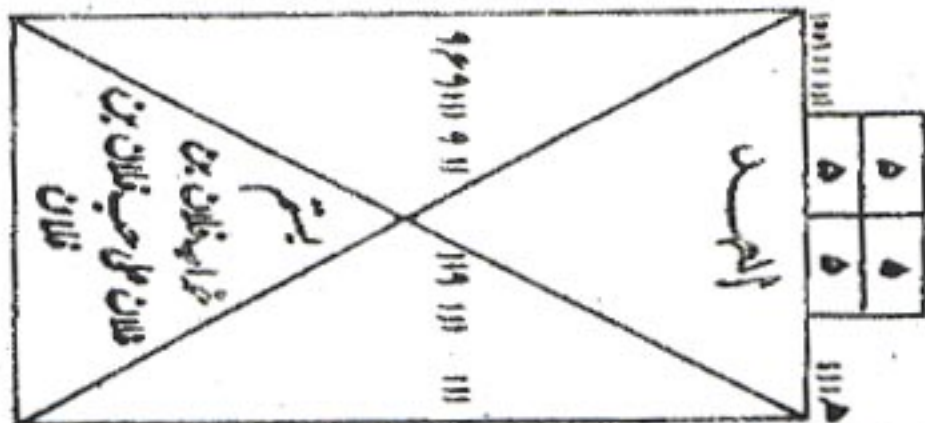
سہ بار بخواند سہ بار درود فرستد و آیت **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَكَ** آخر کہ قدرت ده بار بخواند سہ بار
 آسمان بلند فرماید هرگز ننگ دست نشود و عزیز باشد میان مردمان **الضیاء** در حدیث آمده است کہ
 مردے گفت رسول اللہ **علیہ السلام** کہ مرا مصیبت می افتد در تن و مال و در اہل و ولد رسول **علیہ السلام**
 فرمود کہ ہر روز گوید **بسم اللہ علی نفسی و مالی و اہلی اللعنة بارک لی فی قدری و احوالی و ارضی**
حاشی لا اجد تعین شیء اخرجتہ و لا تاخر شیء یجلیتہ ان مرویاً از خواندن این دعا حق تعالی او را
 از ہمہ محنتها و مصیبتها مامون گردانید از سواس بر پائی کارهای او را فراہم گردانید **الضیاء** ہر میان
 سکت و فریضہ نماز یاد دہفتاد بار این آیت بخواند سنگی روزگار از وی برگیرند است **قَالَ فَكُنْتُ وَ ا**
تحت اللہ لا اجد ما انا لله لغفور رحیم ایضا تمام سورہ **الذی** چہل و یکبار بخواند رحمت کند
 حق تعالی فرزندان او را از ملامت و از محنتها و محنت شدن نگاهدارد ایضا از کافران و کفایہ شیعی در خبر است
 ہر کہ سنت نماز یاداد در خانہ بگذارد فرسخ گرداند خدای تعالی رزق در اہل وی ایضا چون کسی خوابد کہ رکت
 برومی فرسخ گردد و هیچ کس محتاج نگردد این آیت بخواند **يَا اَنْزِلْنَا مَائِدَةً مِن السَّمَاءِ مَا آخِرُ اَيْضاً**
 فرمود رسول صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ ہر روز صد بار **لا اله الا الله** **لذلك الحق المبین** گوید مراد امان باشد از
 درویشی ایضا **کر آیتی** روزگار باشد ہر روز ہر وقت کہ خوابد از اوقات شمس و خیر آن دو رکت نماز بگذارد
 بخواند در رکت اول **فا حم** یکبار سورہ **کافرون** سہ بار و در رکت دوم **فا حم** یکبار و اخلاص سہ بار بعدہ
 سہ سجدہ نهد و این دعا بخواند **يَا مَنْ يَدُكَ مَبْسُوطَةٌ تَنْزِلُ كَيْفَ يَشَاءُ اَبْسَطْ عَلَيْنَا نَفْسِيكَ**
الواصب یا من لیس اعمالك غایۃ ارحم من لیس للفقیر نھیایۃ برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا
 حدیث مرویست از رسول **علیہ السلام** ہر کہ مواظبت کند بخواندن این چہار سورہ سورہ واقعہ سورہ مزمل
 سورہ وکیل سورہ الم نشرح این شود از فقر فائزہ **عیسیت** و سوم در استخارہ باید کہ بعد از نماز عشاء
 دو رکت دو گانہ بخواند در رکت اول سورہ **فا حم** یکبار و سورہ **والیل** افا یفتی یکبار و در رکت دوم بعد
فا حم سورہ قدر یکبار بخواند بعدہ بر بستہ ہر روز بقیہ نشیند و در شریفی بارزہ بار آیتہ الکرسی یکبار سورہ
 کوثر عسیت و یکبار خواندہ این دعا بخواند **اللهم انی استخیرک بعلمک واستغفرک بقدرتک و اکتفی بک**
و استسئلک من خصلتک اللهم ان کنت تعلم ان لی خیرا اذ فلان ابن فلان خیرا فی ہذہ الایام
فی دین و دنیا و عاقبہ امری عاجلا اقا چلا فتقدیرہ لی و لیستیرہ لی و ان کنت تعلم ان ہذا

سہ اگر کسی از طرف دیگرے استخارہ کند بجاے فلان بن فلان اسٹش جیرو بمہ منا را ایندہ بسوے
 دے محبوب گرداند ۱۲

الامير شيرازي في ديني ودينياي وهاقبة اشرفي فاصرفه عني وامن من عنده وقل لي الخبيث
 كان انك على كل شيء قد تروى على الله على سيدنا محمد وعلى اهل بيته واصحابه اجمعين بعد
 ازال انجواب روود وقت نختن بگرود سر بار بيبك اللهم وضعت بختي بيديك اين عمل شب چهار
 شبه بجزا نشود شب بختي بگرود شب درنده ايضا تركيب آفاره تسبيح بايد كه با وضو صادق دل است
 كروه بر سمر صلي الله عليه وسلم ووازه بار و در شريف بخواند ونام حضرت امام جعفر صادق ع فاطمه خزان
 يدست است تسبيح بگرود واندازد انجا واه تسبيح را افعلك ولا تفعلك گويان بگرود انداخته واندازد اگر با هم افعلك
 ايز نيكو باشد و اگر نه لا تفعلك زديداست انكار كند فاكده طيبست و چهارم در مناجات چون کسی
 برين مناجات مواظبت دارد و بار سدا ز من حرج است فاین مناجات نبی صلی الله علیه و سلم است
 كبرين كلمات دعا كروه ايمت ا لحي يجز مة لقا و من تلاها و بخر مة يمين و من قراها و
 بخر مة يمينه و من تلاها و بخر مة و العصف من صلها بلغ نفسي يداني منهاها ايضا
 بر آيد و شني دل و شف معرفت بعد تجويد برين مناجات بدرگاه باری اجزا کند ايمت يا الهي تو هستم
 عالم كوجيب پيدا كيا اهورا سمان كوجيب ستون كرا كيا تنور سهراني بباري كيا اور چهره تا اذ كالا
 عيسى عليه السلام كوجيب باب كيه پيدا كيا اهورم عليه السلام كوجيب ماں باب كيه نورش ايليا اور كار
 نبی ابي محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و صحابه و بارك و سلم كوجيب وطن و آخرين سے سرفراز فرما يا الهي اس
 نبی ابي كی برکت سے بھر كو نو رايمان و عرفان و كمال عطا فرما اور نفس اور دل اور جان كو بچے نور
 احديت و وحدت سے روشن كرا مين جن سيد المرسلين و صلي الله تعالى على خير خلقك و آله و صحابه من
 برجتك يا ارحم الراحمين ايضا بگرود اين است اجزا کند بدرگاه حضور و الجلال نور اورد سر ارض خورشيد و قبايل و
 يامن يرمي ما في الضمير و سمع يا انت علام الغيوب يا متوقع يا من يدرك الغيب يا ذا الجلال
 يامن ياتي الشئك و المقدر يا من يهز ابر ملكه في قول كمن امن فوات الخيم عندك اجمع
 مالي سوا فقير لي نيك و سبيلة و فيها الاقرباء و نيتك عظمي نيك و مالي سوا فقير لي مالي جلدت
 فلات تردوني فاني كباب اقدت و روت الي اني اذ صعدت اهرت و اهرت يا ايهما اذ كان بابك من نور كيه
 حاشا لجنودك ان يعط عاينيا ما تقصد كير لي و انرا ايهما تسبح
 ايضا براي هويت گناان و روشني دل از خواج مير محمد رفته الله عليه خلوص و خضوع دعا كند الهي تو هستم
 على السلام و كره و جز و كره و تاري كنا مان خود شني اجابت كره هي اور ارض و جاي كتم م آمر زيان
 گناان خود پس در اجابت كن الهي ايليا ارحم عليه السلام از تو خواستنده كرون مرده پس اجابت كره خدا

او در هنگام کس از قرائت ياں او با مژده در میان نزه و تلخ رود در میان نزار و او زودتر شود و صفتا در کماله
 و یک چند چیز و این آنها بکار می آیند یکی آنکه اگر کسی خورشید که در کعبه در میان خود کشی این آنها را بخواند آنرا بکشد و او را
 زودتر از این آنها را بگوید و در خانه نیاورد و چیزی در آتش بگیرد و سوم اگر آتش گرفته باشد در خانه سفید این آنها را
 در میان آتش بگذرد در میان آتش نزار و آتش در نشتی چهارم اگر اینها را بنویسد در میان خزینه در نزار و در میان
 و سوختن و غرق شدن سلامت مازد بخم اگر اینها را بنویسد بر ران چپ بیشتر چکر راه برو و مانده نشود
 ش اگر گلی در کشت غله غلبه کنز اینها را بنویسد بر سر چوبی کنده در میان کشت بنه تلخ در آن کشت
 زبان ز ساند مغمز آنگه بدرونه بماند اینها را بنویسد بر ران چپ آن زن به بند و در حال باره بنهد هم
 بر چند یان کاغذ نوشته در آب یا شیر و یا در چیزی دیگر به مطلوب بخواند در محبت بی نظیر است بکن بنام
 چهارم کس بنویسد هم این اسما بر چهار پایه سفال آب ناریده نوشته در راه یا در حوض هر روز یک عدد
 انفاخته باشد بهیت نزول بارش محراب است هم اگر دفع بارش ملو باشد حال سفالهای نوشته بقرار
 مذکور یا حتی مقاب آتش گذاشته در یک کمانی دفع خواهد شد خاصیت اینها بسیار است در هر چهار
 بند نوشته فایده بیست و هفتم در میان نفع صدای که برای صاحب صرع بخواند سوخته و فاخته و
 آیت الکرسی و پنج آیت اول سوره حمل و در آب پاک بدرد بر روی صاحب صرع بزند بفضل جلالت
 افتاد شود و بر چهار گوشه مکانی که سکونت دارد و الا آن آب زنده بهتر باشد ایضا بخواند بر صاحب صرع
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَيْنُ طَه طَه طَه كَعْبَةُ صَدَقَاتٍ وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ وَهُوَ
 وَ الْقَائِدُ وَمَا يَنْظُرُونَ ایضا روایت است از ابن قتیبه که گفت حدیث میگوید با من مردی
 از بنی تمیم که پیش بن غلامی بازی میکرد وقت غروب آفتاب پیش صرغ شد پس گفتم او را چه کار داری با تو
 من پس گفت بمان نسیح این وقت نماز است آیا نغمه میگوید صلی الله علیه و سلم احتفظوا صبیحا عند
 غروب الشمس پس گفتم راست است و در شواهد و وجوه الاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
 پس در روز شاد و روز غم و روز فاجده نگو و ایضا بخواند صرغ قول لقمان قل والله اذین لکمه اعدا علی الله
 تغذرت ایضا بنویسد اسما صواب که در چهار گوشه نماز کرد آن صرغ سکونت دارد و نیز آبر
 ایضا اگر کسی را در رخ دهد کسی از طارق من پس بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم و الصافات صفا
 الی قوله شهاب ثاقب فایده بیست و هشتم در نغم و عرق الشار و غیره چون بر جسم کسی در شب
 یا در حی پیدا آید بنویسد و بشویله آب و بر آن رشت زین فضل الله بهتر گردد و ایضا بسم الله
 الرحیم بملء من الله ورسوله الی کل علة لا یفعل ولا یتعبد الا انشاء الله تعالی حبه

صحنه عا... عا... ولسا دولسا الور ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو...
 ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو...
 ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو...
 ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو...
 ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو... ولسا الو ولسا الو...



۳	۲	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----

ایضا از نقش در نوشته در جهت محبت است
 ایضا از نقش زیر رنگ گران بند محبت بی نیاز است

فلان بن فلان بن حب فلان بن فلان

۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰

ع	ا	ب	ج
فلان بن فلان	بوع	فلان بن فلان	فلان بن فلان
ط	ح	و	ع
مالو	د	د	بن
ح	د	د	فلان

یا سحبت یا بجمع مق

فلان بن فلان بن حب فلان بن فلان
 ایضا این شکل در نوشته زیر آستانه مطلوب بن
 نماید و کسی که بر آن بگذرد در گردان بخشد برای محبت
 است انشاء الله تعالی... ایضا این تصویر نوشته در موازین نامید انشاء الله تعالی اگر در آن
 بیاید محرب است

۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸
۲۹۹	۳۰۰	۳۰۱
۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عَلَى الْإِنْسَانِ حِينِ مِثْنِ السَّاهِرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَدَّ كُفْرًا
 إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِمْ وَنُعَمِّمُهُمْ
 الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ قَالُوا
 يَا وَيْلَنَا مَنْ مَعَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا إِنَّا وَعَدَدَ الرَّحْمَنِ

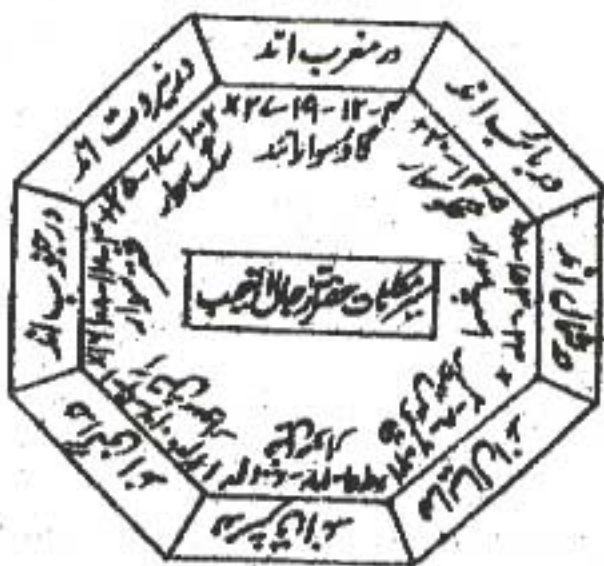
وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ فلان بن فلان بن حب فلان بن فلان ایضا برای محبت این هفت نقش

بجستگاری از جمیع الراجحین ایضاً این تعویذ را در کسوف یا خسوف بنویسید و با خود نگه دارید و عیب است

فائده سی و چهارم در معرفت رجال الغیب چون
 و جب بود مال را شود دان چون در راست بود نقصان
 مالش بدان چون در پس بود خشم مرود دان مقابل محبت
 کند قصه جان برین دایره نگاه کند طالب حضرت

ق	ا	ب	ض
۵۰۰	۳۰۲	۴۰	۶۱
۳۰۰	۴۰	۰۲	۶۲
۳	۵۶۰	۳۳	مقدّم

رجال الغیب اول نگاه برین
 دایره نموده نمایند که ایشان
 از کدام برنج قرار دارند ایستاده
 شده دست بر یکدیگر گرفته چنانچه
 در نماز ایستاده میشوند نهاده و
 بسوی ایشان توجه و تسلیم
 تمام کند و دل خود را متوجه نموده
 تمام خود را حواله بایشان نماید
 اول ده بار در رو فرستد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُضْرَاتِ رِجَالِ الْغَيْبِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 يَا أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الْمُقَدَّمَةُ الْمُطَهَّرَةُ اعِينُونِي بِقُوَّةِهَا وَنَظَرِي فِي بِنَظَرِهَا إِلَى الْأَمْرِ الَّذِي
 قَصَدْتُ إِلَيْهِ يَا رَبِّاءُ يَا نَقِيباً يَا جَبَابِئِلَ عُرُوثَ يَا قَطْبَ لَأَقْطَابِ يَا خَلِجاً سَيِّحاً
 يَا زَهَادِ يَا عِبَادِ يَا أَوْلَادِ أَيْدَالِ يَا أَعْمَارِهَا أَوْلَادِهَا يَا قَطْبَ عُرُوثِ اعِينُونِي
 اعِينُونِي فِي سَجْرَةِ اللَّهِ وَجِهَةِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 اسْتَظْهِرْ مِنْ بَاشِمَاتِ أُمِّ مَيْمُونَةَ مِنْ أَزْشَامَاتِ بَعْدَ أَنْ بَرِحَتْ وَأَتَمَّاسَ كَرِخَاطِهَا وَاشْتِ بَاشِمَاتِ
 عَرَضِ نَمَائِدِ الْبَيْتِ مَقْصُودِهَا صِلَ شُودِ رُكَّ نِيَارِ لَيْسَ آفْكَاهِ شِطِّ بِيْجَانِ بَاشِمَاتِ كَنْدِ خِيَا نِجُو كَسِي تَكْبِيْهِ
 رِ دِيَوَارِي يَا دَرِخْتِي كَيْ كَنْدِ لِحْظَاتِهَا سَادَهُ بَاشِمَاتِ بَعْدَ أَنْ بَرِحَتْ نَوَابِغِ شُخُولِ شُودِ وَرَا كَنْ رُوزِ أَنْ تَجِيْعِ
 آفْتِهَابِ وَكَلْفَتِهَابِ أَيْنِ بَاشِمَاتِ فَائِدَةِ نَسِي وَبِيْجَمِ دَرِ شُخُولِ كَالَيْفِ مَسْتَحْجَرِ سَهْجَلِي كُلِّ مَخْلُوقَاتِ

اجب یا جبریل بحق یا باسط باید که عمل بفرموده نماز عشا و صبح و شصت بار بخواند و اگر فرصت
 نماند چهل و یکبار یا بیست و یکبار اول و آخر در دو خوانده باشد و هرگاه که پیش کسی رفته باشد یا نزد
 یار مع اول و آخر در دو بار خوانده بخورد و میده باشد مطلوب را پیش پا افتاده تصور کند ایضا یار و شکر
 مومر یکبار کند و این آیت مابرا کاغذ بنویسد تمام چهار کس این کاغذ و مومر و شکر را یکجا کند بگوید
 بعد از آن صد غلوه کرده سوزان کند و تسبیح سازد و آیت اینست لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ
 أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ رَئِيفٌ جَلِيلٌ يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ رُفِّعُوا رُجُومَكُمْ فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ حَسِبْتُمْ
 أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ همین آیت بخواند و تسبیح بگرداند
 چون صد مرتبه شود تسبیح را نیز بگوئد سی و نوزده بار یکسره کرده باشد و یوانه واریا یا ایضا در شب جمعه بعد از
 آیت فَاذْكُرُوا لِلَّهِ الْعِزَّةَ الَّتِي لَكُمْ وَأَن تَكُونُوا مِنَ الْمُقْتُلِينَ تسبیح را یک مرتبه بگرداند و تسبیح را
 علی غلظت بن فلاحه اعطف قلبه علی و ذلله لی یک مرتبه مجرب است فائده سی و ششم
 در دفع کردن دشمن و طاقت باید که در ساعت زحل زیر سامر برهنه ایستاده یکبار لایف قدسی
 یا الصیف بخواند و تازه لطف حضور طاقت دهد و فقط الصیف را با لقا و ذکر کند پس هر مسلمانی
 را باید که در حق مسلمانان و مسلمانی و تقرب غیر مستحق برگزیند و مضمون شریف من حضرا
 بعد الاخیه فقد وقع فیہ مد نظر دار و اقصیه منعکس شود که او تعالی انتم حقیقی است برائی
 اعدا ما بین نماز مغرب عشا رسیده قبل و اوقات را چهل و یکبار بلا تسبیح سوزن بخواند اعدا مقهور
 خواهد شد و ذلیل مجرب است ایضا هر صبح و مسافت با آیت فَاذْكُرُوا لِلَّهِ الْعِزَّةَ الَّتِي لَكُمْ تسبیح
 الی رب العرش العظیم بخواند از جمیع لیات ارضی و سماوی از شریح اعدا محفوظ و مصون ماند فائده
 سی و هفتم در وقت اجتناب از کلمات این فائده از قول ائمه اجداد بعینه برداشته شد صفت علوان فرمود
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم چون عرض کرده شود بر شما صلواتی بر دو یکیند آنرا گفت هر که برادر مسلمان را از
 صلوات بدو یا طعام بدو بخدای تعالی او را از طعام های بهشت دهد و بر او صلوات بخشد و آن
 قیامت ایضا گفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم هر که بر او صلوات بدو برادر مسلمان را بغیر آنکه از او تبرسد یا
 امید خرد او را از گور حشر کرده شود و حساب در بهشت برود و در آن در شدت و عذاب باشد
 صفت کرد و از تمیزی ام المؤمنین عائشه صدیقه گفت غمی از شما که رسول علیه السلام مرا
 گفت یا عایشه چیزی در دیکه از کرد و کن و چون کرد و یا شیر بشری پس از آن بخوردی که هر که آنرا
 بخورد دل اندوگین وی خوش شود و دنیا فی چشم او زیادت شود و دماغ او قوی گرداند و حفظ

زیادت کند متن پاکیزه گرداند یا عالیه است از مسلمان از مردوزن که بخورد که در او مگر آنکه نوشته
 شود مرد او را بر بقعه بنهاد و نیز از سبکی و محوشود و بنفاد نیز از بدی و ببلند برای او بنفاد هزار درجه در
 یا عایشه بر که خود بنهار کرد و را بنامش در آن روز در تن او در صفت در شکم و در حلق و در دست و در کمر
 سر و در گوش و هر که بخورد شب سدا و در آن شب هیچ آفتی از دیوانگی و مجذام و پیشی و نه سرد
 دستها و نه دردی بیاورد و در صفت خرمای فرمود پیغمبر صلی الله علیه و سلم بخورد خرمای بنهار بدرستیکه بکشند
 که مان را در شکم رسول علیه السلام گفت بدرستیکه خدای تعالی دوست دارد خورا و گفت بهترین طعام
 سخن خرمایست و در شکم فرزند آدم علیه السلام تا ویرایت در آن نزد مگر خرمای رسول گفت آخرتیم
 و اعدای ما نیز از آن یعنی خرمایند و پیغمبر گفت علیه السلام بدید زمان را در نفاس خرمای زیرا که هر زنی که
 طعام او خرمای باشد در نفاس فرزند او حکیم باشد زیرا طعام هریم یعنی الله سخن خرمای بود چون عیسی علیه السلام که در
 شد طعام خرمای بود اگر چه ازین طعام یکدیگر بر روی وصل هریم با اونی الله تعالی عیسا تعالی تعالی آن داوی
 رسول فرمود علیه السلام اگر بدانند مردمان که در خرمای صفت است در متن او اما تم دارند و گفت بر انس را
 اونی الله عیسا چون خرمای تریز بود به نیت کنی صفت مویز فرمود صلی الله علیه و سلم که طعامی است مویز سخت
 کند بیخ دندان را در دفع طایر و خشم را بر روی دندان تا خوش کند و طعام کند و گوی که در تمام صاف کند
 گفت پیغمبر علیه و سلم که دوست دارد که از فرزند صاحبش شود و خرمای خوش است و در جمیع مویز
 بخورد صفت انما فرمود پیغمبر صلی الله علیه و سلم بخورد از این است از دانه او که افتد در حده مگر آنکه روشن
 کند دل را و نگاه داشته شود از شیطان بیل روز فرمود رسول شصت از اناری که در آن دانه
 از انما قطرب است از بهشت صفت سفر صلی الله علیه و سلم آورده بودند بر رسول علیه السلام سفر صلی الله علیه و سلم
 نو با دره رسید بود آنرا بوسید در چشم بنهار و بر رخ نهاد و گفت ای خدا چنانکه ازین روزی کردی را
 در دنیا محروم کنی ازین دلا خرت گفت رسول علیه السلام بخورد سفر صلی الله علیه و سلم کند و در دل شجاعت
 و دلیری زیادت کند و فرزند با حسن و جمال زاده شود و گفت خوردن بدید زنان حامی را
 سفر صلی الله علیه و سلم فرزند آن نیکو طلق زاده شوند صفت عناب گفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم چون
 کی از شما بخورد عناب را بدرستیکه دفع کند حرارت تب را و گفت چون یکی از شما را بلغم بود صفت اناب
 بخورد در دستیکه خون را کم کند و تخم را نبرد و شانه صفت انگور فرمود پیغمبر
 علیه السلام قبض نکرده است خدای تعالی روح پیغمبر صلی الله علیه و سلم را مگر آنکه
 او را شهادت انگور بوده است و گفت بخورد انگور بجان یگان بدرستیکه آن گوارنده است

صفت خززه گفت پیغمبر علیه السلام خززه هفتاد و نه بار در شین است و میازد و ترش خاما آنکه شین است
 پیرای روی رویند و اگر ترش است که از ایشد در وطن تکم و است که رسول علیه السلام گفتی خرم تر است
 راست و خززه را بدست چپ پس بخوردی و طلب بزرگه و این هر دو میوه دوست تر بود و زیاده
 علیه السلام فرمود رسول صلی الله علیه و سلم بخورید خززه تقطیر دارد و او را بدست آید است حملات او
 از پشت است صفت شهید بدستیکه تهاوه است خدای تعالی برکت دهد و شفقت است از عمارت
 و در دیگر هر چه ای شربت شهید بخورد روز حق تعالی اهل از نهاد و هفت زحمت و عت و عصمت آورد
 که دوازده قلح و جناب است و عایشه رضی الله عنها فرایت کرد که رسول علیه السلام دوست داشتی
 غسل و حلق را صفت نیش فرمود پیغمبر صلی الله علیه و سلم بر شما بادا بخورون شیر لقب و گفت پیغمبر علیه السلام
 داده شد را در شب حلال است آب غم و شیره من اختیار کردم شیر رسول گفت علیه السلام هر که شیر بخورد
 این دعا بخواند الله صیادک لنا فی ه و ز صامت صفت سرکه در حدیث است بدستیکه ای
 تعالی مادم و خسته است موکل هر کسی که سرکه خورد و امزش نماید مراد آن زمان که خوردن سرکه ملاحظ
 شود گفت رسول علیه السلام فیروز شو و اهل خانه که سرکه باشد گفتی به این برید کنید سرکه لاک برکت است
 به گفت هر که سرکه خورد بیرون آرد خدای تعالی از دل او غل غش شک و ترک کبر و صداوت و غضب و غنا
 صفت هر سه فرمود پیغمبر علیه السلام باید برین سه چیز عمل علیه السلام و فرمود ما یا محمد خور سه چیز است
 سخت شود و قوت شود و ترا بجاوت پروردگار عمل جمله صفت گوشت فرمود حضرت علی کرم الله
 و همای مردمان بخورد گوشت را که بیشک خوردن آن صاف میکند خلق باورنگ بدن را زیاده میکند
 شنوائی را و نیز از حضرت علی مراد است هر که بخورد گوشت را اهل روزید شود خلق او پس باید که بخورد گوشت
 را که گوشت از گوشت است و رسول علیه السلام گفت که هر که گوشت را خورد گوشت و حرام کند نفس خود او از من
 نیست گفت رسول علیه السلام سید الطعام در دنیا و آخرت گوشت است و پیرا که رسول علیه السلام را
 بجهت گوشت خوردن دعوت کردند ای باب کرده است و هر وقتی که گوشت بپزد آرد و ند قبول کرده
 است صفت پیریه گفت پیغمبر است از پیریه پان کرمی افتد در حده مگر اگر می رویا در مکان شفا را و برین
 می بر او از آن مکان دروا صفت گوشت بریان دوست ترین طعام نزد پیغمبر علیه السلام گوشت
 بریان بود روزی ام سلمه رضی الله عنها گوشت پهلوی بریان کرده پیش رسول علیه السلام آورد و رسول آنرا
 خورد پس پایی ایستاد در نماز و وضو نازه کرد و صفت کباب قدیمه گفت دیدم رسول علیه السلام
 که گوشت قدیمه بخورد طبعی نهاده پس بریای ایستاد و کباب بود در آن روز سفال آنرا بخورد و صفت

روغن فرمود رسول علیه السلام شکر و خیر شفا است روغن اینها دوا است و دوست ترین شرابها بزرگ
 پیغمبر علیه السلام شیر بود که دوست داشتی اطفال را کردن بشیر صفت میاه دانه گشت رسول علیه السلام
 یا علی ملائکه استغفاری گویند برای کسی بخانه او شهید باشد و زیتون میاه دانه فرمود رسول علیه السلام میاه دانه
 داروی جلودر دوا است مگر صفت خیار فرمود رسول علیه السلام هر که خیار بخورد با کنگر بار و خدا
 تعالی اولی الامر صفت میسر فرمود رسول علیه السلام بخورید میسر را و دارو کنیزان بدرستیکه در شفا
 از همنا در صفت رسول علیه السلام فرمود بخورید میخام را صفت حدس فرمود رسول علیه السلام شبا
 باد که بخورید حدس را کم مبارک است آن دل را و آب دیده را زیادت کند و بد رستی که برکت گفته اند
 در آن هفتاد و نینجا در حدیث است که در طعام عدس شکر از بوی بهشت است و دعا کرده است
 سر آنرا ابراهیم و محمد علیهما السلام صفت پیاز در نجاست که مردی را فرزند می شد بسیار بر رسول علیه السلام
 صلوات کرد و از قلت فرزند پس امر کرد رسول علیه السلام و بر آن خوردن پیاز بود و گفت رضی الله تعالی
 عنه که رسول علیه السلام امر کرد چون هائید شما در شهری و دریا می و تیر سید از و پس شما باد که پیاز بخورید و
 بد رستیکه روشن کند میان بی چشمها و پاکیزه کند آب پشت را و آورده اند سفیان نوری و اوسته الله علیه و حتی
 شده بود عبد قهار که عیادت او آمد میا و طلبید آنرا یاره که سفیان را داد و گفت بوی کنیس بوی
 گردانها و عطسه زد و گفت بحمد الله رب العالمین بدرستیکه ساکن شد زحمت من افسس بن مالک غیبی
 حقه گفت که فرمود پیغمبر علیه السلام که ده چیز است که از آن فراموشی آرد خوردن پیاز و خوردن سوسوس
 و خوردن کبچ و کشنیز خشک حجامت کردن بر مخاک و گذاشتن میان دوزن و نظر کردن موی معلوبه
 لب کردن در آب ایستاده و نینجا سخن پیش نروده و قنارت در مقبره ایضا این هجاس گفت نویسه
 عنه که فرمود پیغمبر علیه السلام هر که از میوه طاق بخورد زبان ندارد ایضا این هجاس گفت رضی الله عنه که
 فرمود پیغمبر علیه السلام چون ترب بخورید و خوابید بوی او نیاید بر من در و در فرستد دوا اول گردید
 بدندان و انشا الله و علامه فائده سی و هفتم در تقرقات در باب بریدن جامه نوبین ابیات عمل کنند
 بریدن جامه نوزاد تو میدان به کشیده بود همچنین بریشان به کشاید رزق دار و فرزند و شکر به سوزد
 یا بوزد در سه شبیه به بر و بر چهارشنبه شلو باشی به پیشینه زخم از او باشی به بر و بر جمعه مل و پنج یابی به
 به شنبه صد طلا در پنج یابی به نوزدهم در باب پوشیدن جامه نوبین ابیات عمل کند به پوشی جامه
 روز شنبه ز نهار به اگر نوشی شوی البته بیار به یکشنبه چو جامه نوبوشی به رسد راحت بسی نعمت نوبوشی به
 دو شبیه که پوشی جامه خاشاک به بر نهند مکنی آن جامه را چاک به سه شبیه جامه نوزاد پوشیده میان ب

اگر باشد میزند بر روز چهارشنبه جامه در بره که آید بر سر آن جامه در بره بر چشمتی پوشی جامه شاید که آن
جامه ات زیبا نماید و لیکن زود گرد پا به پا به خورد بیوسته زخم خاره خاره بر روز جمعه تو بپوش
جامه به چه بر این بر طاتی به عامه به نوحه بگرد بپوش برین عمل نماید روز شنبه صحت یابد روز
یکشنبه در روز شود روز و شنبه شادی بینه روز شنبه صحت یابد روز چهارشنبه صحت یابد روز پنجشنبه
و نیا و آخرت یابد روز جمعه از بیات محفوظ ماند نوحه بگرد بر روی سر تراشیدن برین ایات عمل نماید ایست
بر خوش فرمود امام محمد عفره که تو خواهی بیانی نعم وافر ز قول من نیایی روی ز نهاره دین منصف و آن
کلمه بگرداره به یکشنبه و شنبه موی تارک به نگر می تار آید مبارک به دو شنبه گز تراشی موی سر و بیانی
دولت بجد دل آرا به شنبه ماست نمود نیک مرتب بود بیماری و اندوه تارخ به روز چهارشنبه گز
حلق به عزیز و محترم باشی بر خلق به پنجشنبه چو موی سر یابد به چشم خلق نیکو تر نماید بود آینه تر نیکو آنگان
هم که خلقت یار گردد هر مان هم به نوحه بگرد بر میان تا سخن گفتن باید دانست که در روز پنجشنبه و آخر آن
زقن بسیار سعید و شیدا است و من قائده سی و نهم در احکام سفر چون کسی خواهد سفر کند روز شنبه
قبول بخورد در آن شود از سفر با سلامت بقام خود آید پنج آفت اول از سفر روز و شنبه قند خورد
بیر آید تا سلامت باز در خانه آید روز شنبه آینه بینه و سفر و سلامت بماند باز آید روز چهارشنبه
گشتر خورده از خانه بیرون آید روز پنجشنبه عسله و کلطیب گفته بیرون آید سلامت و در روز جمعدهات
خورد بیرون آید از سلامت آید روز شنبه قلیه و نان خورد و طعام نیک خورد بیرون رود و در روز
و الله اعلم بالصواب ایضا باید که قبل از دعای سفر دو کافه نفل بگذار در بر رکعت آیه الکرسی بسیار
بعد از سلام سوره قبل یا ایها الکا فون و سوره اخلاص و سوره فلق و سوره ناس و سوره فاتحه بخواند
لیکن باید که اول و آخر هر سوره بسم الله بخواند بعد از آن دعا کند که اللهم من اهل عیال و اطفال
و میان و مال و عزت و آبرو بر تو سپردم و حواله کردم تو ما قضا حقیق و مالک الکلی استی مرا عیال و اطفال را
بجمله اسباب بر البقیل حبیب یک خود در بیانات و بیات محفوظ دار آمین یا رب العالمین قائده بگرد
احکام عبارت مکان و در بنای خانه باید که برین ایات عمل کند اینست به بیانی خانه در ماه کرم بود
بای نامه و خم به سفر گز نباشد ساله گری به رجب لا طایر آید مال گری به شواله آخر البسوز به جلدی
صاحب خانه بگرد به صافی الاخره یکی نماید به بیست شادی و یکی نماید به حب با عدد اگر در گز خانه به شعبان
می شود و البته بیار به در رمضان میگوئی چینه فراوان بود آن خانه چون خوشید کمان به نوزده
در ماه شوال به بیست راحت و هم صاحب مال به خصوصتها بود روز قنعه پیدا بود جنگ و

عدال دایم شوید بنای خانه دزدی الجرای یاری بریانی نعمت و هم مال بسیار تو علیه که در روزهای سعادت
 و محسن نمای خانه بد بشنید گزیناگر عقلت بدست آید فردان مال و نعمت بدست آتش میخشد مقرر اگر گزینا
 بنای خانه کیست و دو شنبه صاحبان خانه نکند بدست آید شود روزی پنج در شنبه گزینا سازد عمارت
 بر دو صاحبش بی حسن و عقلت بدست آید اگر در چهارشنبه شد بنای بدست آید صاحبان یارسانی بدست
 بنا کرد و اگر پنجشنبه بنای بدست آید و در شنبه بدست آید و در جمعه سازد عمارت قاضی بدست آید و در
 قاض مال و عیالی بدست آید و فائده چهل و یکم در اصل بدست آید که در شنبه و شست حروف اندک مجموعی بدست
 باشد چون خودی که در شنبه بدست آید و شست بار نوشته در آب بشوید و بخورید از اینها اگر شست بدست آید
 در شنبه بنام دشمن بسوزد دشمن پاک شود و اینها اگر بخوردی از شنبه بدست آید این کاغذ نام دشمن آید و این
 و بر باد آید و دشمن ز خان و مان آید و اگر بدست آید از شنبه در خاک پنهان کند البته بکرم
 الله تعالی فایز پیدا شود و اینها اگر کسی بجد در میان مجلس علماء بدارد البته شکر او بدست آید و اینها
 سخت بدست آید و همین اگر در مجلس عامیان بنشیند و در غوغا بجدی رسد که سخن ریزی گراید از اینها اگر در آب
 شسته بجهوی بخورد عیال بدست آید و اینها اگر کسی نوشته در میان جنگ سمرقند خود برین بدست آید و دشمن
 گردد و اینها بنویزانی شیر حوریت لا نوشته بخورد از اینها اگر کسی نوشته در گوی کودک بسند داند
 ترسیدن در دمان باشد از اینها اگر اطالت با علم لا نوشته بخورد از دشمن او صافی و عالی شود از اینها اگر نوشته در
 درخت میوه درخت کز میوه بدست آید و در خوشگوار باشد از اینها اگر نوشته در عیال آید و اینها
 بسیار بار از اینها روز یکشنبه بسوزد و همسایگان بدست آید و همسایگان بدست آید و شصت
 و هفت بار بخورد تا مراد او بالا گردد روز شنبه چهارصد و بیست و یک بار بخورد روز پنجشنبه هر اوقات حاصل شود
 و عیال بدست آید روز چهارشنبه یا تصدقش بار بخورد در عالم افتخار و میاهات بدست آید روز پنجشنبه چهارصد
 نغازه بنام دشمن بخورد در عالم پیدا شود در جبهه کعبه بار بخورد مشوق عاشق گردد و در شنبه
 پنجاه و هفت بار بخورد فتوح عینک سد و خواص اجدید بسیار است اما مقرر کرده شد و آن اینست اجدید
 هر روز صلی کن صد مرتبه قرشت نخد ضعیف فائده چهل و دوم در تدبیر دفع سحر و جادو و چون کسی
 را سحر کرده باشند یا در این آیت خون ماکیان سیاه آشک و زعفران و گلاب نوشته در
 گوی بدست آید روز یکشنبه یعنی نوشته تا هفت روز بخورد و بر است سُبْحَانَكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ أَكْبَرُ
 إِنَّمَا تَعْبُدُونَ الْأَشْجَارَ حَيْثُ أَتَى بِحَجِّ أَهْلِهَا وَأَشْرَاهِهَا الْيَصَالِي دَفْعُ سَحَرٍ بِيَانِ
 بر باره کاغذ نوشته در گوی بدست آید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ مُتِّعِكَ بِمَعَادَيْتٍ بِسُلَيْمَانَ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَيُّهَا شَرَاهِيئَا طُوشَا جَارَا أَلِطُوشَا قَهَارَا بِنِ كَيْصُورَا نُكُورَا حَمَلِيَّةَا كَبْرِيَّةَا إِذَا مَادَى بِنِبِيَّةَا
 بِنْدَا أَعْقُوبِيَا كَمَا قَلَّ أَعُوذُ بِرَبِّ الْأَنْبِيَاءِ إِلَيْكَ يَا بَسْمِ اللَّهِ النَّبِيِّ مِنْ شَرِّ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ
 الَّذِي يُوسُوفُ فِي صُدُورِ النَّبِيِّينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّابِي الْأَيْضَا بِنُوسِيدِ وَوَكُورِ بِنُورِ بِنُورِ رَسْمِ
 اسْتِ بِنُوسِيدِ سُوْرَةُ فَاتِحَةٍ وَجِبَارِ قَلْبٍ وَوَقَوْلِ تَعَالَى لَأَنْزَلْنَا هَذَلِكَ نَقْرَانٌ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَشِيبًا
 نَاسُورَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِنُوسِيدِ نَقَمْتُ بِحَرَكِلِ سَلْعٍ وَعَقَدْتُ كُلَّ عَاقِدَةٍ وَكَيْدٍ كُلِّ كَاثِبٍ عَنْ خَلْقِ بِنِ
 فَلَا تَمْلِكُ لِي إِلَّا إِلَهَ الْأَهْوَاءِ النَّبِيُّ الْعَبِيدُ بِاسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى أَيُّهَا شَرَاهِيئَا بَرَاهِيئَا أَلِطُوشَا
 شَدَى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْقَبِي النَّبِيُّ سَاجِدِينَ قَالُوا أَمَّا يَا سُبُوْرَةُ الْقَابِلِيَّةِ رَبِّ مُوسَى
 وَهَارُونَ نَقَمْتُكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَالْعَقَدُ وَالْكَهْدُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فَلَانَةَ بِاسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى الْقَامِ
 وَأَيَاتِهِ فَلْتَلْمِزْهُ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَأَقْعُوْا عَلَيَّ وَأَتَوْخَفُ
 سَلْمُونَ يَا مَعْشَرَ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَبُوا الَّذِينَ يَبْلُغُونَ الْحُلُمَ بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى كَيْدُ كَمْبِيَّةِ
 وَالطُّوْسِيِّنَ وَالرَّحْمَةُ وَنَقَمْتُكَ أَيُّهَا السَّحْرَةُ وَالْمَقْدَةُ الْكَبِيْرَةُ وَالْعَرَقَةُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فَلَانَةَ
 بِنِ كَتَّ شَجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ شَعْرًا أَوْ حَدِيْدًا أَوْ عَظْمًا أَوْ سِنًا أَوْ حَلْفَةً أَوْ حَيْطًا
 أَوْ عِلْمًا حِجْرًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا أَوْ سَلْمًا
 حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا أَوْ حِجْرًا
 كَتَمْتُكَ بِنُورِيَّةِ مَوْسَى فَجِيلِ عَيْنِ بِنُورِ دَاوُدَ وَفِرْقَانَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا نَفْسَ الْكَلْبِ
 نَقَمْتُكَ أَيُّهَا الْمَرَاتُ مَسْتَقِيْمًا وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ رَبِّكَ وَالْحَيُّ الْيَقِيْنُ نَقَمْتُكَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ
 بِمَوْجِ فِي بَعْضٍ لَكِنْ أَيْحَيْتُمْ نَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ فَوْقَ الْحَقِّ وَبَطْلٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 بَلْ نَقَمْتُكَ بَلْ لَقِيَ عَلَى الْبَاطِلِ قَيْدٌ مَغْدُ فَاذْ أَهْوَاؤُهُمْ فَالْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ
 مَا يَأْكُفُونَ أَنْفِيْدِيْنَ إِنَّهُ يَسْفِرُونَ وَلَهُ اسْمِيْنَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طُوعًا وَكَرْهًا وَإِلَهِ يَرْ
 جِعُونَ أَوْ مَنْ كَانَ مِيْنًا فَاحْيَانًا وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا وَنُورًا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ
 لِلَّذِيْنَ أَرَادُوا أَنْ يَنْجُوا مِنَ اللَّهِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا وَيُخَوِّذُ الْمُضَلِّينَ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا وَيُخَوِّذُ الْمُضَلِّينَ
 بِسَبَبِ تَعَصُّبٍ وَوَشْمِيْنَ أَرْحَمُ بِصُورَتِ كَارِ الْبَلْغِ مَسْحُ سَائِقِيْدِيْ سَبَبِ سُلْمَانِ مَشْتَرِكًا بِالْكَتَابِ طَعْمُ الْبَلْغِ
 أَعُوذُ بِكَاتِ اللَّهِ الشَّمَاةِ الَّتِي لَا يَجَارُزُهُمْ بِدُونِ الْفَالِجِيَّةِ وَأَعُوذُ بِتَوْجِيهِ اللَّهِ أَنْفِيْدِيْ
 الْبَلْغِيْلِ الَّذِي لَا يَجْمَعُهُ جَارَةُ الَّذِي يُمِيْسُكَ السَّمَاءُ أَنْ

ان تقع على الارض الا يا ذنب من شر التامة واهامة ومن شر ما ذر في الارض من
 شر ما يحد به ومنها ومن شر ما ينزل من السماء وما يعرض فيها ومن شر ما ذر او من شر
 كل دابة اذنت اخذنا صينها ان ربي على همه ابط مستقيم فانه جعل وسوم وشرقا من
 وكيفية مرض وغیر چون دریافت مرض نماید که در جسم من کدام علت عارضه است باید که نام روز و ماه و من
 حساب محل عدد بر آره و چهارگانگی کند اگر یکی یا از چهار است اگر دو یا از هشت است اگر سه یا از دوازده است اگر
 و دیگری اگر چهار باشد اثر باد و است ایضا اگر کسی بیمار شود نام وی و نام مادر وی و حساب بجز جمع کند و آنچه
 از نامه تو گذشته باشد بر آن افزاید و بستی روز آخر باید بعد از سی سی طرح دهد و باقی آنچه باشد بخانه نگاه کند اگر
 در خانه بیات است این را بر او باشد و اگر در مات است مختلف بود باید که صدقه بدهد و امیر از خبر او دارد -

غذای حیات

۹	۳	۳	۲	۱
۱۵	۱۲	۱۳	۱۲	۱۰
۲۸	۲۶	۲۳	۲۲	۱۶

ایضا برای حصول عافیت جسمانی و معوش و امین و عاقل و طیب مسازد
 اللهم عافنی فی بدنی اللهم عافنی فی سمعی اللهم
 عافنی فی بصری لا اله الا انت ایضا در گوش مرضی هر وقت
 درم کند بستم اما مخلصنا که ایضا این دعا را هر بار که صبح و شام

سخن خوانده باشد من بنا انشاء الذی تقدس اسمک فی السماء و الارض کما رحمتک فی

خاندات

۱۱	۸	۷	۶	۵
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
۳۰	۲۹	۲۷	۲۵	۲۴

السماء فاجعل رحمتک فی الارض و اعف عننا ذنوبنا و
 انت رب الطیبین انزل رحمتک من سمک و شفاه من
 شفاه و اعلى هذا الوجه اوله من الالم ایضا رواست است
 از عثمان ابن ابی العاص که شکایت کرد که او بیشتر بسؤال الله صلوات

علیه و سلم از وضع کرد جسم خود داشت فرمودی صلی الله علیه و سلم که نبرد دست خود بر موضع ایلم و بگویم باسم الله
 و شفقت بار اعدا و بعبارة الله و قدرته من شر ما اجد و احاذر ایضا رواست است
 از ابن عباس رضی الله تعالی عنهما که فرمودی صلی الله علیه و سلم که بگویند بر مرض و بیدار روی هفت بار
 سال الله العظیم رب العرش العظیم یتفق ایضا رواست است از علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه
 که چون خوابد که خداوند تعالی از سجده او جاع و اسقام و امراض شفا دهد پس بنویسد قوله تعالی تو انزلت
 هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره و بنویسد و ان قرأنا سیدت به الجبال او قطعت به الجبال
 او کلمه به اللوح بل الله الامر جیعا و در کلوه بند و ایضا بنا بر امتحان کردن بیماری این طلسم بار
 سفلی تو بنویسد صاحب مرض هفت مرتبه از سوره تا پا تقدی نماید و در آتش اندازد و

چون سرخ شود در او زود فدا کند اگر حرف میاید باشد بدانند که مرض جسمانی است و اگر حرف غلبه شود سایر جن و بری باشد اگر حرف سرخ بر آید آید است و اگر حرف سفید بر آید اثر و لوی جسم و بدن باشد این است $\frac{1124}{16}$ $\frac{321}{212}$ $\frac{138}{51}$ این نقش را نوشته داشت پیر سکره تعویذ بر آب لیمو زرد اگر خون را لایق آب بماند بشود و اگر آب غرق شود پیر و اگر در بامیز باشد ریش و از ار کشاید است

۱۱۲۴	۳۲۱	۱۳۸
۱۶	۲۱۲	۵۱

از بر کون اراض این نقش بر کاسه مینی نوشته صبح و شام بخورد و ایست و در زیر این نقش آیات شفاء بنویسد و شفاء دهد در قوم مؤمنین و شفاء

لما فی الصدور یخیرج من بطونفا شراب
مختلف الوانہ فی شفاء الناصب نازل من القرآن
ما هو شفاء و یقیمہ المؤمنین و اذا احدثت جنون
یتفقین قل هو للذین آمنوا هدی شفاء

۱۸۳۹	۱۸۴۲	۱۸۴۵	۱۸۳۲
۱۸۴۴	۱۸۴۳	۱۸۳۸	۱۸۴۳
۱۸۳۴	۱۸۴۷	۱۷۲۰	۱۸۳۷
۱۸۴۱	۱۸۳۶	۱۸۳۵	۱۸۳۶

ایضا برای دفع ارض این تعویذ می و شام می خورد
باش خوب است ایضا برای
دفع بیماری نوشته بخوراند
جرب است ایضا برای دفع

۱۱	۱۱	۱۱	۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱

۶	۴	۱۰
۱۱	۷	۲
۳	۹	۸

۴۶	۵۰	۵۳	۳۹
۵۲	۴۰	۴۵	۵۱
۴۱	۵۵	۳۸	۴۳
۴۹	۴۳	۴۴	۵۳



بخوار نوشته بخوراند ایضا این طریقه در شی و در دود
بجا دفع شود ایضا این اسامی مبارک است
صحت از هر مرض و برای حصول بر تقدیر
الله الواحد لله الخلی سبحة الکلال و الخلی

ساعت ۹ و یک ربع العین علیه بکشه شوی و هو اسمیوم البصیر و صلواتی لله علی سیدنا محمد
و سلم و صبح بدست ما ایضا اگر کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه
فرقی در اینست حلیرس حلیرس و دووش حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس
حییرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس
حییرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس حلیرس

روز چهارشنبه بوقت طلوع آفتاب نوشته بند و فرود شود هر چه در روز ۳۳۴ ایضا بخت
 دفع بخار این آیت نوشته در گلو بند و دفع شود فلانی یا نار کوفی برد او سلاما علی ابراهیم و
 اذا اولاد و ابیکم انفعلنا هم الاخصرین بر حمتک یا ارحم الراحمین ایضا برای صحت از
 بخار حرج است سه آیت مرقومه الذیل نوشته سه روز بخوراند تریت دفع شود روز اول با بسم الله ذالک

تضعیف من و بامر و رحمة و روز با بسم الله ان خفف الله منکم و علم ان فیکم ضعفا
 و ذکر موم با بسم الله یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفا ایضا برای دفع
 چشم این دعا خوانده بر قدرت دم کند و بر چشم بالدر و دفع شود ایست قل هو الله احد ان فی عین
 رسد احمر او فی بیاض حسیبنا الله الصمد اشف عینی یا الهمی و الهمی شد اندک لبین نشتر
 خسریت دلاکتوا احد ایضا برای دفع درد شکم این آیت سه بار بخواند و بر آب ببرد و بخوراند و بر
 شکم بد خدا ذکر تعالی در ذکر دفع شود ایست بسم الله الرحمن الرحیم فاذا اجاب و عد فی حمله
 دکا و کان وعد فی حقا انفتحت ابواب السماء ببارک منهد ایضا برای دفع درد قبض شکم رب
 انجیل خوانده ببرد و بخوراند قبض دفع شود و بسم الله الرحمن الرحیم یکاذا السموات یتقطرن
 منه و تنشق الارض و تخال الجبال هدا ایضا برای دور شدن در زمان برزاق بند

ایضا برای دفع مرض مری این تعویذ نوشته در گلو بند و اگر صحت یابد چیزی مرقوم بد

ایضا برای دفع تار و بند

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

۱	۲
۳	۴

۱	۲۳	۱۹۶	۸
۱۱۶۵	۱۱	۶	۱۱۹۹
۶	۱۱۹	۱۱۹	۳
۱۱۹۸	۴	۵	۶۹۳

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶



۳	۱۲	۶
۱۷	۷۸	۶۵
۳	۱۶	۸

ایضا برای دفع و زهر و برف اطفال بیارزش چاروب نوشته قطره کادی
 هر یک کادی بهایر انجست باشد پس سوره انا اعطینا سار با بخور
 کادی مذکور بشکر تصدق کرده سیر بکنند هر کادی مذکور بهین بطور کند تا سه روز بفضل الهی صحت یابد

علاوه از این دعا
 برای دفع درد شکم
 برای دفع درد
 برای دفع درد
 برای دفع درد
 برای دفع درد
 برای دفع درد
 برای دفع درد
 برای دفع درد
 برای دفع درد
 برای دفع درد

فائده پهل و چهلم در وقت تلاوت دعای فرود آوردن پری اگر کسی گفته باشد تا نام کسی بخواند
 گمان داشته باشد طریقی بر او نوشته و در روز غلوطی و غش و تاریکی و در آن غلوطه یا تاریکی در
 پشتش بتیاز در وقت نماز استن دعا می فرود آید تا بل یکباره خوانده بر آن بدید چون نام نهد باشد آن
 بلا برآید و در نماز پندی مزید لطیف آن مگر گفته و در آن نام برآید حاجت بسم الله الرحمن الرحيم
 الا الله براهیم خلیل الله لا اله الا الله محمد صلی الله علیه و آله و سلم خیر خلقه محمد و آله
 الصالحین از این دعای رضی الله عنه فرمود در صبح و شب تلاوت شود که بخواند این آیت شریفه را از زبان
 با من باشد آیه این است بعل افعوا لله اجمعوا الرحمن آیات الله فاعلموا انه لا اله الا الله لا اله الا الله
 و لا اله الا الله ولا تقربوا له شیاناً فیما حلفت یحاً فاشیع بین ذلک سبیلاً ایضا اگر کلامی شود پندی در وقت
 باشد این روایت برآید نوشته بزین بند بر پشت و در وقت آمدن بحرم است اینست سده و صد و
 هشتاد و نه در هر روز سه مرتبه بجا آید که هر مرتبه را از کلام این طلب
 و آنچه نوشته بود در آتش یا در بر کوه در کوه فرود آید و ستم و زنا و کاس گیر و خوب است عظیم
فائده چهلم و نهم در وقت نماز جمعه در میان بیابان بر سر ایستادن آن آیت بوسیله اول وقت
 نماز حاجت بدارد و بعد از این آیت نوشته در کمر بند و در پیش نوشته سه روز یا هفت روز بخواند بعد
 از کرم حضرت پرهیزد در هر عالم محل قرار خواهد گرفت بسم الله الرحمن الرحيم زین للناس حب الیه
 من النساء و البنین و القناطیر المقنطریة من الذهب الفضة و ان آیت نوشته در کمر بند
 و اصلها صبرک الا بالله و لا تحزن علیهم و لا تنکن فی متبوع مما یمیکرون ان الله مع الذین
 اتقوا و الذین هم مسنون علیها فانظروا لی غنظکم لانسان عم خلق خلق من صلاته افرق فانه
 خیر حافظ از هوا زجهال الرحیمین ایضا این اسماء الله تعالی از کلاب زهران در شکفته دروم
 بیحد و وقتیکه نل از حیف پاک شود همان روز غسل کرده در یک طرف گل نوا کرده آب تازه در آن
 طرفی کرده این تعویذ در آن آب انداخته از آن روز خورده باشد تا چهل روز همون آب بخورد
 هر روز آب تازه در آن پر کرده باشد انشاء الله تعالی در آن هفت روز کلی قرار خواهد گرفت و تعویذ
 تحلل فرزند روزی خواهد شد انیت بسم الله الرحمن الرحيم یا نبواة قولوا احولنبو بحسنا
 یا ادم الراحیم ایضا این است شریفی نوشته در تمام بسته در آن آن بند و چنانکه بر آن است
 عجیب العمل است بفضله تعالی فرزند روزی شود بسم الله الرحمن الرحيم اللهم مالك الملك
 عون الملك من تشاء وتفزع الملك من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على

بند و در گردن آن مرغ تمامه در راه
آمد وقت حامله و فن کند و بعد ماه آن
تغذیه را بگویی بجه بایدت اینست -

زرد	سبز	بنفش	قرمز
زرد	سبز	بنفش	قرمز
زرد	سبز	بنفش	قرمز
زرد	سبز	بنفش	قرمز

اینست این نقش عظم بر لب و چین آتش کرده
در گویی اصل برین استار الله تعالی از همه آلات

این باشد خلی و با طعم آن و سایرین در پی و غیره مجرب است
فائده مهمل و شش در تنفقات اگر کسی این

۲	۱۵	۱۴	۴
۱۲	۶	۷	۹
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۳	۳	۲	۱۲

تغذیه نوشته بانور در روزی وی غرض کرده
بنویسد در آب بشوید و از آن آب طعام بزرده طعام
بزرگ شود یعنی زیاده خورد اگر بنویسد در چهار گوشه
گشت و فن کند آن لذت است و اگر در گوش نقصان

ندید و اگر بنویسد در سر پاره و فن کند که از آن چشم آید
شور و پست ۸۸

نیمه الله الرحمن الرحیم و یکید و ن
کیا و اکیه کیه لعل الکا درین اسم
روید اسمد مکننا با تنق یا اعلق بجن
سلطان بن دادود علیها السلام

۱۶۳۱۶	۱۶۳۱۷	۱۶۳۱۸
۱۶۳۱۹	۱۶۳۲۰	۱۶۳۲۱
۱۶۳۲۲	۱۶۳۲۳	۱۶۳۲۴

فائده اگر کسی را فلام یا نینز که گویند با شکر و زرد رنگ بنویسد طبع سنگ گران باشد
فائده برای ظفر و نصرت و قالب شدن بر زمین
این تغذیه ذیل را نوشته اند و بندهم

ب	بدوح	د
بدوح	با سه خلاقه بدوح	د
د	بدوح	ح

کوتاه بنویسد
کوتاه فون بین
این نقش نوشته با حرق زیره سفید شسته بخوراند و بر آن
کرن به شربت معری شسته بخوراند اینست -

۷	۶	۵
۹	۸	۱
۲	۳	۸

فائده بر زنی را که حیض نیاید این تغذیه را
بنویسد در دست چپ بنده و یکی خوردن بدو بقیه تعالی در آن شود اینست ص ۱۰۰

فائدہ ہے کہ درون گل عورت این نام را بکافز نوشته بر آن عادت بر
 و البتہ عمل دفع شود بسم الله الرحمن الرحيم الشکور البکول بلا فرة
 اقبالته الضل العظیم بحق اھیاة العوا مخلص بحق ایا العظیم طایا استمعین نور
 طایطے جلدی بیچہ ما در عورت کے اس ہر توت کو پیل کے پتے پر لکھ کر اور تازہ پانی لگے
 دھو کے پلائے اور دوسرے کافز پر لکھ کر پلائے۔



فائدہ برای رت اقسام بکر نیند استقام شود نیت
 فائدہ برای دفع لباس زیر گوش و گوش و گوش
 تولید۔

ا	پ	ج	د
د	ج	ب	ا
پ	ا	د	ج
ج	د	ا	ب

مع	موص
مع	مسل

فائدہ برای فروخت شدن متاع نوشته متاع نیند یا خود دارد و اگر دست باشد یا مرد
 و گردن او بند و بفرمان خدای تعالی فروخته شود بسم الله الرحمن الرحيم ثما فیہ و مع حیث
 افاض الناس و اوست کشف الله ان الله غفور رحیم الصابریین و الصادقین و العائتین و
 للفقیرین و المستغفرین بالاسما و شہدہ الله ان لا اله الا هو و الملائک و استغفر الله
 لکما جمعین یا کریم بر حمتک و عظمتک یا عظیم یا ارحم الراحمین فائدہ چیل و مقوم در
 فکر بعض ادویہ واضح باد نجات مرقوتہ الزبل کخر جرب است و بار بار تجربہ و سیدہ اگر ہزار کلب
 حکمت از مثل نیند لکن چونکہ نجات ہذا میں عمل اندر بیطہ سطیری و اید فائدہ برای درد منق
 مغز کو بی خام پر آورده و ایک کوفتہ پر موضع دیدرند در روز متواتر بفضل تعالی صحت یا بد فائدہ برای
 دفع مرض سنگ مثلاً بیار و عرق بیخک یا در آرد مسفوف روئی صعلکی یک کولہ و عرق بھون آرد و کولہ
 ہر سہ را یکی کرده تا ہفت روز نیند خورد از ترشی بادی شیرینی سحر از نماید بکرم اللہ تعالی جلاہ بول سنگ شانه

پاره پاره شده بپخته نافع باوقافه برای دفع ماخوذ و زوار عجز بابت بیار و دو نیم برگ نیم زرد و یک
نیم فاه من سیاه و در ظرف بدوی از بسیاری کوهی ساینده مانند سرکه کرده بکند از آن گشت در حشر شد
و پریشانی از ترشی و باوی و غسل نماید از آن تعالی شفای شود فایده برای دفع مسه لویا شیره شکر و تخم کبک
و توله و بل و قوی تباه کوی مشک که اکثر این ذرات آن تباه کوی مشک می کشند و توله هر دو کجا که
عمل نموده بر سه ای لویا سیر لیب نموده اند آن شک می کشند و فایده برای دفع درد دندان برود
یکشنبه بوقت صبح بیدار شده نشسته درین ایست بوقت باز خوانده زبان بر تمام دندانها کرده اند بهین چشم
هر روز بکند و در دفع شود و دندان قائم شود و هم یکلا خسته سینه ساهم هم یکیا ساهم و حکایتین شع
الحق اقم حق مل ایکن سنگ بگوین لا اله الا الله محمد رسول الله فایده برای قوت باه سفوف این
وزن چهار فلوس قیر گوسفندی بوزن نیا و این هر دو را نیمه کفته نموده در روغن ماده گاو بر این ک
نخورده بین قسم سه روز صبح بخورد و پریشانی و باوی و جمل فایده برای قوت باه
بیار و مال کفایت نیمه کینه از این ایضا که کلان ایضا مورچس ایضا و لویا سیاه بوزن چهار فلوس حلی
سفید ایضا و این بوزن نیم فلوس در نظر ایضا جوز لوب نیم فلوس جوتری ایضا شک کاشه و فخران
سه ماشه تخم لوبه و تخم پاوشه و ماده گاو یک کتد بیدار و در صدیک نماید که گندم نماید و لعل و لوبه جیر
شوده نگاهدارد بعد تخم غنچه را در یک اندازه چوب نیسانده در شیره گاو و انداخته خوب یاریده بزرگه عرق برود
بر میگردد آن ماده بقدار نیم حبه کوه نموده نگاه دارد و بعد در روغن زرد انداخته سفوف و شیره زرد
حلوا چرخه نگاهدارد و شام تا بچهل روز بخورد و پریشانی و باوی و غسل کند بسیار نفع بنده فایده برای قوت باه
و غیر و یار و پوستین چ پلاس زرد و بوزن پنج فلوس پوستین چ ببول ایضا پوستین چ بجزیری ایضا پوست
پنج درم ایضا پوستین چ کوه و خیا ایضا این هر پوست را لوبه خشک و باریک نماید و در روغن میل شود و بیسیلی
و لوبه یک توله سیده گندم بوزن پنج فلوس شکر سفید بوزن هشت فلوس روغن ماده گاو که سفوف
و نیمه بیدیک ساینده در روغن ماده گاو که در کوزه گچا ماده لوبه که شتی نرم است آن بزرگ و خیار و جیر و شام تا بچهل روز
انگشت تا بچهاران گاو و پریشانی و باوی و جمل فایده برای قوت باه ایضا جوتری
تا کفایت و لوبه کوه و نیمه تنسای لوزن گرفته و کوه خیره مثل بر سر نموده هر روز یک لعل شستن از زرد
علی الصلیح بخورد یک هفته مالد و هفت پریشانی و باوی جرات ماسمی فایده طلا را ب یک توله شک
شکل یک توله در روغن صندل و لوبه کوه کلاناید ایضا انگوزه و در روغن در سید می پیچیده در روغن کوه
نمونه طلا نماید ایضا عرق برگ کوه کوه کوه کوه یک ماشه بر سحر نموده از زرات تا ناله لیب کند

بسیار در روزهاشش روزا ایضا و ازین میجویم چون بار و در وقتهاست برقیضت
 است گرد وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 دارد و او را در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 روزهاست در روزهاشش روزا ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 یک که در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 تر از سبک در روزهاشش روزا ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 نگاه داشته بند و الای آن رنگ قبول بر بیان نام بند فائده شود و خفاشک باریک
 سائید و خمر جاز و در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 باریک که در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 فائده شود و خمر جاز و در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 اناب گرم بشود فائده شود و خمر جاز و در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 اناب اول برنج را آتش داده تا گرم خام بماند بعد از آن آب بزنند یک آن در وقت انزال لذت بسیار
 اندامه در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 همان اندامه حواتر که پاس خوب بل ناید به کزان بل ناید سیاق خوب ببول است -

ضمیمه پنجمی قوت باه

این ضمیمه در قوت باه در میان و در وقت انزال فیره مثل می نگیرد و ازین میجویم که در وقت انزال فیره
 جهت رخ جریان همین سفید همین طبع است سفید زعفران توری سفیدی ترنخ و لالی که در وقت انزال
 قلبی می شود این معری میگویند تا گوری بسوس اقبول است سلاجیت موجس میجویم که در وقت انزال
 را که در وقت انزال لذت بسیار ایضا و ازین میجویم که در وقت انزال لذت بسیار
 نسخه برای دفع نامردی دار صینی تین ماشه و نفل ۲ ماشه مضکی ۲ ماشه الکلیتی ۶ ماشه قصبه گاو مسوم
 کرده ۶ ماشه سمندر موکه ۲ ماشه قمر ترب ۲ ماشه سوزنی وانه ۱ ماشه حکم گند ۲ ماشه تخم شلغم ۲ ماشه تخم پیاز
 ۳ ماشه حبه ۳ ماشه سارد نخود گابی ۱ ماشه سارد و اسفوف مانگ نموده در روز بیضه مرغ این طریق
 که اول در روزی شهید و آب پیاز مخلوط نموده بر آتش قدری خلط کند بعد مسفوف را داخل نموده

یکدل کند که خام مانده نیمه شود پس هر روز زنده داشته تا گند نخورد نسخته را نمی پخت باه و مغز منوی
 دفع سرعت انزال بحرب است و برای سیاهک که در تخم سفید کند که بمن سفید گیتی رسین سرخ یک
 سفرخته ترندی یک (لبه صحرای یک) که در کتاب لایحین ذکر شده یک تو را مغز تخم با من سوده
 یک که نبات سفید بوزن لادیه داخل کرده و پخته اند که علی القبله بخورد و بر آن شیر گاو نصف آمار
 بنوشد و دیگرند البخ خواستی داشته زره گل نوز یک که سفرخته ترندی یک که براده صندل سفید
 داشته که در قاری ۱۶ داشته تخم نخل کهمانه ۲۱ ماده که بر باد داشته که بر باد داشته که بر باد داشته که بر باد داشته
 داشته زیر پرده خطای داشته مغز تخم کرده ۱۲ ماده مخمر بخارین آرد مغز بادام شیرین آرد عرق پیاز آرد گز
 اوویه و مسنوق خورد و یا بر سر خشت داخل کرده هر یک علی القبله شش داشته یا شیر گاو تازه یا زرد آب
 تازه بخورد و آن سه نهنه علی نماید نسخته دفع سرعت لعل که از حرارت باشد دفع شود بوس اینمغول، ماشه تخم
 خرفه یا ماشه کشتی شگ سوده ۲۰ ماشه هر روز در ماشه یا شیر گاو یا زرد آب یا علی القبله بخورد نسخته چیست بر آن
 و بند کشاد و پر بر ریاست کبری بول کبری از گاو یا مگه خور نسخته ترندی کبری تخم رس مسخس نخل
 مساوی وزن که نیمه نبات سفید مقدار اوویه داخل کرده هر یک علی القبله یک تو را همراه با ماشه
 بخورد و این عمل را با عمل روزین طور عمل کرده پس از ترشی و بادی و مرض سرخ و ماری و جراث خرد
 است نسخته ایضا مسخس رانی سفید سیاهی طانه آردی خورد طباشیر مسخس عربی مسلی وزن کرده و هم با
 کوفته نیمه مسنوق ساخته نگهدارد و نبات سفید هم اوویه هم که با منوره علی القبله شش ماشه خورد
 و بر آن غیر گداخته یا از نوشت نسخته ایضا وزن مایه سفید ستیل گاو که در فک کانون یکتا از خور که هفت سفوف
 در آب جوش داده و آن یک نیمه شکر لادیه یک کجک نماید بوزن آن شکر کبری نیمه یک کجک یا شکر گاو
 خواه بر آب سفید بوخت مسخس خورد و ادویه شش و بادی و جاری بوی نیمه مثل بوی سرد سکر و مثل آن
 بر سر بنام نسخته چیست بر آن نفی و نصف ماده خوردن شیرین مسخس دانه اصل آسوس قشقرق ماشه
 ۴ ماشه دار بده ماشه ست گریه ماشه ۲۰ ماشه و آن از سها مسخس و ماشه شفا قلی مصری و ماشه سها اوویه با کوفته
 نیمه مسنوق نموده نگهدارد و علی القبله مایه شکر یا شکر قلی که گرفته یک تو را مخلوط نموده بخورد نسخته
 برای قوت باه موصله مینبال بر باد آمار در سایه شکر که تفحص وزن نموده در غیر گز که به طریقی که در
 نموده یا که نسخته صلی سفید نیم تو را بوس اینمغول نبات سفید هم آمار داخل کرده یک تو را داشته گاو خواه
 آب تازه علی القبله بخورد نسخته سفوف ایضایی بر آن سن رسیده نهایت مقوی است براده
 ذکر که در یک نسخه و نقل گداخته در درک کبلی بنظر با مصالح پاسی از شب یا مانده بخورد وی این

بر نیز در فی الفوائد و آثار نمودن است و یک از عمل نماید و از ترش بودی و جلا هم بر کینه آثار
 تعالی زودتر فایده ظاهر شد همچون خوب صینی از یک عین محمود و تقویت باه و صده دول و ده
 دیگر و مشانه و گرده بیدیل رنگ و روشن دیدن فریب میزند و بن سطر ساز و صوب بپینی اعلی است
 تو امر و دریدنا سفید در ماشا بود و مسول ماشا بود یعنی غیره و ملاحظه کن که در سبیل الحیله در سبیل از سبک
 ماشا نیم مصطی اگر علم و عرفان مشک مایه شتر احوالی غیره است یک نیت شتر لمی میداند که اول صوت بیک نیت
 مایه رویان از سبک سیزده ماشا فرم عوز لوباس یک تولد و ماشا در وقت عقرب زین با هر یک سیزده مایه
 و نیم صغیره الثعلب یک لوده ماشا و نیم گرم که در نیم شب بپینی سفید و خاک بر بهر یک سیزده ماشا
 و نیم سعد کونی نیت ماشا رنگ کوک سدر و سبک که در نیم شب بپینی سبک و زبان با در عویه گل سبک و مال سبک
 اول در ماشا آب جوشانید فشانده و گدازید و نیم گرم زین شتر نیم گرم یک نیت و ماشا آب جوشانید و آب باله
 کاند همراه آب بپینی شترین در عق غلاب هر یک نیت و اول وقت سفید غسل فالعین فاصد بر چند
 تو آهوه سوزند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند
 غلاب ممل نموده بعد از شستن توام سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند
 هم در سبیل سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند
 دران صینی نگه دار و همچون سیر در قرابادین مایه قدیمه سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند
 نیز السخ استیصال هر مرض با رو طویت یعنی میسند در اصل آن سبک باه و سخط با سبک است و آن سبک
 است مع ذلک ای فایده و زیان و مسکنه و در شش و حقیق النفس بار غار زبان و معال سبک فساد و صوت و ریح
 و سوز و ضعف محد و کبد و لمر ارض قدیمه سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند
 مضطرب است همچون و ذوی الامراق و انکار آن مویس ع حلس و کجین شربت عناب می سیر که در یک نیت
 در یک نیت سبک
 حتی که معتقد گردید پس در سبیل فلفل و در صینی کباب و زنجبیل کوفه بپینی از هر واحد و شقال زعفران یک نیت مشقال
 و قدری روغن گل آمیخته نگاهدارند و قدری زعفران در برودت نیت و در شقال و قوتش
 چهار سال باقی ماند همچون پاه ترکیب غیر الدین غیر سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک
 در سبیل سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک
 به نور او است و در نیم گرم سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند و سوزانند
 از پیش و در سبیل نموده همراه چند غسل فالعین بر آتش نهند و دیگر توام تیار شود و با لاله لاله لاله لاله لاله

معمول سازند مقدار خوراک ماشه جوارش بسیار در دفع یوا سرور در وقت موده و سوره نغمه و کسر سبیل نظری
 ندارد پس بسیار قائله کبار قره از هر یک کیست و نیم و نیمه قاعده صغار زنجبیل قلع در از در این نسی مسارون
 از هر یک نیم ماشه قلع سیاه هفت ماشه قره قلع پنج ماشه در دوسر مخمده راکوفته نیمه قره مقید و شهر خاص
 بالناصفه بر خدا و در مقوم ساقه داخل سخته جوارش تیار سازند جوارش دار صینی جهت منف کله و
 شاند موده نفع و کاسه ریح فیله و هم نخرج املاط غیظ من دار صینی از زنجبیل شامی از هر یک یک کله
 و ماشه قلع قلع سیاه قلع در از سبیل الطیب سلون از هر یک یک ماشه دو سوره زنجبیل پودری متشک
 لوا با قاعده صغار قره هر یک هفت ماشه مصطلک بادیان روی راز یا نیمه هر یک ماشه و نیم کوفته نیمه لیسیل
 بشند جوارش استقف در قاعده قلع نیم کله راکوفته در در حکین الام قویر نیمه کاسه ریح طین طین
 و برای یوا جلع در و خاصه بجدیل من تبرید و فوسفات نمونیا شوی از هر یک یک سخته متشک از زنجبیل و از صینی
 آن خشک بسیار قلع نیز لوا از هر یک یک مشقل کوفته نیمه قره مقید نصف و طل شهر خاص نصف طل
 بقوام آورده بطریق ستار جوارش تیار نمایند مقدار شربت چهار شقال

شکستة الطبع

پس از پاس باری بگریه حکم و عجز نظام امام و صلوات و سلام بر سوار محمد صلی الله علیه وسلم
 الامر بالنسب ادى من المادوار ما دامت الارض والتسار اما بعد لیبونه و ذکر کتاب تزیین النوازل
 مشتمل بر فوائد عجیبه و غیره بر آنه انفسه مع مسلمین قراضین با سوره علی عاصم
 شر فعملی ایند کبندی را نویست ایضاً ماجران کتب و
 مالکان مطبع محمدی براه شهر ۱۳۶۵ هجری مطابق
 جمادی الاول ۱۳۸۵ هجری مطبع محمدی
 واقطیع کنساو در رود بجا کون کبندی
 چاپ مطبع او شده است
 سالخان گردیده
 و الحمد لله
 داکت

